

کاغذ در جامعه ما
نباید یک کالای تزئینی و تجملاتی به حساب بیاید؛
بلکه باید یک کالای اصلی محسوب شود.

۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۴

خط اخبار

- ۶ گزارش | هیچ قلمی زرین نبود؟
- ۹ گزارش | مهربانی در مهر برای دانش‌آموزان سیل‌زده
- ۱۰ گزارش | زنان مقاوم ادبیات
- ۱۲ گزارش | خط اخبار

پرونده ویژه

- ۱۶ گزارش | روی خط کاغذ
- ۲۸ گزارش | باید مسئله کاغذ را حل کنید؛ این‌طوری نمی‌شود
هزارتوی بی‌کاغذی
- ۳۲ گزارش | کارگروه کارنابلد
- ۳۶ گزارش | حمایت فراموش شده
- ۳۸ گزارش | ارز دولتی در جیب همسایه‌ها!
- ۴۰ گزارش | فرار سلاطین!
- ۴۳ گزارش | آب گل آلود توزیع
- ۴۵ گزارش | ترخیص؛ شاید وقتی دیگر ...
- ۴۷ گزارش | ناشران کاغذفروش
- ۴۹ گزارش | مجلس، پای کار تولید کاغذ
- ۵۲ گفت‌وگو | تقریباً همه چیز روشن است
- ۵۵ گفت‌وگو | بحران کاغذ را دو سال قبل پیش‌بینی کردم
- ۶۱ گزارش | آتشی که به جان باگاس انداختیم
- ۶۶ گفت‌وگو | پیروزی واردات در جنگ با تولید
- ۷۲ گفت‌وگو | یارانه‌ای که به تولیدکننده خارجی می‌رسد
- ۷۴ گفت‌وگو | بازار مافیای کاغذ نیست
- ۷۷ گزارش | همچنان بلاتکلیف ...
- ۷۹ گزارش | ۲۵۰ گرم گوشت به جای کتاب
- ۸۳ گزارش | «درختان را قطع نکنید»: یک مواجهه «عامه‌پسند» با تولید داخلی کاغذ
- ۸۷ گزارش | آتش بی‌تدبیری بر جان کاغذ
- ۸۹ گزارش | دستگاه‌های نظارتی؛ همچنان نظاره‌گر

کتاب
شیرازه

ماهنامه اختصاصی کتاب و کتاب‌خوانی

دوره جدید، شماره ۳۶ و ۳۷

مرداد و شهریور ۱۳۹۸

| مجمع ناشران انقلاب اسلامی |

| www.mananashr.ir |

قیمت: ۲۵۰۰۰۰ ریال



کافه شیرازه

- ۹۲ یادداشت | لطفاً از این طریق کتاب بخوانید!
- ۹۳ یادداشت | وقتی نمی خرم و نمی خوانم
- ۹۴ یادداشت | شب خوابی با «سواد روایت»
- ۹۵ یادداشت | این کار جسارت می خواهد
- ۹۶ یادداشت | چرا کتاب های فهرستم را نمی خرم؟
- ۹۸ یادداشت | برای کتاب هایی که به کتابخانه ام نیامدند
- ۹۹ یادداشت | کتاب نمی خرم؛ پس هستم!
- ۱۰۰ یادداشت | معجزه کاغذی
- ۱۰۱ یادداشت | کافه بدون قهوه آقای غلامی
- ۱۰۲ یادداشت | کهکشان آن سوی دروازه دولت
- ۱۰۴ یادداشت | ولع به اعتیاد رسیده

طعم کتاب

- ۹۲ معرفی کتاب | بسته پیشنهادی مرداد و شهریور

خانواده نشر

- ۱۱۲ یادداشت | جای خالی تجربه
اوسنه گوهرشاد از نگاه سه نویسنده
- ۱۱۶ یادداشت | «اوسنه گوهرشاد»؛ افسانه یا واقعیت
- ۱۱۸ یادداشت | بانو گوهرشاد در سفر زمان
- ۱۲۱ یادداشت | با گفتن گذشته می توان آینده را تغییر داد؛ بی شک!
- ۱۲۳ گفت وگو | کتاب اولی ها صبوری کنند
- ۱۲۳ یادداشت | چرا هیچ کس این زن را نمی شناسد؟

با یادداشت های از: حسام آیتوس، الهام اشرفی، عاطفه جعفری، محسن جندقی، معصومه خوانساری، زهرا ذوعلم، فریناز ربیعی، میثم رشیدی مهرآبادی، میثم رمضانعلی، احسان سالمی، مسعود شایگان، سجاد شیرافکن، زهرا عباسی و علیرضا محبی

صاحب امتیاز: مجمع ناشران انقلاب اسلامی

مدیر مسئول: یاسر احمدوند / **سر دبیر:** محمد مهدی شیخ صراف

دبیر تحریریه: محمد تفرشی / **مدیر هنری:** محمد مهدی عسکری / **سر ویراستار:** سیده نرگس نظام الدین

اعضای تحریریه: محسن غلامی، فاطمه قربان نیا، فاطمه سلیمانی ازندریانی، زهرا علی رضائی، زینب محبی آشتیانی، سید مجتبی مؤمنی، معین مؤمنیان، مهدیس میرزایی اعتمادی، سیده نرگس نظام الدین

همکاران این شماره: نسیم اسدیپور، عاطفه جعفری، مرتضی جوادی، مجتبی دانش طلب، سمیرا شاه قلی، سیده زهرا عبداللهی، محمد حسن علی اکبری، محمد علی مرادیان، سید سجاده موسوی، سید مهدی نظام الدین

سفارش آگهی: ۰۲۱-۶۶۹۷۶۴۸۲ / **لیتوگرافی، چاپ و صحافی:** چاپ واژه پرداز اندیشه / چاپ اندیشه

خرده‌کاغذهایی که فراموش می‌شوند!

مالکان چاپخانه و به عبارتی مالکان ابزار تولید، دچار رکود و خواب سرمایه می‌شوند که هرچند آسیب‌زننده است، این فشار به کارگران و نیروهای کار او وارد می‌شود.

کم‌شدن حقوق و دستمزد، یا پرکاربرد شدن عباراتی نظیر «از سر ماه دنبال کار جدید بگرد»، شاید مالک بنگاه را تا حدی از زیر فشار خارج کند و به او مجالی برای نفس کشیدن بدهد؛ ولی این کارگر چاپخانه، صحافی یا پخش است که به‌خاطر بی‌تدبیری مسئولان و سوءاستفاده‌کنندگان بازار کاغذ، بی‌کار می‌شود و همان سفره کوچکش را هم از دست می‌دهد.

شاید در ظاهر، کاغذ و در مرتبه بالاتر، کتاب مسئله اول و حتی دهم مردم در بحران اقتصادی نباشد؛ ولی می‌بینیم که دست‌های فعالی که از این فضا امورات روزانه خود را می‌گذرانند و یک خانواده کوچک را سر پا نگه داشته‌اند، دچار ضربه‌های جبران‌ناپذیری می‌شوند. نوع آسیبی که ناشران در این آشفته‌بازار کاغذ می‌بینند، در حد کاهش سودی است که تا پیش از این کسب می‌کردند؛ ولی هیچ‌گاه این فشار سبب نمی‌شود آن‌ها به خاک سیاه بنشینند و به فلاکت بیفتند و کارشان به تعطیلی بکشد. آن کسی که خودش و خانواده‌اش متحمل ضربه می‌شوند، کارگران و نقش‌آفرینان اصلی‌اند. برای همین وقتی از بحران کاغذ حرف زده می‌شود، پیکان توجه‌ها به سمت کتاب و نشر است و این صدای فریاد ناشران است که برای رهایی از این وضعیت فریاد می‌زنند؛ اما در حقیقت باید صدای آن‌هایی را نیز شنید که جز ناشران و چاپخانه‌داران، مدافعی برای حقوق خود ندارند.

بیاپید برای یک بار هم که شده، حواسمان به زحمت‌گشان صنف نشر و کتاب باشد که هیچ‌گاه نه دیده می‌شوند، نه خودشان تلاشی برای دیده شدن می‌کنند، نه توان چندانی برای این کار دارند. اولویت آن‌ها سیرکردن شکم خود و خانواده‌شان در بحران اقتصادی ناشی از فساد، بی‌تدبیری‌ها و بی‌کفایتی دولت است. شاید آن‌ها ترجیح می‌دهند مردم برای دیگرانی چون نویسنده، ناشر و کتاب‌فروش و... هورا بکشند؛ ولی آسیبی به سفره کوچک خودشان نرسد.

سیدمهدی نظام‌الدین: وقتی از کاغذ و مشکلات آن در حوزه نشر حرف زده می‌شود، ممکن است عده‌ای با خود بگویند: «ای آقا، این همه مشکل داریم، مگر کتاب کجای اقتصاد ماست که حالا این همه درباره‌اش حرف می‌زنید؟»

شاید در باور عمومی و با توجه به آمار و ارقام، کتاب به‌عنوان یک کالای ضروری یا یک صنعت کلان مطرح نباشد که شمارگان کتاب‌ها، گردش مالی و میزان فروش نیز این مسئله را تأیید می‌کند؛ اما وقتی حرف از کتاب‌ها می‌شود، تنها متوجه ناشران و کتاب‌فروشان نیستیم؛ بلکه از خانواده بسیار بزرگی حرف می‌زنیم که ناشر و کتاب‌فروش حلقه آخر و به نوعی ویتترین آن، اما تنها بخشی از این خانواده هستند. اگر صنعت نشر بخوابد، تمام حلقه‌های بالادستی آن، یعنی نویسندگان و اهالی قلم و اندیشه هم در بلندمدت آسیب می‌بینند، سطوح زاینده فکر و اندیشه ضربه می‌خورند و این ضربه بعضاً جبران‌ناپذیر است. اگر از ویراستاران و تصویرگران و گرافیک‌ها هم یاد و عبور کنیم، تازه به حلقه‌های دیگر می‌رسیم که عموماً نادیده گرفته می‌شوند.

پیکان سخن در اینجا به سمت کارگران فعال در این صنف است؛ کسانی که به‌معنای واقعی، کارگر نشر هستند و این عبارت تعریفی مبالغه‌آمیز برای آن‌ها نیست. فرایند تولید یک کتاب روندی است زمان‌بر که دست‌های بسیاری در چاپ و انتشار نهایی یک اثر نقش دارند. حساب کنید که ناشر بودن تنها به پروانه نشر نیست. یک بنگاه نشر برای تبدیل شدن به یک ناشر جدی، باید چندین و چند عنوان کتاب در ویتترین داشته باشد تا حائز لقب ناشر شود.

صحافی، لیتوگرافی، چاپخانه و... بخش‌های مهم تشکیل‌دهنده صنعتی هستند که این روزها دست‌به‌گریبان مقوله کاغذ است. به عبارتی، وقتی کاغذ گران شود یا در اختیار محرکان و بازار سیاه قرار بگیرد، باید منتظر ماند که بسیاری از ناشران با تعداد آثار منتشرشده خود را کم کنند، یا برخی مجبور شوند تولید کتاب را متوقف کنند و از طریق بازنشر آثار قبلی خود اموراتشان را بگذرانند. در این وضعیت است که ناشران و

خط اخبار

هیچ قلمی زرین نبود؟
مهربانی در مهر
برای دانش‌آموزان سیل‌زده
زنان مقاوم ادبیات
خط اخبار



هیچ قلمی زرین نبود؟

دوساله با مبلغی که افزایش نمی‌یابد، حمایت‌هایی کرده است؛ اما نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور کمک‌حال انجمن در برپایی این جایزه ادبی بود.

پرویز به تجلیل از غلامعلی حدادعادل اشاره کرد و گفت: «در برخی از اخبار دیدم به‌اشتباه عنوان «تقدیر از چهره ادبی سال» گفته شده بود؛ در حالی که معرفی چهره ادبی سال را فقط حوزه هنری به‌طور سالانه انجام می‌دهد. انجمن قلم از یک پیش‌کسوت عضو خود طبق روال هر سال تقدیر می‌کند؛ همان‌طور که آغاز این تجلیل‌ها هم با مراسمی برای حمید سبزواری بود.»

وی اضافه کرد: «متأسفانه به‌دلیل کمبود بودجه انجمن، برای جلوگیری از تعطیلی ناچار شدیم مراسم اهدای جوایز قلم زرین را با تجلیل از پیش‌کسوت عضو، هم‌زمان در یک روز برگزار کنیم. امسال توفیق شد از تلاش‌های استاد غلامعلی حدادعادل تجلیل کنیم. امیدواریم متولیان نهادهای فرهنگی از فعالیت‌های انجمن حمایت کنند تا این مراسم هر ساله برگزار شود.»

در ادامه، رحیم مخدومی، دبیر هفدهمین جشنواره قلم زرین، بیانیه هیئت داوران را قرائت کرد.

سپس تعدادی از برگزیده‌ها معرفی شدند. ناشر برتر این دوره با دو کتاب تقدیری و دو کتاب برگزیده، انتشارات شهرستان ادب معرفی شد.

در بخش رمان بزرگ‌سال دو رمان پس از بیست سال، نوشته سلمان کدیور از نشر شهرستان ادب و باران تمشک، نوشته مصطفی فله‌گری از نشر سوره مهر

آیین اختتامیه هفدهمین جایزه ادبی قلم زرین و تجلیل از غلامعلی حدادعادل، عضو پیش‌کسوت انجمن قلم، در باغ کتاب تهران برگزار شد.

در این مراسم که دبیری آن را رحیم مخدومی بر عهده داشت، چهره‌هایی چون رحمانیان مدیر رادیو فرهنگ، محمدرضا سرشار، محسن پرویز، راضیه تجار، احمد شاکری و رضا اسماعیلی از اعضای انجمن حضور داشتند.

محسن پرویز، رئیس انجمن قلم، ابتدا به برگزاری دو برنامه سالانه اشاره کرد و گفت: «در دوره‌های گذشته، جز یک سال که وقفه‌ای در برگزاری جشنواره قلم زرین رخ داد، هر سال دو برنامه مدنظر ما بوده: تجلیل از پیش‌کسوتان اهل قلم که از سال ۱۳۸۱ آغاز شده و برنامه دیگر هم جشنواره قلم زرین است.»

وی گفت: «ابتدا جشنواره قلم زرین در سه شاخه برگزار می‌شد؛ اما در ادامه، عناوین شعر و داستان کودک و نوجوان، شعر و داستان بزرگ‌سال و پژوهش و نقد ادبی هم به آن افزوده شد.»

پرویز خاطرنشان کرد: «در هر رشته ما یک برگزیده یا یک اثر تقدیری خواهیم داشت. اگر داوران آثاری را هم‌سطح تشخیص دهند، دو اثر تقدیری یا برگزیده به‌صورت مشترک معرفی می‌شوند و جوایز هم تقسیم می‌شود.»

پرویز افزود: «انجمن قلم بودجه ثابت ندارد و حمایت مالی نمی‌شود. البته ارشاد در ادوار مختلف با تأخیر یک یا

انجمن قلم بودجه ثابت ندارد و حمایت مالی نمی‌شود. البته ارشاد در ادوار مختلف با تأخیر یک یا دوساله با مبلغی که افزایش نمی‌یابد، حمایت‌هایی کرده است؛ اما نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور کمک‌حال انجمن در برپایی این جایزه ادبی بود



نامزد بودند که هیئت داوران اثری را برگزیده معرفی نکرد؛ اما هر دو اثر مشترکاً شایسته تقدیر معرفی شدند.

در بخش داستان کودک و نوجوان از میان ۱۹۲۹ کتاب چاپ‌شده در سال ۱۳۹۷، در نهایت سه اثر نامزد شدند که اثری برگزیده شناخته نشد؛ اما از رمان خواب پلنگ، نوشته هادی حکیمیان از انتشارات شهرستان ادب تقدیر به عمل آمد.

در بخش شعر کودک و نوجوان اثری برگزیده شناخته نشد؛ اما دو کتاب آنبیات گنده، سروده طیبه شامانی از نشر سوره مهر و باید تو را پیدا کنم، سروده مرضیه تاجری از انتشارات به‌نشر مشترکاً تقدیر شدند.

در ادامه فتح‌الله مجتبیایی، استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی و عضو فرهنگستان زبان فارسی اظهار کرد: «دنیا مدیون فرهنگ ما است. فرهنگ، ادب و زبان چیزی نیست که برای ما درآمد داشته باشد؛ بلکه باید برایش هزینه کرد. ایراد من به فرهنگستان این است که آن‌گونه که باید، به این جنبه توجه نمی‌شود؛ در حالی که برای شناساندن و بزرگداشت این میراث فرهنگی باید هزینه کرد.»

استاد برجسته زبان و ادبیات فارسی با اشاره به لزوم توجه به فرهنگ ایرانی گفت: «باید این میراث گران‌بها را عزیز داشت و برایش خرج کرد. کسانی را می‌شناسم که عمر خود را خرج این فرهنگ کرده‌اند. من هشتاد سال عمرم را در این مسیر گذاشتم. من نود سال دارم؛ اما در نودسالگی هم شاگردی می‌کنم؛ زیرا ندانسته‌هایم بیش از دانسته‌ها است.»

وی با تأکید بر جذب جوانان و ابراز امیدواری برای موفقیت انجمن قلم گفت: «هر انقلابی دوره‌های تخریب

و آبادانی و ایجاد را دارد. ما اکنون در دوره ایجاد هستیم. جوان‌ها سرمایه مملکت هستند و برای این ساختن باید آن‌ها را جذب کرد، نه دفع. خوش‌حالم در جلسه نکوداشت فردی شرکت کرده‌ام که پنجاه سال با او رابطه عاطفی داشته‌ام.»

وی ادامه داد: «از همان اول، آقای حدادعادل را در ساحت فرهنگی ادب و قلم شناختم و همیشه از اخلاق و فروتنی ایشان متعجب بودم و بیشتر از آن انسانیتش برایم جالب بود. بیست سال است در فرهنگستان زبان فارسی با آقای حدادعادل با هم هستیم. حسن خلق و فروتنی عجیبی دارد. گاهی از این خصلت او متعجب می‌شوم. البته او در جوانی هم رگه عمیقی از انسانیت در وجودش بود.»

در ادامه فاضل نظری، مدیر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان گفت: «دوست داشتم درباره ترجمه شعر به شعری که آقای حدادعادل از زبان عربی انجام داده صحبت کنم؛ چرا که انصافاً هیچ‌یک از ویژگی‌های تحریف متن در آن‌ها نیست؛ گویی نعل به نعل به لحاظ لفظی تطابق دارد. خیلی‌ها متعقدند ترجمه‌ای نیست که انجام شود و از متن اصلی بیشتر نشود؛ اما این‌گونه شد.»

محمدرضا ترکی، استاد زبان فارسی دیگر سخنرانی بود که روی جایگاه رفت و گفت: «جشنواره‌ها با زحمات فراوان برگزار می‌شود و نهایتاً با معرفی برگزیدگان تمام می‌شوند؛ اما این جفا به کار فرهنگی است.» وی گفت: «جوان‌ها و بزرگانی را که کارشان دیده شده و اثری را که جایزه گرفته، نباید رها کرد. این نقص را در جشنواره‌ها می‌بینیم که باید مرتفع شود.»

هر انقلابی دوره‌های تخریب و آبادانی و ایجاد را دارد. ما اکنون در دوره ایجاد هستیم. جوان‌ها سرمایه مملکت هستند و برای این ساختن باید آن‌ها را جذب کرد، نه دفع

فارسی است. من معتقدم یک سیستم فرهنگی وجود دارد که باید حفظ شود و این زیست‌بوم فرهنگی، یکی دین است و دیگری زبان فارسی.»

حداد عادل زبان فارسی را زبان دوم عالم اسلام دانست و بیان کرد: «اگر زبانمان از دست برود، هوشمان از دست می‌رود. در طول تاریخ، زبان‌های محلی و قومی مختلفی داشتیم که هیچ‌کس نباید با آن‌ها عناد کند. با وجود این، در طول تاریخ همه اقوام علم و ادب را با زبان فارسی مبادله می‌کردند.»

مدیر گروه وازه‌گزینی فرهنگستان زبان و ادبیات فارسی همچنین گفت: «باورم این است که توانایی‌های زبان فارسی از زبان انگلیسی کمتر نیست؛ در صورتی که به آن دل ببندیم.»

حداد عادل همچنین به اهمیت نقش مدیران فرهنگی در کمال دانشمندان اشاره کرد و گفت: «مهم نیست که نام ما در تاریخ بماند. مهم آن است که نام ایران بماند و زمینه برای نسل آینده فراهم شود.»

در ادامه برنامه، نهادهای مختلف فرهنگی از تلاش‌های حداد عادل تجلیل کردند و سپس برگزیدگان نقد و پژوهش ادبی معرفی شدند. در این بخش دو کتاب بومی‌سازی رئالیسم جادویی در ایران، نوشته محمد و محسن حنیف از نشر شهرستان ادب و سنجش منابع تاریخی شاهنامه، نوشته فرزین غفوری از نشر میراث مکتوب تقدیر شدند.

در بخش شعر بزرگسال هم برگزیدگان مشترک عبارتند از: از پيله تا پروانگی، سروده محمدرضا روزهو و آنجا که نامی نیست، سروده یوسف علی میرشاکا هر دو از نشر شهرستان ادب.

ترکی ادامه داد: «آقای حداد شاعر است؛ اما هنرش به شعر محدود نیست. او دارای سوابق مبارزاتی پیش از انقلاب است. او انسان سیاست‌مداری است و از پیش کسوتان تعلیم و تعلم در کشور شناخته می‌شود. ایشان را می‌توان از بنیان‌گذاران آموزش و پرورش پس از انقلاب دانست. شخصیت او با زبان فارسی عجین شده است. بخش زیادی از دشمنی‌ها با ایشان برای همین است.»

ترکی گفت: «وقتی به سوابق کسانی می‌نگریم که شخصیت ایشان را تخریب می‌کنند، می‌بینیم آن‌ها برای اینکه با زبان فارسی و فرهنگ ایرانی مخالفانند، جسارت‌هایی روا می‌دارند. ایشان در روزگار ما نماد زبان فارسی است و علت دشمنی‌ها مسائلی از این دست است. حتی معتقدم مسائل سیاسی در مراتب بعدی باید مطرح شود. ایشان مترجم قرآن است؛ اما این تنها فضیلت ایشان نیست.»

سپس نوبت به غلامعلی حداد عادل رسید تا در مراسم بزرگداشت خود سخنرانی کند. او در حالی که این مراسم را لطف و مرحمت انجمن قلم دانست، اظهار کرد: «من از روز اول انجمن بودم و در سال‌های اخیر هم سمتی در هیئت‌مدیره به بنده واگذار شده است؛ اما هیچ‌وقت فکر نمی‌کردم در این مراسم‌ها نامی از من برده شود.»

او ضمن تشکر از معلمان و استادان خود و خانواده‌اش و همچنین بیان خاطراتی از آخرین لحظات حیات پدرش، نکته‌ای درباره زبان فارسی مطرح کرد و گفت: «کار اصلی من فلسفه است و من هیچ‌گاه در دانشگاه، معلم رسمی زبان و ادبیات فارسی نبوده‌ام؛ اما در زندگی عشق من زبان

اگر زبانمان از دست برود، هوشمان از دست می‌رود. در طول تاریخ، زبان‌های محلی و قومی مختلفی داشتیم که هیچ‌کس نباید با آن‌ها عناد کند. با وجود این، در طول تاریخ همه اقوام علم و ادب را با زبان فارسی مبادله می‌کردند



مهربانی در مهر برای دانش آموزان سیل زده

به همت نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور و در آستانه آغاز سال تحصیلی، طرح «مهربانی در مهر» به منظور تهیه نوشت افزار اسلامی ایرانی و کتاب‌های کمک‌درسی برای کودکان و دانش آموزان در استان‌های سیل زده اجرا می‌شود.

نیازهای روانی کودکان و نوجوانان در مناطق سیل زده، از ۲۰ تیر تا ۳۰ مرداد برگزار می‌شود. طی این مدت، کتابخانه‌های عمومی سراسر کشور به عنوان پایگاه جمع‌آوری کمک‌های مردمی، شامل نوشت افزار اسلامی ایرانی و کتاب‌های کمک‌درسی، فعالیت خواهند کرد.

بر اساس برنامه‌ریزی صورت گرفته در روند اجرای طرح «مهربانی در مهر»، اقلام جمع‌آوری شده پس از سامان‌دهی و تفکیک، تا تاریخ ۱۰ شهریور به انبار اداره کل منابع ارسال می‌گردد تا پس از ارزیابی‌های لازم، به استان‌های سیل زده ارسال شود و در اختیار کودکان و دانش آموزان این مناطق قرار گیرد.

به دنبال برگزاری موفق پویش «بهار مهربانی» که با هدف کاهش آلام مردم سیل زده به ویژه کودکان، کاهش آسیب‌های اجتماعی، پرکردن اوقات فراغت و سرگرمی کودکان در مناطق سیل زده اجرا شد، طرح «مهربانی در مهر» با هدف تهیه نوشت افزار اسلامی ایرانی و کتاب‌های کمک‌درسی برای کودکان و دانش آموزان از سوی نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برگزار می‌شود.

این اقدام با توجه به نزدیک شدن به سال تحصیلی جدید و به منظور تهیه نوشت افزار اسلامی ایرانی و کتاب‌های کمک‌درسی، در راستای اولویت‌های نهاد کتابخانه‌های عمومی کشور برای امداد فرهنگی و تأمین

زنان مقاوم ادبیات

در نقش همسر، یا به عنوان رزمنده نقش مؤثری در جنگ دارند. گاهی هم تمام این‌ها با هم ممزوج است. مطالعات نشان می‌دهد جنگ ما در دفاع مقدس جنگ بین دو ارتش منظم نبود؛ بلکه جنگ بین یک ارتش مجهز با مردم بود.»

رئیس حوزه هنری با اشاره به اینکه اگر توجه به ادبیات بانوان در حوزه دفاع مقدس ادامه می‌یافت، امروز جایگاه ادبیات دفاع مقدس جور دیگری بود، بیان کرد: «کتاب نامه‌های فهیمه کتابی جریان‌ساز بود که به‌همت آقای کمره‌ای منتشر شد. پس از آن، کتاب دابود که مردم از آن استقبال کردند و هنوز هم کتابی جریان‌ساز است. همین آغاز کارها در حوزه روایت دفاع مقدس به قلم زنان، افق روشنی را به ما نشان می‌داد و ادبیات امروزمان را بیشتر معطر کرده است. ادبیات دفاع مقدس برای شناساندن زن ایرانی به دنیا مؤثر خواهد بود.»

در ادامه این مراسم، حجت‌الاسلام محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی، با اشاره به اینکه زن همواره در هستی مبدأ، چشمه، مولد و منشأ است، گفت: «زن چون مولد است، به وجود می‌آورد. امروز زن از همیشه مهم‌تر است. وقتی به نقاط پایانی این کارزار تمدنی

جشن انتشار چهار کتاب ساجی، صباح، چراغ‌های روشن شهر و زیباترین روزهای زندگی، با عنوان «زنان مقاوم خرمشهر» در تالار سوره حوزه هنری برگزار شد.

این مراسم رونمایی با حضور محسن مؤمنی شریف، رئیس حوزه هنری، مرتضی سرهنگی، مدیر دفتر ادبیات پایداری حوزه هنری و حجت‌الاسلام والمسلمین محمد قمی، رئیس سازمان تبلیغات اسلامی برگزار شد. مؤمنی شریف با اشاره به اینکه امروز برای ما و ادبیات دفاع مقدس روز مهمی است، گفت: «پیش از این، در تخیلان نمی‌گنجید که در یک روز، چهار کتاب را از چهار بانوی مبارز رونمایی کنیم. خوشحالم امروز بار عظیمی از خاطرات دفاع مقدس را خواهران نویسنده می‌کشند. ادبیات جنگ در دنیا معمولاً خاستگاه دیگری دارد؛ برخلاف همه دنیا که خاستگاه جناحی و حکومتی دارد، خاستگاه ادبیات دفاع مقدس ما مردمی است.»

وی افزود: «خانواده به عنوان هسته مرکزی جامعه است و خانم‌ها نقش محوری و حیات‌بخشی در خانواده دارند. زن از زندگی می‌آید و از زندگی نشئت می‌گیرد. حضور زنان در همه‌جا به‌ویژه در خانه مایه حیات است. زنان در ادبیات دفاع مقدس یا در نقش مادر هستند، یا

پیش از این،
در تخیلان
نمی‌گنجید که
در یک روز،
چهار کتاب را
از چهار بانوی
مبارز رونمایی
کنیم. خوشحالم
امروز بار عظیمی
از خاطرات
دفاع مقدس را
خواهران نویسنده
می‌کشند



در این مراسم شریف‌لو، نویسنده کتاب زیباترین روزهای زندگی، با اشاره به اینکه این کتاب اسمش را از این جمله حضرت زینب (ع) گرفته است که می‌گویند «مارایت الا جمیلا»، اظهار کرد: «تمام روزهایی که در کتاب زیباترین روزهای زندگی گفتم، زیبا بود و برایم مهم بود در کتاب زندگی را روایت کنم، فقط داخل جبهه نباشم و راجع به بیرون از جبهه صحبت کنم. ابتدا راوی دفاع مقدس بودم، بعد وارد کار پژوهشی شدم به این نتیجه رسیدم که واقعیت دفاع مقدس را باید مستند و خواندنی به جامعه عرضه کرد و روی هم ۲۱ مرحله را طی کردم، بارها و بارها بازنویسی کردم تا خواندنی شود، حتی یک واو غیرواقعی در کتاب نیست.»

وی با بیان اینکه در مراجعه به اسناد که تاریخ این مملکت است مشکل دارم، افزود: «برایم اتفاق افتاد ماه‌ها و ماه‌ها برای چک کردن یک روایت از قم به تهران رفتم، بعضی از اسناد دست اشخاص حقیقی است که متعلق به آن‌ها نیست، گاهی مراجعه به اسناد می‌تواند راهگشای نویسنده باشد.»

در این مراسم بهناز ضرابی‌زاده، نویسنده کتاب ساجی، با اشاره به اینکه اگر خانواده‌ام نبودند کتاب دختر شینا، گلستان یازدهم و ساجی نوشته نمی‌شد، گفت: «نگارش کتاب ساجی برای خانواده‌ام نفس‌گیر بود، دو بار مجبور شدیم با خانواده‌ام به خرمشهر برویم و در کوچه‌پس‌کوچه‌های این شهر قدم بزنیم، اولین کسی که کتاب ساجی را خواند، دخترم بود. از نظرش درباره کتاب استفاده کردم، او سه بار پیش از چاپ، پس از انتشار و قبل از امتحان نهایی‌اش، کتاب را خواند.»

گفتنی است هم‌زمان با جشن انتشار این چهار کتاب، نسخه الکترونیک آن‌ها هم رونمایی و روانه بازار شد.

می‌رسیم، زن مهم‌تر می‌شود، هرچه نزاع ما پیچیده‌تر می‌شود، زن مهم‌تر می‌شود. اگر زن مجاهد باشد، یاد حضرت فاطمه (ع) را تداعی می‌کند، زن مقاومت حضرت زینب (ع) را تداعی می‌کند.»

وی افزود: «ما تعداد زیادی شهید زن و تعداد بالایی اسیر زن داشتیم؛ آزاده‌هایی که سرافرازند، در جنگ و تهاجم فرهنگی سهم و نقش زنان متفاوت است، شاید اجر کسانی که درباره جنگ می‌نویسند، کمتر از کسانی نباشد که در آن روزها حضور داشتند.»

در ادامه، ساسانی‌خواه، نویسنده کتاب چراغ‌های روشن شهر با اشاره به اینکه این کتاب جنگ را از نگاه دختری چهارده‌ساله روایت می‌کند، گفت: «خانم فرهادی شخصیتی کنشگر و فعال است که با رخدادهای جنگ حرکت می‌کند، تصمیم می‌گیرد و بعد عمل می‌کند، وی با سن کمی که در دوران جنگ داشت، یکی از الگوهای جوانان، نوجوانان و افراد در سنین بالاتر است.»

وی افزود: «کتاب چراغ‌های روشن شهر حاصل پنج سال مصاحبه عمیق، هدفمند و ساختاریافته با خانم فرهادی، خانواده وی و کسانی است که حتی نصف روز با وی بودند و از خانم فرهادی خاطراتی داشتند، من دو بار به خوزستان رفتم و به عنوان پژوهش به کار نگاه کردم.»

نویسنده کتاب چراغ‌های روشن شهر با اشاره به اینکه سعی کردم در بیان کلیات و حوادث به عمق و جزئیات برسم، بیان کرد: «از تجربیات کسانی که در حوزه خاطره‌نویسی کار کردند، استفاده کردم، پنج سال از بهترین سال‌های عمر من و خانم فرهادی به این کار اختصاص داده شد. برایم مهم بود کتاب برای مخاطب جذابیت داشته باشد و با استفاده از ظرفیت خاطره‌نویسی، سعی کردم اثر، پرکشش و پرتعلیق باشد.»



داستان کوتاه است که اصغر قدرتی از زبان روسی به فارسی ترجمه کرده و از سوی انتشارات کتاب نیستان منتشر شده است.

❖ انتشارات شهید کاظمی کتاب شین طوفان، زندگی‌نامه داستانی شهید ثاقب حیدر را هم‌زمان با بازگشت پیکر شهید مدافع حرم، ثاقب حیدر، از شهدای لشکر زینبیون منتشر کرد. این اثر دومین کتاب از شهدای دلیر لشکر زینبیون است که طاهره آقازاده آن را نوشته است.

❖ چاپ هشتم کتاب راز مثل‌های ما، نوشته محمد میرکیانی از سوی مؤسسه انتشاراتی محراب قلم منتشر شد. این کتاب دارای ۴۸۰ مثل فارسی برای گروه سنی نوجوان است و نوجوانان را با آداب و رسوم، مردم‌شناسی و از همه مهم‌تر سبک زندگی با زبانی طنز، روان و شیرین آشنا می‌کند.

❖ انتشارات اکسیر قلم کتاب کجایند مردان بی‌ادعا؟! را که با مطالعه موردی اشعار دفاع مقدس علی‌رضا قزوه ویژگی‌های سبکی شعر دفاع مقدس را بررسی می‌کند، با حمایت حوزه هنری استان مازندران به چاپ رساند.

❖ چاپ هفدهم کتاب خانواده موفق، تألیف دکتر سیدعظیم قوام از سوی مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت منتشر شد. این کتاب در راستای تحکیم خانواده و آشناکردن زوجین به حقوق و تکالیف یکدیگر و نیز آشناکردن آن‌ها با تکنیک‌های تربیت فرزند تألیف شده است.

❖ اولین کتاب داستانی با محوریت شهدای مسیحی با عنوان تاتیک به قلم حسن شیردل در انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.

❖ کتاب خاطرات یک فرشته، نوشته حمزه شریفی دوست، به کوشش دفتر نشر معارف منتشر شد. این کتاب داستان زندگی ملک و فرشته‌ای است که مأمور حفاظت از امام رضا (علیه السلام) و خدمت به ایشان است از این رهگذر وقایع و زندگانی امام را شاهد است.

❖ انتشارات سوره مهر کتاب خاطرات سفیر، نوشته نیلوفر شادمهری را برای پنجاه‌وهشتمین بار تجدید چاپ و روانه بازار نشر کرد.

❖ کتاب دلهره‌های آخرین خاکریز را محمد اصغرزاده، نویسنده و پژوهشگر تاریخ شفاهی سبزوار، به رشته

❖ رمان صخور، نوشته امید کوره‌چی، در کمتر از دو ماه به چاپ سوم رسید. این رمان جلد سوم از مجموعه رمان‌های هفت‌جن است که انتشارات کتابستان معرفت آن را منتشر کرده است. پیش از این هم دو جلد دیگر این مجموعه با نام‌های هفت‌جن و لوثیا با استقبال چشمگیر علاقه‌مندان مواجه شده بود.

❖ کتاب دنده لچ، نوشته محمد ترکاشوند، از سوی انتشارات کتاب نیستان منتشر شد. این اثر داستانی پرکشش و پرتعلیق از رویارویی پدری با فرزند جوان و سرکش خود است که در اوج دوره بلوغ و جوانی، به دلیل اختلاف سلیقه فکری و فرهنگی از منزل فرار کرده و پدر را برای رفع این اختلاف به فکر فروبرده است.

❖ نشر جام‌جم با همکاری انتشارات سوره مهر کتاب صوتی لبخند مسیح، نوشته سارا عرفانی را با گویندگی شکوفه عزیزی روانه بازار نشر کرد.

❖ چاپ دوم کتاب مردم گله‌مندند، هم‌زمان با ایام سالگرد امضای برجام از سوی انتشارات شهید کاظمی روانه بازار شد. این کتاب مجموعه تحلیل‌ها، توصیه‌ها، نگرانی‌ها و نقدهای مقام معظم رهبری در دوران دولت یازدهم است.

❖ چاپ شانزدهم کتاب اقیانوس مشرق، نوشته مجید پورولی کلشتری، به همت انتشارات عهدمانا منتشر شد. این کتاب داستان سرگشتگی عمران و وصال شورانگیزش به ولایت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) است. این رمان برنده جایزه کتاب سال پژوهش‌های دینی در سال ۱۳۹۲ و همچنین کتاب سال رضوی در شاخه رمان در همان سال است.

❖ رمان عصرها؛ داستان یک زمستان، نوشته جرارد ریو با ترجمه مرتضی غلامی از سوی انتشارات علمی منتشر شد. این رمان یکی از آثار معروف ادبیات هلند است که بسیاری آن را همتای رمان بیگانه، اثر آلبر کامو خوانده‌اند.

❖ مجموعه داستان صید قزل‌آلا در بالادست رودخانه کودور نوشته فاضل اسکندر، عنوان مجموعه‌ای از هشت

تحریر درآورده است. این کتاب زندگی و خاطرات سردار شهید محمدرضا شمس آبادی، از شهدای شاخص جهاد سازندگی سبزوار را روایت می‌کند و دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی سبزوار به‌زودی آن را منتشر خواهد کرد.

❶ کتاب حدیث زندگی، شامل ۲۰۰ حدیث و داستان مرتبط با این احادیث، به قلم حجت‌الاسلام غلامرضا حیدری ابهری از سوی نشر جمال منتشر می‌شود.

❷ مجموعه داستان کوتاه بازی عوض شده، نوشته سجاد خالقی در انتشارات شهید کاظمی منتشر شد. این کتاب شامل داستان‌های کوتاه برگزیده در حوزه انقلاب و دفاع مقدس است. سیر زمانی این مجموعه که از یازده داستان تشکیل شده، از قبل از پیروزی انقلاب اسلامی تا جانپازی شخصیت داستان است.

❸ کتاب خودی‌ها و غیرخودی‌ها، با موضوعات جایگاه حُب و بغض، شناخت ویژگی‌ها و خصوصیات خودی‌ها و غیرخودی‌ها و وظایف مردم و مسئولان و گروه‌ها در قبال جریان غیرخودی، از سوی مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت منتشر شد.

❹ مؤسسه نشر شب‌های سپید کتاب سیر مطالعاتی آشنایی با اندیشه آیت‌الله العظمی خامنه‌ای، به همت علی خاک‌رنگین، فاطمه تقی‌زاده، مهدیه شیروانی، فروغ آسایش و حمیده روح‌پرور را منتشر کرد.

❺ کتاب دل من هیچ، زندگی‌نامه داستانی شهید اسدالله پازوکی به روایت طوبی پازوکی همسر شهید، به قلم سمانه زالی از سوی انتشارات روایت فتح راهی بازار نشر شد.

شخصیت‌های خبرساز



❶ جعفر ابراهیمی که سال‌ها ترجمه شعر به شعر حیدر بابا استاد شهریار را در دست داشت، آن را به پایان رسانده و این کتاب به‌زودی به صورت دوزبانه به ناشر تحویل داده می‌شود. قرار است انتشارات سوره مهر این کتاب را منتشر کند.

❷ رضا نیکوکار از در دست انتشار بودن چهارمین مجموعه شعر مستقل خود با عنوان ماه آن سوی پنجه‌ها خبر داد. این کتاب حاوی چهل غزل با مضامین دفاع مقدس و شهدای مدافع حرم است و قرار است بنیاد حفظ آثار استان گیلان آن را روانه بازار کند.

❸ اکبر صحرایی از انتشار کتابش با عنوان کتیبه ژنرال،

روایت زندگی فرمانده بی‌سر شهید مدافع حرم حاج عبدالله اسکندری، توسط انتشارات شهید کاظمی خبر داد.

❹ حجت‌الاسلام احمد مروی، تولیت آستان قدس رضوی، با اشاره به حضور سالانه ۳۰ میلیون زائر در حرم امام رضا (علیه السلام) گفت: «باید از این ظرفیت برای ترویج کتاب‌خوانی استفاده کنیم.»

❺ احسان بیسادی، معاون فرهنگی و اجتماعی مترو تهران، درباره حواشی به‌وجودآمده در خصوص کتابستان ایستگاه متروی شهدا گفت: «بنابر این شد که فضاهای فرهنگی، به‌ویژه غرفه‌های فروش کتاب، صرفاً با همین کاربری و تنها برای عرضه کتاب واگذار شود.» پیش از این قرار بود کتابستان ایستگاه متروی شهدا به بهانه کسب سود بیشتر، در مزایده‌ای آزاد به بالاترین پیشنهاد اجاره داده شود.

❻ سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، در احکامی جداگانه دبیران علمی سی‌وهفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و بیست‌وهفتمین دوره جایزه جهانی کتاب سال را منصوب کرد. طی این احکام، حجت‌الاسلام محمدعلی مهدوی‌راد به‌عنوان دبیر علمی سی‌وهفتمین دوره جایزه کتاب سال جمهوری اسلامی ایران و احمدعلی حیدری به‌عنوان دبیر علمی بیست‌وهفتمین دوره جایزه جهانی کتاب سال منصوب شدند.

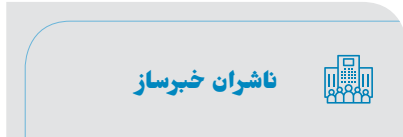
❼ میثم رشیدی مهرآبادی از انتشار کتابش با عنوان صدروسی، شامل خاطرات عبدالعلی یزدانپار، از جانبازان دوران دفاع مقدس، به همت انتشارات شهید کاظمی خبر داد.

❶ حجت‌الاسلام محسن قمی، عضو مجلس خبرگان رهبری، درباره کتاب روایت رهبری گفت: «این کتاب به‌لحاظ دقت، کیفیت و حتی سرعت اثر خوبی شده است. بحث این کتاب مناسبت جمهوریت و اسلامیت است، اینکه اساساً جمهوری اسلامی یعنی چه؟ این موضوع با ترجمه امروزی، یعنی رابطه دموکراسی و حقیقت.»

❷ حسین سعیدی، مدیرعامل انتشارات به‌نشر، از آغاز ششمین پویش مطالعاتی این مجموعه با محوریت کتاب اوسنه گوهرشاد، نوشته سعید تشکری خبر داد. مهلت شرکت در این پویش تا آبان ۱۳۹۸ است.

❸ سیدعلی کاشفی خوانساری، دبیر مجموعه گنجینه تاریخ ادبیات کودک و نوجوان گفت: «قدیمی‌ترین چاپ کتاب کودکی که من با تاریخ مشخص دیدم، در سال ۱۲۶۳، یعنی آخرین سال محمدشاه قاجار به نام حسنین بود؛ ولی این احتمال که کتاب‌های کودک فراوانی قبل از

پیرامون انجمن حجتیه، به همراه متن کامل مناظره با یکی از سران انجمن حجتیه در انتشارات شهید کاظمی منتشر شد.



انتشارات روایت فتح کتاب ایستادهام به قلم حسین گلدوست و تحقیق محمدعلی زمانیان را منتشر کرد. این کتاب خاطرات هادی صدقی، از افراد واحد اطلاعات و عملیات در مبارزه با ضدانقلاب در جنگل‌های گیلان و هشت سال جنگ وی را بیان می‌کند.

انتشارات علمی رمان وقتی هرگز از راه می‌رسد، نوشته باربارا دیویس را با ترجمه مائده بشارت منتشر کرد.

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت چاپ چهارم کتاب معجزات و کرامات نبرد حزب الله: الوعد الصادق را که به شرح امدادهای غیبی در نبرد حزب الله لبنان با نظامیان رژیم صهیونیستی در جنگ ۳۳ روزه اختصاص دارد، منتشر کرد. این کتاب را شیخ ماجد الزبیدی نگاشته و محمدرضا میرزاجان آن را ترجمه کرده است. محمدرضا مهدی‌زاده نیز بازنگری و اضافات مربوطه به امکان و مختصات جغرافیایی و تصاویر را انجام داده است.

انتشارات شهید کاظمی کتاب راضی بابا، روایت زندگی شهید راضیه کشاورز را برای چهارمین بار منتشر کرد. این کتاب روایت شخصیت دختری ۱۶ ساله است که تمام تلاشش را به کار می‌بندد تا در زندگی اول باشد. در شانزدهمین بهار عمرش حادثه‌ای رخ می‌دهد و به او در رسیدن به خواسته‌اش کمک می‌کند. انفجاری که در سال ۱۳۸۷ در حسینیۀ سیدالشهدای شیراز رخ داد، اوج زندگی او را رقم زد.

انتشارات کتابستان معرفت چاپ سوم کتاب جُندی مُکلف نوشته محسن صالحی‌خواه را روانه کتابفروشی‌ها کرد. این کتاب خاطرات چهار سال اسارت سردار حسین اصغری است که از طرف راوی و نویسنده به سردار پاسدار، حاج قاسم سلیمانی تقدیم شده است. «جندی مُکلف» به معنای سرباز وظیفه، هویتی است که سردار اصغری خود را با این عنوان در اردوگاه‌های عراقی معرفی کرده بود.

انتشارات سوره مهر کتاب چوپاچو، نوشته شاهین رهنما را منتشر کرد. این کتاب داستان بلند نوجوان است و با نشان مهرک منتشر شده است.

آن مربوط به دوران محمدشاه قاجار داشته باشیم، کم نیست»

سعید غلامیان، نویسنده و پژوهشگر، از انتشار کتابش با عنوان مسافران وطن که شامل مجموعه خاطرات ۴۷ آزاده خط لوله نفت کشور است، از سوی انتشارات سوره مهر در آینده نزدیک خبر داد.

بهناز ضرابی‌زاده، نویسنده کتاب ساجی، درباره روند نفس‌گیر تألیف این اثر گفت: «بارها در مراحل مختلف نوشتن، به حدی اذیت شده بودم که چند بار تصمیم گرفتم نوشتن را رها کنم؛ اما به دلیل جذابیت کار، تصمیم گرفتم ادامه دهم.» این کتاب خاطرات نسرین باقرزاده، همسر سردار شهید بهمن باقری را روایت می‌کند. این اثر از سال‌های کودکی خانم باقرزاده در خرمشهر آغاز می‌شود و تا زمان جنگ در این شهر ادامه می‌یابد.

مهدی فاطمی، معاون ادبیات و انتشارات بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس گفت: «با توجه به اینکه یک مرحله بین‌المللی به جایزه ادبی یوسف افزوده شده، از این رو در حال برگزاری بخش بین‌الملل آن در کشورهای اسلامی و همسو هستیم.» به گفته او، قرار است مرحله نهایی هشتمین دوره به شکل ملی و بین‌المللی برپا شود و در فصل زمستان سال جاری برگزیدگان تقدیر شوند.

محسن پرویز، دبیر جایزه جهانی فلسطین گفت: «در سفر به لبنان و سوریه قرار شد برای بهتر برگزار شدن جایزه جهانی فلسطین، دفاتر اجرایی جایزه در کشورهای مختلف راه‌اندازی شود و آثار در دفترهای اجرایی جمع‌آوری و داوری اولیه شوند تا در ادامه مسیر، برای داوری نهایی آثار به دفتر مرکزی ارسال شوند. در لبنان، مسئولیت این کار بر عهده دکتر طراد حماده گذاشته شد. در سوریه نیز بدیع الصغور، از شعرا شناخته شده در سوریه، این مسئولیت را بر عهده دارد.» محسن مؤمنی شریف، رئیس حوزه هنری انقلاب اسلامی، طی حکمی عبدالحمید قره‌داغی را به سمت معاون اداری مالی حوزه هنری منصوب کرد.

بهناز ضرابی‌زاده، نویسنده، از سوی فاضل نظری، مدیرعامل کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، به عنوان مدیرکل جدید کانون استان همدان منصوب شد.

احمد یوسف‌زاده، نویسنده، از نگارش جلد سوم خاطراتش خبر داد. او پیش‌تر آن بیست‌وسه نفر و اردوگاه اطفال را نوشته بود. این دو اثر خاطرات بخشی از نوجوانان آزاده در هشت سال دفاع مقدس را روایت می‌کند.

جدیدترین اثر رضا اکبری آهنگران با عنوان حقایقی



آیین رونمایی یادداشت تجلیل رهبر معظم انقلاب برای کتاب شیر زیتان برگزار شد. در متن این یادداشت آمده است: «شهید عزیز آقای ذوالفقارنسب و هر فداکاری مانند آن عزیز، مایهٔ سربلندی کشور و سرباز حقیقی اسلام و قرآن‌اند. ارتش جمهوری اسلامی ایران و همهٔ ما باید به کسانی چون شهید ذوالفقارنسب افتخار کنیم»

نشست نقد و بررسی کتاب دختر ماه با حضور هادی خورشاهیان، ناصر نادری و سارا عرفانی، نویسندهٔ اثر، با همکاری کانون بانوی فرهنگ در باغ کتاب برگزار شد.

کتاب روایت رهبری، نوشتهٔ سیدداسر جبرائیلی، با حضور حجت‌الاسلام محسن قمی، سعید اوحدی، عطارزاده و میثم نیلی در فرهنگ‌سرای اندیشه معرفی و رونمایی شد.

نشست همدلی و هم‌زبانی نویسندگان ادبیات کودک افغانستان و ایران از سوی انجمن نویسندگان کودک و نوجوان برگزار شد. در این نشست، نویسندگان و شاعران ادبیات کودک افغانستان همچون محمدسرور رجایی، محمدکاظم محقی، سیدنادر موسوی، سیدمحمود حسینی، حسن نوروزی، سیدمرتضی شاه‌ترابی، ام‌فروه موسوی، حسین سوختانلو، احمد مدقق و ... حضور داشتند.

آیین رونمایی از مجموعهٔ گنجینهٔ تاریخ ادبیات کودک و نوجوان از انتشارات مدرسه با حضور نیکنام حسینی‌پور، حمیدرضا شاه‌آبادی، سیدعلی کاشفی خوانساری، محمود حکیمی، علی رفیعی و جمعی از نویسندگان این مجموعه، در سرای اهل قلم مؤسسهٔ خانهٔ کتاب برگزار شد.

مراسم قرعه‌کشی پویش مطالعاتی همسفر با محوریت هشت کتاب دربارهٔ انقلاب و دفاع مقدس، با حضور جمعی از فعالان رسانه، خادمان شبکهٔ ملی وارثون، مؤسسهٔ سیرهٔ شهدا و... در ساختمان خاتم قم برگزار شد.

آیین رونمایی کتاب شعر نوجوان با تو هوا خوب است با حضور جمعی از مدیران حوزهٔ هنری و شاعران و هنرمندان حوزهٔ کودک و نوجوان و محمود پوروهاب، شاعر اثر، در حوزهٔ هنری استان قم برگزار شد. این کتاب شامل هفده شعر نیمایی با مضامین عاشقانه و اجتماعی است که از سوی انتشارات سورهٔ مهر منتشر شده است.

آیین رونمایی از سه کتاب مهناز فتاحی با عناوین گمبی، من عروسک گل‌هانم و قلب کوچک سپهر با حضور

انتشارات کتاب نیستان رمان برج سکوت، اثر حمید منایی برای دومین بار منتشر کرد. این اثر پیش از این در سه جلد منتشر شده بود و در چاپ جدید در قالب یک جلد و با ویرایش تازه چاپ و منتشر شده است.

نشر شهرستان ادب مجموعه شعر فرصت فراموشی، سرودهٔ ایمان مشایخی را منتشر کرد.

انتشارات امیرکبیر کتاب آمایش و پیمایش خدمات الکترونیک در ایران، تألیف سیدسعیدرضا عاملی را منتشر کرد. این کتاب که در مجموعهٔ فرهنگ، رسانه و فضای مجازی منتشر شده، برگرفته از طرح پژوهشی «مجازی‌سازی نظام جمهوری اسلامی ایران» است که با هدف تدوین نقشهٔ راه فضای مجازی جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته است.

انتشارات شهید کاظمی کتاب دهلیز انتظار، اثر حمید حسام را روانهٔ بازار نشر کرد. این کتاب روایت داستانی از تنهایی و رهایی یک فرمانده خسته و زخمی در عملیات کربلای ۴ است.

انتشارات روایت فتح شرایطی برای دریافت سوره‌های ادبیات پایداری در سایت خود فراهم کرده تا نویسندگان، خانوادهٔ شهدا، جانبازان و علاقه‌مندان بتوانند سوره‌ها و طرح‌ها و موضوعات خود را ارسال کنند.

انتشارات دارالکتب اسلامی و انتشارات کتاب جمکران قرارداد واگذاری حق انتشار کتاب مهدی موعود، با ترجمهٔ زنده‌یاد علی دوانی را امضا کردند. این کتاب را انتشارات دارالکتب اسلامی از سال ۱۳۶۸ منتشر می‌کرد که به موجب این قرارداد، بناست از این پس در انتشارات کتاب جمکران منتشر شود.

انتشارات سورهٔ سبز مراسم رونمایی یادداشت تجلیل رهبر معظم انقلاب برای کتاب شیر زیتان و رونمایی کتب شهدای مدافع حرم و تازه‌های نشر نیروی زمینی محوری ارتش را برگزار کرد.

مؤسسهٔ فرهنگی هنری قدر ولایت جلد یازدهم مجموعهٔ سبک زندگی اسلامی ایرانی در الگوی شهیدان را با نام سرزندگی و شوخ‌طبعی خردمندانه منتشر کرد.

دفتر نشر معارف جدیدترین اثر فقهی آیت‌الله سیداحمد خاتمی به نام فقه‌الحکومه را راهی بازار کتاب کرد. این اثر را که مبانی فقهی موضوع «ولایت فقیه» را بررسی و تبیین می‌کند، حجت‌الاسلام علی احمدخواه کوهنانی تدوین کرده است.

انتشارات علمی رمان بازی دروغ، نوشتهٔ روتور با ترجمهٔ هانیه دوست‌اوشانی را منتشر کرد.

انتشارات شهید کاظمی کتاب برای زین آب، روایت کودکی تا شهادت شهید مدافع حرم محمد بلباسی را منتشر کرد.

نویسنده، فاضل نظری، سیدصادق رضایی و عباس محمدی در حوزه هنری برگزار شد.

❖ جشنواره «کتاب ریحانه» از سوی انجمن کتاب فروشان جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی «خوشه» و با همکاری شبکه فراگیر فعالان عفاف و حجاب کشور برگزار شد. در این طرح که به مدت ده روز ادامه داشت، عموم مردم می‌توانستند با مراجعه به کتاب‌فروشی‌های فعال در طرح، دوازده کتاب منتخب جشنواره را با تخفیف ۲۰ درصد تهیه کنند. همچنین آیین جشن امضا و نقد و بررسی تعدادی از کتاب‌های جشنواره با حضور نویسنده در فروشگاه‌های عضو انجمن برگزار شد.

❖ آیین تجلیل از نویسندگان و راویان مجموعه کتاب‌های زنان مقاوم خرمشهر با عناوین ساجی، صباح، چراغ‌های روشن شهر و زیباترین روزهای زندگی که به تازگی از سوی انتشارات سوره مهر روانه بازار نشر شده است، با حضور محسن مؤمنی شریف، حجت‌الاسلام قمی و مرتضی سرهنگی در حوزه هنری برگزار شد.

❖ مسابقه کتاب‌خوانی با محوریت کتاب مبانی قرآنی بیانیه گام دوم انقلاب، نوشته حجت‌الاسلام محسن قرآتی، با همت آستان قدس رضوی برگزار شد.

❖ در همایش مساجد تدبیرمحور که در مسجد دانشگاه تهران و به همت مجمع مدارس دانشجویی قرآن و عترت برگزار شد، کتاب سند فعالیت‌های مسجد با رویکرد نظام‌سازی توحیدی شهر و جامعه، نوشته احمدرضا اخوت، رونمایی شد.

❖ آیین اختتامیه هفدهمین جایزه ادبی قلم زرین با تجلیل از غلام‌علی حدادعادل به‌عنوان پیش‌کسوت اهل قلم و اعلام شهرستان ادب به‌عنوان ناشر برگزیده سال در باغ کتاب تهران برگزار شد.

❖ آیین رونمایی تازه‌های نشر آستان قدس رضوی با حضور حجت‌الاسلام احمد مروی و حجت‌الاسلام گنابادی‌نژاد در مرکز پژوهش‌های اسلامی این آستان برگزار شد. اوسنه گوهرشاد نوشته سعید تشکری، ماه غریب من نوشته مجید ملامحمدی و چشمه معارف رضوی نوشته محمدباقر پورامینی برخی از کتاب‌های رونمایی شده بودند.

❖ ۴۷۵ اثر در قالب‌های مختلف به اولین دوره جایزه مردمی و ادبی «شهید سیدعلی اندرزگو» با محوریت «مبارزه ادبی با تحریف تاریخ معاصر» و «بیان حقایق و روشننگری درباره رژیم پهلوی» ارسال شده است. قرار است برگزیدگان در شهریور طی مراسمی معرفی و تقدیر شوند.

❖ در طی سفر اعضای شورای سیاست‌گذاری جایزه جهانی فلسطین به لبنان و دیدار با نویسندگان و شاعران

جهان عرب، اتحادیه ناشران فلسطین، اتحادیه نویسندگان لبنان و جمعی از شخصیت‌های ادبی فلسطین و جهان عرب، با تأکید بر ضرورت زنده‌نگاه داشتن موضوع فلسطین به‌عنوان یک اولویت اسلامی و برجسته‌سازی آن در آثار و تألیفات ادبی از جایزه جهانی فلسطین حمایت کردند.

❖ کتاب‌سرای ویژه زائر و ایستگاه مطالعه در حرم امام‌رضا (علیه السلام) با حضور حجت‌الاسلام گنابادی‌نژاد افتتاح شد. این فضا تحت عنوان «طرح ترجمان آفتاب» و با هدف ترویج فرهنگ کتاب‌خوانی در بین زائران و مجاوران حرم مطهر امام‌رضا (علیه السلام) راه‌اندازی شده و علاقه‌مندان می‌توانند با مراجعه به رواق امام خمینی (علیه السلام) از صدها عنوان کتاب موجود در قفسه‌ها استفاده و آن‌ها را مطالعه کنند. همچنین می‌توانند کتب خود را به این فضای فرهنگی اهدا کنند.

❖ انتخابات انجمن فرهنگی ناشران کودک و نوجوان در دفتر انجمن برگزار شد. در این انتخابات که با حضور ۴۳ نفر از اعضا برگزار شد، افرادی به‌عنوان اعضای هیئت‌مدیره مشخص شدند. اسامی منتخبان برای فعالیت در هیئت‌مدیره به مدت سه سال عبارت‌اند از: عبدالعظیم فریدون، فروغی، محسن طائب، محمدی و محمدتقی حق‌بین. همچنین محمد مجری‌سازان طوسی (نشر سازوکار) به‌عنوان بازرس انجمن معرفی شد.

❖ نشست نقد و بررسی رمان آوای تار یحیی، اثر کیوان امجدیان، با حضور نویسنده، مریم میرمحمدی و سیامک صدیقی در فرهنگ‌سرای معرفت برگزار شد.

❖ با پایان یافتن طرح «تابستانه کتاب ۹۸» که با شعار «کتاب، همنشین دلنشین» در شهر تهران و سایر استان‌ها اجرا شد، ۱۱ میلیارد و ۱۵۰ میلیون و ۸۴۸ هزار و ۵۲ تومان کتاب به فروش رسید.

❖ نشست نقد و بررسی کتاب تحولات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی شهر دزفول در دوره پهلوی، نوشته غلام‌رضا درکتانیان، با حضور علی محمد طرفداری، مطلب مطلبی و مؤلف اثر برگزار شد.

❖ در سی‌امین جلسه برنامه «آینه‌بندان» که در فروشگاه سوره مهر برگزار شد، کتاب زن آقا، نوشته زهرا کاردانی با حضور علی اصغر عزتی‌پاک و نویسنده نقد و بررسی شد.

❖ دومین «عصرانه کاغذی» نشر معارف، آیین رونمایی کتاب سی و ده، نوشته سیداحمد بطحائی، با حضور وحید یامین‌پور، حجت‌الاسلام محمدرضا زائری و نویسنده در دانشگاه معارف قم برگزار شد.

❖ نشست نقد کتاب از دشت لیلی تا جزیره مجنون، اثر محمدرسور رجایی، با حضور نویسنده این کتاب و احمد مدقق از محققان افغانستان، در اداره کل کتابخانه‌های عمومی استان قم برگزار شد.

پرونده ویژه

روی خط کاغذ
باید مسئله کاغذ را حل کنید؛ این طوری نمی شود
هزارتوی بی کاغذی
کارگروه کارنا بلد
حمایت فراموش شده
ارز دولتی در جیب همسایه ها!
فرار سلاطین!
آب گل آلود توزیع
ترخیص؛ شاید وقتی دیگر ...
ناشران کاغذفروش
مجلس، پای کار تولید کاغذ
تقریباً همه چیز روشن است
بحران کاغذ را دو سال قبل پیش بینی کردیم
آتش که به جان باگاس انداختیم
پیروزی واردات در جنگ با تولید
یارانه ای که به تولیدکننده خارجی می رسد
بازار مافیای کاغذ نیست
همچنان بلاتکلیف ...
۲۵۰ گرم گوشت به جای کتاب
«درختان را قطع نکنید»: یک مواجهه «عامه پسند» با تولید
داخلی کاغذ
آتش بی تدبیری بر جان کاغذ
دستگاه های نظارتی؛ همچنان نظاره گر





ابوالفضل روغنی کپایگانی

دبیر سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا

کارخانه چوب و کاغذ مازندران و کاغذ تبریز و کارخانه پارس، سه کارخانه تولیدکننده کاغذ چاپ و تحریر در کشور هستند که در سال ۱۳۹۶ تولید جدی نداشتند؛ زیرا تمام نیاز بازار از طریق واردات انجام شد و تولیدات این کارخانه‌ها یا دپو شد یا خمیر؛ بنابراین تولید صرفه اقتصادی نداشت.

محسن صالحی نیا

معاون وزیر صنعت

امسال در تولید کاغذ تحریر و روزنامه بیش از ۴۹ درصد کاهش داشتیم که از محل واردات تأمین شد.

سید حسن میرباقری

رئیس انجمن واردکنندگان کاغذ و مقوا و فراورده‌های سلولزی

واردکنندگان کاغذ نیز مجبورند کالای خود را به قیمت روز عرضه کنند تا دوباره توان فعالیت در بازار را داشته باشند. در غیر این صورت، توان خرید مجدد کالا را نخواهند داشت.

خبرگزاری مهر

موافقت بانک مرکزی با تخصیص ارز ۳۸۰۰ تومانی برای کاغذ چاپ و تحریر

۳۱

۱۳۰

خرداد

۱

اردیبهشت

۲

۱۲۲

فروردین

۴

آبان

۹۶

غلامحسین اسماعیلی

سخن‌گوی قوه قضائیه

تا الان صرفاً در حوزه تخصیص ارز در واردات کاغذ، پنج پرونده تشکیل و ۱۵ نفر در این فقره بازداشت هستند.

۳۱

حمید خلیلی

مدیر انتشارات شهید کاظمی

عده‌ای از سرمایه‌داران پشت صنعت کاغذ هستند که با تولید کاغذ در ایران یا اجاره کارخانه تولید کاغذ در خارج کشور توسط ناشران ایرانی مخالفت می‌کنند؛ چون سود کمتری به این سرمایه‌داران خواهد رسید.

۱۵

۱۱۵

۳۱

ابوالفضل روغنی کپایگانی

دبیر سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا

تولید کاغذ تحریر حدود ۷۰ درصد و کاغذ روزنامه حدود ۱۰۰ درصد کاهش یافته است.

روی خط کاغذ

قیمت کاغذ به هزار تومان

تاریخ



ماده‌ای: شماره ۳۶ و ۳۷
مرداد و شهریور ۱۳۹۸



ابوالقاسم شهلائی مقدم

مدیر انتشارات نقش و نگار

این بار باید مراقب بود دوباره حواله‌های کاغذ مصرفی سر از کاغذ فروشی هادرنیاورد، نوچه‌ها کاغذ اضافی نگیرند، نورچشمی‌ها دوباره بزرگ نشوند، صندوق رانت، به جیب وابستگان خاص، چه وابستگان به ارشاد، چه وابستگان به دولت، چه تیول داران و افراد و گروه‌ها و باندهای خاص سرازیر نشود.

۲۱



همایون امیرزاده

رئیس کارگروه کاغذ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

شأنیت وزارت ارشاد تنها دفاع از ذی نفعان خود در حوزه نشر و مطبوعات است و قانون‌گذار نه اختیار تنظیم بازار کاغذ، نه اختیار تخصیص ارز و نه اختیار تأمین ارز مورد نیاز برای واردات کاغذ را به وزارت ارشاد نداده است.

۱۴



سیدعباس صالحی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

مطابق بررسی‌های وزارت صنعت، معدن و تجارت، در سه ماه نخست امسال، ۷۰۰ تریلیون ریال کاغذ ۱۰ میلیارد تومانی در حوزه واردات کاغذ شناسایی شده است.

۳



غلامرضا شجاع

نماینده مصرف‌کنندگان کاغذ

تعزیرات نباید تنها به جریمه اکتفا کند؛ بلکه باید واردکننده‌های متخلف را شناسایی کند و با همکاری سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده و دفتر اقتصاد و بازرگانی وزارت صنعت و بخش خصوصی که مصرف‌کننده کاغذ است، محموله‌ها را شناسایی و واردکنندگان را وادار به فروش کند.

۱

مرداد

تیر

۱۶۲

۲۰

همایون امیرزاده

رئیس کارگروه کاغذ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

در چهارماهه اول امسال، تنها چیزی در حدود ۲ هزار و ۸۰۰ تن کاغذ در داخل کشور تولید شده است که حدود نیم درصد از نیاز کشور است.

تستیم

ارشاد اسامی واردکنندگان کاغذ مورد تأیید را اعلام کرد.

غلامرضا شجاع

نماینده مصرف‌کنندگان کاغذ

از آنجا که واردکنندگان نمی‌خواستند از صبح چهارشنبه به تصمیم وزارت صمت مبنی بر اعلام موجودی کاغذشان تن دهند، شبانه کاغذها را از تهران خارج کردند. یعنی کاغذها از سه‌شنبه شب و هر شب در هزاران کامیون از تهران خارج و در سوله‌های غیرقانونی و غیراستاندارد مخفی شده است.

رضا رحمانی

معاون طرح و برنامه وزارت صنعت، معدن و تجارت

متأسفانه تولید داخل به میزان مصرف در داخل کشور نیست که بخش عمده به کمبود مواد اولیه و تکنولوژی قدیمی واحدها برمی‌گردد.

۱۰

سیدعباس صالحی

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی

مقرر شده است که در اسرع وقت، موجودی کاغذ وارداتی و داخلی طی فرایندی ارزیابی، تحلیل و آسیب‌شناسی جدی صورت گیرد تا بدون هیچ‌گونه دغدغه‌ای، کاغذ در اختیار مصرف‌کنندگان واقعی این کالا قرار گیرد.

۱۳





سعید کاتری

مدیر چاپ نابنقش

به نظر می‌رسد دخالت دولت در بحث تخصصی کاغذ و ورود به جزئیات به جای استفاده از ظرفیت بالای بخش خصوصی برای واردات کاغذ و تنظیم بازار و ایجاد سازوکار، نتیجه خیلی خوبی نداشته باشد و ممکن است به رانت و فساد ختم شود.



محمد دامادی

نماینده مردم ساری در مجلس

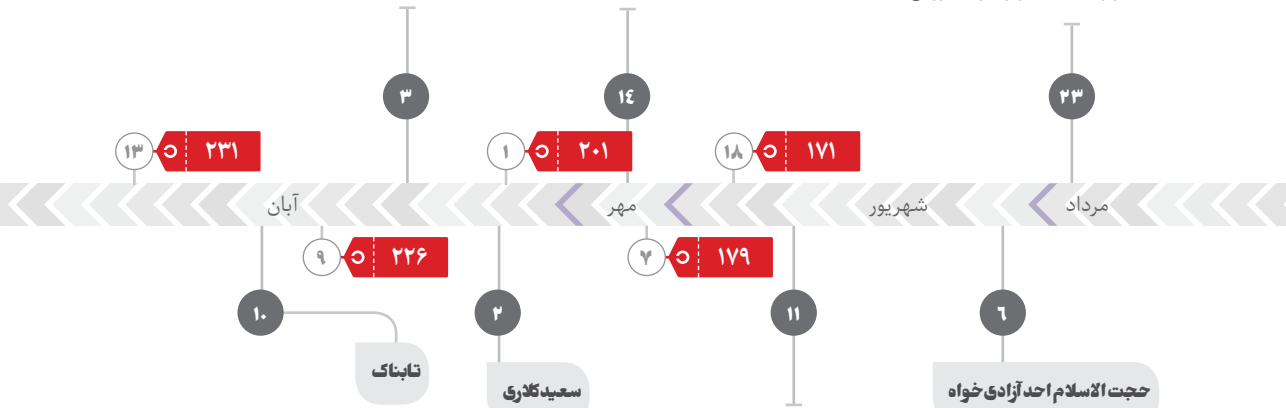
به یقین، در پشت پرده به تعطیلی کشاندن کارخانه چوب و کاغذ مازندران، مسئله‌ای دیگری غیر از مشکلات ظاهری آن نهفته است. آنچه مانع شکل گرفتن تولید می‌شود، غفلت مسئولان و مافیای واردات کاغذ است.



نامهٔ مجمع ناشران انقلاب اسلامی

نامهٔ مجمع ناشران انقلاب اسلامی به کمیسیون فرهنگی مجلس

تعییرات نباید تنها به جریمه اکتفا کند؛ بلکه باید واردکننده‌های متخلف را شناسایی کند و با همکاری سازمان حمایت از حقوق مصرف‌کننده و دفتر اقتصاد و بازرگانی وزارت صنعت و بخش خصوصی که مصرف‌کننده کاغذ است، محموله‌ها را شناسایی و واردکنندگان را وادار به فروش کند.



تابناک

توزیع کاغذ یارانه‌ای برای حمایت از ناشران در حالی در دستور کار معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفته که تجربه تاریخی این جنس حمایت‌ها نشان داده که چنین اقداماتی صرفاً منجر به کاغذفروشی شده و یک سیاست اصولی نیست؛ اما در چرخه مدیریت، بار دیگر به این راهکارهای اشتباه مراجعه می‌شود و به جای آنکه یارانه در اختیار مصرف‌کننده قرار گیرد، به تولیدکننده‌ای تعلق می‌گیرد که می‌تواند همه یا بخشی از آن را صرف تولید نکند و در بازار آزاد به فروش برساند.

سعید کاتری

مدیر چاپ نابنقش

حذف چاپخانه‌دار از چرخه دریافت کاغذ و بسنده کردن به ناشران به عنوان مصرف‌کننده اصلی، گواهی بر تصمیمات غیرکارشناسی است و در خود هزار نکته و حرف نگفته دارد.

تشکیل کارگروه سامان‌دهی کاغذ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به ریاست حسین انتظامی

حجت الاسلام احد آزادی خواه

نماینده مردم ملایر و سخن‌گوی کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی

در حال حاضر، کمیسیون فرهنگی مشغول بررسی مشکل بزرگی به نام مافیای کاغذ است که وجود آن را نمی‌توان کتمان کرد. در واقع، متأسفانه در وضعیت نابسامان اقتصادی و ارزی، بسیاری از ارز دولتی به واردات کاغذ تخصیص یافته است؛ در صورتی که برای کاغذهای وارد شده هیچ تعیین تکلیفی نشده و چه بسا اصلاً کاغذی وارد نشده است.



مجلس شورای اسلامی
شماره ۳۶۶
۱۳۹۸ شهریور



محسن جوادی

معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



میشم نیلی

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی



احمد شریفان

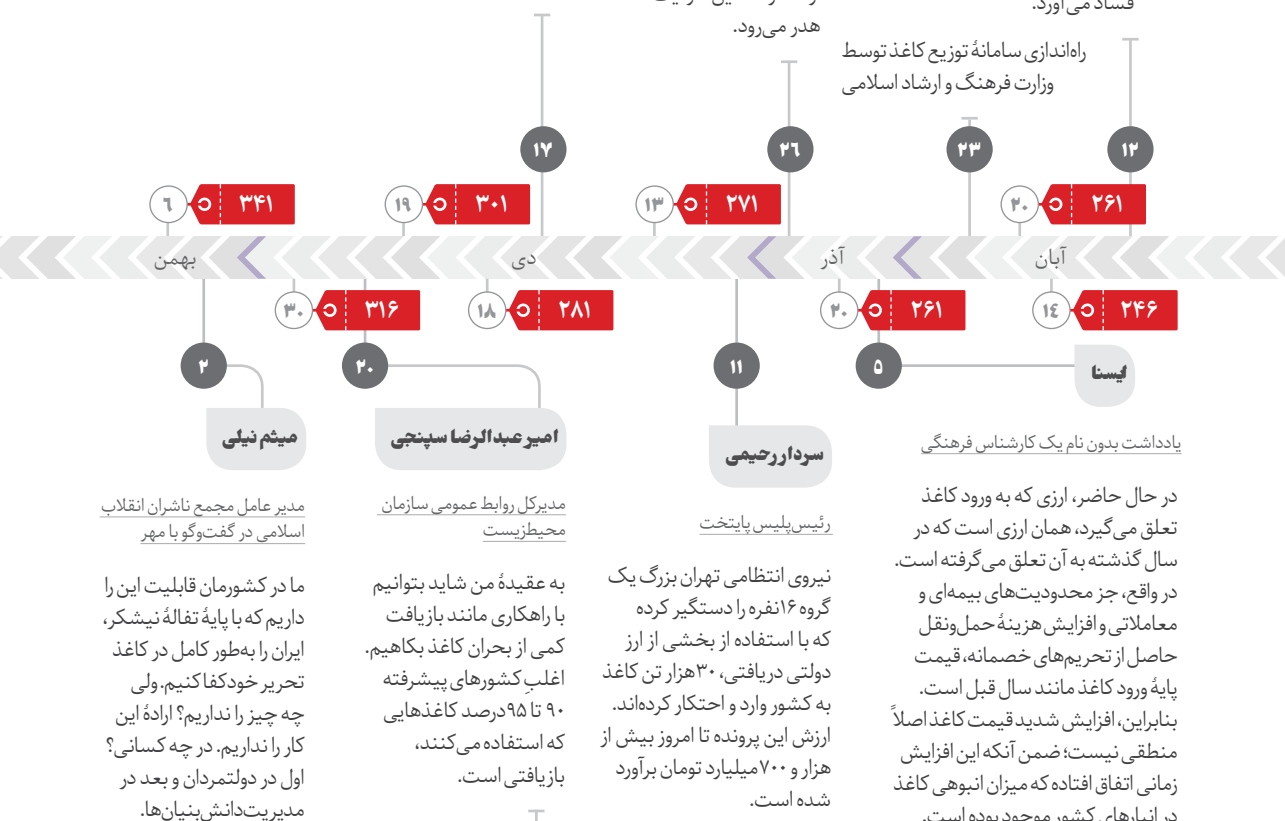
نایب رئیس اتحادیه فروشندگان کاغذ و مقوا

در خبرها اعلام شد که سلطان کاغذ دستگیر شده است. این در حالی است که چندین سلطان کاغذ در صنف ما کاغذفروشان برای خود می چرخند. چند لابی گر با سیستم اقتصادی کشور را دستگیر کرده اند؛ اما این کافی نیست. سلطان های اصلی در صنف کاغذ هنوز هستند.

در حال حاضر، ما قابلیت تولید ۶۰۰ تا ۷۰۰ هزار تن کاغذ را در کشور با پایه باگاس داریم؛ ولی بیش از ۸۰ درصد این ظرفیت هدر می رود.

سیاست های حمایتی چندان تأثیرگذار نیست و موجب رانته شدن صنعت نشر می شود یا با خود فساد می آورد.

راه اندازی سامانه توزیع کاغذ توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی



یادداشت بدون نام یک کارشناس فرهنگی

در حال حاضر، ارزی که به ورود کاغذ تعلق می گیرد، همان ارزی است که در سال گذشته به آن تعلق می گرفته است. در واقع، جز محدودیت های بیمه ای و معاملاتی و افزایش هزینه حمل و نقل حاصل از تحریم های خصمانه، قیمت پایه ورود کاغذ مانند سال قبل است. بنابراین، افزایش شدید قیمت کاغذ اصلاً منطقی نیست؛ ضمن آنکه این افزایش زمانی اتفاق افتاده که میزان انبوهی کاغذ در انبارهای کشور موجود بوده است.

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی در گفت و گو با مهر

ما در کشورمان قابلیت این را داریم که با پایه تفاله نیشکر، ایران را به طور کامل در کاغذ تحریر خود کفا کنیم. ولی چه چیز را نداریم؟ اراده این کار را نداریم. در چه کسانی؟ اول در دولتمردان و بعد در مدیریت دانش بنیان ها.

مدیرکل روابط عمومی سازمان محیط زیست

به عقیده من شاید بتوانیم با راهکاری مانند بازیافت کمی از بحران کاغذ بکاهیم. اغلب کشورهای پیشرفته ۹۰ تا ۹۵ درصد کاغذهایی که استفاده می کنند، بازیافتی است.

رئیس پلیس پایتخت

نیروی انتظامی تهران بزرگ یک گروه ۱۶ نفره را دستگیر کرده که با استفاده از بخشی از ارز دولتی دریافتی، ۳۰ هزار تن کاغذ به کشور وارد و احتکار کرده اند. ارزش این پرونده تا امروز بیش از ۷۰۰ میلیارد تومان برآورد شده است.





علی اکبر تورانیان

مدیر انتشارات شهرآب
و عضو چندین انجمن نشر کشور

ما بیشتر از اینکه به فکر واردات کاغذ باشیم، باید سراغ خودکفایی کاغذ و احیای کارخانه‌ها برویم؛ اما کسی این قضیه را جدی نمی‌گیرد؛ چون مافیای کاغذ همیشه منافع خود را در واردات می‌بیند.



میشم نیلی

مدیر عامل مجمع ناشران
انقلاب اسلامی

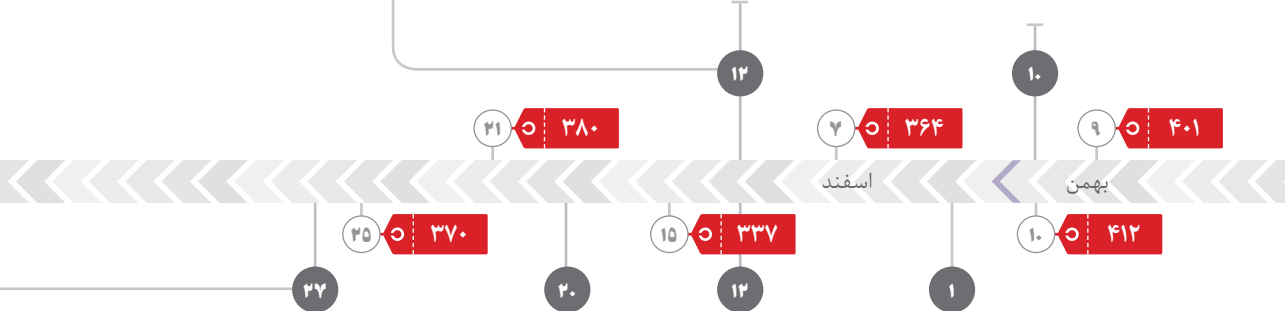
در برنامه اول توسعه قرار بود چهار کارخانه کاغذ در هفت‌تپه احداث شود. اولین آن کارون بود که در حال حاضر ناقص است و سه کارخانه دیگر هنوز احداث نشده‌اند. اگر کسی پیگیری می‌کرد، می‌فهمیدیم که چرا چهار کارخانه با پایه باگاس هنوز ساخته نشده است.



ابوالفضل روضی کلپایگانی

رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا

در زمینه کاغذ تحریر و روزنامه که مسئولان باید حمایت کنند و قوانین را به نفع تولید داخل هدایت کنند و سرمایه‌گذاران را به سمت سرمایه‌گذاری داخلی دعوت کنند، اتفاقی نمی‌افتد. کمترین توجه هم به سرمایه‌گذاری داخلی نمی‌شود.



نامه صنف ناشران و تشکل‌های نشر

نامه صنف ناشران و تشکل‌های نشر به اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور

سال‌ها قبل، مقام معظم رهبری در دیدار با مدیران اجرایی، در خصوص اهتمام به تولید داخلی کاغذ، مؤکداً دستوراتی صادر فرمودند. اگر آن سال‌ها اهتمام شده بود و ما نیاز کشور را به‌صورت حداکثری با کاغذ ایرانی مطلوب برطرف کرده بودیم، نوسانات ارزی نمی‌توانست ظرف هفت سال سرمایه ناشران را به یک‌دهم برساند.

هومان حسن‌پور

رئیس جدید اتحادیه ناشران و کتاب‌فروشان تهران

۲۰۰ هزار تن کاغذ به کشور وارد شد؛ اما ۱۴ هزار تومان توزیع شد. این را که مابقی چه شده است، وزارت ارشاد باید پاسخ دهد.

عباس حسینی نیک

مدیرمسئول انجمن ناشران دانشگاهی و مدیر انتشارات حقوقی مجد

آیا در شأن جمهوری اسلامی است که کارخانه‌ای که کاغذ خوب تولید می‌کرده، اکنون بشقاب و لیوان یک‌بارمصرف تولید و صادر کند؟

ابوالفضل روضی کلپایگانی

رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا

قصد دولت قصد تخصیص ارز است؛ اما منابع در اختیار وجود ندارد. الان کالاهایی داریم که چندین ماه است ثبت سفارش شده؛ اما تأمین اعتبار برای این کالا با مشکلاتی همراه است. بنابراین زمینه واردات کاغذ به‌شدت کم شده است.



ماده ۲۲
شماره ۳۶
۳۷ و ۳۸
مرداد و شهریور ۱۳۹۸



حجت الاسلام پژمان فر

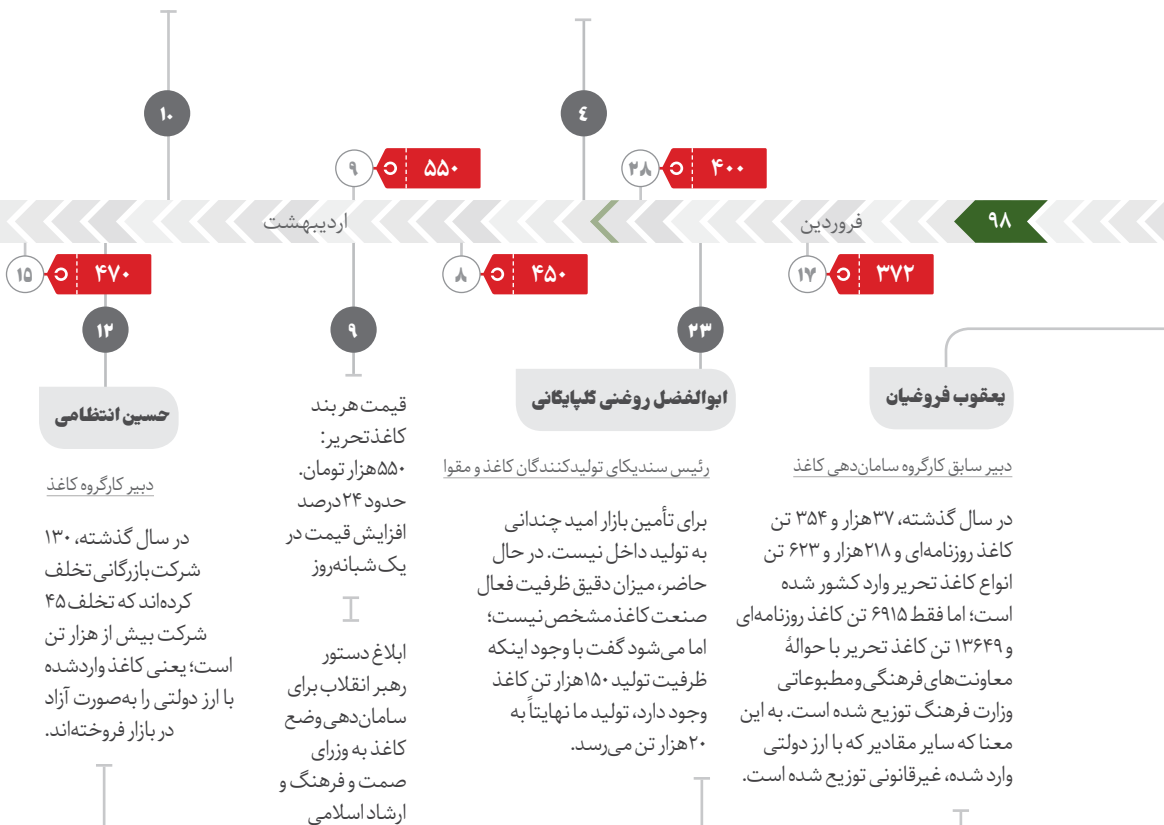
دستگاه‌های نظارتی باید به دنبال این باشند که یارانه به چه کسانی تعلق گرفته و اگر یارانه ارزی تعلق گرفته، آیا کاغذ یارانه‌ای به ازای آن به بازار آمده است یا خیر؟ اگر کاغذ یارانه‌ای آمده، آیا تحت نظارت توزیع می‌شود یا خیر؟ آیا این کاغذ به قیمت ارز دولتی عرضه می‌شود یا خیر؟ همه این‌ها نیاز به رصد دارد. بنابراین، دستگاه‌های نظارتی، از تعزیرات تا دیگر دستگاه‌ها، باید نظارت لازم را بر این بازار انجام دهند.



بابک عابدین

رئیس اتحادیه صادرکنندگان صنعت چاپ

اگر واردات کاغذ با ارز آزاد ممنوع نبود، شاید قیمت کاغذ ۷۰ درصد از قیمت فعلی ارزان‌تر شده بود. راهکار مشکلات بازار کاغذ این بود که دولت روی ارزی که برای واردات کاغذ تخصیص داده بود، به طور دقیق نظارت می‌کرد و بخشی از بازار را نیز آزاد می‌گذاشت تا با پول و امکانات شخصی کاغذ وارد کرده و به قیمت آزاد نیز بفروشد.





محمود صدیقی

نیکنام حسینی پور

روزنامه‌نگار

داستان از این قرار است که دولت محترم مبالغ هنگفتی دلار ۴۲۰۰ تومانی در اختیار تعداد اندکی می‌گذارد که با آن کاغذ دولتی وارد کنند. این کار ابتدا محدود تولیدکنندگان داخلی کاغذ و تاجرانی را که به چنین دلاری دسترسی ندارند، از گردونه رقابت و فعالیت خارج می‌کند و خودبه‌خود تولید و واردات و عرضه کاهش می‌یابد. در مرحله بعدی، مکانیزم‌های نظارتی دولت توان رصدکردن دقیق مسیر رفت و برگشت دلار ۴۲۰۰ تومانی را ندارند و کسی به‌درستی نمی‌داند چه بخشی از این دلارهای ارزان صرف خرید و واردات کاغذ می‌شود و چه بخشی در این رفت و برگشت دود می‌شود.

بنده مخالفم دولت به بازار کاغذ ورود کند. این نوسانات هم رانت ایجاد می‌کند و هم باعث می‌شود نوسانات افزایش یابد. نگاهم این است که دولت نباید کارخانه بسازد؛ بلکه بخش خصوصی باید کارخانه کاغذ را بسازد و دولت زیرساخت‌ها را فراهم کند.

۱۳ ۴۸۰

۱ ۴۵۵

۲۴

۱۶

خرداد

اردیبهشت

۲ ۴۶۰

۲۲ ۵۱۰

۱۱

۳۱

۲۳

علی خوش‌بین

غلامحسین اسماعیلی

افسانه محرابی

واردکننده کاغذ

سخن‌گوی قوه قضائیه

مدیرکل دفتر صنایع نساجی، پوشاک و سلولزی وزارت صنعت، معدن و تجارت

چند ماه گذشته برای برطرف کردن نیاز کاغذ کشور جلساتی را برگزار کردیم؛ اما به بازرگانان اجازه داده نمی‌شود با ارز نیمایی واردات انجام دهند. البته وزرا اعلام کرده‌اند برای نشر و مطبوعات ارز ۴۲۰۰ تومانی تخصیص می‌دهیم؛ اما در عمل مشمول چنین اتفاقی نیستیم و این مسئله در حد حرف باقی مانده و عملاً اجازه ثبت سفارش داده نمی‌شود. مطلعم که تا چند روز پیش ثبت سفارشی انجام نمی‌شد.

تا الان صرفاً در حوزه تخصیص ارز در واردات کاغذ، پنج پرونده تشکیل و ۱۵ نفر در این خصوص بازداشت هستند.

در حال حاضر، گمرک‌ها در هماهنگی با بانک مرکزی، تمامی ثبت سفارش‌هایی را که با نرخ ۴۲۰۰ تأمین ارز شده و بعضاً وارد کشور شده، ولی ترخیص نشده‌اند، ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت تا نرخ ارز نیمایی دانسته‌اند.



ماده ۲۴
شماره ۳۳۶
مرداد و شهریور ۱۳۹۸



روزنامه شرق

شرکت «جام جم بازرگانان پیشرو» با مجوز کارگروه کاغذ وزارت ارشاد، ۲ هزار و ۲۶۰ تن کاغذ به ارزش یک میلیون و ۴۴۳ هزار و ۵۳۰ یورو با ارز ۴۲۰۰ تومانی به کشور وارد کرده است که به درد روزنامه‌ها نمی‌خورد و بیشتر برای بخش صنعت نظیر لمینت و کار چاپ بر روی جعبه‌های خرما مناسب است.



سید ماهر شبیری

دبیر سابق سندیکای کاغذ و مقوای ایران

وزارت ارشاد از همان زمان که یارانه را برای رساندن به مخاطبان در دست گرفت، با افزایش تعرفه واردات کاغذ مخالفت کرد. وزارت ارشاد بزرگ‌ترین مخالف تولید داخلی کاغذ است.



بازتاب

آخرین آمار منتشرشده از تولید کالاهای منتخب صنعتی که از سوی وزارت صنعت، معدن و تجارت منتشر شده است، نشان می‌دهد که تولید انواع کاغذ در سال ۱۳۹۷، معادل ۹۴۵ هزار تن بوده که نسبت به تولید ۹۴۱ هزار و ۷۰۰ تنی این محصول در سال ۱۳۹۶، تنها ۰.۳ درصد افزایش داشته است.

۳۱

۵۰۵

تیر

۲۵

۵۰۵

۳۶

۱۶

خرداد

۴۸۵

۱۸

۲

یک واردکننده کاغذ در گفت‌وگو با فارس

شرکت ما تقریباً ۲۵ هزار تن به دولت کاغذ تحویل داد. یک شرکت دیگر ۴۵۰۰ تن کاغذ به دولت تحویل داده است. این کاغذها کجا رفته است؟ کدام انبار؟ فاکتورهای ما موجود است. چرا رسانه‌ها به این موضوع ورود نمی‌کنند؟ چرا فقط این عینک را زده‌ایم که همه واردکنندگان دزد هستند؟ دزد در جای دیگری است.

۲۶

سید یاسر رایگانی

سخن‌گوی سازمان تعزیرات حکومتی

حدود ۲۰ پرونده تخلف در عرضه کاغذ که از سوی سازمان حمایت به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال شده است، در حال رسیدگی در شعب مختلف سازمان تعزیرات حکومتی است و این روند همچنان ادامه دارد.

۲۰

تسنیم

آمارهای نشر در اردیبهشت نشان از افزایش ۸۸ درصدی قیمت کتاب دارد؛ افزایشی که تاکنون بی سابقه بوده است.

۱۹

تسنیم

نگاهی به آمارهای نشر نشان می‌دهد که در فروردین سال جاری، نسبت به بازه زمانی مشابه در سال گذشته، با کاهش ۳۲ درصدی انتشار کتاب مواجه بوده‌ایم.

۲۵





فرهاد مقیمی

معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت

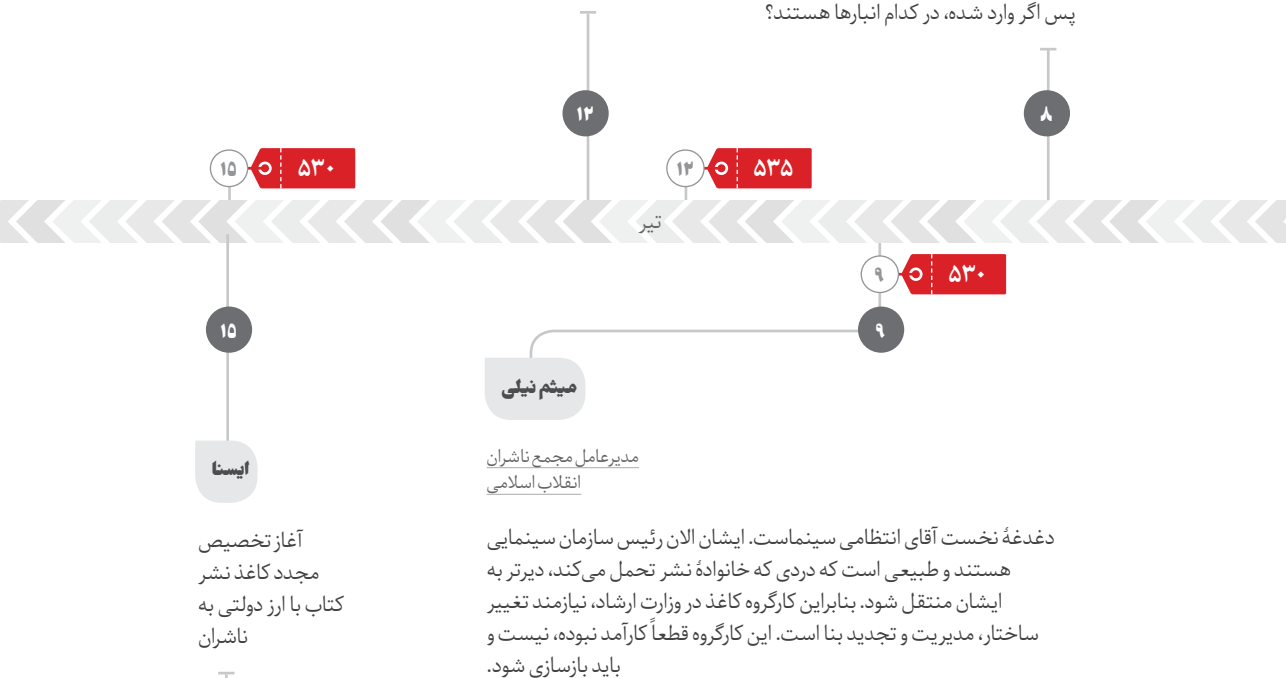
در سال ۱۳۹۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوع ارز پرداختی به واردات کاغذ را به ۴۲۰۰ تومان تغییر داد که این موضوع هم‌اکنون منجر به تولید نشده است؛ چرا که واردات به‌صرفه‌تر است. این در حالی است که مواد اولیه وارداتی برای تولید کاغذ چاپ و تحریر باید ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده و نیز حقوق ورودی چوب را نیز بپردازد که این شرایط سبب شده تا تولیدکننده داخلی امکان تولید را نداشته باشد.



میشم نیلی

مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی

چطور ممکن است که بیش از ۲۵۰ هزار تن کاغذ در مدت تقریباً یک سال با ارز دولتی وارد کشور شده باشد؛ اما کمتر از ۲۰ هزار تن از آن در بازار توسط کارگروه مربوط توزیع شده باشد؟ مابقی این کاغذها کجاست؟ آیا وارد نشده؟ تمامی اسناد نشان می‌دهد وارد شده است. پس اگر وارد شده، در کدام انبارها هستند؟





ابوالفضل روغنی کلپاگانی

رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا

هیچ‌گاه این ارز را در اختیار تولیدکننده داخلی قرار نداده‌ایم و همین الان ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کاغذ می‌دهیم؛ اما تولیدکننده داخلی موظف است مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز خود را با ارز نیمایی وارد کشور کرده و کاغذ تولید کند که همین موضوع، موجب اختلاف ۵۰ تا ۶۰ درصدی قیمت نهایی کالا می‌شود.



سید محمد رضا دریندی

مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

از کاغذهایی که دادستانی کشف کرد، تاکنون هیچ برگه به دست وزارت ارشاد نرسیده است.

۱۹

۱۲

۵۱۵

تیر

۴۹۰

۵۳۰

۲۴

۲۰

۱۶

مهدی رحمانیان

مدیرمسئول روزنامه شرق

دولت برای حل مشکل کاغذ کارگروهی تشکیل داد؛ اما به مصداق ضرب‌المثل «از قضا سرکنگبین صفرا فزود»، این کارگروه نه‌تنها مشکلی از رسانه‌های کاغذی حل نکرد، بلکه به مشکلات چاپ روزنامه اضافه کرد.

سیدعباس صالحی

وزیر فرهنگ و ارشاداسلامی

۳۰۰۰ تن کاغذی که در حال حاضر در گمرک‌ها موجود است، در هفته آینده ترخیص خواهد شد.

علی مغانی

رئیس اتحادیه چاپخانه‌داران خراسان رضوی

در طول یک سال گذشته، وزارت ارشاد ۳۰ هزار تن کاغذ بین ناشران توزیع کرده است. این ۳۰ هزار تن کاغذ باید تبدیل به ۴۰ میلیون جلد کتاب شده باشد. آیا این اتفاق افتاد؟ خیر. ناشری که کتابش را با ارز دولتی منتشر کرده، کتاب را با چه قیمتی به فروش می‌رساند؟ بر اساس آمار خانه کتاب، قیمت کتاب نسبت به سال گذشته ۸۰ درصد گران‌تر شده است.



باید مسئله کاغذ را حل کنید؛ این طوری نمی شود

● سید مجتبی مؤمنی

ضرورت استفاده از کاغذ

در جست‌وجوهایی که در این باره انجام شده، اولین صحبت‌های ایشان در خصوص کاغذ، ضرورت توجه به موضوع فرهنگ و ضرورت قراردادن کاغذ در اختیار دستگاه‌های تولیدکننده محتوای فرهنگی بوده است. ایشان در آذر ۱۳۶۸، در دیدار با اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی می‌فرمایند: «اگر ما امروز بودجه ارزی یا ریالی را به کار فرهنگی متوجه می‌کنیم، باید توجه نماییم که اگرچه ممکن است در کوتاه‌مدت، این بودجه به درد کارهای اقتصادی و گردش امور اقتصادی کشور ما نخورد، اما در اندکی بعد از کوتاه‌مدت، نه اینکه در بلندمدت زیاد، عایدی‌اش فوراً به خود ما برمی‌گردد؛ مثل همین مسئله انتشارات و کاغذ که ما باید بتوانیم کتاب و نشریه علمی و امثال این‌ها را در اختیار داشته باشیم. باید کاغذ را در اختیار دستگاه‌های فرهنگی گذاشت تا بتوانند این کار مهم را انجام بدهند.»

کاهش هزینه برای مخاطب

این دغدغه در سال‌های بعد وارد ابعاد دیگری می‌شود. توجه به هزینه تمام‌شده کتاب برای مخاطب، از جمله نکاتی است که رهبری به آن توجه می‌کنند. ایشان در سال بعد، یعنی ۱۳۶۹، بعد از بازدید از نمایشگاه

کاغذ و حوزه‌های مرتبط با آن، یکی از مباحث بااهمیت در حوزه تولید و انتشار کتاب محسوب می‌شود. موضوعات مرتبط با کاغذ را در یک نگاه کلی می‌شود به دسته‌های متعددی تقسیم کرد: جنس کاغذ، تولید کاغذ، صرفه‌جویی در مصرف و واردات و صادرات آن و... این موضوعات در نگاه ناشران و مخاطبان کتاب اهمیت بیشتری دارد. اهمیت موضوع از نگاه ناشر از این جهت است که برای تولید کتاب‌ها باید کاغذ مناسب را به‌اندازه و با قیمت مقرون‌به‌صرفه استفاده کنند. بدیهی است در صورتی که ناشران نتوانند کاغذ مناسب و با قیمت مقرون‌به‌صرفه پیدا کنند، این مشکل در قیمت تمام‌شده کتاب‌ها به‌طور مستقیم خودنمایی کرده و قیمت کتاب‌ها افزایش چندبرابری پیدا می‌کند. همین افزایش قیمت در کاغذ، هم دغدغه مخاطب و هم مصرف‌کننده کاغذ می‌شود. اگر همه این‌ها را کنار هم قرار دهیم، به‌صورت زنجیره‌ای و به‌هم‌پیوسته‌ای شاهد کاهش سرانه مطالعه، افت جریان تولید علم و تنزل سرانه پیشرفت علم خواهیم بود.

اهمیت موضوع کاغذ تا جایی است که از سال‌های دور و از جنبه‌های مختلف، در ادبیات و اندیشه رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، به این موضوع اشاره شده و ایشان درباره آن صحبت کرده‌اند.

ما باید بتوانیم کتاب و نشریه علمی و امثال این‌ها را در اختیار داشته باشیم. باید کاغذ را در اختیار دستگاه‌های فرهنگی گذاشت تا بتوانند این کار مهم را انجام بدهند

بین‌المللی کتاب تهران، در مصاحبه با خبرنگار سازمان صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، خطاب به ناشران می‌گویند: «سفارشی هم به ناشران می‌کنم. اگرچه خوب است که کتاب را در کاغذها و جلدهای اعلا چاپ کنند، اما بعضی از کتاب‌هایی که مشتری زیادی دارد، چاپ عمومی و مردمی هم برایش داشته باشند؛ یعنی با کاغذ کاهی و البته با چاپ خوانا منتشر کنند. چاپ باید خوب باشد؛ اما روی کاغذ کاهی بزنند و به میزان زیادی توزیع کنند تا ارزان‌تر تمام بشود و افراد متعدد و زیادتری بتوانند از آن‌ها استفاده کنند.»

توجه ایشان به موضوع کاغذ تا اندازه‌ای است که وقتی در سال ۱۳۷۵ از نمایشگاه بازدید می‌کنند و ناشران هیچ گله‌ای از جریان کاغذ ندارند، ایشان در مصاحبه تلویزیونی خود به آن اشاره می‌کنند.

برای اولین بار

اولین باری که ایشان به‌صورت مستقیم به جریان تأثیر کاغذ بر قیمت کتاب‌ها اشاره مستقیم کردند، در سال ۱۳۷۴ و بعد از نمایشگاه کتاب بود. ایشان بعد از بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب، در مصاحبه با خبرنگار سازمان صداوسیما به مسئله کاغذ اشاره کردند و فرمودند: «مطلب دومی که من امروز فکر کرده بودم بگویم، مسئله کاغذ است. من وقتی از ناشران درباره مشکلشان و فروش کتاب می‌پرسم، بعضی بعد از سؤال من و بعضی بدون سؤال، به مشکل کاغذ اشاره می‌کنند. کاغذ در جامعه ما نباید یک کالای تزیینی و

تجملاتی به حساب بیاید؛ بلکه باید یک کالای اصلی محسوب شود. کما اینکه دولت هم برای کاغذ واقعاً یارانه می‌دهد. علی‌ای حال، الان دولت به روزنامه‌ها، مطبوعات و ناشرین، کمک می‌کند. این کارها می‌شود؛ لکن در عین حال، مشکلات دارند.»

ایشان در ادامه، به‌صورت مستقیم به قیمت تمام‌شده کتاب اشاره کرده و افزودند: «من می‌بینم کتابی را به قیمت گزافی می‌فروشند؛ در حالی که خریدار نمی‌تواند بخرد. من به مواردی برخورد کردم که قیمت‌ها به‌نظم زیاد و بیش از اندازه‌ای که امروز مقتضی است، بود. این بدین خاطر است که ما از لحاظ کاغذ مشکل داریم. خلاصه، باید روی باز یافت، صرفه‌جویی و تولید کاغذ داخلی کار شود؛ یعنی کاری کنند که در کاغذ صرفه‌جویی شود.»

ایشان در انتهای مصاحبه‌شان، به ضرورت موضوع صرفه‌جویی به خصوص در حوزه کاغذ اشاره کردند و گفتند: «امروز با اینکه آدمی گاهی فکر می‌کند که دیگر حالا دوران "ادقوا اقلامکم، قارعوا بین سطورکم" نیست، می‌بینیم نه! اتفاقاً باز هم دوران همین‌هاست. باز هم باید قلم‌ها را ریز تراشید تا کاغذ کمتر مصرف شود و باز هم باید در باب کاغذ، صرفه‌جویی کرد تا به نیاز جامعه برسد. علاوه بر این، مسئله باز یافت کاغذ و همچنین تولید کاغذ داخلی، باید ان‌شاءالله مورد توجه قرار گیرد.»

دغدغه‌مندی در موضوع کاغذ و اهمیت آن را می‌توان در سال ۱۳۷۵ به‌وضوح مشاهده کرد. به نظر می‌رسد که موضوع کاغذ و دغدغه ناشران در این سال تا اندازه‌ای



کاغذ در جامعه ما
نباید یک کالای
تزیینی و تجملاتی
به حساب بیاید؛
بلکه باید یک
کالای اصلی
محسوب شود

تعدیل شده باشد. رهبر انقلاب در خرداد ۱۳۷۵ و بعد از بازدید از نمایشگاه، به موضوع کاغذ اشاره می‌کنند؛ اما این بار از نگاهی متفاوت: «نکته‌ای که باید عرض کنم، این است که ناشران ایرانی مثل سال‌های گذشته، از وضعیت کاغذ شکایت نداشتند. در سال‌های گذشته، گاهی از وضع نامطلوب کاغذ و سایر موارد چاپ و نشر گله و شکایت داشتند که امسال بحمدالله این‌طور نبود. الحمدلله این هم خبر خوبی است.»

یک مطالبه‌ی مستمر

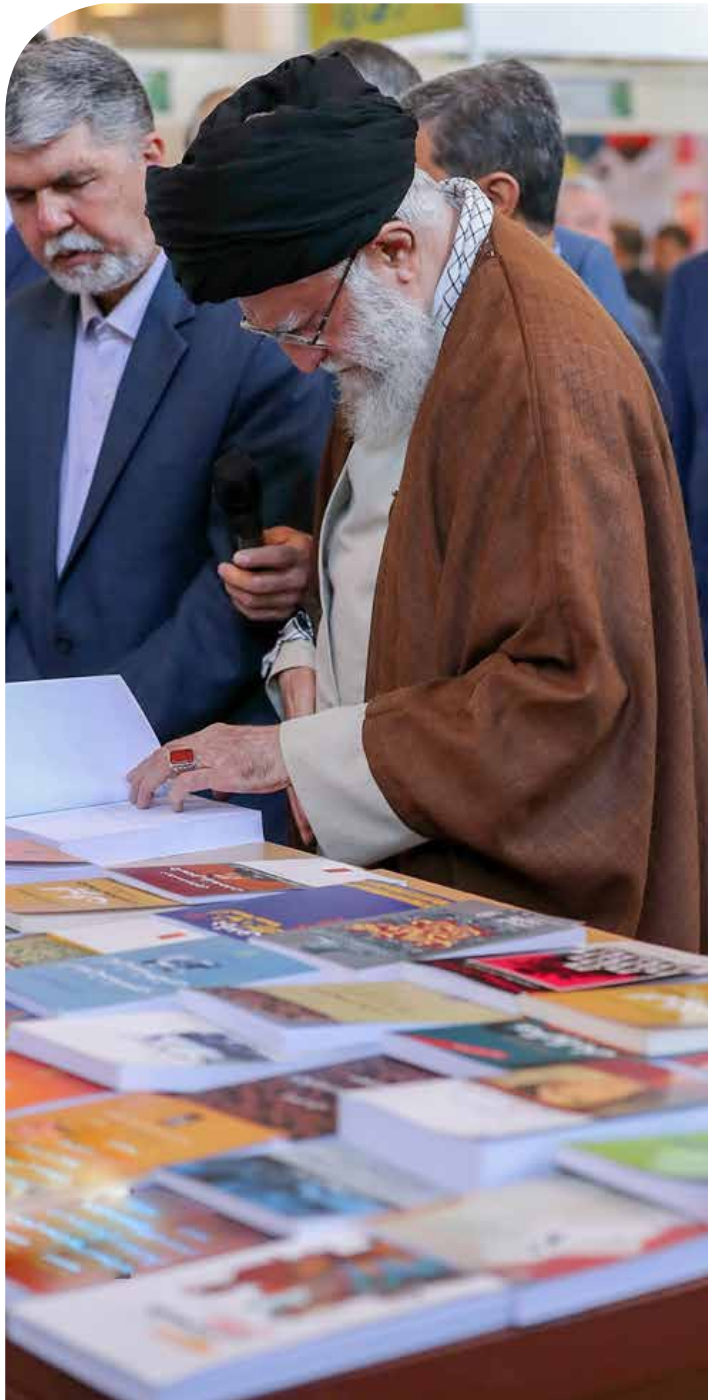
ایشان در سال ۱۳۹۱، در بازدیدی که با همراهی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی وقت گرفت، در خصوص ضرورت توجه به کاغذ و رفع برخی از موانع تولید و نشر کتاب تأکید کردند: «وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی باید با کمک دولت، این موانع به‌ویژه موضوع گرانی کاغذ را برطرف کند.»

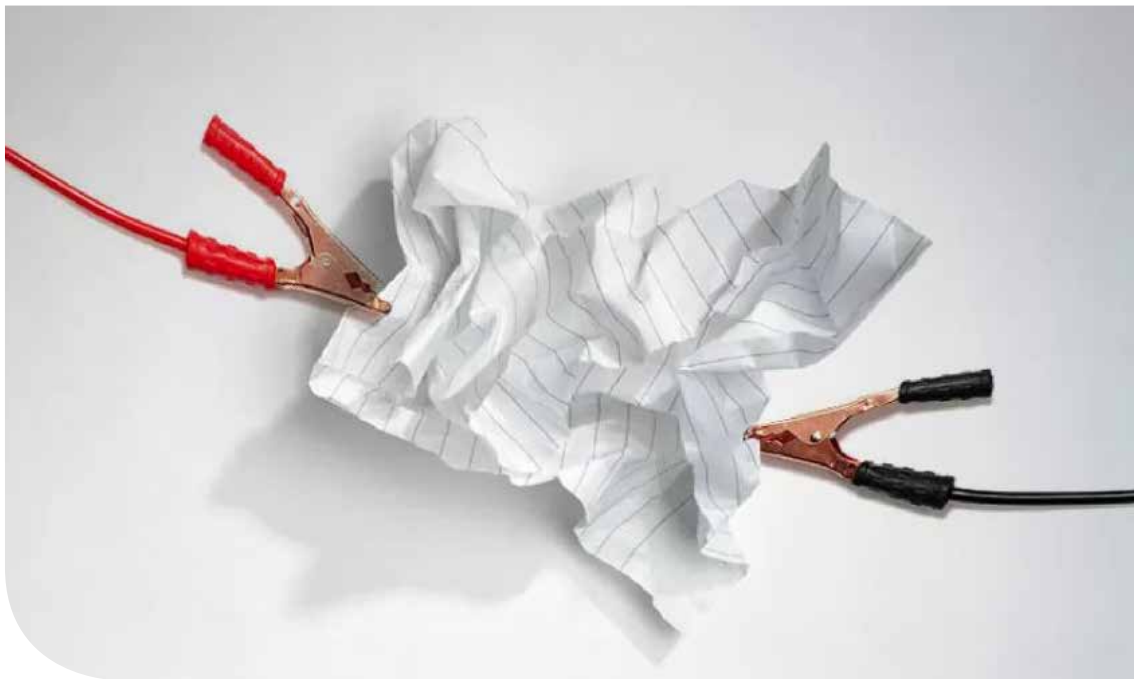
ایشان در ادامه و در خصوص تولید کاغذ در داخل کشور و ملی‌شدن تولید آن، این تولید را از جمله تولیدات امتداددار خواندند و خاطرنشان کردند: «مهم‌ترین تولید ملی، تولید امتداددار است و با برطرف‌شدن مشکلات کارخانه‌های کاغذ، قطعاً راه برای کتاب‌خوانی بیشتر و ارزان‌شدن قیمت کتاب باز می‌شود.»

پیگیری رهبر انقلاب در خصوص موضوع کاغذ از دستگاه‌های مسئول، موضوعی بود که در این سال‌ها به‌صورت متناوب در جریان بوده است. آخرین پیگیری ایشان در خرداد امسال و در حاشیه‌ی بازدید از نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران صورت گرفت.

در این بازدید و در غرقه‌ی مجمع ناشران انقلاب اسلامی، میثم نیلی، مدیر این مجموعه، در حضور رهبر انقلاب مسئله‌ی کاغذ را بزرگ‌ترین مشکل ناشران دانست و گفت: «متأسفانه در کاغذ خودکفا نیستیم. با اینکه راه‌های خودکفایی جلوی روی‌مان باز است.» در این زمان رهبر انقلاب گفتند: «وزیر صنعت شخص اجرایی و پیگیری است» و بعد با اشاره به وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفتند: «جلسه بگذارید و این مسئله را حل کنید. باید مسئله کاغذ را حل کنید. این‌طوری نمی‌شود.»

با بررسی بخشی از نظرات و بیانات رهبر معظم انقلاب، به نظر می‌رسد که دغدغه‌ی تأمین، تولید یا قراردادن کاغذ در اختیار ناشران و سیاست‌گذاری درست در توزیع و تولید این محصول برای خدمت به جریان نشر، سابقه‌ای نزدیک به سه دهه دارد؛ اما متأسفانه در طول این مدت، اقدام اساسی و ماندگاری انجام‌نپذیرفته و بعضاً اقدامات موقت صرفاً به‌منظور تعدیل التهاب بازار کاغذ صورت گرفته است.





هزارتوی بی کاغذی

● محمد تفرشی / محمدحسین علی اکبری

سال ۱۳۹۷ از نظر اقتصادی، سالی پر از تلاطم بود و این به هم ریختگی همچنان ادامه دارد. سال گذشته تقریباً همه بازارها به هم ریخت و بسیاری از کارشناسان اقتصادی ریشه اصلی این مشکل را ارز ۴۲۰۰ تومانی معرفی کردند. بازار خودرو، مسکن، کالاهای اساسی، طلا، سکه، ارز، کاغذ و بسیاری از محصولات دیگر دچار افزایش قیمت ۱۰۰ تا ۴۰۰ درصدی شد. البته شواهد نشان می‌دهد تأمین و واردات کالاهای مورد نیاز کشور در این سال افزایش چشمگیری داشته است؛ اما توزیع نامناسب باعث شد تا کالا با نرخ آزاد ارز به دست مصرف‌کنندگان برسد. نکته جالب ماجرا این بود که برخی کالاها مانند کاغذ، متقاضی با نرخ ارز آزاد هم داشتند؛ اما به دلیل احتکار صورت گرفته، محصولی در بازار نبود که بتوانند تهیه کنند.

سال ۱۳۹۷ برای فعالان صنعت نشر با اوج‌گیری بحران کاغذ در زمان برگزاری سی و یکمین نمایشگاه کتاب آغاز شد. این نمایشگاه با نامشخص ماندن وضعیت ۸۶ درصد کاغذهای وارد شده به کشور با مجوز صادر شده از سوی دو وزارتخانه فعال یعنی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت صمت پایان یافت؛ اما این پایان بحران نبود.

تداوم بحران در سال ۱۳۹۸ منجر به ثبت رکوردهای حیرت‌انگیز در قیمت کاغذ شد؛ به طوری که هم‌زمان با برگزاری سی و دومین نمایشگاه کتاب تهران، قیمت هر بند کاغذ به حدود ۵۶۰ هزار تومان رسید. تعطیلی، کاهش تعداد صفحات و شمارگان برخی مطبوعات و کاهش حدود ۲۰ درصدی انتشار کتاب، از نخستین پیامدهای کوتاه‌مدت تداوم بحران بود و پیامدهای بلندمدت آن در قالب خسارت‌های فرهنگی هنوز بروز نیافته است.

همه این اتفاقات در اوضاعی به وقوع پیوست که بررسی‌ها نشان می‌دهد در سال ۱۳۹۷، مجموع واردات حوزه کاغذ اعم از انواع کاغذ، ماشین آلات و خمیر کاغذ، ۸۱۲ میلیون دلار بوده که نسبت به واردات ۵۷۳ میلیون دلاری سال ۱۳۹۶، حدود ۴۱ درصد افزایش یافته است. همچنین مطابق آمارهای گمرک، در سال ۱۳۹۷، بیش از ۳۴ میلیون دلار کاغذ روزنامه با ارز دولتی ۴۲۰۰ تومانی وارد شده است. با وجود این، قیمت کاغذ در مقطعی از زمان تا پنج برابر نسبت به قبل افزایش یافت و به یک بحران تبدیل شد. در این مطالب قصد داریم نقش وزارتخانه‌ها و نهادهای مختلف را در کنترل یا تشدید این بحران تحلیل و بررسی کنیم.

هزارتوی بی کاغذی

نگاهی به عملکرد کارگروه کاغذ در بحران کاغذ

کارگروه کارنابند

کارگروهی به وزارت ارشاد سپرده شد تا این بخش هم مانند گمرک از چندتصمیمی رنج ببرد. برخی کارشناسان حوزه تجارت معتقدند ثبت سفارش باید در وزارت صمت انجام شود؛ اما عملیات ترخیص آن با وزارت اقتصاد است که همین موضوع به مشکلات تجارت افزوده است. کارگروه کاغذ با هدف پایان دادن به همین بی نظمی ها و نابسامانی ها شکل گرفت؛ اما این اقدام حاصل چندانی در پی نداشت.

اقدامات مسکنی

در یک سال گذشته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان عضوی از بدنه دولت، اقدامات متعددی برای حل بحران کاغذ انجام داد. با وجود رفع پاره ای از مشکلات، به صورت موقت، هیچ کدام راهکاری اساسی نبوده است.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یک پای ماجرای کاغذ است و مسئول توزیع این کالای اساسی را بر عهده دارد. البته هم پوشانی وظایف وزارت صمت و وزارت ارشاد در زمینه کاغذ باعث شده است تا در زمان بحران، هیچ کدام خود را مسئول حل مشکل ندانند و دستگاه دیگر را موظف بدانند. در این میان، اظهار نظر برخی مدیران در وزارت ارشاد، آب پاکی را روی دست همه ریخت. محسن جوادی، معاون فرهنگی این وزارتخانه اعلام کرد: «وزارت ارشاد مقام نظارتی دارد که امیدواریم در سایه این راهنمایی و نظارت، توزیع کاغذ منظم تر از گذشته شود.» ماجرا از جایی شروع شد که به منظور سازمان دهی بازار کاغذ، کارگروه کاغذ در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل شد. این مسئولیت در قالب یکی از وظایف ستاد تنظیم بازار انجام می شد؛ اما موضوع کاغذ در قالب

هم پوشانی وظایف وزارت صمت و وزارت ارشاد در زمینه کاغذ باعث شده است تا در زمان بحران، هیچ کدام خود را مسئول حل مشکل ندانند و دستگاه دیگر را موظف بدانند

دولت به منظور کاهش قیمت کاغذ، این محصول را در فهرست کالاهای اساسی قرار داد؛ اما همان طور که کارشناسان اقتصادی عنوان می کنند، ارز ۴۲۰۰ تومانی فسادزاست. به عبارتی، تخصیص ارز ارزان به این محصول، به جای اینکه باعث شود کالا با قیمت کمتری به دست مصرف کننده برسد، برخی افراد را به سرمایه های کلان رساند.

باید توجه کرد که واردات کاغذ از سوی واردکنندگان مورد تأیید وزارت ارشاد با ارز ۴۲۰۰ تومانی، در نیمه دوم سال گذشته تا حدودی نیاز ناشران را به کاغذ مرتفع کرده است؛ اما در این زنجیره، گروهی دیگر شامل چاپخانه داران و... هستند که دیده نشده اند. ناشران نیز در این میان از حجم کاغذهای دریافتی راضی نیستند.

واردات به صرفه تر است!

از طرفی، اقدامات کارگروه کاغذ وزارت ارشاد به هیچ وجه در جهت حمایت از تولیدکنندگان داخلی کاغذ نیست. فرشاد مقیمی، معاون وزیر صنعت، معدن و تجارت، در ۱۲ تیر سال جاری به خبرنگار مهر گفت: «در سال ۱۳۹۷، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، نوع ارز پرداختی به واردات کاغذ را به ۴۲۰۰ تومان تغییر داد که این موضوع هم اکنون منجر به تولید نشده است؛ چراکه واردات به صرفه تر است. این در حالی است که مواد اولیه وارداتی برای تولید کاغذ چاپ و تحریر، باید ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده و نیز حقوق ورودی چوب را نیز بپردازد که این شرایط سبب شده تا تولیدکننده داخلی امکان تولید نداشته باشد.» در حقیقت، تسهیل شرایط برای واردکنندگان کاغذ در کنار حمایت نکردن از تولید داخلی، ضربه سختی به تولیدکنندگان داخلی کاغذ وارد کرد. این موضوعی

است که برخی از واردکنندگان نیز به آن اشاره می کنند. محمد متولی، از ناشران واردکننده کاغذ، در این خصوص می گوید: «مشکل کاغذ از زمانی شروع شد که تولید داخل جدی گرفته نشد و به جای توسعه و تقویت تولید داخل، چشم ها به واردات دوخته شد. در مسیری که فساد به وجود آمده است، بالاخره برخی سودجو هم از این موقعیت بهره می برند و سود خودشان را افزایش می دهند.» اما متأسفانه ظاهراً گوش شنوایی وجود ندارد.

دولت تصویب می کند؛ اما اجرا نمی کند

بی توجهی ارشاد به تولید کاغذ داخلی، به سال ها قبل از تشکیل کارگروه کاغذ بازمی گردد. در سال ۱۳۸۵ که دولت تصویب کرد یارانه کاغذ از تولیدکننده به سمت مصرف کننده هدایت شود، به تولیدکنندگان داخلی وعده داد به آن ها برای ارتقاءشان یاری رساند و با حمایت تعرفه ای، قوای واردات و تولید را هم سنگ کند؛ اما در این مسیر، ارشاد همواره مخالف افزایش تعرفه واردات باقی ماند. سیدطاهر شبیری، دبیر سابق سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا، در این خصوص به خبرنگار مهر می گوید: «در همه جای دنیا، جنگ استفاده از ابزار تعرفه ها برای حمایت از تولید داخل وجود دارد و این یک سیاست منطقی و توجیه پذیر است. از سال ۱۳۸۵ تا کنون، هنوز این اتفاق رخ نداده و دولت مصوبه خودش را اجرا نکرده است. از سال ۱۳۸۵ تا کنون، مصوبه دولت معطل تصمیم گیری دولت است. جالب اینکه وزارت ارشاد از همان زمان که یارانه را برای رساندن به مخاطبان در دست گرفت، با افزایش تعرفه واردات کاغذ مخالفت کرد. در طول این سال ها، وزارت محترم ارشاد هیچ گاه حاضر به پذیرش تعرفه حمایتی از واردات کاغذ روزنامه و



مشکل کاغذ از زمانی شروع شد که تولید داخل جدی گرفته نشد و به جای توسعه و تقویت تولید داخل، چشم ها به واردات دوخته شد



واردکنندگان کاغذی که سازمان تعزیرات حکومتی آن را منتشر کرده، نشان می‌دهد یک شرکت ۲۲۶۰ تن کاغذ به ارزش یک میلیون و ۴۲۳ هزار و ۵۳۰ پیورو به کشور وارد کرده است که به دلیل ابعادش، در بسیاری از مطبوعات اصلی کشور نمی‌شود از آن استفاده کرد.

در حقیقت به جز چند نشریه، سایر نشریات کشور قادر به استفاده از کاغذی با قطر رول ۱۲۰ سانتی‌متر در چاپخانه‌های خود نیستند. به همین دلیل، کاغذی که این شرکت وارد کرده و ارشاد پارانۀ ۴۲۰۰ تومانی به آن اختصاص داده است، مرهمی بر درد مشکل کمبود کاغذ مطبوعات نخواهد بود. این شرکت واردکننده طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که مطبوعات به صورت مکتوب، خواسته خود را مبنی بر اینکه کاغذی که وارد شده به درد آن‌ها می‌خورد یا خیر، مطرح کنند. همین موضوع شک سوءاستفاده از ارز ۴۲۰۰ تومانی را به یقین تبدیل کرد؛ زیرا کاغذ وارداتی بیشتر به درد لمینت و کار چاپ بر روی جعبه‌های خرما و... می‌خورد و برای این نوع کاغذ ارز ۴۲۰۰ تومانی تخصیص داده و پرداخت شده است.

فراموش شدن وظیفه نظارتی!

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی چندی قبل، در حالی جدول‌های واردات کاغذ با ارز دولتی را منتشر کرد که در میان آن‌ها، شرکتی به چشم می‌خورد که با وجود تأمین ارز در سال ۱۳۹۶ برای واردات کاغذ، هنوز محصولی را به بازار عرضه نکرده است.

بر اساس اطلاعات منتشرشده از سوی این وزارتخانه در سال جاری، حداقل ۳۶ پرونده برای واردات کاغذ چاپ

چاپ و تحریر نشد و هیچ‌گاه فهرستی از دریافت‌کنندگان پارانۀ کاغذ را در اختیار هیچ نهاد و شخصی قرار نداد. «نظارت دولت بر قیمت‌گذاری و توزیع کاغذ تا سال ۱۳۸۵ ادامه پیدا کرد. در این سال، با فعالیت‌های زیاد و اقدامات و توجیهات علمی و عملی، دولت تصویب کرد تا پارانۀ کاغذ از تولیدکننده به سمت مصرف‌کننده هدایت شود و در جهت ارتقاء توان تولید داخلی کاغذ، از شمول قیمت‌گذاری خارج شود تا امکان رشد و توسعه واحدها با استفاده از فضای عرضه و تقاضا میسر شود؛ اما متأسفانه مصوبۀ دولت به دلیل تأسی نکردن وزارتخانه‌های مسئول اجرای آن از بندهای حمایتی تولید، مسیر دیگری را طی کرد. این مسیر موجب تضعیف بیش از پیش صنعت و نهایتاً کاهش توان تولید داخلی در مقابل واردات شد.

قوزبالاقوز

با توجه به اینکه فروش نفت ایران به سختی انجام می‌شود، بانک مرکزی برای تأمین ارز همه محصولات که ثبت سفارش می‌شود، منابع کافی در اختیار ندارد و این کار بر اساس اولویت انجام می‌شود. متأسفانه، همین ارز محدود تخصیص داده شده نیز به درستی استفاده نمی‌شود. برخی شواهد نشان می‌دهد این ارز در اختیار برخی از واردکنندگانی قرار داده شده که در این حوزه تخصص ندارند و مشکلات دیگری را در پی داشته است. بررسی‌ها نشان می‌دهد وزارت ارشاد به کاغذی مجوز ورود داده که به درد روزنامه‌ها نمی‌خورد. برای بررسی بیشتر این موضوع، با مسئولان این وزارتخانه تماس گرفتیم؛ اما جوابی جز سکوت نگرفتیم. جدول

جدول
واردکنندگان
کاغذی که سازمان
تعزیرات حکومتی
آن را منتشر کرده،
نشان می‌دهد
یک شرکت
۲۲۶۰ تن کاغذ به
ارزش یک میلیون
و ۴۲۳ هزار و
۵۳۰ پیورو به کشور
وارد کرده است که
به دلیل ابعادش،
در بسیاری از
مطبوعات اصلی
کشور نمی‌شود از
آن استفاده کرد

و تحریر و بالک و چهار پرونده برای واردات کاغذ چاپ و تحریر رول بررسی شده که منجر به تأیید واردات بیش از ۱۶ هزار تن کاغذ با ارزش بیش از ۱۶ میلیون دلار شده است. جالب اینکه از این میزان، کمی بیش از ۳ هزار تن با ارزش کمی بیش از ۳ میلیون دلار تا کنون از گمرک ترخیص شده است. سؤال اینجاست که باقی این تقاضاهای واردات راه به کجا برده است.

در حالی که اکثر فعالان حوزه چاپ و نشر معتقدند مشکل نه در کمبود کاغذ، بلکه در نحوه توزیع آن نهفته است، کارگروه کاغذ گویی در تمام این مدت، وظیفه نظارتی خود را یکسره فراموش کرده است و فقط پس از برگزاری نمایشگاه کتاب و در آخرین هفته اردیبهشت به یاد آورده که نقش نظارتی هم دارد!

حسین انتظامی، دبیر کارگروه کاغذ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در ۲۹ اردیبهشت سال جاری، در نشست خبری کارگروه کاغذ در پاسخ به سؤالی درباره نظارت بر واردات و توزیع کاغذ گفت: «مسئله نظارت از جمله وظایف کارگروه از زمان تأسیس آن بوده است. هفته گذشته، در همین کارگروه جلسه برگزار شد و در آن نمایندگان سازمان حمایت و سازمان تعزیرات، پیشنهادهای خود را در این زمینه بیان کردند که در جلسه امروز ما، آن پیشنهادها مصوب شد. در واقع، کمیته‌ای سه‌جانبه متشکل از سازمان تعزیرات، سازمان نظارت و کارگروه، مسئله نظارت را بررسی و تصویب کرده است و پیشنهادهای عملی آن‌ها به تصویب رسید که اجرای آن‌ها نیز از این هفته شروع خواهد شد. بر این اساس، این نظارت به شکلی خواهد بود که کاغذ واردشده با ارز دولتی حتماً به مصرف‌کننده حقیقی برسد و کاغذ وارداتی به بازار سیاه نیز راه پیدا نکند.»

حال، باید دید این جلسه دیر هنگام تا چه حد می‌تواند در کنترل توزیع کاغذ مؤثر واقع شود.

کارگروه کارنابلد!

کارگروه کاغذ وزارت ارشاد در شهریور ۱۳۹۷، با هدف سامان‌دهی بازار کاغذ تشکیل شد؛ اما اکنون پس از گذشت نزدیک به یک سال، بازار کاغذ همچنان در اوضاع بحرانی است و می‌شود نتیجه گرفت این کارگروه نتوانسته است عملکرد موثقی داشته باشد. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از ابتدا نیز صلاحیت برخی متقاضیان واردات محل تردید بوده؛ ولی کارگروه در غربال نمودن آن‌ها دقت لازم را به خرج نداده است. از طرفی، ادعا می‌شد برخی از افرادی که در کارگروه عضو بوده‌اند، خود در واردات کاغذ ذی‌نفع بوده‌اند و همین موضوع شرایط را برای سوءاستفاده از ارز دولتی فراهم کرده است.

غلامرضا شجاع که عضو کارگروه سامان‌دهی کاغذ است، این موضوع را قویاً تکذیب می‌کند؛ اما مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی به سوءاستفاده ذی‌نفعان از تصمیمات کارگروه اشاره نموده و بر ضعف شدید ساختار این کارگروه تأکید می‌کند.

میثم نیلی با بیان اینکه چندین نهاد در به‌وجود آمدن وضع فعلی کاغذ و اوضاع نابسامان آن مسئول‌اند، به گزارشگر روزنامه کیهان می‌گوید: «اول و مهم‌تر از هر جایی، کارگروه کاغذ مسئول است. آقای حسین انتظامی مسئول این کارگروه هستند. البته دستگاه‌های دیگری هم در دل کارگروه کاغذ حضور دارند. وزارت صمت، مجموعه‌های نظارتی و... عضو این کارگروه هستند. گاهی اوقات این مجموعه‌ها مدعی می‌شوند که ابزارهای کافی را در اختیار ندارند؛ در حالی که اگر این طور بوده، چرا در این مدت جابه‌جا نشدند و برای تغییر وضعیت کاری انجام ندادند؟»

محمد رحمانیان، مدیرمسئول روزنامه شرق نیز از منتقدان عملکرد وزارت ارشاد است. وی در گفت‌وگوی خود با خبرگزاری مهر در تاریخ ۲۴ تیر سال جاری گفت: «ریشه اصلی مشکل کاغذ را در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می‌بینم. این مشکل برای روزنامه شرق کار را به جایی رساند که طی هفته گذشته، برای تأمین کاغذ برای چاپ شبانه به مشکل برخوردیم.» وی ادامه داد: «وزارت ارشاد برای رفع مشکل روزنامه شرق اعلام کرد که دو تن کاغذ با ارز نیمایی تخصیص خواهد داد که همین میزان نشان می‌دهد افرادی که در آنجا مشغول هستند، درک درستی از کار مطبوعات ندارند. بعد از اینکه مشکل کاغذ برای مجموعه ما حل نشد، ناگزیر از همکارانمان در سایر نشریات کاغذ قرض گرفتیم.» مدیرمسئول روزنامه شرق افزود: «کارگروه تشکیل شده برای حل مشکل کاغذ دارای مشکل است و برای حل بحران کاغذ، باید این کارگروه کنار گذاشته شود و با سازوکار دیگری واردکنندگان کاغذ مطبوعات را تأمین کنند.»

شاید گفته‌های میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی، یکی از علل اصلی مؤثر واقع نشدن کارگروه کاغذ را نشان دهد. وی با انتقاد از قرارگرفتن سرپرست سازمان سینمایی وزارت ارشاد در رأس کارگروه کاغذ به خبرنگار کیهان گفت: «دغدغه نخست آقای انتظامی سینماست. ایشان الان رئیس سازمان سینمایی هستند و طبیعی است که دردی که خانواده نشر تحمل می‌کند، دیرتر به ایشان منتقل شود. بنابراین کارگروه کاغذ در وزارت ارشاد، نیازمند تغییر ساختار، مدیریت و تجدید بنا است. این کارگروه قطعاً کارآمد نبوده، نیست و باید بازسازی شود.»

دغدغه نخست
آقای انتظامی
سینماست.
ایشان الان رئیس
سازمان سینمایی
هستند و طبیعی
است که دردی که
خانواده نشر تحمل
می‌کند، دیرتر به
ایشان منتقل شود

نگاهی به عملکرد وزارت صنعت در بحران کاغذ

حمایت فرا موش شده

وزارت صنعت، معدن و تجارت یکی از سازمان‌های درگیر در مسئله تولید کاغذ است و در حوزه واردات، مسئولیت تأیید ثبت سفارش را نیز بر عهده دارد. از طرفی، به استثنای محصولات کشاورزی، مسئولیت نظارت بر بازار و تنظیم آن نیز بر عهده وزارت صنعت است. برای شروع، به سراغ این وزارتخانه می‌رویم تا ببینیم برای حل بحران کاغذ چه اقداماتی انجام داده است.

چه سیاستی تولید کاغذ را از بین برد؟

متأسفانه در سال‌های اخیر، وابستگی کشور به واردات کاغذ چاپ و تحریر افزایش یافته و همین موضوع سبب شده است قیمت کاغذ وابستگی مستقیمی به نرخ ارز داشته باشد. از پاییز ۱۳۹۶ که جهش نرخ ارز از ۳۷۰۰ تومان آغاز شد و در مقطعی به حدود ۲۰ هزار تومان رسید، در کنار احتکار و توزیع نامناسب، این افزایش نرخ سبب شد قیمت کاغذ تا حدود شش برابر افزایش یابد. این در حالی است که برای سایر کالاهایی که بخشی از آن در داخل کشور تولید می‌شود، چنین افزایشی اتفاق نیفتاد و سهم تولید داخل تا حدی توانست جلوی رشد افسارگسیخته قیمت‌ها را بگیرد.

اگر از مسئولان وزارتخانه صنعت بپرسید چرا کارخانه‌ها کاغذ تحریر تولید نمی‌کنند، توپ را به زمین وزارت ارشاد خواهند انداخت. همه در دسره‌های تولید کاغذ تحریر از همین جا آغاز می‌شود. در واقع، هم اکنون

سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کاغذ را دو وزارتخانه پیگیری می‌کنند. وزارت صنعت مسئول سیاست‌گذاری‌های مربوط به کاغذ غیرتحریر و وزارت ارشاد مسئول سیاست‌گذاری‌های مرتبط با کاغذ چاپ و تحریر است.

به نظر می‌رسد وزارت صنعت توانسته در خصوص کاغذهای غیرتحریر عملکرد مقبولی داشته باشد و امروز نه تنها بخش عمده‌ای از نیاز داخلی تأمین می‌شود، بلکه صادرات نیز انجام می‌شود؛ اما سیاست‌گذاری‌های وزارت ارشاد درباره کاغذ چاپ و تحریر، واردات محور هستند.

فرشاد مقیمی، معاون امور صنایع وزارت صنعت، در گفت‌وگو با خبرگزاری مهر به این موضوع اشاره می‌کند و می‌گوید: «هم‌اکنون مجتمع‌های چوب و کاغذ مازندران، کاغذ پارس و مجتمع کاغذ امیرآباد، توانایی تولید کاغذ چاپ و تحریر را دارند. این در حالی است که وزارت ارشاد به منظور تنظیم بازار، سیاست خود را بر این گذاشته تا مالیات بر ارزش افزوده را برای کسانی که واردات این نوع کاغذ را انجام می‌دهند، صفر در نظر گرفته و آن‌ها را معاف کند؛ ضمن اینکه حقوق و عوارض و تعرفه‌ها را به ۵ درصد کاهش داده است.»

مقیمی افزود: «در سال گذشته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوع ارز پرداختی به واردات کاغذ را به ۴۲۰۰ تومان تغییر داد که این موضوع هم‌اکنون منجر به تولید نشده است؛ چراکه واردات به صرفه‌تر است؛ در حالی که مواد اولیه وارداتی برای تولید کاغذ چاپ و تحریر باید

در سال گذشته، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی نوع ارز پرداختی به واردات کاغذ را به ۴۲۰۰ تومان تغییر داد که این موضوع هم‌اکنون منجر به تولید نشده است؛ چراکه واردات به صرفه‌تر است



به تفکیک شرکت اقدام نماید و فهرست شرکت‌های متخلف را به دستگاه‌های مسئول و دبیرخانه ستاد تنظیم بازار ارائه کند.

در این راستا ستاد تنظیم بازار، مسئولیت‌های بانک مرکزی را در راستای رفع تعهد ارزی و آزادسازی تضامین دریافت‌کنندگان ارز ۴۲۰۰ تومانی کاغذ در سال ۱۳۹۷ و ۱۳۹۸ تعیین کرد.

به این ترتیب، ثبت سفارش‌های تأمین ارز شده با نرخ ۴۲۰۰ تومان که قبل از شانزدهم مرداد سال گذشته ترخیص شده‌اند، منوط به ارائه تأییدیه سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان شد. بنابراین، همه ترخیص‌کنندگان کاغذ ۴۲۰۰ تومانی قبل از تاریخ فوق، باید با مراجعه به سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و ارائه فاکتور فروش و فهرست توزیع، برای دریافت تأییدیه اقدام کنند.

با وجود همه این مصوبات، مشکلات همچنان وجود دارند. بانک مرکزی همچنان درگیر بحران تأمین ارز است و سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان نیز تاکنون در این زمینه گزارشی ارائه نکرده است.

تلاش‌های خبرنگار ما هم برای گفت‌وگو با عباس تابش، رئیس سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، بی‌نتیجه ماند؛ اما یکی از کارشناسان روابط عمومی این سازمان به خبرنگار ما گفت: «موضوع کاغذ به صورت مستقیم به سازمان ما مربوط نمی‌شود و اگر دستگاه‌های متولی تنظیم بازار گزارشی در این زمینه بخواهند، آن را ارائه می‌کنیم؛ اما مستندات مبنی بر اینکه بحران کاغذ به این سازمان مربوط می‌شود، وجود ندارد.»

۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده و نیز حقوق ورودی چوب را نیز بردارد که این شرایط سبب شده تا تولیدکننده داخلی امکان تولید را نداشته باشد.»

انگیزه‌های ارشاد از سیاست‌های واردات محور هرچه باشد، این موضوع واضح است که سیاست‌گذاری به جایی واگذار شده که نمی‌توان از آن انتظاری غیر از واردات داشت. ارشاد ماهیتاً وزارت فرهنگ و غیراقتصادی است و حتی اگر تصمیم بگیرد سیاست‌هایی تولیدمحور اتخاذ کند، ابزارهای لازم را برای اجرای آن‌ها در اختیار ندارد.

این وزارت صمت است که موظف است بر اساس راهبردهای صنعتی و تجاری کشور، از توسعه زیرساخت‌ها و واحدهای صنعتی در کشور حمایت نماید. این وزارت صمت است که برای توسعه صنعت، معدن و تجارت کشور باید حمایت سرمایه‌گذارهای داخلی و خارجی را جذب نماید.

از تولید که بگذریم، وزارت صمت حتی وظیفه تنظیم بازار را هم بر عهده دارد. طبق شرح وظایف این وزارتخانه، سامان‌دهی زنجیره‌های تأمین و توزیع کالا و خدمات و مدیریت تنظیم و کنترل بازار و نظارت بر شبکه‌های توزیع کالا بر عهده وزارت صمت است.

ستاد تنظیم بازار دقیقاً چه می‌کند؟

در تیر سال جاری، ستاد تنظیم بازار گزارشی از کمیته سامان‌دهی کاغذ دریافت کرد. این ستاد مقرر کرد که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با اخذ فهرست دریافت‌کنندگان ارز برای واردات کاغذ در سال گذشته تا کنون، به منظور کنترل عملکرد آن‌ها و ارائه گزارشی از رفع تعهد ارزی و تحویل کالا در شبکه تحت نظارت،

ارشاد ماهیتاً
وزارت فرهنگ و
غیراقتصادی
است و حتی اگر
تصمیم بگیرد
سیاست‌هایی
تولیدمحور اتخاذ
کند، ابزارهای لازم
را برای اجرای آن‌ها
در اختیار ندارد

نگاهی به عملکرد بانک مرکزی در بحران کاغذ

ارز دولتی در جیب همسایه‌ها!

با مجوز ارشاد بود و همه آن‌ها بین نشریات توزیع و در سامانه ثبت شده است.»

برخی آمارها نشان می‌دهد ۸۷۲ میلیون دلار از سوی بانک مرکزی برای هفت تعرفه گمرکی در حوزه کاغذ تأمین شده است؛ ولی آنچه ارشاد تأیید می‌کند، ۲۷۰ میلیون دلار کاغذ وارد کشور شده است که عبارت‌اند از کاغذ روزنامه‌ای، چاپ و تحریر، چاپ و تحریر رند، بالکی و NWC.

ارز دولتی محدود در جیب همسایگان بانک مرکزی؟

تلاش‌های خبرنگار ما برای برقراری ارتباط با مقامات بانک مرکزی بی‌نتیجه ماند؛ اما برخی مدیران این بانک اعلام کردند اگر بانک مرکزی ارز کافی در اختیار داشته باشد، بدون شک هیچ کالایی در گمرک نمی‌ماند و بدون معطلی می‌تواند ترخیص شود؛ اما زمانی که با محدودیت ارزی مواجه هستیم، کالاها بر اساس اولویت به مرحله پرداخت ارز می‌روند. این مدیران به‌هم‌ریختگی بازار کاغذ را ناشی از پرداخت نشدن ارز نمی‌دانند و می‌گویند نظارت بر عهده بانک مرکزی نیست و وظیفه این بانک تأمین ارز و پرداخت آن به واردکننده است که تاکنون این کار انجام شده است.

البته در خصوص نحوه اختصاص ارز دولتی به

باور می‌کنید اگر بگوییم کاغذ همین مطلبی که شما الان در حال خواندن آن در این مجله هستید، به‌سختی تهیه شده است؟ بحران کاغذ از جایی شدت یافت که تأمین ارز واردات آن توسط بانک مرکزی با مشکل روبه‌رو شد. تأمین ارز توسط بانک مرکزی همانند این است که شما از فروشگاه خرید کنید و تا زمانی که پول کالاهایی را که قصد خرید دارید پرداخت نکنید، اجازه خروج آن کالا را به شما نمی‌دهند. آن‌طور که وزارت صمت اعلام کرده است، ارز مورد نیاز برای واردات مواد اولیه تولید کاغذهای چاپ و تحریر و روزنامه، از سوی بانک مرکزی در اولویت ویژه قرار دارد؛ اما آمارها نشان می‌دهد فقط ۲۷ درصد ثبت سفارش‌های تأییدشده از سوی وزارت صمت، از طرف بانک مرکزی گشایش اعتبار شده است. از این مقدار نیز مقادیر کمتری منجر به انتقال ارز به فروشنده شده و در نهایت، مقادیر کمتری کاغذ وارد شده است.

سیدمحمد رضا دربندی، مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در گفت‌وگو با خبرنگاری تسنیم به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «در سال ۱۳۹۷، در مجموع از کل مقداری که کارگروه کاغذ برای واردات کاغذ روزنامه تأیید کرد، ۸۰ درصد توسط وزارت صمت تأیید شد که بانک مرکزی تنها به ۲۰ درصد این ۸۰ درصد ارز داد و تاجران کاغذ توانستند حدود ۱۲ هزار تن کاغذ وارد و ترخیص کنند که این مقدار

آمارها نشان می‌دهد فقط ۲۷ درصد ثبت سفارش‌های تأییدشده از سوی وزارت صمت، از طرف بانک مرکزی گشایش اعتبار شده است



واردکنندگان، حرف و حدیث‌های زیادی وجود دارد. روزنامه شرق در تاریخ ۱۶ تیر ۱۳۹۷، از دو شرکت «هانا تجارت پرلیت» و «خدمات پشتیبانی صنعت ساحل پرشیا» نام برد که دفترشان دیواربه‌دیوار بانک مرکزی واقع شده و در حالی که در بازار کاغذ هیچ‌کس آن‌ها را نمی‌شناسد، توانسته‌اند از بانک مرکزی ۲۲ میلیون یورو ارز دولتی برای واردات کاغذ دریافت کنند! ماجرا وقتی جالب‌تر می‌شود که بدانیم در فهرست واردکنندگان کاغذ به کشور از ابتدای سال ۱۳۹۷، اثری از نام این دو شرکت نیست. بانک مرکزی منکر ارتباط این افراد با بانک است؛ اما گفته‌های صاحب‌ملکی که این دو شرکت ملک او را برای چند ماه اجاره کرده بودند، نشان می‌دهد این افراد اگرچه در بازار کاغذ ناشناس هستند، به نظر می‌رسد در بانک مرکزی چندان غریبه نبوده‌اند.

از آنجایی که در اوضاع فعلی، نقش بانک مرکزی در تنظیم بازار کالاهای اساسی بسیار پررنگ است و کوچک‌ترین تصمیم در این حوزه ممکن است منجر به برهم‌خوردن تعادل و افزایش قیمت‌ها در بازار شود، لازم بود این نهاد حساسیت بیشتری در تخصیص ارز دولتی نشان می‌داد و همان منابع محدود را در اختیار واردکنندگان قدیمی و شناسنامه‌دار بازار کاغذ قرار می‌داد.

هم‌دستی گمرک و بانک مرکزی برای گرانی کاغذ!

اهمال کاری در تخصیص ارز به واردکنندگان معرفی شده از سوی کارگروه کاغذ و صمت، تنها نکته منفی در کارنامه بانک مرکزی نیست. افسانه محرایی، مدیرکل دفتر صنایع نساجی، پوشاک و سلولزی وزارت صنعت، معدن و تجارت، در گفت‌وگویی با کیهان که در تاریخ ۲۳ اردیبهشت سال جاری منتشر شده است، با اشاره به لزوم ترخیص واردات کاغذ با ارز ۴۲۰۰ تومانی برای کاهش التهابات بازار کاغذ گفت: «در حال حاضر، گمرکات در هماهنگی با بانک مرکزی، تمامی ثبت سفارش‌هایی را که با نرخ ۴۲۰۰ تأمین ارز شده و بعضاً وارد کشور شده، ولی ترخیص نشده‌اند، ملزم به پرداخت مابه‌التفاوت تا نرخ ارز نیمایی دانسته‌اند.» این عملکرد در مغایرت با تصمیمات دولت به‌منظور کنترل بازار کاغذ است و مشخص نیست چرا این ناهماهنگی با اعتراض دولت روبه‌رو نمی‌شود.

ارز دولتی به مصرف‌کننده نمی‌رسد

تداوم نابسامانی در بازار کاغذ، درباره واردات کاغذ با ارز دولتی تردیدهایی جدی ایجاد کرد و البته این تردید منحصر به واردات کاغذ نشد. سرانجام، نمایندگان مجلس در زمان اصلاح ساختار بودجه تصریح کردند ارز

۴۲۰۰ تومانی برای واردات کالاهای اساسی حذف شود و مابه‌التفاوت آن یا به‌صورت نقدی یا به‌صورت کالایی در اختیار مردم قرار گیرد. تصمیم مجلس به این دلیل بود که کالاهایی که با ارز ارزان ۴۲۰۰ تومانی وارد کشور می‌شود، با همان نرخ به دست مردم نمی‌رسد و مابه‌التفاوت آن در جیب برخی افراد سودجو قرار می‌گیرد. بنابراین، بهتر است این مابه‌التفاوت مستقیم به جیب مردم وارد شود، تا اینکه برخی افراد رانت‌خوار از آن بهره‌مند شوند؛ اما تصمیم و پافشاری دولت بر این بود که می‌خواهد نرخ ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای کالاهای اساسی ادامه دهد که کاغذ هم در این بخش قرار دارد.

همچنین برخی کارشناسان معتقدند دولت به‌جای اینکه به بانک مرکزی دستور دهد برای برخی کالاهای نظیر کاغذ ارز ۴۲۰۰ تومانی پرداخت کند، همان مبلغ را به‌صورت مستقیم برای به‌روزرسانی کارخانه‌های ازکارافتاده و راه‌اندازی کارخانه‌های جدید سرمایه‌گذاری کند تا با مسکن‌های مختلف در زمان‌های گوناگون، نخواهیم هزینه زیادی از جیب مردم پرداخت کنیم.

باید توجه داشت که اگر همانند واردات، در عرصه تولید نیز برای تأمین مواد اولیه ارز دولتی در نظر می‌گرفتند و نظارت قوی در این زمینه وجود داشت، اکنون به‌جای تأمین ارز برای واردات کاغذ، بانک مرکزی به‌دنبال این بود که چگونه ارز حاصل از صادرات ایران را دریافت کند. در نتیجه بهتر بود چند ماه ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات تخصیص می‌یافت و در ادامه، این ارز را برای تجهیز کارخانه‌های داخلی اختصاص می‌دادند. یک کارشناس حوزه صنعت کاغذ می‌گوید اگر یارانه ۴۲۰۰ تومانی که سال گذشته برای واردات کاغذ اختصاص داده شد، در اختیار واحدهای تولید داخلی قرار می‌گرفت، شاید برای همیشه ۷۰ درصد نیاز کاغذ کشور حل می‌شد؛ اما متأسفانه این‌گونه نشد.

با توجه به مسائل ذکرشده، اگر دولت همت خود را به‌جای پول‌پاشی بی‌رویه با ارز ۴۲۰۰ تومانی و ایجاد رانت برای شرکت‌های دیواربه‌دیوار بانک مرکزی، به حمایت از تولید داخل و بازکردن گره از مشکلات تولیدکنندگان داخلی معطوف می‌کرد، کاغذ موردنیاز برای نشر و مطبوعات در داخل کشور تأمین می‌شد. همچنین با رونق‌دادن به تولید، قدیمی در راستای تحقق شعار سال برداشته و با استفاده از صادرات کاغذ مازاد بر نیاز بازار نیز ارزآوری چشمگیری حاصل می‌شد؛ اما نه‌تنها چنین اتفاقی نیفتاد، بلکه با فراقکنی مسئولیت و تشتت آراء در نهادهای ذی‌ربط، شرایط عادی تأمین کاغذ نیز به بن‌بست خورد و شاهد رشد ۵۰۰ درصدی قیمت کاغذ بودیم.

دولت به‌جای اینکه به بانک مرکزی دستور دهد برای برخی کالاهای نظیر کاغذ ارز ۴۲۰۰ تومانی پرداخت کند، همان مبلغ را به‌صورت مستقیم برای به‌روزرسانی کارخانه‌های ازکارافتاده و راه‌اندازی کارخانه‌های جدید سرمایه‌گذاری کند تا با مسکن‌های مختلف در زمان‌های گوناگون، نخواهیم هزینه زیادی از جیب مردم پرداخت کنیم

نگاهی به عملکرد تعزیرات در بحران کاغذ

فرار سلاطین!

برخورد قانونی شود. در عین حال، واردکنندگانی که در گمرکها محموله‌های وارداتی کاغذ دارند، موظف شدند ظرف یک هفته با هماهنگی گمرک و بانک مرکزی، برای کارسازی و ترخیص محموله خود اقدام کنند. همه‌چیز روی کاغذ خوب به نظر می‌رسید؛ اما فعالان بازار کاغذ معتقد بودند تا زمانی که محموله‌های واردشده با ارز ترجیحی به بازار تزریق نشوند، اقدامات تعزیراتی فایده‌ای نخواهد داشت و احتکار بیشتر خواهد شد. این پیش‌بینی بعدها درست از آب درآمد.

انتقال شبانه کاغذها به انبارهای مخفی

ستاد تنظیم بازار قصد داشت با قیمت‌هایی که اعلام کرده، با همراهی سازمان تعزیرات حکومتی جلوی افزایش قیمت کاغذ را بگیرد؛ اما بسیاری از واردکنندگان تمایل نداشتند کاغذشان را با قیمت‌های تعیین شده عرضه نمایند. اینجا بود که کاغذهای موجود در انبارهای ثبت شده، یک‌شبه به انبارهای نامشخصی در حومه تهران انتقال یافتند و احتکار کاغذ شدت یافت.

غلامرضا شجاع، نماینده تشکلهای صنعت چاپ و مصرف‌کنندگان کاغذ، به جلسه کارگروه کاغذ برای قیمت‌گذاری این کالا در تاریخ دوم مرداد ۱۳۹۷ اشاره می‌کند و می‌گوید: «صورت‌جلسه شبانه برای وزیر و نماینده وی ارسال شد؛ ولی متأسفانه فقط وزیر ارشاد در تاریخ سوم مرداد این موضوع را اعلام نمود و سایر سازمان‌های حاکمیتی کوتاهی کرده و با دو هفته تأخیر قیمت‌ها را اعلام کردند. در همین مدت دو هفته، چهار تا پنج هزار کامیون به‌صورت شبانه کاغذها را از بنگاه‌های

قوانین تصویب و ابلاغ می‌شود؛ اما برخی از افراد یا شرکت‌ها به‌منظور کسب سود بیشتر آن را اجرا نمی‌کنند. برای این دسته از افراد یا شرکت‌ها مهم نیست کالایی در بازار به اندازه کافی موجود باشد یا نه و مهم نیست تنظیم بازار را بر هم بریزد. در هر صورت، دارنده کالا به فکر سود بیشتر است و احتمال دارد آن را به بازار عرضه نکند یا با قیمت بالاتری به دست متقاضیان برساند. برای حل این مشکل، سازمان تعزیرات حکومتی وارد عمل می‌شود و با گشت‌های نامحسوس و گزارش‌های مردمی به موضوعات رسیدگی می‌کند. البته باید توجه کرد که در برخورد با احتکار کالاهایی مانند کالاهای اساسی، این سازمان نقش مؤثری دارد.

در ادامه این گزارش، به نقشی که سازمان حکومتی درباره بحران به‌وجودآمده برای کاغذ دارد و همکاری‌های این سازمان با سایر بخش‌های مرتبط با بازار درباره کاغذ، مانند ستاد تنظیم بازار یا وزارتخانه‌های ارشاد و صمت، اشاره کردیم.

اولیت‌ماتوم ستاد تنظیم بازار

مرداد سال ۱۳۹۷ و حدود یک سال پس از آغاز بحران کاغذ، ستاد تنظیم بازار برای موجودی کاغذ داخل کشور سقف قیمتی تعیین کرد و از پیگیری برنامه‌هایی برای مقابله با احتکار کاغذ خبر داد. بر اساس مصوبه ستاد تنظیم بازار، مقرر شد موجودی انبارها و مراکز نگهداری کاغذ به وزارت ارشاد و سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت استانی اطلاع‌رسانی شود. در غیر این صورت، موجودی مذکور احتکار و اختفا تلقی شده و مشمول

کاغذهای موجود در انبارهای ثبت‌شده، یک‌شبه به انبارهای نامشخصی در حومه تهران انتقال یافتند و احتکار کاغذ شدت یافت

شناخته شده کاغذ تهران خارج نموده و به بنگاه‌های شناسا غیر تخصصی کاغذ در اطراف تهران منتقل کردند. به راحتی می‌شد این محموله‌ها را از طریق اتحادیه حمل و نقل تهران ردگیری و کامیون‌هایی را که بین سوم تا پانزدهم مرداد ۱۳۹۷ کاغذ جابه‌جا کردند، شناسایی کرد. یا از اتحادیه بنگاهدان می‌خواستند موجودی انبارشان را اعلام نمایند و می‌گفتند اگر این کاغذها در انبارهای شما باشد، شما نیز شریک جرم محسوب خواهید شد.»

کاغذهای کشف شده چه شد؟

به دنبال شکل‌گیری مطالبه از تعزیرات به منظور برخورد با محتکران، در ماه‌های مرداد و شهریور خبر کشف انبارهای احتکار کاغذ در شهرری و اصفهان و مشهد در رسانه‌ها منتشر شدند. سید یاسر رایگانی، مدیرکل روابط عمومی سازمان تعزیرات حکومتی، در تاریخ ۲۱ شهریور ۱۳۹۷، در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم گفت: «از ابتدای مرداد امسال تاکنون، تعداد ۵۳۱ فقره پرونده با موضوع احتکار تشکیل شده که از این تعداد، ۲۱۴ فقره پرونده مهم و ملی بوده است.» رایگانی ادامه داد: «ارزش ریالی کل پرونده‌های احتکار، ۹۵۵ میلیارد و ۷۸۸ میلیون ریال است که تاکنون در ۲۸۰ پرونده حکم صادر شده و از این تعداد، ۲۸ حکم، برائت است.»

به نظر می‌رسید ورود کاغذهای کشف شده به بازار، کاهش قیمت‌ها را در پی داشته باشد؛ اما چنین اتفاقی نیفتاد. سید یاسر رایگانی در گفت‌وگو با خبرگزاری تسنیم، در پاسخ به این سؤال که تاکنون چه میزان از کالاهای احتکاری کشف شده در بازار عرضه شده است، اظهار کرد: «عرضه کالاهای احتکار شده با سازمان تعزیرات حکومتی نیست و بر عهده سازمان صنعت، معدن و تجارت است.»

با پایان شهریور، دیگر اخبار چندانی از کشف انبارهای احتکار شنیده نشد. در اردیبهشت سال جاری و هم‌زمان با برگزاری نمایشگاه کتاب، افزایش نجومی قیمت کاغذ و پس از دستور رهبری مبنی بر سامان‌دهی بازار کاغذ، بار دیگر خبرهایی از کشف انبارهای میلیاردری کاغذ در کرج و کازرون و بندرعباس منتشر شد؛ اما بحران همچنان باقی ماند.

گفت‌وگوی سید محمد رضا دربندی، مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، با خبرگزاری تسنیم در تاریخ ۱۷ تیر سال جاری، دلیل استمرار بحران را به‌خوبی نشان می‌دهد. وی در پاسخ به خبرنگار تسنیم که پرسید: «در طول سال گذشته، بارها خبر از کشف انبارهای احتکار کاغذ مطبوعات و چاپ و نشر منتشر شد. این کاغذها تاکنون در اختیار ارشاد

برای توزیع قرار گرفته است؟» پاسخ داد: «از کاغذهایی که دادستانی کشف کرد، تاکنون هیچ برگی به دست وزارت ارشاد نرسیده است.»

ورود دیر هنگام تعزیرات و فرار سلاطین کاغذ!

«مدیرکل امور حقوقی و تعزیرات سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان از ارسال ۲۰ پرونده تخلف واحدهای عرضه‌کننده کاغذ به تعزیرات خبر داد.»

این خبری خوب، اما اقدامی دیر هنگام بود که خبرگزاری فارس در تاریخ ۲۶ خرداد سال جاری منتشر کرد. غلامرضا صارمیان در گفت‌وگو با فارس گفت: «با عنایت به بررسی‌های انجام شده توسط حوزه‌های نظارتی این سازمان، تخلف تعداد بیست شخص حقیقی و حقوقی عرضه‌کننده کاغذ محرز تشخیص داده شد. بر اساس ماده ۹ قانون تعزیرات حکومتی، پرونده تشکیل و به ادارات کل تعزیرات حکومتی استان‌های تهران، اصفهان، کرمان، گیلان، آذربایجان شرقی و هرمزگان جهت سیر مراحل قانونی ارجاع شد.»

ناصر رایگانی، سخن‌گوی سازمان تعزیرات حکومتی نیز در گفت‌وگو با همشهری، با تأیید ارسال پرونده اشخاص حقوقی و حقیقی متخلف در واردات و عرضه کاغذ به این سازمان گفت: «حدود بیست پرونده تخلف در عرضه کاغذ که از سوی سازمان حمایت به سازمان تعزیرات حکومتی ارسال شده است، در حال رسیدگی در شعب مختلف سازمان تعزیرات حکومتی است و این روند همچنان ادامه دارد.» او در خصوص روند رسیدگی و اعلام نتایج این پرونده‌ها افزود: «رسیدگی به این تخلفات با سرعت و دقت در شعب سازمان تعزیرات حکومتی ادامه دارد و نتایج رسیدگی به این پرونده‌ها در آینده نزدیک اعلام خواهد شد.»

خبرها حاکی از آن است که متخلفان شناسایی شده‌اند و پرونده‌های آن‌ها در دست بررسی است و نتایج به‌زودی اعلام می‌شود. تا زمانی که پای تاریخ‌ها به میان نیاید، همه چیز خوب و عالی به نظر می‌رسد؛ اما وقتی به تاریخ شروع بحران کاغذ، یعنی پاییز ۱۳۹۶ نگاه کنیم و ببینیم نخستین اخبار ارسال پرونده‌های متخلفان به سازمان تعزیرات در اواخر خرداد سال ۱۳۹۸ منتشر شده است و معلوم نیست آینده‌زدیکی که سازمان تعزیرات از آن سخن می‌گوید چه وقتی است، متوجه می‌شویم چرا بحران کاغذ تاکنون استمرار یافته است.

از طرف دیگر، خبرها حاکی از این است که افراد بازداشت شده مهره‌های اصلی فساد نیستند و از اغلبشان سوءاستفاده شده است. عباس جعفری دولت‌آبادی، دادستان سابق تهران، در گفت‌وگوی رادیویی در تاریخ

در اردیبهشت
سال جاری و
هم‌زمان با برگزاری
نمایشگاه کتاب،
افزایش نجومی
قیمت کاغذ و
پس از دستور
رهبری مبنی بر
سامان‌دهی بازار
کاغذ، بار دیگر
خبرهایی از کشف
انبارهای میلیاردری
کاغذ در کرج و
کازرون و بندرعباس
منتشر شد



تجزیرات خارج از چهارچوب و مهلت‌های رسیدگی انجام شده و به‌زودی نتایج به‌دست‌آمده به اطلاع مردم خواهد رسید.»

از آنجایی که رایگانی به این موضوع اشاره کرد که بیشتر تخلفات در استان تهران صورت گرفته است، با محمدعلی اسفغانی، مدیرکل تجزیرات حکومتی استان تهران، تماس گرفتیم تا صحبت‌های وی را هم در این باره بشنویم. اسفغانی در این خصوص گفت: «اگر بانک مرکزی با وزارت صمت اعلام کند که کسی ارز گرفته و قصد برهم‌زدن بازار را دارد، تجزیرات برخورد خواهد کرد؛ کما اینکه در گشت‌های تجزیرات به‌منظور بازدید از انبار افرادی که ارز دولتی گرفته بودند، متوجه احتکار شدیم و همه کالاها به بازار عرضه شد.»

به گفته اسفغانی، تجزیرات در برخی پرونده‌ها تا دو سال فعالیت کارت بازرگانی را تعلیق می‌کند و اگر متخلف کارت بازرگانی یک‌بار مصرف در اختیار داشته باشد، علاوه بر بازگرداندن ارز دریافتی، مشمول جریمه نقدی نیز خواهد شد.

بهمن حسن‌بیگی، معاون حقوقی و ارجاع اداره کل تجزیرات حکومتی استان تهران نیز در در حاشیه جلسه ستاد تنظیم بازار استان تهران، درباره جریمه سنگین احتکارکنندگان این چنین گفت: «مالکانی که کالاهاشان را در انبارها احتکار کنند، اگر احتکار در شعب تجزیرات محرز شود، علاوه بر عرضه کالا در سطح بازار، دو تا پنج برابر مبلغ احتکارشده هم جریمه خواهند شد.»

با وجود این، بررسی‌ها نشان می‌دهد تجزیرات به موضوع کاغذ دیر وارد شده است و با وجود تشکیل پرونده‌های متعدد، شفافیتی در خصوص سرانجام آن‌ها و سرنوشت کاغذهای کشف‌شده وجود ندارد.

۲۵ دی ۱۳۹۷، در پاسخ به سؤالی مبنی بر اینکه آیا افرادی که در پرونده‌های تخلف در واردات کاغذ دستگیر یا متواری شده‌اند، افراد شاخصی بودند یا خیر، گفت: «خیر، کسانی بودند که در این حوزه با تأسیس شرکت‌ها ارز گرفتند؛ ولی متهمان اصلی از کشور خارج شدند؛ زیرا می‌دانستند چه جرمی مرتکب شده‌اند.» سردار حسین رحیمی در واکنش به اظهارات دادستان تهران درباره سلطان کاغذ و فرار سه متهم اصلی این پرونده در گفت‌وگو با ایسنا گفت: «این سه نفر پیش از تشکیل پرونده و پیگیری از سوی پلیس، فرار کردند.»

تجزیرات با متخلفان چه می‌کند؟

تخلفات انجام‌شده در واردات و توزیع کاغذ به دو شکل انجام شده است. دسته‌ای از افراد ارز دولتی دریافت نموده‌اند؛ اما اقدام به واردات نکرده‌اند و برخی دیگر نیز کالا را وارد کرده‌اند؛ اما آن را احتکار کرده یا با قیمت بازار آزاد توزیع کرده‌اند.

سیداسر رایگانی، سخنگوی سازمان تجزیرات حکومتی، در گفت‌وگویی که با خبرنگار ما داشت، از ارسال گزارش وضعیت توزیع کاغذ با ارز ترجیحی در سال گذشته به این سازمان خبر داد و تصریح کرد: «سازمان تجزیرات حکومتی لیستی را با همکاری بانک مرکزی و وزارت ارشاد تهیه کرده و تقریباً از انبارهای همه افرادی که ارز دریافت کرده بودند، بازدید شده که نشان می‌دهد اغلب آن‌ها هم گران‌فروشی و هم خارج از شبکه توزیع کرده‌اند.» وی افزود: «پرونده متخلفان تشکیل شده و مستندات را به وزارت صمت تحویل دادیم تا میزان تخلفاتشان مشخص شود.»

این مقام مسئول تصریح کرد: «اقدامات سازمان

اگر بانک مرکزی
یا وزارت صمت
اعلام کند
که کسی ارز
گرفته و قصد
برهم‌زدن بازار را
دارد، تجزیرات
برخورد خواهد
کرد؛ کما اینکه
در گشت‌های
تجزیرات به‌منظور
بازدید از انبار
افرادی که ارز
دولتی گرفته
بودند، متوجه
احتکار شدیم و
همه کالاها به بازار
عرضه شد

آب گل آلود توزیع

کالاهای دیگری را به کشور وارد کرده‌اند. تقریباً اکثر کارشناسان اقتصادی معتقدند تخصیص ارز دولتی به کاغذ، اقدامی رانتی و فسادزا بوده و زمینه سودجویی را برای برخی واردکنندگان فراهم کرده است. البته حسن میرباقری، رئیس اتحادیه واردکنندگان کاغذ و مقوا، نظر دیگری دارد. وی در تاریخ ۴ تیر ۱۳۹۷، ضمن پیش‌بینی افزایش قیمت کاغذ، به خبرنگار تسنیم گفت: «اقدام دولت برای تخصیص ارز ۳۸۰۰ تومانی برای کاغذ چاپ و تحریر، اقدامی مؤثر بود و اگر انجام نمی‌شد، قیمت کاغذ بسیار گران‌تر می‌شد.»

البته تمایل واردکنندگان به کسب سود حداکثری، موضوع تازه‌ای نیست. سیدحسن میرباقری آذر سال ۱۳۹۶، یعنی در نخستین ماه‌های آغاز بحران کاغذ، در پاسخ به سؤال خبرنگار تسنیم که پرسیده بود: «چرا قیمت کاغذهای موجود در بازار نیز افزایش یافته است؛ در حالی که پیش از افزایش قیمت جهانی، خریداری شده‌اند؟» پاسخ داده بود: «واردکنندگان کاغذ نیز مجبورند کالای خود را به قیمت روز عرضه کنند تا دوباره توان فعالیت در بازار را داشته باشند. در غیر این صورت، توان خرید مجدد کالا را خواهند داشت.» فارغ از مذموم‌بودن این شکل کسب سود در اسلام، لایه دیگر صحبت‌های رئیس اتحادیه واردکنندگان کاغذ و مقوا این است که هزینه حفظ سرمایه واردکنندگان باید از جیب مصرف‌کنندگان پرداخت شود!

سودجویی واردکنندگان با قیمت کتاب چه کرد؟

امروز شنیدن جمله «افزایش قیمت کاغذ چندان تأثیری بر قیمت کتاب نخواهد داشت» برای اهالی نشر و کتاب‌خوان‌ها یک شوخی است؛ اما این جمله‌ای است که رئیس اتحادیه واردکنندگان کاغذ و مقوا در آذر سال ۱۳۹۶ به خبرنگار تسنیم گفت! سیدحسن میرباقری این ادعا را که با افزایش قیمت کاغذ، قیمت محصولات مصرفی کاغذ همچون کتاب و محصولات چاپی نیز افزایش می‌یابد، رد کرد و گفت: «برخی مواقع آقایان تمام گرانی‌ها را به گردن کاغذ می‌اندازند. با یک حساب و کتاب ساده متوجه می‌شویم که افزایش ۲۰ درصدی قیمت کاغذ چندان

حتماً ضرب‌المثل از آب گل آلود ماهی گرفتن را شنیده‌اید: فردی که برای شکار ماهی آب را گل می‌کند تا ماهیان مسیر را گم کنند و گرفتار تور ماهیگیر شوند. این ضرب‌المثل حالا حکایت واردکنندگانی است که در بحران ارزی کشور، به فکر سود خود هستند.

آمارها نشان می‌دهد واردات کاغذ در سال ۱۳۹۷ نسبت به سال ۱۳۹۶، افزایش بیشتری داشته است؛ اما با این حال، قیمت این کالا در بازار به چند برابر افزایش یافت. بهار امسال، کارگروه کاغذ وزارت ارشاد طی اطلاعیه‌ای اعلام کرد که چه میزان کاغذ در سال گذشته وارد کشور شده است. در این اطلاعیه آمده بود که واردکنندگان کاغذ چنانچه مصرف‌کنندگان و میزان مصرف را به تأیید معاونت‌های ذی‌ربط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یا کارگروه سامان‌دهی کاغذ برسانند، مراتب به سازمان تعزیرات حکومتی اعلام می‌شود تا مشکلی برای آنان به وجود نیاید.

انتشار این آمار با اینکه در بند بعدی آن اعلام شده بود: «به اطلاع کلیه مصرف‌کنندگان می‌رساند کاغذهایی که با ارز دولتی وارد شده یا در فرایند واردات هستند، همچنان بر اساس قیمت‌گذاری قبلی و با حواله‌های وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توزیع می‌شود تا اختلالی در مصرف مورد نیاز ناشران و مطبوعات ایجاد نشود»، باز هم نتوانست مرهمی برای بازار آشفته کاغذ باشد. طبق آنچه ستاد تنظیم بازار، وزارت ارشاد و سازمان تعزیرات حکومتی تأیید کردند، مشکل اصلی از واردکنندگان بود که ارز دولتی دریافت کردند؛ اما پس از واردات، اقدام به عرضه در بازار نکردند و به قول معروف، از آب گل آلود ماهی گرفتند.

ارز ۴۲۰۰ تومانی کاغذ را گران کرد

تخلفات واردکنندگان در واردات کاغذ به سه شکل انجام شده است. دسته اول ارز دولتی را دریافت کرده و بدون ورود کالا به کشور، ارز را در بازار آزاد فروخته‌اند. دسته دوم کاغذ را با ارز دولتی به کشور وارد کرده؛ اما آن را توزیع نکرده و در انبارها احتکار کرده‌اند تا بتوانند در شرایطی که نظارتی روی عرضه کالاها نیست، سود هنگفتی کسب نمایند. دسته سوم با استفاده از تعرفه وارداتی صفر کاغذ تحریر،

تقریباً اکثر کارشناسان اقتصادی معتقدند تخصیص ارز دولتی به کاغذ، اقدامی رانتی و فسادزا بوده و زمینه سودجویی را برای برخی واردکنندگان فراهم کرده است

در کنار
رانت زابودن
تخصیص
ارز دولتی به
کاغذ، نبود
نظارت بر توزیع
این محصول
عامل دیگری
است که برخی
واردکنندگان را
تشویق می‌کند از
این آب گل آلود
ماهی بگیرند

تأثیری بر قیمت کتاب نخواهد داشت. مگر چند درصد یک کتاب ۲۰ هزار تومانی هزینه کاغذ است؟ اصلاً این کتاب چه درصدی از یک تن کاغذ را مصرف کرده است؟ اگر افزایش قیمت هر تن را بر تعداد شمارگان کاغذ تقسیم کنیم، رقم حاصله بسیار خرد خواهد بود.»

این در حالی گفته می‌شود که کارشناسان بازار نشر، سهم قیمت کاغذ را در قیمت کتاب حداقل ۵۰ درصد می‌دانند. از زمانی که این صحبت‌ها انتشار یافته است، ارز ۴۲۰۰ تومانی همچنان به واردکنندگان پرداخت شده و قیمت کاغذ شش برابر شده و قیمت کتاب نیز رشد ۹۰ درصدی داشته است.

نبود نظارت بر توزیع؛ پاشنه آشیل بازار کاغذ

در کنار رانت زابودن تخصیص ارز دولتی به کاغذ، نبود نظارت بر توزیع این محصول عامل دیگری است که برخی واردکنندگان را تشویق می‌کند از این آب گل آلود ماهی بگیرند. ابوالفضل روغنی گلیپایگانی، رئیس سندیکای تولیدکنندگان کاغذ و مقوا، در گفت‌وگو با خبرنگار فارس گفت: «اینکه دولت ارز تخصیص داده و آن را تأمین هم کرده، درست است. دولت تا اینجا کنترل‌هایی کرده است؛ اما نظارتی بر عمده و خرده‌فروشی وجود ندارد. چون ارز ۴۲۰۰ تخصیص می‌دهیم، باید دولت تا انتها کنترل را انجام دهد.»

وی همچنین در گفت‌وگو با خبرنگار ما به قیمت‌ها اشاره کرد و گفت: «ارز ۴۲۰۰ تومانی به این معناست که کاغذ روزنامه باید کمتر از ۴ هزار تومان و کاغذ تحریر و کتب کمتر از ۶ هزار تومان باشد؛ اما نرخ کاغذ از ۱۲ هزار تومان آغاز می‌شود. قیمت‌ها نشان می‌دهد نظارت بر شبکه پاپین دستی توزیع وجود ندارد.»

چه کسی راست می‌گوید؟

حسین انتظامی، دبیر کارگروه کاغذ وزارت ارشاد، در تاریخ ۱۲ اردیبهشت سال جاری به تخلف واردکنندگان کاغذ اشاره کرد و گفت: «در سال گذشته، ۲۶۰ هزار تن کاغذ ویژه مطبوعات و کتاب با ارز دولتی وارد شده که فقط ۱۰ درصد آن با موافقت معاونت‌های تخصصی وزارت فرهنگ به دست مصرف‌کنندگان مطبوعاتی و انتشاراتی رسیده است.» جمله آخر آقای انتظامی کمی ابهام دارد و ممکن است از آن برداشت شود که باقی کاغذها در اختیار ارشاد بوده؛ اما موافقتی در خصوص توزیع آن‌ها وجود نداشته است. البته این سؤال هم بی‌پاسخ است که باقی کاغذهای وارداتی، یعنی آن ۹۰ درصد دیگر، چه سرنوشتی داشته‌اند؟

وی در ادامه توضیح داد: «در این بین، ۱۳۰ شرکت

بازرگانی تخلف داشته‌اند که تخلف ۴۵ شرکت بیش از هزار تن است؛ یعنی کاغذ وارد شده با ارز دولتی را به صورت آزاد در بازار فروخته‌اند.» باز هم اعداد مشخصی از حجم تخلف عنوان نمی‌شود و در نهایت مشخص نمی‌شود واردکنندگان چه حجم مشخصی از کاغذ را در اختیار ارشاد قرار داده، یا چه حجمی از آن را در بازار به قیمت آزاد فروخته‌اند.

زمانی که به سراغ نهادهای نظارتی می‌رویم، ابهامات حتی بیشتر هم می‌شود. غلامحسین اسماعیلی، سخن‌گوی قوه قضائیه، در تاریخ ۳۱ اردیبهشت سال جاری در نشست خبری قوه قضائیه گفت: «تا الان صرفاً در حوزه تخصیص ارز در واردات کاغذ، پنج پرونده تشکیل و ۱۵ نفر در این ارتباط بازداشت هستند.» حدود یک ماه بعد، غلامرضا صارمیان، مدیرکل حقوقی و تعزیرات سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان، خبر از ارسال بیست پرونده تخلف در عرضه کاغذ به تعزیرات داد.

دزد در جای دیگری است؟

صرف نظر از تعداد پرونده‌های تشکیل شده، اینکه برخی از واردکنندگان در واردات کاغذ تخلف کرده‌اند، جای بحث ندارد؛ اما آیا این همه ماجراست؟ یکی از واردکنندگان معروف کاغذ در دوم تیر سال جاری، به خبرنگار فارس گفت: «اینکه بازرگانان را متهم کنند کاغذ احتکار کرده‌اند، حرف درستی نیست. البته نباید بگذریم از کسانی که این کار را انجام می‌دهند. ۹۷ درصد بازرگانان با حواله ارشاد و حواله وزارت بازرگانی در طبق اخلاص کارشان را انجام دادند. ... می‌توان گفت اکثر واردکنندگانی که این ارز را دریافت کرده‌اند، توانسته‌اند کاغذها را تحویل دهند. شرکت ما تقریباً ۲۵ هزار تن به دولت کاغذ تحویل داده. یک شرکت دیگر ۴۵ هزار تن کاغذ به دولت تحویل داده است. این کاغذها کجا رفته است؟ کدام انبار؟ فاکتورهای ما موجود است. به روزنامه‌ها کاغذ مورد نیازشان را تحویل داده‌ایم. سؤال من این است که چرا رسانه‌ها به این موضوع ورود نمی‌کنند؟ چرا فقط این عینک را زده‌ایم که همه واردکنندگان دزد هستند؟ دزد در جای دیگری است.»

با شنیدن صحبت‌های این واردکننده، این سؤال به ذهن می‌رسد که چه کسی راست می‌گوید؟ آیا همه تقصیرها را باید گردن واردکنندگان انداخت؟ پاسخ به این سؤال، مستلزم شفافیت بیشتر و برطرف شدن ابهاماتی است که در مرحله توزیع این کالا در کشور وجود دارد و با توجه به مسئولیت کارگروه کاغذ، توقع داریم این نهاد با ارائه شفاف اطلاعات و اعداد و ارقام، ابهامات مطرح شده در خصوص توزیع کاغذ را یک بار برای همیشه از میان بردارد.

نگاهی به عملکرد گمرک در بحران کاغذ

ترخیص؛ شاید وقتی دیگر...

در حقیقت زمزمه‌هایی که از اسفند سال گذشته آغاز شد، نشان می‌داد دولت قصد دارد پرداخت ارز دولتی را به واردات کاغذ متوقف کند. حتی از توقف تخصیص ارز دولتی به واردکنندگان کالاهای اساسی و بازگشت کوپن سخن به میان آمد. محمد قیله، مدیرکل امور خدمات بازرگانی وزارت صمت، در پاسخ به پرسش خبرنگاری مبنی بر اینکه آیا حذف ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات کاغذ صحت دارد یا خیر، گفت: «من هم شنیده‌ام؛ ولی نمی‌توانم به‌طور دقیق تأیید یا رد بکنم».

در حقیقت، در فروردین و تا نیمه اردیبهشت سال جاری، مشخص نبود که سیاست ارزی درباره کاغذ چگونه خواهد بود و آیا قرار است ارز ۴۲۰۰ تومانی به روال گذشته به کاغذ اختصاص یابد، یا اینکه دولت تصمیم

با وجود فروش خوب کتاب در سی‌ودومین نمایشگاه کتاب تهران، قیمت ۵۶۰ هزار تومانی هر بند کاغذ در روزهای برگزاری این رویداد فرهنگی، شیرینی نمایشگاه را به کام اهالی نشر تلخ کرد. ناشران کاغذ را در بازار به‌سختی و با قیمت بالا تهیه می‌کردند. چند هفته بعد از پایان نمایشگاه کتاب تهران و در ۱۱ مرداد، خبرگزاری فارس از دیپوی هزاران تن کاغذ در گمرک‌های کشور خبر داد. علی خوش‌بین، از واردکنندگان قدیمی کاغذ کشور، در گفت‌وگو با فارس درباره تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کاغذ اظهار کرد: «از ۲۵ فروردین، بخش‌نامه‌ای ارسال شد که کاغذ به‌عنوان کالای گروه ۲ محسوب می‌شود و تا امروز، همچنان سیستم‌های گمرک برای کاغذ، گروه ۲ و تخصیص ارز نیمایی را نشان می‌دهند.»



از ۲۵ فروردین،
بخش‌نامه‌ای
ارسال شد که
کاغذ به‌عنوان
کالای گروه ۲
محسوب می‌شود.
و تا امروز، همچنان
سیستم‌های گمرک
برای کاغذ، گروه
۲ و تخصیص ارز
نیمایی را نشان
می‌دهند.

این تخلف
گسترده در
واردات کاغذ که از
طریق جابه‌جایی
تعرفه‌ها انجام
می‌شود، سبب
شده است تا
میلیون‌ها دلار
ارز مبادله‌ای در
سال‌های گذشته،
به تعداد معدودی
واردکننده پرداخت
شده و میلیاردها
تومان مالیات و
عوارض گمرکی نیز
دریافت نشود

می‌گیرد کاغذ را از مشمولان دلار ۴۲۰۰ تومانی حذف کند و محاسبات آن را با نرخ نیمایی که تا دو برابر می‌رسد، انجام دهد. همین بلا تکلیفی سبب شد ترخیص کاغذ از گمرک با مشکل روبه‌رو شود.

چنانچه تخصیص ارز دولتی به واردات کاغذ متوقف می‌شد، گمرک ناگزیر بود در چهارچوب سیاست‌ها و دستورالعمل‌های ابلاغی هیئت وزیران، وزارت صمت و بانک مرکزی، مابه‌التفاوت نرخ ترجیحی و نیمایی را هنگام ترخیص کاغذ دریافت نماید. نرسیدن دستورالعمل‌های جدید سبب شده بود سیستم‌های گمرک همچنان ارز نیمایی را مبنای محاسبات قرار دهند و همین موضوع، واردکنندگان را برای اظهار کاغذ ورودی به گمرک و ترخیص آن بی‌میل کرد و به همین دلیل، هزاران تن کاغذ در بندرها و گمرک دپو شد.

پس از صحبت‌های رهبر انقلاب در نمایشگاه کتاب و دستور ایشان به وزرای فرهنگ و ارشاد اسلامی و صمت برای سازماندهی بازار کاغذ، حل مشکل واردات نخستین راهکاری بود که به ذهن کارگروه کاغذ وزارت ارشاد رسید. حسین انتظامی، در تاریخ ۲۳ اردیبهشت، خبر از ادامه تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردات کاغذ داد و افسانه محرابی، مدیرکل دفتر صنایع نساجی، پوشاک و سلولزی وزارت صنعت، معدن و تجارت نیز از گمرک خواست تا کاغذهای چاپ و تحریر و روزنامه‌ای که با نرخ ۴۲۰۰ تومانی تأمین ارز شده‌اند و در برخی از گمرک‌ها موجودند، با همان نرخ ارز ترخیص شوند. با وجود این صحبت‌ها، اظهار و ترخیص کاغذهای وارداتی از گمرک تا لحظه تنظیم این گزارش انجام نشده است؛ به‌طوری‌که سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دو ماه بعد در تاریخ ۲۰ تیر، از ترخیص ۳۰۰۰ تن کاغذ موجود در گمرک تا هفته آینده خبر داد!

فسادهای تعرفه‌ای در گمرک

گرچه نابسامانی ترخیص کاغذ از گمرک را می‌شود بازتابی از بلا تکلیفی دولت در تخصیص ارز دولتی به کالا دانست، فساد ۱۳۰ میلیون دلاری به جایی جز گمرک بازمی‌گردد. روزنامه شرق در تاریخ ۹ مرداد سال گذشته، در گزارشی با عنوان «۱۳۰ میلیون دلار فساد گلاسه‌ای»، موضوع واردکردن انواع کاغذها و مقواهای تجاری را با سوءاستفاده از تعرفه صفر کاغذ تحریر و گلاسه بررسی کرد. به نوشته شرق، میزان مصرف کاغذ گلاسه در کشور حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار تن در سال است؛ اما طبق آمار، این کالا در برخی سال‌ها حدود پنج برابر نیاز کشور وارد شده است. در حقیقت، چنین حجمی از کاغذ گلاسه در بازار وجود ندارد و برخی از واردکنندگان موفق شده‌اند به

اسم کاغذ و مقوای گلاسه چاپ و تحریر و با استفاده از معافیت‌ها و تعرفه صفر آن‌ها، کاغذها و مقواهایی را وارد کنند که این معافیت‌ها را ندارند و در برخی موارد، تعرفه گمرکی بالایی نیز دارند.

این تخلف گسترده در واردات کاغذ که از طریق جابه‌جایی تعرفه‌ها انجام می‌شود، سبب شده است تا میلیون‌ها دلار ارز مبادله‌ای در سال‌های گذشته، به تعداد معدودی واردکننده پرداخت شده و میلیاردها تومان مالیات و عوارض گمرکی نیز دریافت نشود. تخمین روزنامه شرق از این تخلف بر مبنای قیمت ۴۵۰ دلار هر تن کاغذ، حدود ۴ هزار میلیارد تومان است!

غلامرضا شجاع، نماینده مصرف‌کنندگان کاغذ و مقوا نیز در گفت‌وگو با روزنامه گسترش صنعت به این تخلفات گسترده اشاره می‌کند و می‌گوید: «در سه سال گذشته، هر سال نزدیک به ۲۰۰ هزار تن کاغذ گلاسه وارد شده است. بر اساس اطلاعات به‌دست‌آمده تا پایان دی ۹۶، نزدیک به ۴۰۰ هزار تن مقوای پشت‌طوسی و پشت‌سفید و... با تعرفه کاغذ گلاسه وارد شده که با ارزش ۴۰۰ میلیارد تومان از دولت سوءاستفاده شده است.»

در بین چند سندی که درباره این موضوع پیدا شده، نامه‌ای به تاریخ خرداد ۱۳۹۷ وجود دارد که به امضای مدیرکل صنایع شیمیایی و سلولزی وزارت صنعت، معدن و تجارت رسیده و به اداره کل دفتر واردات و امور مناطق آزاد و ویژه گمرک فرستاده شده است. در بخشی از این نامه آمده است: «مجدداً یادآوری می‌شود که کل نیاز سالانه کشور به کاغذ گلاسه، حدود ۲۰ تا ۲۵ هزار تن است؛ در حالی که واردات تحت تعرفه‌های "۴۸۱۰۱۳۰۰"، "۴۸۱۰۱۴۰۰"، "۴۸۱۰۱۹۰۰" و "۴۸۱۰۲۹۰۰" با ارز مبادله‌ای، حقوق ورودی ۵ درصد و معافیت از مالیات بر ارزش افزوده در سال ۹۶، حدود ۲۱۲ هزار تن بوده که نسبت به سال ۹۵، حدود ۳۷ درصد افزایش را نشان می‌دهد؛ لذا خواهشمند است دستور فرمایید نظرات کارشناسی این دفتر در مورد جابه‌جایی تعرفه که شامل کاغذهای فتوکپی، لیبیل، کاغذ پشت‌برجسب‌دار، مقوای دوبلکس و FBB تحت این تعرفه‌ها بوده، مورد بررسی قرار گرفته و موارد جابه‌جایی تعرفه که باعث لطمات سنگین به تولیدات داخلی است، احصا و اقدام لازم در این زمینه معمول گردد.»

نماینده گمرک در جلسه‌ای در پاسخ به پرسش درباره جابه‌جایی تعرفه، این موضوع را می‌پذیرد و دلیل آن را کمبود نیروی انسانی عنوان می‌کند. نماینده گمرک توضیح می‌دهد: «در بعضی از گمرک‌ها با مشکل کمبود نیروی انسانی روبه‌رو هستیم و ممکن است نمونه به خود ترخیص کار سپرده شود تا به مرکز استاندارد منتقل شود و به این ترتیب، امکان تغییر نمونه وجود دارد.»

نگاهی به نقش ناشران در بحران کاغذ

ناشران کاغذفروش

و نوجوان استان قم، انجمن فرهنگی ناشران کتاب دانشگاهی، مجمع ناشران دفاع مقدس، انجمن فرهنگی ناشران کتاب کودک و نوجوان، مؤسسه فرهنگی هنری زنان ناشر، شرکت تعاونی خدمات فرهنگی دانشگاهیان پارسا و شرکت تعاونی ناشران و کتابفروشان استان قم، انجمن‌ها و تشکلهایی بودند که این نامه را امضا کردند؛ اما با گذشت حدود پنج ماه از این درخواست، هنوز اقدامی برای اجرای آن مشاهده نمی‌شود.

آزموده را آزمودن خطا نیست؟

کافی است ۲۵ سال یا بیشتر داشته باشید، سابقه کیفری هم نداشته باشید، لیسانسی هم داشته باشید، یک سقفی هم داشته باشید. حالا وقت تأسیس یک دفتر نشر یا مؤسسه انتشاراتی است تا هرچه می‌خواهید، چاپ کنید. روزنامه فرهیختگان در دی ۱۳۹۷، آمار جالبی از ناشران فعال و غیرفعال منتشر کرد. به نوشته این روزنامه، ناشران حرفه‌ای در ایران کمی بیش از ۲ درصد هستند. فرهیختگان نوشت: «در آخرین آماري که اعلام شده است، حدود ۱۷ هزار مجوز نشر در بازار نشر و چاپ حضور دارند که حدود ۷۲ هزار و ۸۷۸ عنوان کتاب در سال منتشر کرده‌اند. طبق این آمار، تنها ۱۳۰ ناشر توانسته‌اند بالای ۷۵ عنوان کتاب منتشر کنند. همچنین ۲۳۵ ناشر بالای ۵۰ عنوان و ۵۴۰ ناشر نیز بالای ۲۵ عنوان کتاب منتشر کرده‌اند. سه هزار و ۶۹ ناشر کمتر از ۲۵ عنوان کتاب چاپ کرده‌اند که در مجموع، ۳۹۷۴ ناشر در طول سال در چاپ عنوان کتاب فعال هستند. با نگاهی به رقم ۱۷ هزار مجوز نشر می‌بینیم که ۷۷ درصد ناشران حضور فعالی در صنعت نشر کتاب نداشته‌اند.»

البته این موضوع از دید مقامات مسئول پنهان نمانده و تمهیداتی در نظر گرفته شده تا کاغذ به دست مصرف‌کنندگان واقعی‌اش برسد؛ اما همیشه راه‌های دورزدن قانون وجود دارد و در نهایت، تخلفات فراوانی در این حوزه اتفاق افتاده است. خبرگزاری تسنیم در تاریخ ۲۳ اردیبهشت سال جاری، گفت‌وگویی را با علی‌اکبر مختاری، مدیرکل تعزیرات حکومتی استان البرز، منتشر کرد که در آن به تخلفات شش ناشر از هفت ناشری

کاغذ مهم‌ترین ماده اولیه برای تولید کتاب است و ناشران جزو مصرف‌کنندگان نهایی آن هستند. به همین دلیل، وقتی تأمین کاغذ دچار مشکل شود، ناشران جزو اولین گروه‌هایی هستند که از این مشکل آسیب می‌بینند. اکنون، وضع به‌گونه‌ای است که هر ناشر بتواند سهمی جداگانه برای دریافت کاغذ دولتی داشته باشد. تخصیص سهمیه کاغذ یارانه‌ای به ناشران سیاستی بود که در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد نیز آزموده شده و آثار منفی خود را نشان داده بود. آلوده شدن صنعت نشر به فساد و رانت‌خواری در حوزه کاغذ، از جمله این آثار بود. اساساً یکی از دلایل تقاضای گسترده و افزایش بی‌رویه پروانه نشر در آن سال‌ها، همین سهمیه کاغذ بوده است. همان طور که در گزارش‌های مختلف آمده، ارز دولتی نه فقط در حوزه کاغذ که در بسیاری از حوزه‌ها باعث ایجاد رانت در کشور شد و از برکت ارز ۴۲۰۰ تومانی، عده‌ای به سودهای سرشاری دست یافتند. برخی ناشران نیز تلاش کردند از این قافله عقب نمانند. این عده با دریافت سهمیه خود و فروش آن در بازار آزاد، بی‌آنکه زحمتی بکشند، سود خوبی نصیبشان شد.

تقریباً همه کارشناسان اقتصادی معتقدند ارز ۴۲۰۰ تومانی باید از سیستم اقتصاد کشور حذف شود؛ اما ادامه دادن این سیاست، با وجود اینکه به دولت دوازدهم اثبات شده که کالاها با این نرخ به دست مردم نمی‌رسد، جای تأمل دارد. کاغذ سال پرفرازونشیبی را پشت سر گذاشت. عده‌ای سودهای میلیاردی بردند و عده‌ای زیان کردند؛ اما در این میان، این صنعت نشر بود که بیش از گذشته کم‌توان شد و این جماعت کتاب‌خوان بودند که بیش از گذشته قدرت خریدشان کاهش یافت.

شاید همین موضوعات بود که عده‌ای از تشکلهای و انجمن‌های صنعت نشر کشور را بر آن داشت تا در واپسین روزهای اسفند سال گذشته، نامه‌ای را به مقامات دولتی بنویسند و به آن‌ها هشدار دهند تنها راه حل بحران کاغذ، خودکفایی و تولید این محصول در داخل است که ظرفیت و امکان آن در کشور موجود است. مجمع ناشران انقلاب اسلامی، انجمن اسلامی ناشران و کتابفروشان، انجمن فرهنگی ناشران آموزشی، انجمن ناشران کودک

تخصیص سهمیه کاغذ یارانه‌ای به ناشران سیاستی بود که در اواخر دهه هفتاد و اوایل دهه هشتاد نیز آزموده شده و آثار منفی خود را نشان داده بود. آلوده شدن صنعت نشر به فساد و رانت‌خواری در حوزه کاغذ، از جمله این آثار بود

سهمیۀ کاغذ و زینک یا دیگر مزایا مانند دریافت غرفه بزرگتر در نمایشگاه کتاب تهران را هم نادیده گرفت.

آیا نتیجه تخصیص سهمیۀ کاغذ دولتی پیش بینی پذیر نبود؟

برای اینکه به نتیجه یک سیاست پی ببرید، لزوماً نیازی نیست آن را در عرصه عمل بیازمایید. گاهی اوقات می شود از تجربه های گذشته یا توصیه های کارشناسان بهره گرفت. این کار در حوزه تخصیص کاغذ سهمیه ای به ناشران انجام نشده است. گذشته از اینکه نتیجه سیاست تخصیص سهمیه کاغذ به ناشران در دهه هشتاد آزموده و نتایج آن مشخص شده بود، کارشناسان اقتصادی، روزنامه نگاران و فعالان صنعت نشر به دفعات درباره عواقب این سیاست هشدار داده بودند.

سرویس فرهنگی پایگاه خبری تابناک در دهم آبان ۱۳۹۷ نوشت: «توزیع کاغذ یارانه ای برای حمایت از ناشران در حالی در دستور کار معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قرار گرفته که تجربه تاریخی این جنس حمایت ها نشان داده که چنین اقداماتی صرفاً منجر به کاغذفروشی شده و یک سیاست اصولی نیست؛ اما در چرخه مدیران، بار دیگر به این راهکارهای اشتباه مراجعه می شود و به جای آنکه یارانه در اختیار مصرف کننده قرار گیرد، به تولیدکننده ای تعلق می گیرد که می تواند همه یا بخشی از آن را صرف تولید نکند و در بازار آزاد به فروش برساند.»

در ادامه این یادداشت آمده است: «سوابق نشان داده وقتی دولت به عنوان حاکمیت نه تنها نظارت، بلکه دخالت مستقیم در توزیع یارانه های این چنینی داشته، بخش قابل توجهی از این یارانه ها به بازار آزاد سرازیر شده است. اکنون که این نقش نیز کم رنگ خواهد بود، توقع این است که کاغذ یارانه ای به ناشران تعلق گیرد و در عین حال، هیچ تخلفی در این حوزه رخ ندهد. در عین حال، با چه مکانیزمی می توان اطمینان حاصل کرد که ناشر همه کاغذ را صرف نشر کرده است؟ سوابق نشان می دهد با هیچ مکانیزمی!»

البته دامان مقامات تصمیم گیرنده از اتهام ناآگاهی از عواقب این سیاست مبرا است. محسن جوادی، معاون امور فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در نشست با حضور تعدادی از ناشران که یک روز بعد برگزار شد، گفت: «سیاست های حمایتی چندان تأثیرگذار نیست و موجب رانتی شدن صنعت نشر می شود و با خود فساد می آورد.» با وجود این، واقعاً مشخص نیست چرا با علم قطعی به پیامدهای یک سیاست اشتباه، این سیاست دوباره اتخاذ شده و تا امروز تداوم داشته است.



که در استان البرز موفق به دریافت سهمیه کاغذ شده بودند، اشاره شده بود. علی اکبری به تسنیم گفت: «در استان البرز، از هفت ناشری که کاغذ گرفته اند، شش انتشارات به صورت صوری بوده و به جای آدرس محل کار، آدرس منزل داده اند و این گونه است که دفتر ندارند؛ اما سهمیه کاغذ را گرفته اند. این افراد متأسفانه سهمیه کاغذ را گرفته و کار را به استان های دیگر واگذار می کنند. برخی هم مدارس غیرانتفاعی داشتند که سهمیه کاغذ را در مدارس غیرانتفاعی می گرفتند. این اقدامات خلاف بوده و برای همه این موارد پرونده تشکیل شده است.»

پدیده زینک اجاره ای برای دریافت سهمیه کاغذ!

ظاهراً زمانی که عده ای عزم می کنند تا کاغذ سهمیه ای دریافت کنند، هیچ چیز جلودارشان نیست! یکی از پدیده های عجیب و تأسف انگیزی که اخیراً در بازار نشر کشور به وقوع پیوسته است، پدیده زینک اجاره ای است. برخی از ناشران، زینک کتاب های پرفروش برخی از ناشران دیگر را برای مدت معینی اجاره می کنند و با تغییر صفحه شناسنامه کتاب و نام مترجم و طرح جلدش، آن را منتشر می کنند. خبرگزاری ایبنا در گزارشی که خرداد سال جاری منتشر کرد، درباره هدف از انتشار کتاب با زینک های اجاره ای نوشت: «کتاب هایی که با زینک اجاره ای تولید می شوند، دو سرنوشت دارند. یا در مسیر تولید کتاب های قاچاق می افتند، یا از آن ها برای دریافت رانت و سهمیه های دولتی استفاده می شود. افزایش تعداد عناوین کتاب یکی از نتایج این اقدامات است که عموماً با هدف سودجویی و سوءاستفاده از بازار کتاب های پرفروش انجام می شود؛ اما در این میان، نباید میل به دریافت

کتاب هایی که با زینک اجاره ای تولید می شوند، دو سرنوشت دارند. یا در مسیر تولید کتاب های قاچاق می افتند، یا از آن ها برای دریافت رانت و سهمیه های دولتی استفاده می شود.

مجلس، پای کار تولید کاغذ

● سیده زهرا عبداللہی

برسد. این کاغذها باید در یک سیستم دقیق توزیع به دست مصرف‌کننده اصلی آن، مثلاً همین رسانه‌های مکتوب کشور برسد یا در اختیار ارگان‌هایی قرار گیرد که می‌خواهند کارهای فرهنگی انجام دهند.»

وی وضعیت بحرانی پیش آمده را این گونه شرح می‌دهد: «از این بابت ما واقعاً متأسفیم که دولت نتوانسته است بر ورود کاغذ و توزیع دقیق آن و خدمت‌رسانی به خصوص به اصحاب رسانه نظارت جدی بکند.»

بومی کردن تولید کاغذ ابزار مهم توسعه است

داوود محمدی، نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با شیرازه اظهار کرد: «تولید کاغذ و بومی کردن صنعت آن از ابزارهای مهم توسعه در کشور است.»

وی با بیان اینکه تولید مواد نوشتاری از جمله کتاب و نشریات، از عوامل مهم آگاهی و رشد فکری جامعه هستند، افزود: «با وجود اینکه امروزه شاهد پیشرفت و گسترده‌گی فضای مجازی و رسانه‌های الکترونیک هستیم، اما این‌ها نتوانسته است تعلق خاطر و علاقه‌مندی

متأسفیم که دولت نظارتی بر واردات و توزیع کاغذ نمی‌کند

محمد مهدی زاهدی، نماینده مردم کرمان در مجلس شورای اسلامی و رئیس کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، به خبرنگار شیرازه گفت: «متأسفانه در یک سال گذشته شاهد بودیم که میلیاردها دلار ارز کشور به افرادی داده شد که اجناس و کالاهای مورد نیاز و ضروری کشور را وارد کنند. آیا همه این پول به کالاهای واقعاً ضروری کشور اختصاص یافته است؟ مثلاً آیا ضرورت داشت موز به کشور وارد شود؟ آیا واردات موبایل ضرورت داشت؟ به عنوان یک ضرورت، باید ارز ۴۲۰۰ تومانی داده بشود؛ اما آیا وارد کردن سنگ‌پا ضرورت داشت؟»

وی در ادامه افزود: «بخشی از این پول به عنوان یارانه کاغذ داده شد تا کاغذ مورد نیاز کشور، به ویژه مطبوعات تأمین بشود؛ اما اکنون رسانه‌های مختلف مکتوب استان گلابه‌مند هستند و با ما تماس می‌گیرند.» زاهدی تصریح کرد: «همین روزنامه‌ها به شدت از تخصیص نیافتن کاغذ ناراحت‌اند، حتی می‌گویند کاغذ وارد کشور شده است؛ اما انبار شده و معلوم نیست قرار است به دست چه کسی



تولید کاغذ و
بومی کردن صنعت
آن از ابزارهای مهم
توسعه در کشور
است

مخاطبان را به کتاب و نشریات کاغذی کاهش دهد.»
این عضو فراکسیون امید مجلس شورای اسلامی بر همین اساس اضافه کرد: «با وجود مصرف انبوه در استفاده از مواد و تولیدات کاغذی، هنوز نتوانسته‌ایم از تکنولوژی صنعت کاغذ بهره‌مند شویم، ما به توسعه این صنعت مهم توجه نکرده‌ایم تا به جای آسیب‌رسانی به محیط‌زیست و قطع درختان، از مواد بازیافتی استفاده کنیم که می‌توانند جایگزین قطع درختان شوند.»

توسعه بازیافت، راه خروج از بحران

جمشید جعفرپور، رئیس کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی، در گفت‌وگو با شیرازه عنوان کرد: «اهمیت رسانه‌های مکتوب نظیر جراید و مطبوعات و همین طور جایگاه ویژه کتاب و کتاب‌خوانی در بین اقشار جامعه، موضوع کاغذ را به موضوعی حساس تبدیل نموده و کمبود آن اوضاع صنعت چاپ را بغرنج کرده است. کمبود و گرانی کاغذ نه تنها برای ناشر، بلکه برای نویسنده و خواننده نیز مشکلات عدیده‌ای را در پی داشته و ادامه یا تشدید این روند، پیامدهای منفی فرهنگی بسیاری در پی خواهد داشت. از همین رو، کاغذ باید در دسته کالاهای اساسی قرار بگیرد و شامل ارز دولتی شود.»
جعفرپور در ادامه افزود: «در کشور تنها چند کارخانه تولید کاغذ داریم که حتی اگر به ظرفیت تولید اسمی خود نیز برسند، باز با توجه به میزان مصرف کاغذ، نیاز مبرم به واردات احساس می‌شود.» وی بیان کرد که محدودیت منابع و ملاحظات زیست‌محیطی اجازه تولید بیشتر در داخل را به ما نمی‌دهد و تناسب‌نداشتن تولید و مصرف، ما را ناگزیر به واردات کاغذ می‌کند.

نماینده لارستان و خنج و گراش خاطرنشان کرد: «بی‌شک یکی از راه‌های اساسی خروج از بحران کنونی کاغذ، اقبال‌نشان دادن به صنعت بازیافت کاغذ است. توجه جدی به این حوزه می‌تواند تا حد چشمگیری نیاز کشور را به واردات کاغذ برطرف نموده و ضمن اشتغال‌زایی پایدار، از خروج ارز نیز جلوگیری کند.»

سرمایه‌گذاری روی تولید مشکلات را حل می‌کند

زهرا سعیدی، نماینده مردم مبارکه در مجلس شورای اسلامی، اظهار کرد: «کاغذ



امسال ویژگی‌های خاصی دارد. باید حواسمان باشد که آخر امسال، انتخابات مجلس است و قطعاً حجم کاغذ مصرفی کشور چند برابر خواهد شد؛ لذا وزارت صمت از الان باید روی آن تمرکز کند.»
سعیدی بیان کرد: «اعتقاد بنده این است که اگر شرکت‌های کاغذسازی کمی همت کنند و وزارت صمت هم به شرکت‌های کاغذسازی توجه کند و همچنین بتواند سرمایه‌گذاری کند، وضعیت کاغذ در کشور بهتر خواهد شد.»

وی عنوان کرد: «به نظر من اگر وزارت صمت روی این شرکت‌ها تمرکز بیشتری کند و این شرکت‌ها فعالیتشان را بیشتر کنند یا سرمایه‌گذارانی را در این زمینه پیدا کنند، فکر نمی‌کنم مشکل خاصی در بازار کاغذ پیدا شود.»

دولت به جای کمک به واردات، به تولیدکنندگان تسهیلات دهد

سکینه الماسی، سخنگوی کمیسیون انرژی، در خصوص اهمیت تولید کاغذ در کشور تصریح کرد: «کاغذ یکی از محصولات است که بر میزان تولید ناخالص ملی و رشد اقتصادی تأثیر بسیاری دارد و لازم است قوانین گمرکی در این زمینه به‌گونه‌ای تنظیم شود که به رونق تولید کمک کند.»
نماینده مجلس شورای اسلامی درباره مشکلاتی که در حوزه کاغذ تحریر وجود دارد گفت: «مسئله اصلی در این زمینه مربوط به هزینه‌های ناشی از تولید است و شرکت‌های فعال در این حوزه به دلیل صرفه اقتصادی تولید سایر کاغذها، کمتر کاغذ چاپ و تحریر و روزنامه تولید می‌کنند.»

وی در همین زمینه افزود: «با توجه به مقررات گمرکی واردات که به نفع واردکنندگان است، عده‌ای که واردکننده حرفه‌ای نیستند و فقط پول دارند، به این حوزه وارد شده‌اند و حتی برخی از تولیدکنندگان نیز به دلیل شرایط سخت تولید، به سمت واردات روی آورده‌اند و این موضوع موجب برهم‌زدن آرامش بازار شده است.»
الماسی راهکار رونق‌بخشیدن به تولید کاغذ تحریر در داخل کشور را دخالت‌نکردن دولت در بازار عرضه و تقاضا دانست و گفت: «دخالت دولت در سامان دادن به بازار کاغذ ضروری به نظر می‌رسد؛ به‌شرطی که بتواند توازن دقیقی بین نیاز واقعی و کاغذ تحویلی به مصرف‌کنندگان ایجاد کند.»

وی افزود: «اگر دولت به جای کمک به واردات، به تولیدکنندگان تسهیلات ارائه کند یا از طرح‌های نوینی

در کشور تنها چند کارخانه تولید کاغذ داریم که حتی اگر به ظرفیت تولید اسمی خود نیز برسند، باز با توجه به میزان مصرف کاغذ، نیاز مبرم به واردات احساس می‌شود





مثل استفاده از باگاس نیشکر که جایگزین چوب در تولید کاغذ است حمایت کند، قطعاً هم محیط‌زیست بهتری خواهیم داشت و هم مشکلات موجود در زمینه کاغذ تحریر مرتفع می‌شود.»

انتظار در صف تخصیص ارز مشکل‌آفرین است

اکبر ترکی، نماینده مردم فریدن در مجلس شورای اسلامی، در خصوص وضعیت تولید کاغذ در ایران اظهار کرد: «متأسفانه



سال گذشته برای بسیاری از صنایع، سرشار از چالش و مشکلات اقتصادی بود.»

وی افزود: «در این میان، بازار متلاطم سال‌های اخیر چاپ و نشر درگیر مشکلات متعدد دیگری از جمله گرانی بیش از اندازه کاغذ و مقوا و در مواقعی کمبود کاغذ در

کشور شد.»

نماینده مردم فریدن در مجلس شورای اسلامی همچنین تصریح کرد: «وزارت صنعت و البته وزارت ارشاد باید مشکلات بدنه نشر را مرتفع کنند تا هرچه سریع‌تر بازار کاغذ سامان یافته و وضعیت واردات بهبود یابد.»

ترکی ادامه داد: «متأسفانه دستگاه‌های ذی‌ربط تاکنون نتوانسته‌اند در حل مشکل کمبود کاغذ موفق باشند و از طرفی، بی‌سامانی بازار ارز در سال اخیر و درگیر بودن صنایع دیگر موجب شده است تا واردات کاغذ نیز دچار مشکل شود.»

وی در خاتمه عنوان کرد: «وزارت ارشاد و وزارت صنایع برای انجام مراحل مقدماتی واردات کاغذ، با واردکنندگان مورد تأیید خود همکاری خوبی کرده‌اند؛ اما انتظار چندماهه این واردکنندگان در صف تخصیص‌های ارزی بانک مرکزی مشکل‌آفرین شده است.»

تقریباً همه چیز روشن است

● محمد تفرشی

مجمع ناشران انقلاب اسلامی از زمان شدت یافتن بحران کاغذ، تلاش کرده است از ظرفیت‌های موجود برای کمک به حل مشکلات صنعت نشر بهره گیرد. این مجمع در ۲۳ مرداد ۱۳۹۷، نامه‌ای درباره بحران کاغذ و مشکلات بازار آن به کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی نوشت و در دوازدهم اسفند همان سال، نشست نقد و بررسی موضوع بحران کاغذ و راهکارهای عبور از وضع کنونی را در تهران برگزار کرد. هنگام بازدید رهبر معظم انقلاب از سی‌ودومین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران نیز مجمع ناشران مسئله کاغذ را مطرح کرد که دستور ایشان برای حل مسئله کاغذ را در پی داشت. در یک بعدازظهر تابلستانی، پای صحبت‌های میثم نیلی، مدیرعامل مجمع ناشران انقلاب اسلامی و مشاور رئیس سازمان تبلیغات اسلامی در حوزه کتاب و نشر نشستیم و نظرهای وی را در خصوص بحران کاغذ جویا شدیم.

داریم. ظاهراً در دولت اعتقاد بر این است که کارها را رها کنیم؛ همه چیز خودبه‌خود درست می‌شود! در حوزه کاغذ همین اتفاق افتاده است. وقتی مسئولان ارشاد خودشان می‌گویند از مجموع کاغذهای واردشده در دو سال اخیر، کمتر از ۱۵ درصد توزیع شده است، این سؤال پیش می‌آید که مابقی کجاست و چرا توزیع نمی‌شود؟

کاغذ در دنیا کالایی استراتژیک است و راهکار دولت برای تأمین آن ظاهراً فقط واردات است. به نظر شما، آیا واردات اساساً راهکار مناسبی برای تأمین کاغذ در کشور است؟

تا زمانی که به کاغذ وارداتی وابسته باشیم، بحران قیمت کاغذ همچنان هست. ما در موضوع کاغذ به خارج از کشور وابسته‌ایم و این وابستگی باعث می‌شود نوسانات ارزی، تغییرات چندبرابری قیمت کاغذ را در پی داشته باشد. وقتی شما در موضوعی به دشمن وابسته هستی و ابزار دشمن هم ابزار مالی است و شما هم خود را به آن ابزار مالی وابسته کرده‌ای، طبیعی است که دشمن بتواند شما را زمین گیر کند. هیچ چاره‌ای جز استفاده از ظرفیت‌های داخل کشور برای تولید کالاهای استراتژیک وجود ندارد.

در وضع فعلی، قیمت ارز سه برابر شده؛ در حالی که قیمت کاغذ در مقاطعی حدود پنج تا شش برابر شده است. وقتی در پی ریشه‌یابی برمی‌آییم، نهادهای مختلف توپ را به زمین یکدیگر می‌اندازند. به نظر شما، به عنوان مدیر یکی از بزرگ‌ترین تشکلهای غیردولتی نشر کشورمان، چه کسی مقصر آشفته بازار فعلی است؟

من به جای آنکه از دستگاهی نام ببرم، ترجیح می‌دهم ولن‌کاری مدیریتی، فقدان توان نظارتی و نبود قدرت مقابله با سودجویی‌های سیری‌ناپذیر را اصلی‌ترین دلیل این وضع بدانم. حاکمیت‌های واگذارشده عملاً دولت‌ها و دستگاه‌های سیاست‌گذار را منفعل کرده‌اند. سیاست‌گذاری می‌شود، آیین‌نامه نوشته می‌شود، همه چیز هم مصوب است و ظاهراً همه چیز درست است؛ اما همه این‌ها با واقعیت اجتماع و اتفاقات بازار، کیلومترها فاصله دارد. تو برای خودت سیاست‌گذاری می‌کنی و در پایین‌دست، اتفاق دیگری در حال وقوع است و هیچ‌کاری نمی‌توانی انجام بدهی. البته این‌طور نیست که واقعاً نشود کاری کرد؛ اما به این راحتی نیست؛ مستلزم صرف انرژی زیاد است. به گروهی شبانه‌روزی با انگیزه‌های قوی مبارزه با جماعت سودجو احتیاج

در تمام این سال‌ها وزارت صنعت، معدن و تجارت متهم اصلی خودکفانبودن تولید کاغذ است



وارد کند. وزارت صنعت پاسخ دهد که چرا این کارخانه کار نمی‌کند؟ این وزارتخانه حتی مسئول کنترل بازار هم هست؛ زیرا مجوز واردکنندگان را در حقیقت، خودش می‌دهد و وظیفه کنترل بازار نیز با اوست.

تنها راهکار، خودکفایی در تولید کاغذ است. ما در خوزستان، مواد اولیه‌اش را داریم. به اندازه‌ای باگاس داریم که خودکفا و حتی صادرکننده بشویم. در همان منطقه، کارخانه هم داریم. یکی از آن‌ها از ابتدا، افتتاحی نمایشی داشت و از همان سال تا اکنون تعطیل است. دیگری که از سال ۱۳۴۷ فعالیت می‌کرده، وزارت صمت با یک واگذاری غیراصولی به بخش خصوصی و نظارت نکردن باعث شد خط تولید کاغذ آن کارخانه نه تنها ترقی نکند و به روزرسانی نشود، بلکه به خط تولید خمیر کاغذ و ظروف یک‌بارمصرف تبدیل شود.

چه کسی قیمت‌گذاری را بر عهده دارد؟ وزارت صنعت. چه کسی عوارض ورود کالا از خارج از کشور را تعریف می‌کند و مصوبه می‌گیرد؟ وزارت صنعت. چه کسی نوسازی صنایع راهبردی را بر عهده دارد؟ وزارت صنعت. چه کسی از واردات کاغذ سود می‌برد؟ تقریباً همه چیز روشن است.

در همه این سال‌ها، با وجود تغییر دولت‌ها، چرا هیچ اتفاق خاصی در حوزه تولید کاغذ نیفتاده و هیچ اهمتامی وجود نداشته است؟

در نگاه اول، به نظر می‌رسد این بی‌عملی ریشه در

به نظر من، در تمام این سال‌ها وزارت صنعت، معدن و تجارت متهم اصلی خودکفانبودن تولید کاغذ است. خودکفایی در تولید کاغذ کاری شدنی است و حتی می‌توانیم از آن فراتر برویم و لااقل در منطقه خودمان به صادرکننده تبدیل شویم. چرا این تا به حال انجام نشده است؟ وزارت صمت مقصر است. چرا کارخانه‌های ما به تولید و فروش خمیر و تولید ظروف یک‌بارمصرف روی آورده‌اند؟ چرا باگاسی که می‌تواند در تولید کالای استراتژیکی نظیر کاغذ استفاده شود، اکنون در بهترین حالت، به ام‌دی‌اف و ظروف یک‌بارمصرف تبدیل می‌شود و کاغذی که کالای استراتژیکی است، محصولی فرعی و کم‌اهمیت تلقی می‌شود؟ چه کسی باید این مسائل را سامان‌دهی کند و چه کسی باید موضوع و سطح حمایت‌ها را از صنعتگران مشخص کند؟ وزارت صنعت در این سال‌ها، چه کاری برای تولید کاغذ بر پایه باگاس انجام داده است؟

چرا از سال ۱۳۷۵ تا امروز، کارخانه کارون به بهره‌برداری نرسیده و تعطیل است؟ این کارخانه از سال ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۳ سه بار افتتاح شده است. نتیجه این افتتاح‌ها چه شد؟ از آن سال تا امروز، آیا کارون یک برگ کاغذ تولید کرده است؟ مگر افتتاح نشد؟ ما دقیقاً از جایی صحبت می‌کنیم که حجم انبوهی از باگاس در آن وجود دارد؛ باگاسی که تا چند سال پیش سوزانده می‌شد و هوای خوزستان را آلوده می‌کرد و اکنون در جهان، به بهترین نوع کاغذ تبدیل می‌شود؛ بی‌آنکه آسیبی به محیط‌زیست

وزارت صمت

با یک واگذاری

غیراصولی به

بخش خصوصی و

نظارت نکردن باعث

شد خط تولید

کاغذ آن کارخانه

نه تنها ترقی نکند

و به روزرسانی

نشود، بلکه به

خط تولید خمیر

کاغذ و ظروف

یک‌بارمصرف

تبدیل شود

در وضعیت فعلی، قیمت‌گذاری کاغذ داخلی بر اساس قیمت کاغذ وارداتی تعیین می‌شود؛ در صورتی که باید بر اساس قیمت تمام‌شده به اضافه درصد مشخصی از سود تعیین شود. اگر مدل قیمت‌گذاری فعلی تغییر نکند، باز هم همچنان قیمت کاغذ داخلی، تابعی از قیمت ارز خواهد بود و دردهای صنعت نشر کشور را درمان نخواهد کرد. به نظر شما چه راهکاری می‌تواند قیمت کاغذ داخلی را منطقی کند؟

ما سه متغیر داریم، اولی کیفیت و مطلوبیت است، دوم متغیر قیمت کاغذ وارداتی است و سومی قیمت تمام‌شده است. در بخش مطلوبیت کاغذ، اگر دولت از صنعتگر ما در این زمینه حمایت کند تا کیفیت کاغذ قابل رقابت یا نزدیک به کاغذ خارجی باشد و از آن طرف، عوارض واردات کاغذ را زیاده‌کننده، اینجا می‌تواند برای تولیدکننده داخلی شرط و شروط بگذارد و بگوید حالا از تو توقع دارم قیمت کاغذ از این حد بالاتر نرود. دولت باید بتواند روی کاغذ قیمت بگذارد؛ همچنان‌که روی بسیاری از کالاهای دیگر بخش خصوصی قیمت می‌گذارد.

دولت باید قیمت‌گذاری کند و سیاست‌های خودش را اعمال کند؛ ولی کمی می‌تواند این کار را بکند؛ زمانی که مطلوبیت و کیفیت کالا برای خریداران تأمین شود و واردکننده نیز محدود شود و واردات کاغذ برایش صرف نکند. آن وقت است که این صنعت شکوفا می‌شود و کارخانه‌های جدید تأسیس می‌شوند و حتی میزان تولید نیشکر هم افزایش می‌یابد. چه‌کسی همه این کارها را نمی‌کند؟ دولت محترم؛ دولتی که بلد نیست کارخانه را درست واگذار کند. دولتی که بلد نیست سیاست‌هایش را اعمال کند. دولتی که بلد نیست نظارت کند. این‌ها اشکالات است.

با توجه به وضع فعلی که هنوز تولید داخلی کاغذ کافی نیست و مرغوبیت لازم را ندارد، راهکار برون‌رفت از این بحران را در چه می‌دانید؟

اگر کسی کاغذ را با کمک دولت و با بیت‌المال وارد کرده و در طول دو سال گذشته، آن را احتکار کرده است، باید به‌مثابه محکوم یا او رفتار شود. نظارت بر بازار و مبارزه با احتکار، وظیفه دولت است. دولت باید کاغذ احتکارشده را پیدا و ضبط کند و محکومان بفهمند زندان رفتن نتیجه مهمی نیست. این ضبط اموال است که مهم است و در صورت احتکار، ضرر مالی می‌کنند. باید با کسی که بازار را به این وضعیت ملتهب رسانده و عملاً نشر کشور را متوقف کرده است، برخورد اقتصادی شود. برخورد اقتصادی یعنی کالایش را مصادره کنند و به قیمتی که دولت مشخص کرده، توزیع کنند. راه حل مصادره است.

درک نکردن راهبردی موضوع داشته باشد. نمی‌شود درباره انگیزه آدم‌ها صحبت کرد؛ اما عملکرد کاملاً واضح است و می‌توان آن را نقد کرد. وقتی یک بانک دولتی یا شبه‌دولتی، صنعتی را با این حجم از سرمایه‌گذاری قفل می‌کند، باید وزارت صنعت بیاید و پدري کند و مسئله را حل کند. باید در سطح دولت با این بانک صحبت شود. کدام بخش خصوصی در آینده آمادگی دارد این قفل را بردارد و عوارض این دیرکدهای رباخوارانه بانک‌ها را تحمل کند؟ چه‌کسی باید این را مدیریت کند جز وزارت صنعت؟ دیدگاه این وزارتخانه باید این باشد که این صنعت برای ما راهبردی است و باید راه بیفتد و حتی خودش هم سرمایه‌گذاری بکند. اگر کارخانه‌ای متعلق به بخش خصوصی است، باید از آن حمایت کند و آن را موظف کند که کاغذ تولید کند، نه اینکه خط تولید کاغذ را به خط تولید خمیر کاغذ و ظروف یک‌بارمصرف تبدیل نماید. من معتقدم در حوزه نظارت، هم وزارت ارشاد، هم وزارت صنعت، هم دستگاه‌های نظارتی و هم دستگاه‌های امنیتی، عملکرد مناسبی نداشته‌اند؛ اما در بحث کاغذ و مدیریت بازار و تولید کاغذ داخلی که راه حل واحد مسئله کاغذ در کشور است، مقصر اصلی وزارت صنعت، معدن و تجارت است.

برخی معتقدند در بازار کاغذ، شفافیت وجود ندارد و همین موضوع باعث وضع فعلی شده است. نظر شما در این باره چیست؟

باید بگویم حجم واردات کاغذ واضح است. واردکننده باید پروفورما بگیرد، باید مجوزهای لازم را از وزارت صنعت بگیرد، باید ارز را از بانک مرکزی بگیرد. وقتی کاغذ را وارد کرد، در مبادی ورودی بازدید می‌شود. همه این اعداد و ارقام مشخص است. معلوم است چه‌کسی چه وقتی سفارش داده و چه وقتی از کدام کشور وارد کرده است. نقطه غیرشفاف کجاست؟ انجمن‌های واردکنندگان و انجمن توزیع‌کنندگان کاغذ، انجمن‌هایی غیرشفاف، تودرتو، دارای خویشاوندی و به‌هم‌پیوسته هستند که با این موضوع سودجویانه برخورد می‌کنند. وقتی واردکننده و توزیع‌کننده به یکدیگر نزدیک باشند و شفافیت وجود نداشته باشد، وضع فعلی به وجود می‌آید.

از دستگاه‌های نظارتی خبری نیست و ما بعد از یک سال و اندی می‌شنویم که تعدادی را دستگیر کرده‌اند. این خوب، اما دیر است. دستگاه‌های امنیتی در این مدت کجا بوده‌اند؟ وزارت ارشاد و صمت در این مدت کجا بوده‌اند؟ بازرس‌ها کجا بوده‌اند؟

دولت باید بتواند روی کاغذ قیمت بگذارد؛ همچنان‌که روی بسیاری از کالاهای دیگر بخش خصوصی قیمت می‌گذارد

بحران کاغذ را دو سال قبل پیش‌بینی کردیم

● محمد مهدی شیخ صراف

«اقتصاد حوالی فرهنگ» یک شب‌نشین فرهنگی است که طی سال‌های اخیر از رادیو اقتصاد با شنوندگان همراه می‌شود. حمیدرضا ولیان، مدیر گروه جامعه و اقتصاد رادیو اقتصاد، به‌عنوان کارشناس و مجری برنامه، در این شب‌نشین فرهنگی به حوزه‌های متنوع فرهنگ با موضوعات مختلف وارد می‌شود. کاغذ یکی از موضوعاتی است که وی بر آن تأکید کرده و بارها برنامه‌های مختلفی را در خصوص آن روی آنتن برده است. ولیان در خصوص رویکرد این برنامه می‌گوید: «رویکرد ما در این برنامه با تأکید بر شعار سال که رونق تولید است، کنترل التهابات بازار است. در فضای فرهنگی، موضوعات متنوعی وجود دارد که به دلیل محدودیت آنتن به مشکل برخورد و گاه تا بررسی مجدد موضوع، زمان زیادی صرف می‌شود. اما چاپ و نشر از آن حوزه‌هایی است که حتماً ماهی یک بار دربارهٔ آن صحبت می‌کنیم.»

ولیان که در برنامه با کارشناسان و فعالان حوزهٔ نشر گپ‌وگفت‌های مختلفی کرده است، از میان اهالی رسانه بهترین گزینه برای بررسی وضعیت کاغذ بود. به همین دلیل به سراغش رفتیم و با او گفت‌وگویی کردیم.

کسانی که دغدغهٔ کاغذ را داشتند، به‌صورت جدی وارد میدان شدند؛ اما در نهایت با مسکن‌هایی این دردها را مرتفع کردیم. به بیان بهتر، هیچ‌وقت به‌صورت درمانگر وارد ماجرا نشده‌ایم که ببینیم مسئلهٔ کاغذ چگونه است و باید چطور آن را رفع کنیم.

ما از سال ۱۳۹۶، پنج تا شش برنامهٔ جدی دربارهٔ کاغذ روی آنتن برده‌ایم. گپ‌وگفت‌های جدی با مسئولان و فعالان حوزهٔ کاغذ صورت گرفت. بحث‌های جدی و داغی مطرح شد و طرفین موضوع با یکدیگر پرجالش بحث کردند. ما در دی ۱۳۹۶، یعنی چند ماه پیش از آغاز بحران، دربارهٔ مسئلهٔ کاغذ به‌صورت جدی صحبت کردیم و از آن به بعد هم به‌صورت مستمر به این بحث‌ها ادامه داده‌ایم.

در یک سال اخیر، مهم‌ترین اتفاقی که در حوزهٔ کاغذ رخ داده، چیست؟ چرا امروز دچار چنین وضعیتی شده‌ایم؟

علت وضعیت امروز را باید در عملکرد مقطعی خودمان جست‌وجو کنیم که نه‌تنها جنبهٔ اجتماعی و ملی و... دارد، بلکه در رفتارهای شخصی نیز این‌گونه عمل می‌کنیم. وقتی بیماری و معضلی به وجود می‌آید، دارو تجویز می‌کنیم و با بهتر شدن اوضاع، داروها را قطع کرده و رسیدگی را متوقف می‌کنیم، تا وقتی دوباره شرایط حاد شود.

برای همین است که ما برای اولین بار شاهد نوسانات قیمت کاغذ نیستیم. در ادوار گذشته و در دهه‌های مختلف این نوسانات وجود داشته است و هر بار نیز



هیچ‌وقت به‌صورت
درمانگر وارد ماجرا
نشده‌ایم که ببینیم
مسئلهٔ کاغذ
چگونه است و باید
چطور آن را رفع
کنیم



کشوری که در یک حوزه سرآمد است، باید در حوزه علوم، فنون و صنایع مرتبط با آن نیز سرآمد باشد. این قاعده یک فعالیت است. وقتی شما نگارگری و نقاشی را در یک تمدن دارید، طبیعی است که قلم‌مو، رنگ، ابزارهای جانبی و مواد اولیه و صنایع تأمین‌کننده آن را نیز در کنارش داشته باشید. شما نگاه کنید به وضعیت دهه شصت و آن را مقایسه کنید با دهه هفتاد که دوران سازندگی پس از جنگ بود. یک سری از صنایع زیربنایی مانند فولاد، سیمان، آهن، نیروگاه، سد، برق و... چون نیاز کشور شد، در صدر توجه قرار گرفت. در سطح برخی صنایع مصرفی نیز مانند صنایع لبنیات به خودکفایی رسیدیم.

اگر در صنعت چاپ و نشر هم به کاغذ همین طور توجه می‌شد، وضعیت امروز ما این نبود. پس اتفاقاً در یک سری از صنایع، عموماً صنایع فرهنگی، به‌عمد وارد موضوع نشده‌ایم. امروز در حوزه صنایع فرهنگ و هنر دچار ضعف هستیم و این حوزه در آخرین لایه‌های رسیدگی در فضای صنعت قرار دارد و در نگاه تصمیم‌گیران، در لایه‌های عقب‌تر قرار دارد.

آیا به این دلیل نیست که مدیران و متولیان حوزه فرهنگ، عموماً مربوط به این حوزه نمی‌شوند و تخصصی و سوابق غیرفرهنگی دارند؟

برای مثال، در شهریور ۱۳۹۷، در خصوص صنعت چاپ و تأثیری که در صنایع بسته‌بندی دارد، صحبت کردیم. این صنعت نیز از این نوسانات قیمت بی‌بهره نیست و هزینه‌ها در آن به‌طور چشمگیری تغییر کرد. حتی در این یکی‌دو سال اخیر، بعضی از چاپخانه‌ها تعطیل شدند. واقعاً ماجرا این است که ما در رسانه این موضوع را به‌صورت یک پرونده و به‌طور جدی دنبال کرده و به آن رسیدگی می‌کنیم. این یک طرف قضیه است. از طرفی این مسئله به‌درستی و به‌شکل صحیح بررسی نمی‌شود. هیچ‌وقت فکر نمی‌کنیم که راهکار پایدار موضوع چیست. به دنبال راهکاری سریع و راحت هستیم. راحت‌ترین کار در این موضوع، خرید و واردات سپس توزیع آن است.

گروهی معتقدند کاغذ یکی از نهاده‌های تولید است و به آن شکلی که به‌صرفه است، در جامعه تأمین می‌شود. امروز بدین شکل به‌صرفه است و فردا طور دیگری. آیا این نگاه درست است که مانند سایر نهاده‌های تولید با آن برخورد شود؟ یا جنبه استراتژیک دارد؟ به نظر شما این استراتژیک بودن ژورنالیستی است، یا واقعی؟

کاش مانند سایر نهاده‌های تولیدی قلمداد و با آن رفتار می‌شد. در یک نگاه به پیشینه تاریخی کاغذ در کشور، متوجه سابقه وسیع آن می‌شویم. طبیعی است که

امروز در حوزه صنایع فرهنگ و هنر دچار ضعف هستیم و این حوزه در آخرین لایه‌های رسیدگی در فضای صنعت قرار دارد و در نگاه تصمیم‌گیران، در لایه‌های عقب‌تر قرار دارد

نه، لزوماً این گونه نیست. در حوزه فرهنگ هم نیاز به افراد متخصص داریم، هم نیاز به مدیریت در این حوزه. یعنی صرف اینکه فردی فرهنگی است، کفایت نمی‌کند. البته در جاهایی مثل وزارت ارشاد، آقای صالحی شجاعت از خود نشان داد که خود وزارتخانه دچار مشکل شد. اما خوشبختانه آقایان صالحی و انتظامی بر موضوع پافشاری کردند. اینکه شما بتوانید بیلان کاری، گزارش عملکرد مالی، فعالیت‌های کلان مجموعه وزارت ارشاد، نمایشگاه و جشنواره و... را بررسی کنید و به عنوان یک اهل رسانه به آن دسترسی داشته باشید، مزیت است. منظورم این است که در جاهایی این مقاومت در درون دستگاه نیز قرار دارد، یک جاهایی هم نه! از بیرون دستگاه همراهی لازم صورت نمی‌گیرد.

یکی از اصلی‌ترین مجموعه‌ها برای دسترسی آزاد اطلاعات در سطح کشور وزارت ارشاد است. دولت مسئول است. در دولت وزارت ارشاد مسئول است. در موضوع کاغذ وزارت صمت باید ایفای نقش کند. یکی از مشکلات این حوزه توزیع است. انتشار اطلاعات باید از طریق این فضا صورت بگیرد.

چرا شفاف‌سازی صورت نمی‌گیرد؟

همه این‌ها می‌تواند بی‌درنگ صورت پذیرد. این امکان از طریق سیستم‌های الکترونیک مجازی فراهم است. با کدزنی و شابک‌زنی به راحتی می‌توانید اطلاعات را منتقل کنید. چرا این کار صورت نمی‌گیرد؟ چون مجموعه وزارت ارتباطات به این فضا وارد نمی‌شود.

یکی از مهم‌ترین مشکلات کاغذ این است که در هیچ بخشی، نه از توزیع‌کننده و نه دریافت‌کننده، اطلاعات شفافی وجود ندارد. نظر شما در این باره چیست؟
فضای شفافی وجود ندارد. اینکه ارز داده شده به چه کسی و چه مقدار داده شده، مشخص نیست.

اخیراً فهرستی منتشر شده است.

بله؛ اما هیچ وقت این فهرست‌ها بهنگام و بی‌درنگ نیست. این فهرست‌ها به گونه‌ای نیست که شما در لحظه آن را ببینید. علاوه بر این، این لیست باید با لیستی که در بانک مرکزی قرار دارد، تطابق داشته باشد. باید این لیست‌ها همدیگر را تکمیل کنند. این فرایند را در گمرک در زیرمجموعه وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، وزارت ارشاد، ناشر تا کتاب‌فروشی و... کاملاً می‌شود تعقیب کرد. برای درک بهتر مطلب به کارت سوخت اشاره می‌کنم. این سهمیه‌بندی در دوره‌ای انجام شد و ظاهراً قرار است دوباره تکرار شود. شما به خودرو و مالک کارت سوخت

می‌دهید و دقیقاً می‌دانید در کدام نقطه از کشور و در چه ساعتی، چه میزان سوخت مصرف شده است. کاملاً بی‌درنگ می‌توانید این اطلاعات را دریافت کنید. اما چرا ما نمی‌توانیم در موضوعات مهمی مانند ارز و کاغذ این کار را انجام دهیم؟ قطعاً عده‌ای نمی‌خواهند. چون برایشان منفعت دارد و در غیر این صورت، منافعتشان به مخاطره می‌افتد.

دولت معتقد است که کالاهای اساسی مانند روغن، برنج و... را با ارز دولتی تأمین می‌کند و باعث ایجاد ثبات قیمت در بازار کالاهای اساسی شده است. نظر شما در این باره چیست؟

نکته همین جا است. آیا در جاهایی که عمل کرده، به درستی وارد شده است؟ در این موضوع با دو مقوله جدا از هم مواجه هستیم. اولاً در بحث کالاهای اساسی، اصناف باید وارد شوند. اگر اصناف مدیریت جریان را خود به دست بگیرند، حتماً کارکردشان بهتر از وقتی است که دولت بخواهد به موضوع وارد شود. در ماه مبارک رمضان با افزایش قیمت شکر، کمیاب شدن آن و احتکار و... مواجه شدیم. با پایان یافتن این ماه، آن التهاب فروکش کرده است. آیا بازار مدیریت شده است؟ خیر.

دولت باید اقتصاد کلان کشور را مدیریت کند، نه اینکه به اقتصاد خرد به این شکل وارد شود. وقتی شما در اقتصاد خرد وارد می‌شوید، در ادامه می‌خواهید هم‌تراز فعالان اقتصادی فعالیت کنید و به عنوان فعال اقتصادی کار کنید. در نتیجه این عوارض نیز به وجود می‌آید.

چرا وقتی نرخ ارز سه برابر شده، قیمت کاغذ در برهه‌هایی شش برابر شده است؟ چرا درباره کالاهای دیگر این اتفاق به این شکل رخ نداده و باعث شده خیلی‌ها از این موضوع به عنوان بحران کاغذ یاد کنند؟
فعالان اقتصادی به دنبال سود بیشتر هستند و هرچه فضا پنهان‌تر باشد، سودآوری بیشتری به وجود می‌آید. در واقع، منابع بیت‌المال را به عده‌ای می‌دهیم که بروند سود بیشتری کنند و اصلاً آن را پیگیری نمی‌کنیم. باید نظام ورودی و خروجی کنترل شود؛ در غیر این صورت، طبیعی است نظامی که شکل می‌گیرد، ناسالم و ناکارآمد و مفسده‌انگیز باشد. علاوه بر این، فرض کنید عناصری وارد این جریان می‌شوند که در حالت عادی دخیل نیستند. در موضوع کاغذ این جریان در یک سال و نیم گذشته جدی شده است و کارگروه سامان‌دهی کاغذ وارد شده است. همچنین فرض کنید عده‌ای وارد این جریان سودآوری کاغذ می‌شوند که اصلاً فعال حوزه کاغذ قلمداد نمی‌شوند. شرکت‌های بی‌نام‌ونشان که

یکی از اصلی‌ترین مجموعه‌ها برای دسترسی آزاد اطلاعات در سطح کشور وزارت ارشاد است. دولت مسئول است. در دولت وزارت ارشاد مسئول است. در موضوع کاغذ وزارت صمت باید ایفای نقش کند. یکی از مشکلات این حوزه توزیع است. انتشار اطلاعات باید از طریق این فضا صورت بگیرد.

بدون هیچ پشتوانه جدی، اگر رانت و ارتباط لازم را داشته باشند، یک شبه شکل گرفته و ثبت می شوند. در اینجا اگر تعداد این افراد بیشتر شوند، دچار کمبودهای بیشتری می شویم. اینکه اشاره می کنید که نوسان قیمت تناسبی با فضای کالاهای اساسی ندارد، به این دلیل است که سامان دهی در آن وجود ندارد. پایه قیمت را بی دلیل تغییر می دهند، چه کسی قرار است مدیریت کند؟ همان هایی که این کالا در دستشان قرار دارد.

در حوزه کتاب چند فاکتور از جمله ناشر، واردکننده کاغذ، کتاب فروشی، اقتصاد نشر و مشتری داریم. حوزه نشر، حوزه های است که اکثراً معتقدند یارانه ای باید به آن تعلق بگیرد تا با توجه به وضعیت کشور، در فضای بهتری قرار بگیرد. این یارانه نشر در بهترین حالت باید به چه کسی برسد؟

وقتی بحث اقتصاد فرهنگ و هنر مطرح می شود، ناخواسته درگیر حوزه دیگر، یعنی صنایع فرهنگ و هنر می شویم. وقتی شما می پذیرید که با صنعت نشر مواجه هستیم، یعنی با صنعت روبه رو هستیم. در این صورت، باید سازوکارهای صنعتی آن را در نظر بگیرید. وقتی پذیرفتید که با صنعت سینما روبه رو هستید، باید سازوکار صنعتی شدن آن را نیز در نظر بگیرید. واقعیت این است که ما هنوز در این موضوع دچار چالش هستیم. بین حوزه فرهنگ و صنعت دچار نوسان هستیم. در جایی نگاه فرهنگی و در جای دیگر نگاه صنعتی به موضوع می کنیم. در جاهایی قوانین، ما و فعالان فرهنگی را به سمت حوزه صنعت سوق می دهد. بعد از سال ها فعالیت و تجربه در حوزه صنایع فرهنگی و صنعت نشر، هنوز معطل این هستیم که آیا صنعت چاپ زیرمجموعه وزارت صنعت است، یا زیرمجموعه وزارت ارشاد؟ هنوز در این خصوص نتوانسته ایم به نتیجه درستی برسیم و در نهایت، سایه آن روی اقتصاد فرهنگ می افتد.

در بحث کاغذ اگر ما بپذیریم که با صنعت نشر مواجه هستیم، اگر این یارانه به مصرف کننده تعلق بگیرد، چه اتفاقی رخ می دهد؟ قیمت ها واقعی می شود. اما اگر قرار باشد تسهیلاتی داده شود، باید به بخش صنعت واگذار شود. یعنی تسهیلاتی به بخش صنعت داده شود تا راحت تر تولید کند. این تسهیلات می تواند شامل معافیت های مالیاتی، پشتیبانی، اولویت واردات و... باشد. تسهیلات یک مقوله است و اعطای آن مقوله ای دیگر. فرض کنید یک شرکت دانش بنیان از ضایعات نیشکر و کاه، خمیر کاغذ مواد اولیه تولید کرده و با ابتکارات دیگر در بازیافت مواد، کاغذ بهتر و باکیفیتی را تولید کند. بهتر است تسهیلات را به او بدهیم.

وقتی شما می پذیرید که با صنعت نشر مواجه هستیم، یعنی با صنعت روبه رو هستیم. در این صورت، باید سازوکارهای صنعتی آن را در نظر بگیرید

در سال های گذشته، تجربیات مختلفی داشته ایم و این فضا را به همه داده ایم. به یکی ارز دولتی می دهیم، به یکی تسهیلات بانکی، به دیگری وام، به یکی یارانه خرید بن کتاب. مشکل اینجاست که نظارتی روی مصرف یارانه پرداختی وجود نداشته است. مثلاً به ناشری وام داده ایم و او دفتری خریده و در ادامه، به کسب و کار وارد شده است. یا مثلاً به واردکننده ای برای واردات کاغذ ارز دولتی داده شده؛ اما کالای دیگری را وارد کرده یا ارز را به صورت آزاد فروخته است. به ناشری کاغذ داده شده؛ اما برای سود بیشتر، آن را به قیمت آزاد در بازار فروخته است. کارخانه کاغذ به جای واردات مواد اولیه، کاغذ وارد کرده و مصرف کننده بابت کتاب لوازم التحریر یا اسباب بازی خریده است. همه این ها به دلیل نبود نظارت دقیق و کافی است.

در صحبت های خود به موضوع واردات کاغذ توسط کارخانه کاغذ سازی اشاره کردید. واقعیت این است که برای واردات کاغذ یارانه پرداخت می شود؛ اما وزارت صمت برای تولید کاغذ و مواد اولیه یارانه ای اختصاص نمی دهد و در واقع، تولید با قیمت آزاد صورت می گیرد. دقیقاً نکته همین جا است. تا زمانی که تکلیفمان را در حوزه واردات، تولید و فضای کلان صنعت نشر مشخص نکنیم، وضعیت به همین گونه است. تولید کننده هم می بیند باید چرخ کارخانه اش بچرخد، نقدینگی داشته باشد، بدهی و تعهداتی دارد؛ چه تعهدات جاری و چه بلندمدت. سریع ترین کاری که می توان فعلاً در بازار آشفته کاغذ انجام داد، همین است. فقط هم در کاغذ نیست. در صنایع دیگر هم همین وضع را داریم. مثلاً کفش چینی را وارد کرده است و به عنوان تولید ملی فروخته است. جالب است بدانید با یکی از تولیدکنندگان دارو در برنامه صحبت می کردیم، می گفتند در هیچ جای دنیا، برای واردات دارو یارانه تعلق نمی گیرد. یارانه به تولید کننده داده می شود تا بتواند راحت تر تولید کند. هم در قیمت دارو تأثیر می گذارد و هم تکلیف مشخص است که یارانه در کجا هزینه می شود.

می شود گفت ریشه همه این بحران ها در توزیع غلط یارانه است؟

در سال های اخیر موضوعی حاد می شود، فروکش می کند و می رود تا موضوع دیگری حاد شود. اصلاً شاید بعضی ها دوست دارند که هر از چند گاهی موضوعی حاد شود؛ یک وقت روغن، یک وقت پوشک و یک وقت مرغ و دارو. عده ای بدشان نمی آید در فضای کشور، موضوعاتی حاد شود تا جریان ذهنی و فکری جامعه را معطوف به موضوعات سطحی و عام کنند. قطعاً این افراد فعالان آن



در جایگاه خود کارکرد دارد. فضای مجازی، تلویزیون، رادیو و... را در جایگاه خود استفاده می‌کند. نشست مطبوعاتی دارد و با خبرنگاران در تعامل است.

همین الان در ایران هم موقع انتخابات، نامزدهای انتخاباتی برنامه‌های رادیویی خود را دارند. چون می‌دانند مهم است.

انتخابات مجلس را پیش رو داریم. از ماه مهر به بعد، اهالی مجلس و نمایندگان از آنتن رادیو استقبال می‌کنند. همکاری کرده و پاسخ‌گوی تمامی سؤالات هستند. اما سال آینده که رأی‌گیری پایان می‌یابد، وضعیت به گونه دیگری است. البته نباید فراموش کرد که بعضی از نمایندگان و مسئولان همیشه با روی گشاده پاسخ‌گو هستند.

از میان مسئولان، چه کسی در حوزه کاغذ همکاری خوبی کرده و همیشه پاسخ‌گو بوده است؟

در موضوع کاغذ آقای حدادی، معاون مطبوعاتی و روابط عمومی، همیشه پاسخ‌گو بوده‌اند. ولی با آقای انتظامی هماهنگ کردیم و پیام دادیم که منتظر هستیم؛ اما توفیق نداشتیم در خدمتشان باشیم. با اینکه ایشان مطبوعاتی هستند و انتظار ما از حوزه‌های ارشاد به عنوان مجموعه‌های رسانه‌ای و فرهنگی بیشتر است، متأسفانه چنین برخوردی می‌شود. اینان باید در این خصوص الگو باشند تا بخش‌های دیگر دولتی نیز ورود کنند. برای یک برنامه رادیویی، با یکی از اعضای کارگروه سامان‌دهی کاغذ هماهنگ کردیم. در ابتدای برنامه زنده رادیویی هم اعلام کردیم که در ادامه در خدمت ایشان هستیم؛ اما به هر دلیلی، تلفنشان خاموش یا از دسترس خارج شد.

حوزه خاص نیستند. در حوزه صنعت چاپ و نشر هم همین طور است.

نحوه و میزان پاسخ‌گویی مسئولان در این فضا چگونه است؟ شنیدیم که گلایه‌هایی هم در برنامه خودتان کردید که مسئولان سخت گفت‌وگو می‌کنند، یا فقط مواقعی گفت‌وگو می‌کنند که قیمت پایین است.

کاش در آن زمان هم گفت‌وگو کنند. گاهی اوقات با تغییر رفتار مواجه هستیم که کار را کمی سخت می‌کند. مثلاً در موضوع کاغذ قرار شد با دبیر کارگروه سامان‌دهی کاغذ به مدت پنج دقیقه در برنامه‌ای رادیویی ارتباط تلفنی برقرار کنیم. همکاران ما دو هفته پیگیری کردند و بعد از هزار پیچیدگی در مسیر، گفتند یک هفته تا ده روز قبل از برنامه، نامه‌ای ارسال کنید که در آن، موضوع و زمان برنامه قید شود تا در ساختار روابط عمومی دستگاه مربوط مثلاً ارشاد بررسی شود و بعد به موضوع مربوط ارجاع داده شود که آیا امکان مصاحبه ده دقیقه‌ای وجود دارد یا نه!

یعنی عملاً نه!

اصلاً کار رسانه در دنیا این‌طور نیست. موضوعی الان ایجاد شده و می‌خواهیم درباره‌اش گزارش بدهیم. فرض کنید کارگروه سامان‌دهی کاغذ امروز جلسه داشته است. حالا ما صبر کنیم که آیا نشست خبری برگزار می‌شود یا نه. آنجا صحبتی می‌شود یا نه. اصلاً در دنیا برخورد با رسانه‌ها این‌گونه نیست. مثلاً رئیس‌جمهور کشوری نطق رادیویی دارد. همین الان که در سال ۲۰۱۹ میلادی هستیم، این همه رسانه‌های مختلف وجود دارد، نطق رادیویی مستقل دارد. چون بخش این است که هر رسانه

واقع قضیه این است که با فعالان اقتصادی در حوزه کاغذ مشکل نداریم، تولیدکننده، مصرف کننده، واردکننده و... همه پاسخ می دهند؛ اما وقت عمل که می رسد، همراهی نمی کنند. البته ما به وظیفه رسانه ای خودمان عمل می کنیم و پیگیری های لازم را انجام می دهیم. به آن دسته از مسئولان هم که همراهی لازم را دارند، باید دست مریزاد گفت.

در پایان اگر نکته ای هست بفرمایید.

یکی از موضوعاتی که در سال ۱۳۹۶ به طور جدی پیگیری می کردیم، تولید و واردات بود. زمانی که هنوز فضا دچار این تنش و بحران نشده بود، برنامه های مختلفی برای واردات و تولید کاغذ روی آنتن بردیم. اتفاقاً عناصر دخیل اعم از تولیدکننده، واردکننده، مصرف کننده و... نیز در برنامه حضور داشتند. بحث کیفیت نیز در همان زمان پیش آمد. بررسی کنید ببینید که چه میزان ارز برای واردات کاغذ پرداخت شده است. متوجه خواهید شد این میزان از ارز باعث چه مقدار اشتغال زایی در کشور می شد. در ادامه باعث می شد تراز ما در منطقه در چه سطحی قرار گیرد. در برنامه گذشته «اقتصاد حوالی فرهنگ»، با دو مدیرعامل کارخانه های پارس و چوکا صحبت کردیم. آن ها برای این کار آمادگی داشتند. مثال خوبی هم بیان کردند و به بنزین اشاره کردند که با پشتیبانی و تضمین کیفیت آن بهتر شد. همچنین در حوزه اصلاح قوانین و پشتیبانی تجهیزات لوازم نیز دوستان معتقد بودند که

دچار مشکل هستیم. در سال ۱۳۹۶ که این موضوعات مطرح بود، منابع مالی هم این صورت محدود نبود. وضعیت دولت در منابع مالی به مراتب بهتر از الان بود. برجام امضا شده و گشایش های مالی صورت گرفته بود. همچنین امکان واردات تجهیزات نیز راحت تر بود. جالب است بدانید برخی از واردکنندگان که سلامت نفس دارند، بر تقویت تولید تأکید می کنند و این گونه منافع کشور را بر منافع شخصی ترجیح می دهند. معتقدند که واردکننده به جای وارد کردن کاغذ، مواد اولیه وارد می کند. کارشان واردات است و بدین صورت تغییر عنوان شغلی نمی دهند و باز هم واردکننده هستند. به همین دلیل، بر واردات مواد اولیه تأکید می کنند؛ چون مصرف بیشتری دارد. یعنی با تقویت تولید، هم تولیدکننده تقویت می شود، هم صادرکننده. چون مازاد محصول به کشورهای هم جوار صادر می شود؛ مانند عراق که مصرف کننده است، پاکستان که تیراژ روزنامه ها در آنجا میلیونی است، افغانستان که یکی از جدیدترین پایگاه های چاپ کتاب است، آسیای میانه و حوزه خلیج فارس. برای آن ها بهتر است تا در مسافت کمتر، با هزینه حمل و نقل کمتر کاغذ باکیفیت دریافت کنند. در این زمینه می توانیم پایگاه منطقه ای باشیم. در این صورت، علاوه بر خودکفایی در حوزه کاغذ، به صادرات نیز دست یافته ایم. همه این ها دست به دست هم می دهد تا مخاطب با قیمت پایین تری کتاب را دریافت کند و رغبت بیشتری برای خواندن کتاب پیدا کند.



با تقویت تولید، هم تولیدکننده تقویت می شود، هم صادرکننده. چون مازاد محصول به کشورهای هم جوار صادر می شود

آتشی که به جان باگاس انداختیم

● عاطفه جعفری

اینکه سال‌ها است گفته می‌شود برای تولید کاغذ احتیاجی به قطع درختان نیست، حرف اشتباه و گزافی نیست. دیگر زمان آن گذشته است که بخواهیم برای تولید کاغذ درخت قطع کنیم و خیلی‌ها هم به این نتیجه رسیده‌اند و در کشورهای مختلفی، از مواد دیگری برای تولید کاغذ استفاده می‌کنند. از جمله این مواد، باگاس است. در این گزارش چرایی تولیدنشدن کاغذ در کشورمان توسط کارخانه‌های مختلف را بررسی کرده‌ایم.

باگاس چیست؟

حالا شاید خیلی‌ها ندانند که اصلاً باگاس چیست. باگاس تفالۀ نیشکر است که ۳۴ درصد وزن ساقۀ نیشکر را تشکیل می‌دهد و در جهان، به‌عنوان کالایی مهم در صنعت کاغذسازی استفاده می‌شود. از این ماده می‌توان فرآورده‌هایی همچون نئوپان، MDF، خوراک دام و الکل به دست آورد. همچنین می‌توان از باگاس به‌عنوان سوخت تولید بخار، استفاده از باگاس فشرده به‌عنوان جایگزین هیزم، تولید برق، زغال، گاز متان، گاز خانگی، متانول و خمیر کاغذ استفاده کرد. با توجه به مزارع وسیع نیشکر در استان خوزستان و کمبود چوب در کشور، باگاس مناسب‌ترین جانشین برای چوب است. حالا دیگر حتماً متوجه شدید که باگاس به چه دردی می‌خورد. الان با توجه به مشکلی که در حوزه کاغذ داریم، باگاس می‌تواند مشکلاتمان را برطرف کند تا کارخانه‌های کاغذ سرپا بمانند و کاغذ مورد نیازشان

را بدون اینکه درختی قطع شود، استخراج کنند؛ اما اتفاقات زیادی در این میان می‌افتد و باعث می‌شود باگاس به آنچه باید، تبدیل نشود و به مصرف کاغذی نرسد.

آتشی که به جان باگاس انداختیم

باگاسی که از تفالۀ نیشکر به دست می‌آید، اشتعال‌پذیر است. برای همین تا ده سال پیش، به‌دلیل نبود زیرساخت‌های لازم و نداشتن اطلاع از اینکه چه اتفاقی می‌تواند در فرایند تولید باگاس در مصارف دیگر بیفتد، باگاس تولیدشده در کارخانه‌های نیشکر، در بیابان‌های اطراف کارخانه‌ها آتش زده می‌شد. به‌طور مثال در سال ۱۳۸۲، سه کارخانه تولید نیشکر امام‌خمینی، دعبل خزاعی و امیرکبیر بیش از یک میلیون تن باگاس تولید کردند که با هزینه‌ای بالغ بر دو میلیارد تومان باگاس‌ها جمع‌آوری و در بیابان‌های اطراف کارخانه‌ها دفع شد.

الان با توجه به مشکلی که در حوزه کاغذ داریم، باگاس می‌تواند مشکلاتمان را برطرف کند تا کارخانه‌های کاغذ سرپا بمانند و کاغذ مورد نیازشان را بدون اینکه درختی قطع شود، استخراج کنند



📍 محل کارخانه: جاده ساری سمنان

📅 سال تأسیس: ۱۳۷۶، سهامی عام

ظرفیت فعلی تولید کاغذ تحریر: ۹۰۰۰۰ تن کاغذ روزنامه، چاپ و تحریر بر اساس آنچه در سایت

این کارخانه ذکر شده و شاید مدت‌ها از به‌روزرسانی آن گذشته باشد.



شرایط فعلی: در حال حاضر، این کارخانه به‌عنوان مهم‌ترین تولیدکننده کاغذ روزنامه شناخته می‌شود. تا همین سال گذشته، کارخانه با مشکلات نقدینگی و سرمایه‌گذار برای ادامه تولید دست‌به‌گریبان بوده است. از سال پیش، مدیرعامل این مجموعه تغییر کرده و این مسئولیت به علی حسین‌پور سپرده شده و نیز ۵۸ درصد از سهام این کارخانه در اختیار بانک ملی بوده که طبق قانون باید واگذار شود.

چند کارخانه نیشکر داریم؟

تن شکر سفید، ۳۵,۰۰۰ تن ملاس و ۳۴۰,۰۰۰ تن باگاس. دکتر سعدی، معاون کشاورزی این کارخانه، در یادداشتی در روزنامه فرهیختگان، درباره این موضوع و اینکه چه اتفاقی در این کارخانه برای باگاس تولیدشده می‌افتد، این‌گونه توضیح داده است: «محصولات جانبی نیشکر بسیارمتنوع است؛ محصولاتی همچون کاغذ، دستمال کاغذی، خوراک دام، الکل یا سوخت زیستی، چسب، صابون و... در دنیا هدف از کشت نیشکر، محصولات جانبی آن بوده و تولید قند هم از آن انجام می‌شود. در حال حاضر، از باگاس تولیدی برای مصارف دامی هم به‌صورت مستقیم برای تغذیه گاوهای هم به‌صورت کنسانتره و فشرده‌شده برای تغذیه گاو و گوسفند، به‌عنوان مواد اولیه برای تولید کمپوست کود آلی برای تقویت و اصلاح خاک، به‌عنوان مواد اولیه کاغذسازی و تخته فشرده MDF و دستمال کاغذی استفاده می‌شود. حدوداً ۳۰ یا ۳۲ درصد از کل نیشکر تولیدی به باگاس تبدیل می‌شود. قیمت خرید باگاس با توجه به فاکتورهای عرضه و تقاضا متفاوت است. در حال حاضر، بیشتر فروش این محصول برای خوراک دام است که روستاییان اطراف کارخانه، آن را به ازای هر کیلوگرم ۱۰ تا ۱۲ تومان می‌خرند.»

شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه

این شرکت به‌منظور تسطیح اراضی و ایجاد و نگهداری راه‌های ارتباطی داخل حوزه عمل شرکت، احیای اراضی و کشت و برداشت نیشکر، توسعه و ایجاد صنایع وابسته جهت تصفیه نیشکر و تبدیل مواد زائد نیشکر

در موقعیتی که گفته می‌شود تولید در کشور گرفتار رکود شده است، مگر چه تعداد کارخانه نیشکر در کشور فعال هستند؟ به گفته یکی از مسئولان وزارت جهاد کشاورزی، در حال حاضر ۳۵ کارخانه تولید نیشکر داریم که حدود ۲۸ کارخانه فعال هستند و بیشترین سطح زیر کشت مزارع این محصول در استان خوزستان با ۴۰ هزار و ۵۰۰ هکتار بوده است. این نیشکر برای تبدیل به شکر به کارخانه‌های نیشکر می‌رود و بعد هم به محصولات جانبی تبدیل می‌شود. برای اینکه بدانیم در فرایند تولید نیشکر چه اتفاقی برای باگاس می‌افتد، به سراغ سه کارخانه فعال در جنوب کشور رفتیم و با کسانی که در این کارخانه‌ها فعالیت و کار می‌کردند، درباره روند تولید باگاس، خریدارها و قیمتشان گفت‌وگویی انجام دادیم. ببینید چه اتفاقی برای این ماده ارزشمند در کارخانه‌هایشان می‌افتد.

شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا

شرکت کشت و صنعت نیشکر دهخدا در راستای سیاست‌های کلان اقتصادی و اجتماعی کشور و به‌منظور تأمین بخشی از نیازهای جامعه و خصوصاً منطقه به مواد غذایی و سایر مواد استحصالی از نیشکر و ایجاد اشتغال و تولید، با سرمایه‌گذاری بانک‌های صادرات و ملی ایران راه‌اندازی شد. خالص اراضی این کشت و صنعت ۱۱ هزار و ۳۶۹ هکتار است و محصولات تولیدی اصلی و فرعی و ظرفیت اسمی تولید آن‌ها در این کشت و صنعت عبارت است از سالانه ۱,۰۰۰,۰۰۰ تن نیشکر، ۱۰۰,۰۰۰ تن شکر خام، ۱۷۵,۰۰۰



گروه صنایع کاغذ پارس

این کارخانه به منظور استفاده از باگاس کارخانه نیشکر هفت تپه تأسیس شد و اولین واحد تولیدکننده کاغذ چاپ و تحریر در ایران محسوب می شود.

📍 محل کارخانه: شمال خوزستان، نزدیک شوش

📅 سال تأسیس: ۱۳۴۶، سهامی عام

ظرفیت فعلی تولید کاغذ تحریر: صفر



شرایط فعلی: این کارخانه با اینکه به منظور تولید کاغذ چاپ و تحریر راه اندازی شده و از سال ۱۳۴۹ در این زمینه تولیداتی داشته، در حال حاضر بیشتر از هر چیز دیگر خمیر سلولزی کاغذ تولید و صادر می کند. گروه صنایع کاغذ پارس افت وخیزهای بسیاری را پشت سر گذاشته که از مهم ترین آن ها می توان به آسیب هایی اشاره کرد که در دوران دفاع مقدس به آن وارد شده است؛ اما با همه این ها، امروز یکی از صنایع پویا و فعال محسوب می شود.

شرکت کشت و صنعت کارون

طرح اولیه شرکت کشت و صنعت کارون برای ساخت و شکل گیری در سال ۱۳۵۰ انجام شد و در نهایت در سال ۱۳۵۲، شرکت کشت و صنعت کارون (سهامی خاص) فعالیت خود را آغاز کرد. شکستگی سد گتوند در سال ۱۳۵۸، آسیب های جدی به اراضی این کارخانه وارد کرد. در سال های ۱۳۵۹ تا ۱۳۶۷، با شروع جنگ تحمیلی، این کارخانه از نزدیک در معرض آثار گسترده جنگ قرار گرفت. صرف نظر از چند بمباران، تبعات اقتصادی و اجتماعی و سیاسی جنگ، فعالیت شرکت را به صورت عمیق و همه جانبه تحت تأثیر قرار داد. در سال ۱۳۸۳، این کارخانه تولید حدود ۱۷۰ هزار تن شکر و ثبت رکورد تولید شکر در کشور را داشت. مهندس اندیشه که در بخش آزمایشگاه این کارخانه فعالیت می کند، درباره باگاس تولید شده در این کارخانه گفت: «باگاس تولید شده بستگی به نیشکری دارد که وارد کارخانه می شود. در سال ۱۳۹۷، حدود ۵۴۰ هزار تن باگاس در کارون تولید شده است. البته بستگی به سطح زیر کشتان دارد. هرچه بیشتر نیشکر وارد کارخانه شود، باگاس بیشتری هم تولید می شود. این باگاس هم برای خوراک دام، هم کود دامی و هم کاغذ استفاده می شود. البته در نئوپان هم جدیداً از باگاس استفاده می کنند؛ همچنین برای روغن ماشین و البته الکل که فرایندش سخت است و در ایران انجام نمی شود. بیشترین خرید باگاس برای کاغذ است. باگاس کیلویی ۲۰ تومان است و یک تن آن حدود ۲۰ هزار تومان می شود. البته شاید کمی افزایش قیمت داشته باشد.»

به فرآورده های مصرفی در سال ۱۳۳۸ کار خود را آغاز کرد و اولین دوره بهره برداری در آذر سال ۱۳۴۰، از سطحی معادل ۲ میلیون و ۲۰۰ هکتار و تولید حدود ۱۲ میلیون و ۶۰۰ تن شکر شروع شد. هم اکنون این شرکت در مساحتی بالغ بر ۷۲۰۰ هکتار برداشت محصول و ۳۰۹۰ هکتار کشت جدید مشغول به کار است و تولید آن در سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۰، متجاوز از ۶۰ هزار تن است. شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، قدیمی ترین واحد تولید شکر از نیشکر در کشور است و با توجه به قدمت آن و به منظور افزایش تولید و بهره وری، نیاز به نوسازی و بازسازی در بخش های مختلف آن احساس می شد که این اتفاق صورت گرفت و نوسازی انجام شد. برای اینکه از میزان تولیدی باگاس این کارخانه بدانیم، به سراغ مرادی، مسئول فروش باگاس در این کارخانه رفتیم و او درباره تولید باگاس توضیحاتی را ارائه کرد: «باگاس ما معمولاً برای خوراک دام، کود کمپوست، کود دامی و کاغذ هم استفاده می شود. زیرمجموعه خودمان یک کارخانه کاغذ داریم و باگاس مصرفی شان را برای تولید کاغذ از ما می خردند. جدیداً از این مواد برای نئوپان هم استفاده می کنند. تولید باگاس ما بستگی به نیشکری دارد که وارد چرخه تولید می شود. الان خروجی ۲۰ هزار تنی شکر، حدود ۹۰ هزار تن باگاس برای ما دارد. البته همه این ها به تولید و برداشت نیشکر بستگی دارد. مقداری از نیشکر به شکر و مقداری به ملات و بقیه آن هم به باگاس تبدیل می شود. از این ۹۰ هزار تن هم تقریباً بیش از نیمی از آن برای کارخانه کاغذ می رود و بقیه برای خوراک دامی استفاده می شود.»



ظرفیت فعلی تولید کاغذ تحریر: صفر



شرایط فعلی: این کارخانه بزرگ‌ترین مجموعه تولید خمیر از باگاس در ایران است که ظرفیت ۸۵ هزار تنی خمیر را برای تولید کاغذ تحریر و چاپ دارد؛ اما به دلیل مشکلات حقوقی فعلاً پلمب است. مدیرعامل این کارخانه به تازگی در گفت‌وگویی با فارس گفته است اگر پارانه ۴۲۰۰ تومانی را که سال گذشته برای واردات کاغذ اختصاص داده شد، در اختیار کارخانه‌های داخلی قرار می‌دادند، تاکنون ۷۰ درصد نیاز کشور به کاغذ تحریر برطرف می‌شد.

را نشانه گرفت و سبد محصولات خود را متنوع کرد. کارخانه بعدی، کارخانه کاغذ کارون است که فعالیت‌هایش در حال حاضر متوقف شده و مشکلات زیادی دارد. ابتدا نام این کارخانه کاغذ کارون بود که سال ۱۳۹۲، اموال منقول و غیرمنقول آن طی یک مزایده از سوی شرکت آتیه دماوند واگذار شد و مجموعه‌ای به نام «گلریز صنعت شوشتر» تأسیس شد. این مجموعه بزرگ‌ترین مجموعه تولید خمیر از باگاس در ایران است که ظرفیت ۸۵ هزار تنی خمیر برای تولید کاغذ تحریر و چاپ را دارد؛ اما تا امروز فعالیتی نداشته است؛ چون در گیرودار مسائل حقوقی افتاده است. پس عملاً باگاس هم در این کارخانه استفاده خاصی نمی‌شود.

خمیر کاغذ صادر می‌شود!

باگاس به‌خودی‌خود نمی‌تواند صادر شود؛ چون قابلیت اشتعال دارد. اما اگر به تولیدات دیگر تبدیل شود، می‌شود خیلی راحت آن را صادر کرد. فکر کنید مثلاً به خمیر کاغذ تبدیل شود و بعد به راحتی و با یک قیمت خوب آن را صادر کنند. این اتفاق هم می‌افتد. کاغذ داخلی را قبلاً به دلیل اینکه کیفیت خوبی نداشت، نمی‌خریدند. برای همین، کارخانه‌های کاغذ ترجیح می‌دادند این خمیر را به جای اینکه به کاغذ تبدیل کنند، بفروشند و اتفاقاً خریداران خوبی هم در خارج از کشور دارد. چون الان همه دنیا به این سمت می‌روند که از باگاس استفاده کنند و همین خمیر کاغذ استخراج‌شده از باگاس، کلی به آن‌ها کمک می‌کند.

کارخانه‌های کاغذ از باگاس استفاده می‌کنند؟

شرکت چوب و کاغذ مازندران که در شمال کشور واقع شده است، از چوب برای تولید کاغذ استفاده می‌کند. البته این کارخانه مشهور به این بود که کاغذ روزنامه تولید می‌کند؛ اما به گفته مسئولان این کارخانه، حدود یک سال است که تولیدات این شرکت برای کاغذ روزنامه هم به صفر رسیده و متوقف شده است؛ چون کاغذ تولیدی‌شان را نمی‌توانستند به فروش برسانند. از کارخانه کاغذ مازندران که بگذریم، به کارخانه کاغذ پارس می‌رسیم که کاغذ بیشتری تولید می‌کند و در عرصه‌های مختلف فعال است. گروه صنایع کاغذ پارس سال ۱۳۴۶ در شمال خوزستان، با هدف استفاده از باگاس تولیدشده در کارخانه نیشکر هفت‌تپه تأسیس شد و در سال ۱۳۴۹ به بهره‌برداری رسید. این کارخانه پس از راه‌اندازی، تا مدت‌ها یگانه تأمین‌کننده کاغذ چاپ و کاغذ تحریر داخل کشور بود؛ اما به دلیل صدمات وارده در طی دوران دفاع مقدس و انجام‌نشدن نوسازی و بازسازی در زمان تصدی بخش دولتی، در معرض تعطیلی همیشگی قرار گرفت و وضعیت آن در سال‌های منتهی به ۱۳۹۱، به کمتر از ۲۰ درصد ظرفیت اسمی رسید. مهر سال ۱۳۹۲، فصل جدیدی در کارخانه کاغذ پارس آغاز شد. سهام این شرکت به بخش خصوصی و شخصی به اسم محمدجواد مقدم واگذار شد و سلسله اقدامات برای بازسازی و نوسازی ماشین‌آلات، فرایندها و منابع انسانی آغاز شد و طی دو سال فعالیت شبانه‌روزی، کاغذ پارس به رکورد تولید عمر خود دست یافت. همچنین بازارهای صادراتی

باگاس به‌خودی‌خود نمی‌تواند صادر شود؛ چون قابلیت اشتعال دارد. اما اگر به تولیدات دیگر تبدیل شود، می‌شود خیلی راحت آن را صادر کرد



مجتمع کاغذ تبریز

📍 **محل کارخانه:** بندر آزاد امیرآباد در بهشهر

📅 **سال تأسیس:** کارخانه کاغذسازی تبریز از سال ۱۳۸۹ طراحی شده بود؛ اما سال‌ها در انتظار انجام تعهدات دولت و سرمایه‌گذار مانده بود، تا اینکه فروردین سال ۱۳۹۶، به‌صورت رسمی افتتاح شد.

ظرفیت فعلی تولید کاغذ تحریر: نامعلوم



شرایط فعلی: در شرایطی که بسیاری از کارخانه‌های تولید کاغذ، از جمله کاغذ پارس، جواب‌گوی نیاز کشور در زمینه کاغذ تحریر نبودند، دولت بر آن شد که یک کارخانه تولید کاغذ تحریر راه‌اندازی کند و آن را تنها تولیدکننده کاغذ تحریر نامید. گفته شده در راه‌اندازی این مجتمع کاغذی، از تکنولوژی اروپا استفاده شده و قرار بود سالانه ۵۵ هزار تن کاغذ چاپ و تحریر تولید کند؛ اما درباره ظرفیت تولید آن اطلاعی در دست نیست.

ماجرای کاغذ به کجا خواهد رسید؟

آماري اوایل سال ۱۳۹۷ اعلام شد مبنی بر اینکه نیاز سالانه کشور به کاغذ، حدود ۲ میلیون تن است که ۳۵۰ هزار تن کاغذ تحریر، ۱۰۰ هزار تن کاغذ روزنامه و ۷۰۰ هزار تن کاغذ بسته‌بندی مورد نیاز ماست. طبق آخرین اعلام رسمی، آمار تولید سالانه تفاله نیشکر یا همان باگاس، ۲/۵ میلیون تن در سال است. نسبت تولید کاغذ به باگاس هم سه به یک و در بدبینانه‌ترین حالت، پنج به یک است؛ یعنی حداقل می‌توانیم ۵۰۰ هزار تن کاغذ از طریق مواد اولیه باگاس در داخل تولید کنیم. با نگاهی به این آمار، می‌شود گفت کاغذ تولیدشده از باگاس، می‌تواند نیاز کاغذ تحریر و کاغذ روزنامه داخل را تأمین کند؛ اما مسئله این است که چنین اتفاقی نمی‌افتد؛ چون اراده‌ای پشت آن نیست و برخی از مسئولان چاره مشکل کاغذ را فقط در واردات می‌بینند. در یک سال اخیر، کمبود کاغذ مشکلات فراوانی را برای حوزه نشر و مطبوعات به وجود آورده است. کاغذ بندی ۵۲۰ هزار تومان مشکل کوچکی نیست. فکر کنید که یک ناشر چقدر باید خرج کند تا کاغذ بخرد و بعد آن را به کتاب تبدیل کند. یا روزنامه‌ها تعطیل می‌شوند یا اینکه صفحاتشان را کم می‌کنند. کاغذ موضوع مهمی است؛ آن‌قدر مهم که مقام معظم رهبری در بازدید از نمایشگاه کتاب، به وزیر ارشاد برای حل مسئله کاغذ تذکر دادند. ضمن اینکه ایشان هم درباره تولید داخل و حل مشکلات کارخانه‌های داخلی کاغذ تذکر داده بودند. با وجود حجم انبوهی از تولیدات باگاس نیشکر به‌عنوان مواد اولیه

تولید کاغذ و همچنین وجود کارخانه‌هایی که می‌توانند به‌سمت تولید کاغذ از این محصول بروند، باز هم شاهد این هستیم که مسئولان ترجیح می‌دهند سراغ واردات کاغذ بروند. همین گزارش و همین باگاس تولیدی در کارخانه‌های داخل، نشان می‌دهد که می‌شود این کار را انجام داد؛ کما اینکه دو کشور آمریکا و پرو از باگاس برای تولید کاغذ استفاده می‌کنند. از طرف دیگر، فکر کنید که هزینه تولید یک تن خمیر کاغذ از چوب جنگلی حدوداً ۱۲۰ هزار تومان و از باگاس حدود ۱۴ هزار تومان است. همه این‌ها را کنار هم بگذارید. با یک حساب و کتاب ساده می‌توان فهمید که باگاس محصول ارزشمندی است که تولیدکنندگان کاغذ از آن غافل بودند. باگاس شاید اسمش سخت باشد؛ اما هم ارزان است هم در دسترس. باگاس همین تفاله نیشکر خودمان است.

هزینه هر تن خمیر کاغذ از تنه درختان معادل ۱۲۰ هزار تومان است و این هزینه در قبال هر تن باگاس حاصل تفاله نیشکر، ۱۴ هزار تومان است. هر تن باگاس را می‌شود به ۴/۵ تن خمیر کاغذ سفید تبدیل کرد. آمار تولید سالانه باگاس ۲/۵ میلیون تن در سال است. نسبت تولید کاغذ به باگاس هم سه به یک و در بدبینانه‌ترین حالت پنج به یک است؛ یعنی حداقل می‌توان ۵۰۰ هزار تن کاغذ از باگاس تولید کرد.

هر بند کاغذ ۵۰۰ برگ کاغذ می‌دهد. از هر درخت، ۱۷ بند کاغذ A4 یا ۸۵۰۰ برگ کاغذ استخراج می‌شود. برای مصرف سالیانه، ۳۵۰ هزار تن کاغذ تحریر و ۱۰۰ هزار تن کاغذ روزنامه احتیاج داریم.

کاغذ تولیدشده از باگاس، می‌تواند نیاز کاغذ تحریر و کاغذ روزنامه داخل را تأمین کند؛ اما مسئله این است که چنین اتفاقی نمی‌افتد؛ چون اراده‌ای پشت آن نیست و برخی از مسئولان چاره مشکل کاغذ را فقط در واردات می‌بینند

بررسی وضعیت واردات و نظام توزیع کاغذ در گفت‌وگو با
رئیس سندیکای کاغذ و مقوای ایران

پیروزی واردات در جنگ با تولید

● مهدیس میرزایی اعتمادی

در کشور ظرفیت‌های خوبی برای تولید کاغذ وجود دارد. علاوه بر اینکه فعالان عرصه کاغذ، علاقه‌مند به سرمایه‌گذاری هستند، به نظر می‌رسد با اصلاح برخی از قوانین موجود، زمینه برای سرمایه‌گذاری مهیا شود؛ اما اینکه چرا این اتفاق به‌درستی صورت نمی‌گیرد و به تصمیم‌گیری نهایی نرسیده‌ایم، موضوعی است که باید بررسی شود.

بهترین گزینه در خصوص بررسی وضعیت واردات و نظام توزیع کاغذ در کشور، ابوالفضل روغنی، رئیس سندیکای کاغذ و مقوای ایران است.

روغنی سال‌ها مدیریت شرکت صنایع چوب و کاغذ مازندران را عهده‌دار بوده است. او که یکی از شخصیت‌های تأثیرگذار این عرصه به شمار می‌آید، علاوه بر ریاست سندیکای کاغذ و مقوای ایران، در حال حاضر، یکی از اعضای هیئت‌مدیره کارخانه کاغذ پارس است.

به نظر شما ایران از نظر توانمندی تولید کاغذ در چه جایگاهی قرار دارد؟ آیا تولید کاغذ در کشور ضرورت دارد؟

تولید صددرصدی در کشور وجود دارد؛ اما از نگاهی دیگر، حداقل ۵۰ تا ۶۰ درصد از این نیاز تأمین خواهد شد. سؤال اصلی این است که چه عواملی سبب شد گرفتار وضع فعلی شویم و در نهایت، موضوع کاغذ به‌عنوان دغدغه‌ای جدی برای اصحاب مطبوعات، رسانه و اهالی قلم مطرح شود. برای همین، به گفت‌وگوی شفاف‌تری نیاز است. من سعی می‌کنم برخی از واقعیت‌ها را بدون ملاحظات بیان کنم که چندان خوشایند برخی از افراد نیست.

یکی از مشکلات ما شبکه‌های توزیع هستند. در همه‌جای دنیا، یکی از دلایل افزایش قیمت در هر کالا و مرسوله‌ای، هزینه حمل‌ونقل و توزیع و فروش است؛ اما این عوامل بر اساس استاندارد تعیین می‌شوند. کاملاً مشخص است از مرحله تولید تا عمده‌فروشی، پیکنداری

در ابتدا، به نیاز کشور در حوزه کاغذ تحریر اشاره می‌کنم. ما با ضریب ده‌درصد بالا و پایین، حدود ۳۸۰ هزار تن کاغذ تحریر در کشور نیاز داریم؛ اما شرکت‌هایی که قبل و بعد از انقلاب بنا شده‌اند، سالانه ظرفیت تولید حدود ۱۸۰ هزار تا ۲۰۰ هزار تن کاغذ تحریر دارند. این یعنی در حوزه کتاب‌های با کاغذ تحریر و درسی، حدود ۱۸۰ هزار تن کاغذ تحریر کمبود داریم و حتماً باید در این زمینه واردات انجام شود. اما در زمینه مطبوعات، آمارها کمی متفاوت است. آنچه وزارت ارشاد بر آن صحنه می‌گذارد و تا حدودی هم ما تأییدش می‌کنیم، چیزی حدود ۶۰ تا ۷۰ هزار تن کاغذ نیاز است. از نگاهی می‌شود گفت امکان

تا سیستم‌های خرده‌فروشی و شبکه‌های مویرگی، باید فواصلی رعایت شود. بسته به نوع کالا و محصول، می‌توان تقسیم‌بندی کرد و بر مبنای آن، قیمت کالای کارخانه را افزایش داد تا به دست مصرف‌کننده برسد. اما صراحتاً می‌توانم عرض کنم که شبکه توزیع ما در همه زمینه‌ها دچار مشکل است و شبکه توزیع اساسی در اکثر ساختارهای کشور وجود ندارد. برای مثال، قرار بود هدفمندی یارانه‌ها در هفت مرحله انجام شود؛ اما در مرحله دوم متوقف شد. صراحتاً عرض می‌کنم که شبکه‌های مویرگی درست و دقیق و مناسب برای توزیع کاغذ در کشور وجود ندارد.

با توجه به نیاز کاغذ، قرار شد ارز ۴۲۰۰ تومانی به واردکنندگان کاغذ داده شود. در این بخش، چه اتفاقاتی افتاد؟ وضعیت تخصیص ارز در این خصوص چگونه است؟

اینجا ممکن است صحبت‌های من کمی زاویه داشته باشد و برخی ناراحت شوند. اساساً ارز ۴۲۰۰ تومانی از پایه غلط است. دلیل آن هم این است که کشور متأسفانه در جنگ تمام‌عیار اقتصادی قرار گرفته است و خروج نفت و ورود منابع ارزی به کشور، به شدت محدود شده است. به نظرم قرارگرفتن کاغذ در ردیف کالاهای اساسی مانند غذا و دارو با تخصیص ارز، صورت چندان خوشی ندارد. مردم فرهیخته، آگاه، دانا و توانای ایران حاضر نیستند کتاب در ردیف کالاهای اساسی قرار گیرد.

سابقه زندگی شخصی مردم گواهی می‌دهد که از نیازهای ضروری خود گذشته‌اند تا کسب علم کنند. این امکان‌پذیر نیست؛ مگر اینکه چاپ کتاب صورت گیرد و کتاب در جامعه منتشر شود، توسعه علمی را فراهم کند و مشکلات اقتصادی هم در جای خود حل شود. بله، مردم فرهیخته و فرهنگی ایران این موضوع را خوب درک می‌کنند که بالاخره کشور در مضیقه و مشکل است. در این صورت، این مشکلات به سایر جاها منتشر می‌شود. می‌خواهم بگویم اتفاقاً مشکل کاغذ از ارز ۴۲۰۰ تومانی است.

چرا؟

دولت چیزی نزدیک به ۲۵۰ هزار تن ثبت سفارش کرده است و تخصیص ارز داده و کاغذ وارد شده است؛ اما آیا مصرف‌کننده نهایی نفعی از این ارز ۴۲۰۰ تومانی می‌برد؟ با مراجعه به سایت‌های روز دنیا، متوجه خواهید شد که قیمت کاغذ روزنامه در دنیا بیشتر از ۷۴۰ دلار نیست و این با ارز ۴۲۰۰ تومانی تقریباً سه‌هزار تومان می‌شود. کدام‌یک از اصحاب مطبوعات در یکی دو سال گذشته توانسته‌اند کاغذ سه‌هزار تومانی بخرند؟ به نظر من ارز ۴۲۰۰ تومانی ایجاد رانت و فساد می‌کند. افرادی پیدا می‌شوند که با ساخت شرکت‌های صوری، این ارزها را دریافت کرده و منابع کشور را هدر می‌دهند. این نشان‌دهنده این است که نظام توزیع و تأمین و تخصیص غلط است. قیمت بهترین کاغذ تحریر دنیا





۱۲۰۰ دلار است که با ارز ۴۲۰۰ تومانی و با همه هزینه‌ها، تقریباً ۶ هزار تومان می‌شود. البته عدد کوچک‌تر است و من عدد را پر عرض می‌کنم. امروز کاغذ به بندی ۵۰۰ هزار تومان رسیده است؛ یعنی هر کیلو کاغذ بالای ۲۰ هزار تومان است؛ در صورتی که قیمت تمام‌شده آن با ارز ۴۲۰۰ تومانی و بهترین نوع کاغذ، ۱۲۰۰ دلار، یعنی زیر ۶ هزار تومان است. در واقع، دولت ارز ۴۲۰۰ تومانی را در اختیار مردم قرار نداده است. اینجا ممکن است برخی از ناشران گلایه کنند؛ اما چندین سال است که به ناشران انتقاد می‌کنیم که از کالای داخلی حمایت نکنند. مسئله‌ای وجود دارد که ما می‌گوییم از قیمت تمام‌شده یک جلد کتاب، ۲۵ درصد آن قیمت کاغذ است و در نیمه پر لیوان، ۵۰ درصد را قیمت کاغذ می‌دانیم. مابقی ۵۰ درصد برمی‌گردد به سایر هزینه‌ها. باید اظهار تأسف کنیم از اینکه سرانه مطالعه در کشور ما پایین است. اما نباید فراموش شود که فرهیختگان جامعه با نوسانات قیمت کنار آمده و تحت هر شرایطی کتاب را تهیه می‌کنند. پس نمی‌توانیم بگوییم افزایش نرخ کاغذ، همه مردم را از خواندن کتاب و روزنامه دور می‌کند. من به عنوان یک ایرانی که در عرصه فرهنگ و اقتصاد فعال هستم، با تخصیص ارز ۴۲۰۰ تومانی برای واردات مخالفم و معتقدم که بهترین شکل ممکن، استفاده از ارز نیمایی است. با جایگزین شدن ارز نیمایی به جای ارز ۴۲۰۰ تومانی، قیمت کاغذ در بازار به شدت سقوط می‌کند و نمودار روی اعداد متعادلی می‌ایستد. یکی از مشکلاتی که با ارز ۴۲۰۰ به وجود می‌آید، از بین رفتن بالانس عرضه و تقاضا است؛ به معنی دیگر، کمبود

عرضه و تقاضای بالا. کمیته کاغذ در کشور تشکیل شده است؛ اما هدف از برگزاری این جلسات چیست؟ من چند باری به این جلسات دعوت شدم و اعتراض کردم و در نهایت، دیگر به این جلسات دعوت نشدم. باید پرسیده شود که دوستانی که از ارز ۴۲۰۰ تومانی استفاده می‌کنند، چه کسانی و با چه شناسنامه‌ای هستند؟ ما به عنوان کسانی که در این مملکت کار می‌کنیم، در این بازار کوچک همدیگر را به خوبی می‌شناسیم. باید از افراد صاحب صلاحیت و شناسنامه‌دار در عرصه صنعت و تجارت استفاده شود. استفاده از افرادی که بی‌هویت هستند، باعث می‌شود چنین اتفاقاتی رخ دهد. معتقدم ارز ۴۲۰۰ تومانی وجود ندارد و بهتر است خودمان را سرکار نگذاریم.

مشکل و چالش جدی ما در شبکه توزیع است؛ جایی که عرضه و تقاضا قرار است با هم تعادل ایجاد کنند. در این خصوص دیدگاهتان را بفرمایید.

در خصوص کمبود کاغذ ابتدا عرض می‌کنم که همه ما از دولت، تولیدکنندگان، واردکنندگان، توزیع‌کنندگان و حتی مصرف‌کنندگان، بلااستثنا مقصر هستیم. یکی دیگر از اشکالات در عرصه کاغذ، به دو وزارتخانه عریض و طویل ارشاد و صمت برمی‌گردد. هر دو با هم در حوزه کاغذ کار می‌کنند. یکی ثبت سفارش می‌کند، دیگری تأمین. یکی تکذیب می‌کند و یکی به شکل دیگری رفتار می‌کند. بنابراین وزارت ارشاد باید به سهم خود دقیق و شفاف و روشن باشد و همین طور وزارت صمت هم

باید تکالیفش روشن باشد. معتمد که این کار باید جزو کارهای وزارت صمت قرار گیرد و وزارت ارشاد با راهبردی دقیق، کلان‌نگری کند.

کاغذ برای حوزه نشر ماده اولیه محسوب می‌شود. طبیعی است که وزارت صنعت می‌تواند در این حوزه نقش بهتری ایفا کند.

چون بازار، واردکنندگان و تشکلهای را می‌شناسد. همان طور که عرض کردم، بخشی از مشکلات به حوزه توزیع برمی‌گردد. در حوزه توزیع به شدت ضعیف هستیم. واردکننده کار خود را انجام داده است و کاغذ را وارد کرده است و کاغذ به دست بنکدار رسیده است. از اینجا به بعد، معلوم نیست چه اتفاقی در شبکه رخ می‌دهد و این به دلیل نبود نظارت و کنترل است. به همین دلیل است وقتی از ناشران و روزنامه‌چی‌ها سؤال می‌کنید، می‌گویند کاغذ گیر نمی‌آید یا به شدت گران است یا احتمالاً سهمیه‌ای که به آن‌ها تعلق گرفته، بسیار ناچیز است. اخیراً شاهد کم شدن تیراژ روزنامه‌ها و تعدیل نیرو هستیم. چرا؟ ارز ۴۲۰۰ تومانی که نباید منجر به تعطیلی شود. دقیقاً مانند گذشته منابع مالی تأمین می‌شود. این حکایت از کمبود عرضه دارد و ما نتوانسته‌ایم در حد نیاز، کاغذ تأمین کنیم و در نهایت، منجر به این تعدیل نیرو شده است. شبکه‌های توزیع دچار مشکلات ساختاری و اساسی هستند که باید روی این موضوع کار شود.

با توجه به تجربه و مطالعاتی که در عرصه بین‌المللی دارید، راهکار شما برای نظام توزیع کاغذ در شکاف پیش‌آمده میان تولید و واردات چیست؟ چگونه می‌توانیم این مشکل را حل کنیم و چه کسانی در این زمینه می‌توانند مسئولیت داشته باشند؟

معتمد کشور باید در همه کارها از جمله کاغذ، نقشه و استراتژی داشته باشد. مقام معظم رهبری حدود ده سال پیش در نمایشگاه کتاب، به آقای سالک، رئیس کمیسیون فرهنگی وقت مجلس، دستور دادند و فرمودند که باید بازار کتاب سامان دهی شود؛ اما با پایان یافتن دوره مجلس و پایان دولت، همه چیز به هم ریخت. به نظرم برای این کار به یک استراتژی به صورت کلان نیازمندیم؛ اما کار امروز و فردا نیست و حداقل به دوسه سال زمان نیاز دارد. باید در کوتاهمدت مشکلات را حل کنیم و این جز از طریق واردات و ارز نیمایی صورت نمی‌پذیرد. اهالی فرهنگ باید بدانند که با ارز ۴۲۰۰ تومانی مشکلاتشان بیشتر می‌شود. خودشان باید بگویند ارز ۴۲۰۰ تومانی نمی‌خواهند. کشور در جنگ اقتصادی قرار دارد و

محدودیت‌های ما جدی است. بنابراین، ارز ۴۲۰۰ تومانی معطل گذاشتن اهالی قلم است.

برای واردات کاغذ، بیش از نیاز ارز تخصیص داده شده است؛ اما در بخش توزیع، شاهد مفقود شدن ۱۸۴ هزار تن از ۲۰۰ تا ۲۵۰ هزار تن کاغذ وارداتی هستیم. این یعنی اختلال در شبکه توزیع. این یعنی نظام عرضه و تقاضا نوسانات جدی را متحمل شده است. نظر شما در این باره چیست؟

تخصیص دادن ارز به این معنی نیست که تأمین شده است. آقای صالحی، وزیر ارشاد، در سخنانی به نیاز ۴۰۰ هزار تنی کاغذ اشاره کردند که از این میان، نیاز حوزه چاپ و نشر تنها ۸۰ هزار تن است. اگر تنها این ۸۰ هزار تن باشد، همه مشکلات ما حل می‌شود و با درخواست از تولیدکنندگان داخلی در عرض دو تا سه ماه تأمین می‌شود. اما من با این موضوع مشکل دارم و قضیه پیچیده‌تر از این حرف‌ها است. از طرف دیگر، من به عنوان یک تاجر هم مقصر هستم و باید در این زمینه پاسخگو باشم. وقتی تاجران با کد کاغذ تحریر، کاغذ گلاسه وارد می‌کنند، نمی‌توان فقط دولت و مجلس را مقصر دانست. نه! هرکس سهمی دارد. به نظر می‌رسد راهکار کوتاهمدت برای این حل مشکل، مدیریت نظام واردات است. علاوه بر این، باید مشارکت بخش خصوصی را هم داشته باشیم. در این بین، دولت باید راهبرد ارائه و بر کار نظارت کند.

آمار از میزان مصرف کاغذ بفرمایید و اینکه چه مقدار از آن در داخل تولید می‌شود و چه میزان واردات صورت می‌گیرد.

سرانه مصرف کاغذ در دنیا به طور متوسط در کشورهای اروپایی، حدود ۵۴ کیلوگرم و در کشورهای اسکاندیناوی و آمریکا، حدود ۱۵۰ کیلوگرم و در کشور ما حدود ۲۲ کیلوگرم است. این موضوع قبلاً به عنوان یکی از شاخص‌های توسعه یافتگی محسوب می‌شد. بر اساس آمار، حدود دویلمیون تن کاغذ نیاز کشور است که شامل کاغذ بسته‌بندی، تیشو، کاغذ تحریر، روزنامه و... است. از این میان، ۳۸۰ هزار تن کاغذ تحریر نیاز داریم که ۱۸۰ تا ۲۰۰ هزار تن می‌تواند در داخل کشور تأمین شود. ۳۰ تا ۵۰ هزار تن نیز برای روزنامه نیاز داریم. در حالت واقع‌بینانه، می‌توانیم تمام کاغذ روزنامه را در داخل کشور تأمین کنیم؛ اما متأسفانه در دو دهه اخیر، به موضوع تولید در داخل کشور توجه نشده است. این در حالی است که مقام معظم رهبری در چند سال اخیر، در انتخاب شعار سال بر حمایت از تولید تأکید کرده‌اند.

این نشان‌دهنده این است که تولید، موتور محرکه ایجاد شغل، توسعه‌یافتگی و فعال‌شدن اقتصاد کشور است. خوب است بدانید که فرصت سرمایه‌گذاری کاغذ در ایران از ظرفیت بالایی برخوردار است. همین الان حدود ۲۳۰ تا ۲۵۰ هزار تن برای کاغذ تحریر فرصت سرمایه‌گذاری داریم؛ چرا که تقریباً تمام منابع آن در کشور وجود دارد. اما وقتی تمام امتیازات و قوانین به نفع واردکننده است، هیچ انگیزه‌ای برای سرمایه‌گذار باقی نمی‌ماند. شاهد مثال این موضوع هم بنیان‌گذار کارخانه تبریز است که تاجر بزرگی بود و کارخانه کاغذسازی را بنا نهاد؛ اما در عرض مدت کوتاهی، از سرمایه‌گذاری خود در این عرصه پشیمان شد و کارخانه را تقریباً تعطیل کرد. بارها و بارها به او تذکر دادند که به تولید ادامه دهد. گفت چشم، شما قوانین را تغییر دهید، ما کارخانه را برای تولید ایجاد کرده‌ایم. بنابراین، قوانین در کشور ما اصلاً به نفع تولیدکننده نیست. برای مثال، متأسفانه ارزش افزوده برای واردات کاغذ حذف شده است؛ در صورتی که به تمامی کالاهای تولیدی ارزش افزوده تعلق می‌گیرد و قیمت تمام‌شده آن حتی بیش از ۹ درصد است. از طرفی، تعرفه‌های گمرکی کاملاً به نفع واردات است.

اگر واقعاً قول و قراری بود، دولت و مجلس و بخش‌های مختلف با هم توافق کرده و قوانین را به نفع تولید و کشور تغییر می‌دادند و این فرصت و انگیزه برای تولیدکنندگان داخلی فراهم می‌شد؛ اما چنین حمایتی را نمی‌بینیم. ارز ۴۲۰۰ تومانی را برای واردات کاغذ اختصاص می‌دهیم. این در حالی است که باید پرسید برای تولید چه چیزی اختصاص یافته است؟ با این ارز ۴۲۰۰ تومانی، منابع کشور و فرصت سرمایه‌گذاری و ایجاد شغل پایدار را از دست می‌دهیم و متأسفانه روی آن اصرار هم می‌کنیم. اگر این منابع به تولید اختصاص داده می‌شد، امروز دچار این گرفتاری نمی‌شدیم. برای حل این موضوع هم نمی‌توان یک‌شبه پیش رفت. چرا که سالیان سال است با وجود تأکیدات مقام معظم رهبری، به حمایت از تولید توجه نکرده‌ایم. از طرفی، در جلسات متعددی که با دولت و مجلس و مصرف‌کنندگان داشتیم، عنوان شد که هیچ دلیلی ندارد برای کتاب‌های درسی باکیفیت‌ترین کاغذ دنیا را وارد کنیم؛ چرا که از این کتاب‌ها نهایتاً هفت‌هشت ماه استفاده می‌شود. چرا باید منابع ارزی کشور را بدین صورت از بین ببریم؟ اما کسی گوشش بدهکار نبوده و نیست.

کیفیت تعریف دارد و کاملاً می‌شود آن را ردیابی و رصد کرد. کاغذ «وود فری» بهترین کاغذ در دنیا است؛ اما برای چه کاری مصرف می‌شود؟ برای کتاب‌هایی

که گنجینه تاریخی هستند و در کتابخانه‌ها از آن‌ها نگهداری می‌شود. اما متأسفانه دولت ارز را در جهت این کار اختصاص می‌دهد و به‌نوعی منابع ملی را از بین می‌برد. در این موقعیت می‌شود گفت مسئولان و حتی مصرف‌کنندگان به تولید توجه نمی‌کنند. البته باید به این نکته اشاره شود که مقصر در این قضیه تنها دولت نیست. تولیدکنندگان نیز با تولید نکردن کالای باکیفیت به سهم خود مقصر هستند. به یاد دارم در مازندران که بزرگ‌ترین تولیدکننده کاغذ تحریر در ایران است، باید برای فروش کاغذ روزنامه التماس می‌کردیم؛ چرا که از چوب بی‌کیفیتی استفاده می‌کردند. امروز ارز گران شده و منابع ارزی محدود است. دوستان درخواست کاغذ تحریر می‌کنند؛ اما باید بدانند از آن زمانی که از تولید حمایت شد و تولید انقدر ذلیل شد، امروز هیچ انگیزه‌ای برای تولید کاغذ تحریر در کشور وجود ندارد.

چرا با وجود تأکید بر تولید، اقدامی عملی در این زمینه دیده نمی‌شود و در ادامه شاهد تخصیص ارز به واردات هستیم؟

چند سال است که این هشدار داده می‌شود که اگر از تولید حمایت نکنید، کشور دچار بحرانی می‌شود که امروز دچار آن هستیم. امروز قیمت کاغذ تا کیلویی ۲۰ هزار تومان می‌رسد که در اقتصاد موضوعی کاملاً طبیعی است. وقتی در کشور عرضه و تقاضایی وجود نداشته باشد و تولیدی صورت نگیرد، خب طبیعی است که خارجی‌ها به هر شکلی که بخواهند، می‌توانند برخورد کنند.

می‌شود گفت این موضوع در عین حال، زمینه‌های سوءاستفاده بعضی از افراد را فراهم می‌کند. در واقع، علاوه بر فشارها و تحریم‌ها و مشکلات واردات، فساد نیز ایجاد می‌شود. البته اخیراً قوه قضاییه وارد پرونده‌های کاغذ شده است. نظر شما در این باره چیست؟

اگر چارچوب درست و ضابطه‌مندی داشته باشیم، می‌توانیم منابع ارزی از دست‌رفته را بازگردانیم. قوه قضاییه هم الزامات و شرایط خاص خود را دارد. باید به این نکته توجه کنیم که اگر به تولید توجه می‌شد، امروز دچار این اتفاقات و سردرگمی نمی‌شدیم و شاهد ۱۱/۸ درصد بیکاری در کشور نبودیم. نه صرفاً در کاغذ، بلکه در همه زمینه‌ها عرض می‌کنم.

در یک نگاه می‌توان گفت رسیدن به این تنگنا باعث شده است تا با دقت بیشتری به ضرورت‌های جامعه



توجه و از تولید داخل حمایت کنیم. در این بین، چه نهادهای و چه کسی می تواند به طور جدی نقش آفرینی کند؟

متأسفانه وزارت ارشاد بیش از آنچه نیاز است، واردات انجام می دهد. از طرفی، نبود وحدت نظر در وزارت صنعت، به مشکلات دامن زده است. نبود کالای باکیفیت ارزان و با قیمت تمام شده مناسب در بازار را نیز نباید از نظر دور نگه داریم. از سویی مصرف کنندگان نیز بیشتر به سمت کالای خارجی گرایش دارند. همه این عوامل سبب می شود که از کالای تولید داخل حمایتی صورت نپذیرد. اما باید توجه کرد که موضوع تولید، بسیار مهم است و نمی توان به سادگی از آن عبور کرد. کارشناسان موافق و مخالف مسئله باید نظر خود را بیان کنند تا در انتها مردم به قضاوت بنشینند.

با توجه به فعالیت های شما در حوزه کاغذ، آیا کیفیت کاغذ موجود، به اندازه ای که اظهار می شود، کیفیت پایینی دارد؟

در بخش بسته بندی، امکان صادرات به انگلیس و کشورهای اروپایی و آسیایی را داریم و این بدین مفهوم است که کاغذ تولیدی به لحاظ کیفیت در سطح بالایی قرار دارد. اما در خصوص کاغذ تحریر، هیچ گاه تجربه صادرات را نداشته ایم و دلیل آن هم کمبود کاغذ تحریر در کشور است. ولی یک سری شاخص های بین المللی وجود دارد که کاغذ تولیدی ایران بر مبنای آن شاخص ها، برای کتاب های درسی، روزنامه و نشریات از کیفیت لازم و مشخصات فنی دقیقی برخوردار است. در این بین، اصلاً

در داخل کشور کاغذ گلاسه تولید نمی کنیم. از سوی دیگر، اگر شما کاغذی با استاندارد بالا برای کتب تاریخی بخواهید که پنجاه سال در کتابخانه نگهداری شود، این کاغذ در ایران تولید نمی شود. این در حالی است که کاغذ مورد نیاز برای دفترچه مشق، کتاب های درسی، روزنامه و... در ایران تولید می شود و حتی می توان گفت ۱۰۰ درصد پاسخ گوی نیاز مصرف کننده است و کیفیت آن انتظارات را برآورده می کند.

تفاوت قیمت تمام شده تولید کاغذ در داخل با قیمت تمام شده واردات کاغذ چقدر است؟

حدود سه سال پیش، کاغذ باکیفیت حدود ۱۸۵۰ تومان بود و کاغذ خارجی ۲۵۰۰ تومان به فروش می رسید که البته از شفافیت بیشتری برخوردار بود. این در صورتی بود که اصلاً ضرورتی بر استفاده از کاغذ خارجی نبود؛ اما شاهد واردات کاغذ برای کتاب های درسی بودیم که در عین ضرورت نداشتن، اصلاً نمی شد آن را با تولیدات داخلی مقایسه کرد. آنچه مورد نیاز کشور است، با کیفیت و قیمت مناسب در داخل کشور تولید می شود؛ اما حمایت نکردن از سوی مصرف کننده، تولید را دچار رکود کرده است؛ اما هنوز هم دیر نشده است و قطعاً امکان بازسازی و نوسازی وجود دارد؛ مشروط بر اراده مسئولان و تصمیم گیران، چه در حوزه قانون گذاری و چه در حوزه اجرا. در ادامه باید دست اندرکاران فرهنگی مثل صداوسیما، مطبوعات، جراید و... نیز در جهت فرهنگ سازی وارد میدان شوند. در این صورت می توانیم امیدوار باشیم.

یارانه ای که به تولیدکننده خارجی می‌رسد

گروه صنایع کاغذ پارس که از زیرمجموعه‌های متعددی تشکیل شده، قدیمی‌ترین کارخانه تولید کاغذ چاپ و تحریر است. کاغذ پارس برای خیلی‌ها جزو نوستالژی‌های دوران تحصیل محسوب می‌شود. اما کارخانه تولید کاغذ پارس که به‌صورت سهامی عام پایه‌ریزی شده و در بازار بورس حضور دارد، سال‌هاست فعالیتش را به بسیاری از حوزه‌های مربوط به کاغذ گسترش داده است، به‌جز تولید کاغذ چاپ و تحریر! احمد مقدم، مدیرعامل کاغذ پارس، همان قدر که برای صحبت کردن درباره مشکلات کاغذ مشتاقانه برخورد کرد، پاسخ مهم‌ترین و اصلی‌ترین سؤال این گفت‌وگو، یعنی ظرفیت تولید کاغذ تحریر این کارخانه را با اکره داد.

خارجی ایجاد می‌کند. پس از سال ۱۳۹۲ که این شرکت به بخش خصوصی واگذار شده است، تلاش کرده‌ایم با وجود تمام موانع، ظرفیت‌های تولید را افزایش دهیم و خوشبختانه در این حوزه موفقیت‌هایی نیز کسب کرده‌ایم. برای حل مشکل صنعت کاغذ باید این سؤال پرسیده شود که چرا برخلاف دهه‌های پیشین، امروز در تولید برخی از کاغذهای بسته‌بندی به خودکفایی رسیده‌ایم؛ ولی در حوزه کاغذهای چاپ و تحریر واردکننده محض هستیم.

منظورتان از قوانین چه بود؟

با ذکر مثال، مهجوربودن تولیدکننده این صنعت را شرح خواهم داد. نهایت درخواست تولیدکنندگان داخلی این است که با تولیدکننده خارجی شرایط مساوی داشته باشند و قانون‌گذاران ما به کاغذ خارجی یارانه واردات ندهند. اگر فقط شرایط برابر داشته باشیم، تولیدکننده

آیا کارخانه پارس در حال حاضر کاغذ تحریر تولید می‌کند؟

شرکت گروه صنایع کاغذ پارس در سال ۱۳۴۹ با هدف تولید کاغذ چاپ و تحریر پایه‌گذاری شده و به بهره‌برداری رسیده است؛ اما طی ۴۵ سالی که متعلق به بخش دولتی بوده، مشکلات اقتصادی و معضلات متعددی داشته است. همچنین حمایت نکردن قانون‌گذار سبب شده است که از تمام ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های موجود در این صنعت بهره‌برداری نشود. از موانع مهمی که سبب رشد نکردن این صنعت در زمینه تکنولوژی و افزایش نیافتن ظرفیت تولید کاغذ چاپ و تحریر است، می‌توان به قوانین این حوزه اشاره کرد. یکی از کارکردهای اساسی قانون، هموارکردن مسیر کسب‌وکار و تجارت برای سرمایه‌گذار در دو حوزه دولتی و خصوصی است. قوانین به‌گونه‌ای است که شرایط بسیار ناعادلانه‌ای را برای تولیدکننده داخلی در مقایسه با واردات و تولیدات



نهایت درخواست تولیدکنندگان داخلی این است که با تولیدکننده خارجی شرایط مساوی داشته باشند و قانون‌گذاران ما به کاغذ خارجی یارانه واردات ندهند

داخلی به تولید کاغذ چاپ و تحریر علاقه‌مند می‌شود و مشکل این نوع کاغذ حل خواهد شد. اگر یک تولیدکننده خارجی و داخلی را مقایسه کنیم، به بی‌عدالتی‌هایی برمی‌خوریم که به ذکر چند نمونه اکتفا خواهیم کرد. یارانه: کاغذ چاپ و تحریر خارجی با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌شود؛ در حالی که تولیدکننده داخلی اگر بخواهد از شرکت‌های پتروشیمی داخلی، کاستیک سودا یا دیگر مواد اولیه را بخرد، با نرخ نیمایی یا ارز آزاد باید خریداری کند. در واقع، مهم‌ترین بخش از قیمت تمام‌شده کاغذ را شامل می‌شود. این در شرایطی است که با احتساب بهترین حالت، به تولیدکننده ارز نیمایی اختصاص داده شود (ارز نیمایی امروز بین ۱۱ تا ۱۴ هزار تومان است). یعنی تا همین جا تولیدکننده داخلی ۵۰ درصد از تولیدکننده خارجی عقب‌تر است؛ چون به کاغذ خارجی ارز ۴۲۰۰ تومانی تعلق می‌گیرد؛ ولی تمام نهادهای تولید کاغذ داخلی با نرخ تسعیر ارزی باید حداقل ۲ تا ۳ برابر تأمین شود.

تعرفه گمرکی: یکی از ابزارهای حمایت از تولیدکننده داخلی، وضع تعرفه مناسب گمرکی برای کالای مشابه خارجی است. در حال حاضر، کاغذ چاپ و تحریر وارداتی چند درصد حق گمرکی دارد؟ هیچ حمایتی از تولیدکننده داخلی صورت نگرفته است. مگر همه زیرساخت‌های تولید کاغذ در ایران با کشورهای مثل چین و سایر کشورها شبیه به هم است که برای بیشتر کالاهای تولید داخل تعرفه در نظر گرفته شده، اما برای کاغذ تحریر هیچ تعرفه‌ای در نظر گرفته نشده است؟ بنابراین، انگیزه‌ای برای تولید این کاغذ باقی نمی‌ماند.

مالیات بر ارزش افزوده: تولیدکننده برای تمام نهادهای تولیدش ناگزیر به پرداخت ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده است؛ لیکن از آنجا که زنجیره کالای فرهنگی کتاب معاف از ارزش افزوده است، کاغذ نیز هنگام فروش از این قاعده مستثنی نیست و این بدان معناست که تولیدکننده داخلی ناگزیر به پرداخت ۹ درصد مالیات بر ارزش افزوده‌ای است که هنگام فروش قابل استرداد نیست. حال این شرایط را برای کاغذ خارجی بررسی می‌کنیم. کاغذ خارجی هنگام واردات، از پرداخت این مالیات معاف است؛ بنابراین، در این مقطع نیز قیمت کاغذ وارداتی عملاً ۹ درصد یارانه پنهان دارد.

حتماً برای حل این معضلات پیگیری‌هایی کرده‌اید. هیچ وقت به نتیجه نرسیده‌اید؟

خیلی قبل‌تر از آنکه بحران کاغذ رخ بدهد یا مشکل خاصی ایجاد بشود، با مسئولان و متولیان در مجلس و دولت جلساتی ترتیب دادیم و بارها گفت‌وگو کردیم،

مبنی بر اینکه در عصر رشد و رونق، باید اقداماتی برای حمایت از تولید و تولیدکننده داخلی انجام داد؛ چرا که کشور ما همیشه در آماج تحریم‌ها بوده و پیش‌بینی این شرایط دور از ذهن نبود. از متولیان خواستیم که دست به دست ما بدهند و شرایطی فراهم کنند که تولید کاغذ در کشور جان بگیرد تا اگر روزی دوباره درگیر تحریم‌های ظالمانه شدیم، دچار بحران کاغذ و تبعات بعدی آن نشویم. متأسفانه در آن روزها کسی توجهی به خواسته‌های ما نکرد و این فرصت در اختیار ما گرفت که کار کارشناسی انجام بدهیم، برنامه‌ریزی و عارضه‌یابی کنیم، سفارش بدهیم، تأمین بوجه انجام بشود، تجهیزات را ساخته یا وارد و نصب کنیم و دست به تولید بزنیم. این فرصت و این امکان در اختیار تولیدکنندگان قرار نگرفت تا به شرایط امروز رسیدیم. مطمئنم اگر فردا مشکلات تحریم برطرف شود، باز هم مثل تمام این سال‌ها، تولیدکنندگان داخلی به فراموشی سپرده خواهند شد و سرمایه‌گذاری در زمینه تولید در فهرست اولویت‌ها نخواهد بود.

نفرمودید؛ کارخانه کاغذ پارس کاغذ تحریر تولید می‌کند یا خیر؟

قوانین و سیاست‌گذاری‌های کلان به ما اجازه تولید این محصول را نداده است؛ ولی در خصوص سایر محصولات کاغذی که کاملاً وارداتی بوده‌اند، موفقیت‌های زیاد داشته‌ایم. این کارخانه هم‌اکنون در حال تولید محصولات دیگری در حوزه بسته‌بندی صنایع غذایی، لیوان و انواع کاغذهای بسته‌بندی چندلایه و... است. در صورتی که برای ما تولیدکنندگان داخلی شرایطی ایجاد شود که بتوانیم عارضه‌یابی کنیم، از متخصصان داخلی و خارجی دعوت کنیم، امکان‌سنجی انجام شود و در نهایت قانون از ما حمایت کند و بودجه مورد نیاز تأمین بشود، ان‌شاءالله کاغذ تحریر نیز تولید خواهیم کرد.

پس در حال حاضر چنین امکانی وجود ندارد؟
خیر، فعلاً کاغذ چاپ و تحریر تولید نمی‌کنیم. البته کاغذ چاپ و تحریر فقط یکی دو نوع نیست. در واقع کاغذ ۷۰ گرمی که مد نظر شماست، تولید نمی‌کنیم.

اگر موانع یادشده برطرف شود و از حمایت‌های لازم برخوردار شوید، کارخانه کاغذ پارس می‌تواند چه میزان کاغذ ۷۰ گرمی مناسب برای چاپ و تحریر تولید کند؟
ظرفیت اسمی این کارخانه در صورت تأمین امکانات فوق، ۱۰۰ هزار تن خواهد بود، یا به‌طور دقیق‌تر، ۱۰۵ هزار تن ظرفیت اسمی خواهد داشت.

منبع: جام جم

مطمئنم اگر

فردا مشکلات

تحریم برطرف

شود، باز هم مثل

تمام این سال‌ها،

تولیدکنندگان

داخلی به فراموشی

سپرده خواهند شد

و سرمایه‌گذاری

در زمینه تولید در

فهرست اولویت‌ها

نخواهد بود

بازار مافیای کاغذ نیست

● نسیم اسدپور

سیدطاهر شبیری از فعالان بخش خصوصی کاغذ است. او سال‌هاست که به اصطلاح خاک این صحنه را خورده است و این روزها که حال و هوای کاغذ در کشور خوب نیست، برآن شدیم تا درباره موضوعاتی همچون مافیا در واردات کاغذ، تولید کاغذ، شرکت‌های واردکننده که در عوض صادرات کالاهای دیگر، کاغذ وارد کرده‌اند و مسائل دیگر، با او به گفت‌وگو بنشینیم. متن زیر شرح این گفت‌وگو است.

آمار کتاب‌خوانی، به مصرف‌کننده یعنی دانشجویان و کتاب‌خوان‌ها بدهد. از آن طرف، واردات را آزاد کرد و حمایتی از تولید داخلی به عمل نیاورد. نتیجه این‌ها را نمی‌شد پیش‌بینی کرد؟

پس شما بازار را مافیا نمی‌دانید؟

خیر، من بازار را مافیا نمی‌دانم. کسانی که در بازار سهم زیادتری دارند و فعالیت بیشتری می‌کنند، مافیا نیستند؛ بلکه کسانی که از این خلأهای به‌وجودآمده و از قوانین سوءاستفاده می‌کنند و نسبت به افراد مجرب بازار، زودتر به ارز دسترسی پیدا می‌کنند، مافیا هستند.

آیا به نظر شما این طبقه رانت‌خوار در طول این سال‌ها رشد کرده‌اند؟

از سال ۱۳۸۸ به این طرف بله؛ چون کسانی وارد حیطه کاغذ شده‌اند که اساساً سابقه‌ای در این زمینه نداشته‌اند. این‌ها کسانی بودند که توانستند با پول‌هایی که از آن سوی آب‌ها طلبکار بودیم، جنس وارد کنند و به جای اینکه ارز دولتی را به بانک مرکزی بدهند، کالا وارد کنند و به قیمت آزاد بفروشند و مابه‌التفاوتش را با ارز دولتی به جیب بزنند و ثروت‌های هنگفتی را کسب کنند. بنابراین، کسانی وارد این حیطه شدند که هیچ سابقه‌ای در بازار کاغذ نداشتند. بعضی از آن‌ها به علت آنکه تجارت نمی‌دانستند، از میدان کنار رفتند و عده‌ای که تأثیر سرمایه‌ها و درآمدشان خیلی بالا بود، در این بازار باقی ماندند.

وقتی پای صحبت ناشران یا چاپخانه‌داران می‌نشینیم، از کیفیت کاغذ تولید داخل گله‌مند هستند؛ در صورتی که این کارخانه‌ها در زمان تأسیس خود به‌روز بوده‌اند؛ اما این به‌روزی‌بودن تداوم پیدا نکرده است و امروز با کارخانه‌های روز جهان فاصله دارند. چرا این اتفاق افتاده است؟

کارخانه‌های کاغذسازی ما در سال‌های قبل دولتی بودند

آقای شبیری، گفته می‌شود مافیایی پر قدرت تلاش می‌کند تا واردات انجام نشود و اصولاً واردات کاغذ در دست چهار تا پنج نفر است. نظر شما در این خصوص چیست؟

اول باید ببینیم تعریفمان از مافیا چیست؟ اگر کسانی را که در این بازار زحمت کشیده‌اند و جایگاهی به دست آورده‌اند و سهمی از بازار را از آن خود کرده‌اند، مافیا بنامیم، قطعاً درست نیست. همین افراد بودند که در زمان جنگ و تحریم‌های گذشته، توانستند وضعیت بازار و قیمت‌ها را حفظ کنند و پاسخ‌گوی عرضه و تقاضا باشند. پیش‌کسوتان بازار کاغذ را مافیای کاغذ بنامیم.

مافیا در جایی شکل می‌گیرد که قدرتی فرادستی وارد بازار تجارت می‌شود. این قدرت فرادستی هم می‌تواند خارج از دولت باشد، هم می‌تواند داخل دولت باشد. این قدرت بدون آنکه بازار را بشناسد، بعضی از اتفاقات داخل بازار را دریخته می‌کند، یا قوانین متناقضی وضع می‌کند. آن وقت است که خلأیی ایجاد می‌شود و افرادی وارد می‌شوند که از این وضعیت برای منافع اقتصادی خودشان استفاده می‌کنند؛ یعنی همان افرادی که با استفاده از خلأهای قانونی می‌توانند کارهای فراقانونی انجام دهند و بازار را به هم بزنند. مثلاً اگر قرار باشد ارز دولتی تخصیص یابد، آن‌هایی که ارتباطات بهتری دارند، می‌توانند سهم بیشتری را از آن خود کنند. اگر تنظیم بازار عرضه و تقاضا منحصرأ دست واردکنندگان و تجار و تولیدکنندگان باشد، وضعیت بازار خدیده‌خود متعادل می‌شود.

آنچه گفتیم، به‌صورت کلی بود و فرقی نمی‌کند کالا سیمان باشد یا خودرو یا کاغذ. در حوزه کاغذ متأسفانه ما قوانین متواتر و متناقضی داریم. از سال ۱۳۸۵ به بعد که یارانه کاغذ هدفمند شد و قرار شد به‌جای تولیدکننده، مستقیم به دست مصرف‌کننده برسد، شاهد قوانین و تصمیمات مختلفی در این حوزه بوده‌ایم.

به‌طور مثال، دولت تصمیم گرفت یارانه کاغذ را که پیش از این به تولیدکننده پرداخت می‌کرد، با هدف افزایش

کسانی که در بازار سهم زیادتری دارند و فعالیت بیشتری می‌کنند، مافیا نیستند؛ بلکه کسانی که از این خلأهای به‌وجودآمده و از قوانین سوءاستفاده می‌کنند و نسبت به افراد مجرب بازار، زودتر به ارز دسترسی پیدا می‌کنند، مافیا هستند

و به دلیل نوع قیمت گذاری، امکان حضور رقابتی در بازار برایشان ممکن نبود. در نتیجه، سودشان مشخص بود و به اندازه‌ای نبود که بتوانند خط تولیدشان را به‌روز کنند. این شرایط آن‌ها را در یک خط مصرف دائمی قرار داده بود و مستهلکشان کرده بود.

نظارت و قیمت‌گذاری دولتی تا سال ۱۳۸۵ ادامه یافت و در این سال، دولت تصویب کرد یارانه کاغذ به جای تولیدکننده، به مصرف‌کننده برسد و در عوض، کاغذ از شمول قیمت‌گذاری خارج شود تا امکان به‌روزرسانی و توسعه واحدها فراهم شود؛ اما متأسفانه در عمل، وزارتخانه‌های مسئول مصوبات را اجرا نکردند و در نهایت مسیری طی شد که تضعیف بیش از پیش صنعت و توان تولید داخلی را در پی داشت.

دولت‌ها برای آنکه صنعت خود را توانمند کنند، به ابزارهایی نیازمندند از قبیل دادن تسهیلات ارزان به تولیدکنندگان یا استفاده از تعرفه‌های قانونی ورود کالا به کشور. یعنی وقتی کشوری تصمیم می‌گیرد صنعتی را توانمند کند، تعرفه واردات آن کالا را تا حدودی افزایش می‌دهد که در مقابل واردات، انگیزه تولید از بین نرود.

از سال ۱۳۸۵، قرار بود با افزایش تعرفه واردات کاغذ، تولید کاغذ و واردات آن متوازن شود؛ اما از همان ابتدا، وزارت ارشاد یکی از طرف‌های دعوی ما و از مخالفان جدی افزایش تعرفه واردات بود و در طول این سال‌ها، این وزارتخانه هیچ‌گاه حاضر به پذیرش تعرفه حمایتی از واردات کاغذ روزنامه و تحریر نشد. وقتی ما تعرفه را افزایش ندادیم، توانمندی تولید داخل را به‌مرور زمان از آن گرفتیم.

ما بارها به کمیسیون‌های مختلف مجلس هشدار دادیم که مقاومت در برابر افزایش تعرفه، به مفهوم هدایت

یارانه کاغذ به سمت تولیدکننده خارجی است و چنانچه تولیدکنندگان داخلی از بازار حذف شوند، تمام بازار کاغذ در اختیار تولیدکنندگان خارج قرار می‌گیرد. واردکننده‌ای که کاغذ وارد این کشور می‌کند، وقتی مطمئن باشد که حتی ۱۰ درصد هم رقیب ندارد، هر کار که بخواهد با بازار خواهد کرد و ما ناچاریم که مطیع و پیرو باشیم. این اتفاقی است که امروز افتاده است.

یعنی ما همان یارانه‌ای را که از تولید گرفتیم، در قبال واردات به تولیدکننده خارجی دادیم و تولید داخلی را تبدیل به واردات کردیم.

بعضی از شرکت‌ها هستند که در حوزه‌های مختلف دیگر فعالیت می‌کرده‌اند؛ اما اکنون وارد حوزه کاغذ شده‌اند و امروزه از واردکنندگان بزرگ کاغذ کشور محسوب می‌شوند. لطفاً نظر تان را در این خصوص بفرمایید.

اول ما باید ببینیم که چرا بعضی از شرکت‌ها از حوزه‌های دیگر وارد بازار کاغذ شده‌اند. به عنوان مثال، عده‌ای بوده‌اند که در مقابل صادرات محصولات نفت و پتروشیمی، برای آنکه سرمایه‌شان را حفظ کنند، وارد عرصه کاغذ شدند. دولت شرکت‌ها را مکلف کرده بود که ارز حاصل از صادرات سنگ آهن و محصولات پتروشیمی را به دولت تحویل دهند. به همین دلیل، شرکت‌ها ترجیح دادند در قبال صادرات، به جای ارز کالا دریافت کنند تا بتوانند آن را با قیمت آزاد در بازار بفروشند و چه کالایی بهتر از کاغذ که فاسد شدن و فرسودگی ندارد و از بین نمی‌رود.

در آن زمان، این شرکت‌ها در آن بازار بی‌نظم توانستند کاغذها را به قیمت ارز آزاد بفروشند و با توجه به تعهدی که داشتند، مثلاً یک کیلو کاغذ را با ارز ۳۸۰۰-۳۷۰۰ تومان فروختند و ۱۲۲۶ تومان آن را از روی تعهد، به دولت داده و



ما بارها به کمیسیون‌های مختلف مجلس هشدار دادیم که مقاومت در برابر افزایش تعرفه، به مفهوم هدایت یارانه کاغذ به سمت تولیدکننده خارجی است و چنانچه تولیدکنندگان داخلی از بازار حذف شوند، تمام بازار کاغذ در اختیار تولیدکنندگان خارج قرار می‌گیرد



مابقی را در جیب خود گذاشتند.

برای این افراد چه بهتر از این بود که در مقابل صادرات، وارداتی انجام دهند که هیچ حساب و کتابی در عرضه و قیمت آن وجود ندارد. چنین شرکت‌هایی به این شکل متولد شدند و تاکنون هم بعضی از آن‌ها همچنان به این روال ادامه می‌دهند.

حالا هم قیمت‌های بازار تا قیمت‌های کارشناسی شده و ثبت سفارش شده فاصله بسیار زیادی دارد. در این میان، آیا نمی‌توان شناسایی و ردگیری کرد که این منافع به کجا می‌رود؟

مگر می‌شود امکان ردگیری حساب‌ها وجود نداشته باشد و معلوم نباشد این حساب‌ها از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؟ شاید اصلاً انگیزه‌ای وجود ندارد که این مسائل پیگیری شود و مشخص شود این پول‌ها و سرمایه‌ها از کجا به کجا می‌رود. این انگیزه هیچ ربطی به شخص یا دولت یا زمان خاصی ندارد.

وقتی کشوری رو به توسعه می‌رود، خلأهای زیادی ایجاد می‌شود و آدم‌های جدیدی وارد حوزه تجارت و اقتصاد می‌شوند؛ اما کم‌کم و به‌ندرت، همه‌چیز قانونمند می‌شود و زمانی طول می‌کشد تا در مدار درست قرار گیرند و حقوق مدنی جامعه خودشان را رعایت کنند. این راهی است که اکثر کشورها رفته‌اند و به آن رسیده‌اند و ما هم باید این مسیر را برویم تا به مقصد برسیم و تکلیفمان روشن شود.

در وهله اول، باید مشخص شود که چه جریانی از نقدینگی را نمی‌شود ردگیری و کنترل کرد و چقدر می‌شود به جای آنکه عملیات مالی غیرمولد را هدایت کرد، تبدیل به پشتوانه‌ای مالی برای عملیات مولد در کشور شود.

ما باید کار را از جایی شروع کنیم. پیشنهاد من این است که به‌جای آنکه مصداقی حرف بزنیم، بپرسیم که آقای تاجر! بگویید که شما چطور و از چه زمانی وارد حوزه کاغذ شده‌اید؟ چطور مستقیماً واردکننده شدید؟ چطور از صادرکننده به واردکننده تبدیل شدید؟ در این حجم عظیم، منابع مالی خود را تعریف کن که اصلاً چطور کاسب شدی؟ آیا این سرمایه از پدرت به دست تو رسیده یا از قبل داشته‌ای؟ رانت بوده یا از کسی به تو رسیده؟

الان همه میلیاردر شده‌اند و هیچ‌کس از آن‌ها نمی‌پرسد که اصلاً از کجا آورده‌ای و چطور به این همه ثروت رسیده‌ای و چطور فرصت کردی که این‌طور پول بسازی. بعدها این افراد در رده‌های بالای ثروت کشورها می‌نشینند و برای آینده کشورها تصمیم‌گیری می‌کنند.

در همه دنیا وضع این‌گونه بوده است؛ منتها بعضی جاها جلوی آن‌ها گرفته شده یا محدود شده‌اند؛ اما برای کشور ما هنوز این اتفاق نیفتاده است و باید بیفتد.

از زمانی که پیشنهاد هدفمندسازی یارانه‌ها مطرح شد، سه ماه آخر سال جلوی افزایش قیمت در صنعت داخلی گرفته شد و سه مرحله یارانه به مردم پرداخت و حجمی از نقدینگی در جامعه ایجاد شد. از طرف دیگر، افرادی که رانت اطلاعاتی داشتند، شروع به واردات اجناسی نظیر گوشت و مرغ و کاغذ کردند.

ما فیا جایی شکل می‌گیرد که عده‌ای از اجرای قوانین اطلاعات قبلی دارند و از افزایش نرخ ارز و اتفاقاتی که در بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌ها قرار است بیفتند، مطلع‌اند. یا حتی بخش نامه‌ها و دستورالعمل‌ها را به نفع خودشان نگارش و تدوین می‌کنند. اینجاست که ما فیا به وجود می‌آید؛ وگرنه به‌صورت سنتی در هیچ بازاری ما فیا وجود ندارد.

مگر می‌شود امکان ردگیری حساب‌ها وجود نداشته باشد و معلوم نباشد این حساب‌ها از کجا می‌آید و به کجا می‌رود؟ شاید اصلاً انگیزه‌ای وجود ندارد که این مسائل پیگیری شود

همچنان بلا تکلیف...

● مهدیس میرزایی اعتمادی

اینکه سال‌ها است گفته می‌شود برای تولید کاغذ احتیاجی به قطع درختان نیست، حرف اشتباه و گزافی نیست. دیگر زمان آن گذشته است که بخواهیم برای تولید کاغذ درخت قطع کنیم و خیلی‌ها هم به این نتیجه رسیده‌اند و در کشورهای مختلفی، از مواد دیگری برای تولید کاغذ استفاده می‌کنند. از جمله این مواد، باگاس است. در این گزارش چرایی تولیدنشدن کاغذ در کشورمان توسط کارخانه‌های مختلف را بررسی کرده‌ایم.

این مجموعه در سال ۱۳۹۲، طی یک مزایده رسمی از شرکت آتیبه دماوند خریداری و پیش‌پرداخت اولیه آن پرداخت شد و در ادامه، قرار بود ظرف مدت ۹ ماه اسناد مالکیت منتقل شود؛ اما به گفته فدایی، عملیات انتقال سند انجام نپذیرفت و مشکلات همچنان باقی ماند، تا اینکه در ۳۱ خرداد ۱۳۹۳، طی حکمی از سوی دادگاه عمومی حقوقی تهران، کاغذ کارون ورشکسته اعلام شد. همچنین مشخص شد در تاریخ ۱۷ اردیبهشت ۱۳۹۲، حکم توقیف برای کارخانه کاغذسازی کارون آمده؛ در صورتی که مزایده در ۷ آبان ۱۳۹۲ برگزار شده است. این مسیر تا فروردین سال ۱۳۹۵ ادامه داشت تا اینکه کارخانه پلمب شد. سؤال این است که آیا شرکت آتیبه دماوند با علم به جریان رسیدگی قضایی این کارخانه و پیش‌بینی پلمب شدن آن، اقدام به فروش ملک کرده است؟ آیا

«سال ۱۳۹۲ بود که اموال منقول و غیرمنقول کارخانه کاغذ پارس، طی مزایده‌ای از سوی شرکت "آتیبه دماوند" به ما واگذار شد و ما مجموعه‌ای به نام "گلریز صنعت شوشتر" را تأسیس کردیم.»

این صحبت‌های قاسم فدایی، مدیرعامل کارخانه گلریز صنعت شوشتر در گفت‌وگو با خبرگزاری فارس است. مزایده و خریداری این کارخانه آغاز داستانی است که همچنان با راکد ماندن کارخانه ادامه دارد.

وقتی قاسم فدایی در سال ۱۳۹۲ این مجموعه را خرید و به گفته خود، تقریباً حدود ۱۰۰ میلیارد تومان برای تجهیز و راه‌اندازی آن هزینه کرد، نمی‌دانست در چه راهی قدم گذاشته است؛ راهی که هنوز به پایان نرسیده و کارخانه پلمب است. بله، درست متوجه شدید! کارخانه‌ای که خریده شد، قبل از بهره‌برداری پلمب شد.

کارخانه سابق شرکت کاغذسازی کارون و مجموع اموال و دارایی‌های واگذارشده به خریدار نموده است.

۴. با توجه به اینکه تمامی اموال توقیفی قبل از تاریخ توقف و حتی قبل از طرح دعوی ورشکستگی در طی سال‌های ۸۸-۹۰ به تملک این شرکت درآمده، مراتب مورد اعتراض این شرکت قرار گرفت و ضمن طرح دعوی حقوقی به خواسته فک پلمب، موضوع در حال پیگیری و دفاع و در جریان رسیدگی در مراجع قضایی قرار دارد. آنچه تا کنون مشخص است، بعد از حدود شش سال، هنوز این پرونده باز است و متأسفانه شرکت آتیة دماوند حتی حاضر به اجرای قرارداد هم نیست؛ در حالی که در قرارداد صراحتاً آمده که فروشنده موظف است که ثمن پرداختی اولیه به علاوه ۲۱ درصد نرخ بهره سالیانه را مسترد نماید و علاوه بر آن، کلیه هزینه‌های انجام‌شده نیز باید به نرخ روز محاسبه و بازگردانده شود؛ ولی تاکنون اقدامی در این راستا انجام نشده است. علاوه بر آن، کلیه هزینه‌های انجام‌شده نیز باید به نرخ روز محاسبه و بازگردانده شود؛ اما تا به امروز حرکتی از سوی شرکت آتیة دماوند صورت نگرفته است.

به‌راستی چرا وقتی یک مجموعه خصوصی برای حل مشکل کاغذ که امروز نیز دچار بحران است، وارد مسیر سرمایه‌گذاری شده است، باید با چنین پرونده‌ای روبه‌رو باشد که حتی با گذشت شش سال، قدمی برای حل آن برداشته نشده است. این در صورتی است که همان‌طور که گفته شد، بازار با کمبود کاغذ و افزایش شش‌برابری نرخ آن روبه‌رو است. در حالی که این مجموعه بزرگ‌ترین مجموعه تولید خمیر از باگاس در ایران است که ظرفیت ۸۵ هزارتنی خمیر برای تولید کاغذ تحریر و چاپ را دارد.

قانوناً و عرفاً فروش این اموال توسط شرکت آتیة دماوند صحیح بوده یا خیر؟ چرا پس از گذشت تقریباً شش سال از دریافت حکم و همچنین پلمب کارخانه، شرکت آتیة دماوند به‌عنوان فروشنده نتوانسته است این مشکل را رفع نماید؟ چرا شرکت آتیة دماوند خود را ملزم به رعایت قانون و برگرداندن ضرر و زیان نمی‌داند؟

در سال ۱۳۹۶، محمدرضا رستمی، عضو هیئت‌مدیره و مدیرعامل شرکت آتیة دماوند، در خصوص انتقال دارایی‌های شرکت کاغذ کارون و وضعیت پرونده حقوقی آن، در چهار بند شفاف‌سازی کرد. در این بندها آمده است:

۱. این شرکت به‌منظور وصول مطالبات خود از شرکت کاغذسازی کارون نسبت به اسناد رهنی در اختیار از طریق حقوقی اقدام و در تاریخ ۸۸/۸/۱۴، مبادرت به صدور اجرائیه نمود. در ادامه روند توقیف، ارزیابی و مزایده اموال و دارایی‌های رهنی به انجام رسید و نهایتاً اموال مذکور به‌عنوان اموال تملیکی در مالکیت این شرکت قرار گرفت. ۲. این شرکت از طریق برگزاری مزایده اقدام به فروش اموال تملیکی نمود و نهایتاً برنده مزایده انتخاب گردید و طی قراردادهای شماره ۷۰۴۵/۱۱ و ۷۰۴۶/۱۱ مورخ ۹۲/۷/۸، اموال و دارایی‌های تملیکی شرکت کاغذ کارون به خریدار واگذار گردید.

۳. به موجب دادنامه مورخ ۹۳/۳/۳۱، صادره از دادگاه عمومی حقوقی تهران، شرکت کاغذسازی کارون ورشکسته اعلام گردید. با توجه به اینکه سند رسمی محل کارخانه در مرحله تشریفات قانونی انتقال به نام خریدار بود، لذا در راستای حکم صادره اداره تصفیه و ورشکستگی در تاریخ ۹۵/۱/۱۸، مبادرت به پلمب محل



آنچه تا کنون مشخص است، بعد از حدود شش سال، هنوز این پرونده باز است و متأسفانه شرکت آتیة دماوند حتی حاضر به اجرای قرارداد هم نیست

۲۵۰ گرم گوشت به جای کتاب

● سیدحسین قائمی

یکی از موضوعات مهمی که به‌صورت مشخص در میزان خرید مخاطبان اثر دارد، قیمت کتاب است؛ قیمت‌هایی که در برخی کتاب‌ها، تا سه برابر نسبت به سال گذشته افزایش پیدا کرده است. به همین بهانه به سراغ تعدادی از ناشران رفتیم و درباره تأثیر این بحران بر تولید کتاب و فروش آن سؤالاتی پرسیدیم.

سبد حمایتی برای فرهنگ

عباس صادقی، مدیر فروش مؤسسه قدر ولایت، اولین نفری بود که با او صحبت کردیم. صادقی با اشاره به مشکلات حوزه کاغذ گفت: «در یک سال گذشته، حوزه کاغذ دچار مشکلاتی بود و طبیعتاً به‌تبع آن امکان چاپ محصولات جدید پایین آمد. برای مثال، انتشارات قدر ولایت تعدادی محصول باکیفیت و متنوع آماده انتشار داشت که هیچ‌کدام به چاپ نرسید.»

مدیر فروش مؤسسه قدر ولایت ناهم‌هنگی بین مسئولان و نداشتن آینده‌نگری در حوزه چاپ و کاغذ را از جمله عوامل ایجاد این مشکل دانست و بیان کرد: «شاید بشود گفت دلیل این مشکل، کم‌اهمیت‌دانستن حوزه کتاب و مطالعه و در کل موضوع مهم فرهنگ است.»

وی در خصوص راهکار برای حل این مشکل توسط مسئولان گفت: «در صورتی که دولت از ناشران حمایت کند، ناشران می‌توانند با تولید محصولات متنوع، علاوه بر ارتقاء سطح فرهنگی، سرانه مطالعه را بهبود بخشند.» وی در ادامه با اشاره به حمایت‌های متنوع دولت در حوزه‌های مختلف ادامه داد: «همان‌طور که دولت سبدهای مختلف حمایتی برای ملت طراحی می‌کند، کتاب را هم باید به‌عنوان یک محصول در سبد فرهنگی مردم تعبیه کند و به این ترتیب از ناشران حمایت کند.» عباس صادقی در خصوص استقبال مخاطبان از نمایشگاه امسال ابراز داشت: «با توجه به مشکلاتی که در حوزه کاغذ عرض کردم، امسال قیمت‌گذاری‌های ما روی برخی محصولات با افزایش مواجه بود. همین افزایش باعث می‌شد که مخاطبان از خرید کتاب‌ها منصرف شوند. بارها پیش می‌آمد که وقتی کتابی را به مخاطب معرفی می‌کردیم، مشتاق به تهیه آن می‌شد؛ ولی بعد از اینکه قیمت محصول را می‌فهمید، از خرید آن منصرف می‌شد.»

صادقی در ادامه ضمن بیان کاهش درصد خرید مشتریان گفت: «من به‌عنوان کسی که سی سال است

در حوزه کتاب فعالیت می‌کنم، امسال با گله‌هایی از سوی مخاطبان حوزه کتاب مواجه شدم. همچنین امسال در مقایسه با سال‌های قبل، مخاطبان کتاب‌های کمتری تهیه کردند.»

وی در انتها با اشاره به ادامه این روند در حوزه نشر افزود: «اگر این روند ادامه پیدا کند، فاصله بین مخاطبان با کتاب بیشتر می‌شود و این در درازمدت آسیبی جبران‌نشده به کشور و به همه اقشار جامعه وارد می‌کند. در حال حاضر، کتاب یک عنصر مهم و تأثیرگذار در مسئله فرهنگ کشور است.»

مشکل بی‌تدبیری

مهدی بوشهریان، مدیرعامل انتشارات ستاک هم با توجه به دغدغه کمبود کاغذ گفت: «با وجود بازدید رهبر انقلاب از نمایشگاه کتاب و تذکر بابت قیمت کاغذ، شاهد بودیم که باز هم قیمت کاغذ ۲۰ درصد افزایش پیدا کرد. این نشان‌دهنده نبود نظارت و پیگیری بر وضعیت کاغذ است.»

وی در ادامه با اشاره به پیگیری‌های شخصی‌اش در این باره گفت: «قبل از برگزاری نمایشگاه کتاب، به دفتر رهبری نامه‌ای فرستادم و پیشنهاد کردم که مدیریت موضوع کاغذ را به یک تیم متخصص بسپارند؛ چون به نظر من در حال حاضر، کاری از خود وزیر هم ساخته نیست.»

بوشهریان با اشاره به پیگیری از شخص وزیر ارشاد در خصوص بحران کاغذ ادامه داد: «ما در نشستی که با آقای وزیر داشتیم، با ایشان صحبت کردیم. ایشان پیگیر موضوع هستند؛ ولی گویا نتوانند به‌تنهایی کاری از پیش ببرند.»

مهدی بوشهریان افزود: «ریشه مشکل کاغذ را در مجوزندادن دولت برای واردات درست کاغذ به کشور می‌دانم. در حال حاضر، این واردات به‌صورت انحصاری در اختیار چند نفر است. حتی اگر بخواهیم تورم جهانی

به دفتر رهبری نامه‌ای فرستادم و پیشنهاد کردم که مدیریت موضوع کاغذ را به یک تیم متخصص بسپارند؛ چون به نظر من در حال حاضر، کاری از خود وزیر هم ساخته نیست

چندصد گرم گوشت به جای کتاب

محمدصادق رئیسی، مدیر انتشارات سولار، گزینه دیگری بود که سراغش رفتیم. رئیسی ده سال سابقه در حوزه نشر دارد و بیش از ۱۳۰ جلد کتاب منتشر کرده است. او در خصوص وضعیت انتشار امسال و تولیدات جدیدش بیان کرد: «ما در سال‌های گذشته، برای نمایشگاه دست‌کم بیست کتاب چاپ اول و تعدادی تجدید چاپ داشتیم؛ اما امسال به‌علت مشکلات کاغذ، نهایتاً پنج کتاب داشتیم که این کتاب‌ها را هم متأسفانه به‌صورت دیجیتال و در تیراژ شصت یا هفتاد نسخه منتشر کردیم.»

رئیسی ضمن بیان به‌هم‌خوردن ثبات قیمت محصولات انتشاراتش افزود: «با اینکه در بین دوستان به قیمت‌گذاری مناسب مشهور هستیم، امسال نتوانستیم این روند را ادامه بدهیم. مثلاً کتاب‌هایی که در سال گذشته حدود پنج‌هزار تومان تمام می‌شد، امسال در حدود چهارده‌هزار تومان به فروش رسید.»

مدیر انتشارات سولار در خصوص استفاده از کاغذ داخلی، با اشاره به کیفیت این محصول گفت: «در صورتی که کاغذهای داخلی کیفیت‌های اولیه را برای چاپ داشته باشند، می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. اولویت اصلی ما در انتشارات، استفاده از کاغذ داخلی است. اما نکته مهمی که در این بین وجود دارد، این است که هنگام استفاده از کاغذ داخلی، اگر در حین کار نیاز به کاغذ جدید باشیم، دیگر نمی‌توانیم با همان کیفیت و مختصات قبلی کاغذ را تهیه کنیم؛ چون کیفیت‌های کاغذ داخلی در هر پالت با پالت دیگر فرق می‌کند و این ما را با مشکل مواجه می‌کند؛ و گرنه بنده تمایل دارم از کاغذ ایرانی استفاده کنم.»

رئیسی با اشاره به مشکلات کاغذ خارجی ادامه داد: «فارغ از اینکه استفاده از کاغذ ایرانی کمک به تولید ملی است، حسن نوستالژیک خوبی به مخاطب القا می‌کند؛ البته بماند که کاغذهای خارجی هم کاغذهای خوبی نیستند. کاغذهای خارجی عموماً بسیاری کیفیت‌اند.» وی در پایان، راه‌حل مشکل گرانی کاغذ را این‌گونه بیان کرد: «راه‌حل مشکل کاغذ این است که بر عملکرد واردکنندگان و فروشنده‌گان کاغذ و گردش کار آن‌ها نظارت شود. همه می‌دانیم که این‌ها کاغذ را با دلار ۴۲۰۰ تومانی وارد می‌کنند؛ ولی قیمت‌ها را چند برابر حساب می‌کنند. همین موجب می‌شود که قیمت تولید کتاب بالا برود و مخاطب نمی‌تواند محصولی را که می‌خواهد، تهیه کند. در حال حاضر، مخاطب به‌دلیل همین مسئله مجبور است به‌جای تهیه یک کتاب پنجاه‌هزار تومانی، چندصد گرم گوشت برای خانه‌اش تهیه کند.»

و افزایش قیمت دلار در داخل کشور را در وضعیت کاغذ مؤثر بدانیم، در وضعیت کنونی باید کاغذ حدود ۳۰ درصد گران شده باشد. این در حالی است که در حال حاضر، قیمت کاغذ حدود شش برابر گران شده است.»

مدیرعامل نشر ستاک با اشاره به تأثیر قیمت کاغذ بر چاپ ادامه داد: «وقتی قیمت کاغذ افزایش پیدا کند، چاپخانه‌ها هم به‌صورت طبیعی و شاید به‌دلیل تأثیرات روانی، قیمت چاپ را افزایش می‌دهند. این در حالی است که قیمت محصولات اولیه برای چاپ مثل رنگ‌ها، چسب گرم، ابزارهای صحافی و دیگر ملزومات آن افزایش قیمت چشمگیری پیدا نکرده است. با این اوصاف، آن‌ها هم قیمت‌های خود را افزایش دادند و به همین دلیل، قیمت تمام‌شده هر کتاب به‌صورت فزاینده‌ای صعود کرده است. در این بین، نکته مهمی هم وجود دارد. در حال حاضر، حجم زیادی از کتاب‌های موجود در بازار در گذشته و پیش از گرانی کاغذ منتشر شده است و اثر اصلی این گرانی‌ها در نیمه دوم سال خودش را نشان می‌دهد.»

بوشهریان دلیل بحران کاغذ را به‌طور مشخص دولت دانست و بیان کرد: «متأسفانه در دولت تدبیر و امید هیچ تدبیری برای این مسئله اندیشیده نشده است و اساساً این موضوع مسئله دولت نیست. از کارخانه‌های داخلی کاغذ هم حمایت نمی‌شود و همین هم باعث تعطیلی کارخانه کاغذ پارس شد. با اینکه کاغذ پارس را کاغذ مرغوب و درجه یکی نمی‌دانم، از این کاغذ می‌شد برای تولید محصول استفاده کرد؛ اما دولت تدبیر و امید هیچ تدبیری برای این کارخانه نپنداشید.»

مهدی بوشهریان در پایان صحبت‌هایش، با اشاره به یکی دیگر از مشکلات حوزه عمومی نشر عنوان کرد: «نکته مهم دیگری که وجود دارد، این است که درصد زیادی از سهمیه کاغذ واردشده هم برای تولید کتاب‌های آموزشی و کمک آموزشی مصرف می‌شود؛ همین کتاب‌های قرمز، آبی و سبز و مشکی. این در حالی است که این تولیدات به مسئله کتاب‌خوانی کشور کمک نمی‌کند. یعنی این درصد از کاغذ اصلاً به چرخه نشر عمومی نمی‌رسد؛ در حالی که بیشتر محصولاتی که مردم استفاده می‌کنند، از محصولات ناشران عمومی است؛ اما اصل کاغذ در حوزه آموزشی مصرف می‌شود. من فکر می‌کنم در صورت ادامه این مشکلات، ناشران متوسط و ضعیف‌تر، از حوزه نشر خداحافظی می‌کنند و تنها ناشران بزرگ در این حوزه به فعالیت‌شان ادامه خواهند داد. ناشران بزرگ به‌علت داشتن نقدینگی زیاد و ارتباط‌ها و لابی‌ها در تعاونی‌های خاص، می‌توانند اعمال نفوذ کنند. ادامه این روند به تعطیلی صنعت نشر خواهد رسید.»

متأسفانه در دولت تدبیر و امید هیچ تدبیری برای این مسئله اندیشیده نشده است و اساساً این موضوع مسئله دولت نیست

ماfiای کاغذ

نشر ساقی هم از بحران کاغذ در امان نماند. محسن دریالعل، مدیرعامل نشر ساقی، با اشاره به ماجرای کاغذ گفت: «ما امسال به علت بحران کاغذ، نتوانستیم برخی از کتاب‌ها را تجدید چاپ کنیم. از کتاب‌هایی که به عنوان چاپ اول در انتشارات داشتیم، کلاً ده عنوان در نمایشگاه عرضه کردیم و بقیه عناوین را منتشر نکردیم، البته گفتن ندارد که اگر بحران کاغذ وجود نداشت، می‌توانستیم تعداد آن را افزایش دهیم.»

مدیر نشر ساقی با اشاره به اینکه کتاب‌هایش منابع دانشگاهی است، بیان کرد: «فارغ از چاپ جدید، چون عموماً کتاب‌های ما منبع دانشگاهی است، تجدید چاپ‌های آن هم اهمیت بسیاری دارد؛ اما به علت گرانی، امکان تجدید چاپ نداشتیم. چند نفری از مشتری‌ها کتاب‌های چاپ گذشته‌مان را می‌خواستند که متأسفانه نتوانستیم آن‌ها را برای امسال بازنشر کنیم.»

دریالعل در خصوص استقبال مخاطبان از نشر ساقی و خرید کتاب گفت: «به نظر من سید خرید مخاطب‌ها کوچک‌تر شده است. مثلاً در سال‌های گذشته، اگر مخاطبانمان چهار یا پنج کتاب از ساقی می‌خریدند، امسال نهایتاً دو کتاب تهیه می‌کنند و این در مجموع به ضرر ناشران تمام می‌شود.»

مدیر نشر ساقی در خصوص استفاده از کاغذ داخلی گفت: «استفاده از کاغذ داخلی قطعاً کمک می‌کند. شما هر چقدر موجودی کاغذ بیشتری داشته باشید، در دام‌هایی مثل تحریر واردات و عرضه نمی‌افتید و قیمت شکسته واقعی می‌شود.»

وی در بخش انتهایی صحبت‌هایش به مافیای کاغذ اشاره کرد و افزود: «شما می‌بینید که قیمت دلار تقریباً سه برابر شده است و بیشتر از این تغییر نکرده؛ ولی کاغذ تقریباً پنج یا شش و در بعضی موارد تا ده برابر گران شده است. این یعنی اینکه مافیا داریم و یعنی ربطی به دلار و ارز و تحریم ندارد. این در حالی است که همه می‌دانیم برای ورود کاغذ ارز دولتی داده می‌شود. ارز دولتی هم تقریباً ۲۰ درصد رشد کرده و از ۳۸۰۰ تومان به ۴۲۰۰ تومان رسیده است؛ ولی می‌بینیم که قیمت کاغذ تا نزدیک به ده برابر افزایش یافته است. همه این‌ها یعنی این موضوع مدیریت نشده است. یعنی در این بین، دلال‌ها فضای کاغذ را مدیریت می‌کنند و مراجعی برای این کار وجود ندارد.»

فقط کاغذ داخلی

مهران عباسی، مدیر نشر قاف، شخص دیگری بود که به سراغش رفتیم. عباسی از سال ۱۳۹۲ ناشر تخصصی



حوزه طنز است. وقتی از او درباره تعداد آثار جدیدش پرسیدیم، گفت: «دارید با من شوخی می‌کنید؛ درست است؟!»

عباسی در خصوص فعالیت خود از نمایشگاه گذشته تا امسال بیان کرد: «در نمایشگاه سال گذشته، هجده عنوان کتاب جدید منتشر کردیم و امیدوار بودیم که در سال جدید عناوین بیشتری منتشر کنیم. در برنامه‌ریزی‌هایی که برای انتشارات کردیم، به اینجا رسیدیم که علاوه بر کتاب‌های طنز، به حوزه‌هایی دیگری مثل سفرنامه با همان نگاه طنز وارد شویم؛ اما بعد از نمایشگاه سال گذشته و التهاب‌هایی که در حوزه کاغذ با آن روبه‌رو شدیم، عملاً این تصمیم محقق نشد.»

مدیر نشر قاف درباره شروع این بحران در سال گذشته گفت: «نزدیک به نمایشگاه سال گذشته، افزایش ۱۰ درصدی قیمت برابمان شک آور بود؛ ولی این روزها که شاهد افزایش چندبرابری هستیم، تقریباً در برابر این جریان بی‌حس شده‌ایم. واقعیت این است که فکر نمی‌کردیم دیگر در این حوزه ادامه فعالیت بدهیم. بعد از نمایشگاه سال ۱۳۹۷، بارقه‌هایی از ورشکستگی را در انتشارات می‌دیدیم. این تغییرات حوزه دلار و کاغذ باعث شد که از همان عنوان‌های سال گذشته، تنها بتوانیم دو کتاب را دو بار منتشر و راهی بازار کنیم.»

عباسی ادامه داد: «این عوامل ما را به سمتی برد که از چاپ‌های چند هزار تایی افسست به چاپ دیجیتال روی

دلال‌ها فضای
کاغذ را مدیریت
می‌کنند و مراجعی
برای این کار وجود
ندارد

کودک و نوجوان ما در دهه هفتاد با نام و نشان بنفشه شناخته می‌شد. کتاب‌های مخاطبان خردسال و کودک را با نام بنفشه و کتاب‌های نوجوان و بزرگسالان را با نام و لوگوی قدیانی منتشر می‌کنیم.»

اولین ناشر خصوصی حوزه کودک و نوجوان در خصوص فعالیت این انتشارات در دو سال اخیر و مدیریت جریان کاغذ گفت: «با توجه به سابقه‌ای که از نشر قدیانی می‌دانید، ما یک ناشر حرفه‌ای هستیم که به‌صورت تخصصی در حوزه کتاب کودک و نوجوان فعالیت می‌کنیم. تجربه سال‌های گذشته، همیشه ما را بر آن داشته است که با انبارهای پر از کاغذ کار را ادامه دهیم. به همین دلیل، در یک سال و نیم گذشته که با بحران کاغذ مواجه بودیم، مشکلات کمتری داشتیم و توانستیم در یک دوره خاص با سرعت کمتری فعالیت‌مان را ادامه دهیم. از طرف دیگر، در ماه‌های آخر سال گذشته که توزیع کاغذ دولتی هم آغاز شد، خوشبختانه توانستیم حدود ۱۰ درصد از محصولاتمان را با کاغذهای توزیع شده تولید و منتشر کنیم.»

قدیانی درباره ادامه فعالیت انتشارات در زمان بحران و تیراژ آتارش ابراز کرد: «تا چند ماه آینده با سرعت کمتری چاپ می‌کنیم. از طرف دیگر، با توجه به اینکه کارهای ما رنگی است و کار رنگی پیچیدگی‌های خودش را دارد، با تیراژ حدود ۱۵۰۰ تا ۳۰۰۰ نسخه کار را منتشر می‌کنیم. همچنین کتاب‌های سیاه و سفید که عموماً رمان هستند، بین ۱۰۰۰ تا ۲۰۰۰ نسخه تیراژ دارند که آن‌ها را هم منتشر می‌کنیم.»

مدیر انتشارات قدیانی در ادامه گفت: «تا قبل از این، برای تولید هر محصول، یک برنامه‌ریزی هجده‌ماهه می‌کردیم تا به نتیجه برسیم؛ اما با توجه به معضلاتی که برای کاغذ به وجود آمده است، این بازه به حدود هشت ماه رسیده است تا اگر برای هشت ماه آینده کاغذ وجود داشته باشد، بتوانیم کتاب‌ها را تجدید چاپ کنیم و اگر هم کاغذی وجود نداشته باشد، به برنامه‌ریزی مان آسیبی نرسد.»

قدیانی درباره استفاده از کاغذ داخلی گفت: «من از وضعیت کاغذ تحریر داخلی در پنج سال گذشته بی‌خبرم. نه کاغذ پارس و نه کاغذ مازندران وجود ندارد. تا پیش از آن، ما از کاغذ مازندران استفاده می‌کردیم. کاغذ خوبی هم بود و راضی بودیم. کاغذ مازندران شبیه به کاغذ بالکی است. در حال حاضر، کاغذ تحریر داخلی سراغ ندارم که بشود با آن کار کرد. اگر حرف از کاغذ داخلی زده می‌شود، احتمالاً در حوزه کارت و مقوای بسته‌بندی است. اگر کاغذ داخلی در حوزه تحریر وجود داشته باشد، قطعاً از آن استفاده می‌کنم.»



آوردیم. چاپ دیجیتال علاوه بر اشکالات مهمی مثل کاهش کیفیت، اشکال مهم دیگری هم دارد: باید همه محاسبات را به‌صورت نقدی پرداخت کنیم.»

مدیر انتشارات قاف تنها راه حل این مشکل را استفاده از کاغذ داخلی دانست و ادامه داد: «فکر می‌کنم تنها چاره این موضوع استفاده از کاغذ داخلی است؛ چون در این اوضاع بحرانی، استفاده از این کاغذ خوب است. من در همان اوایل دوران بحران کاغذ، این کار را انجام دادم و نتیجه هم گرفتم. اما نکته مهم این است که در حال حاضر کاغذ داخلی نداریم. دولت هم از این صنعت حمایت نمی‌کند. تاجایی که من می‌دانم، زیرساخت‌هایی که برای کاغذ داخلی داریم، مربوط به دهه پنجاه است؛ البته من اطلاعات تخصصی در این حوزه ندارم و صرفاً می‌توانم به عنوان یک مخاطب نظر بدهم. اما در حقیقت این شوخی است که بگوییم ما نمی‌توانیم کاغذ تولید کنیم. باید زیرساخت‌های این حوزه تأمین شود تا کاغذ داخلی سهم خود را در صنعت نشر پیدا کند.»

اگر می‌خواهید کار نکنیم، بگویید

نادر قدیانی، مدیر انتشارات قدیانی، آخرین نفری بود که برای تکمیل این گزارش به سراغش رفتیم. وی که از سال ۱۳۶۲ وارد حوزه تخصصی کودک شده است، در خصوص سابقه انتشارات قدیانی گفت: «کتاب‌های

این شوخی است که بگوییم ما نمی‌توانیم کاغذ تولید کنیم

«درختان را قطع نکنید»: یک مواجهه «عامه‌پسند» با تولید داخلی کاغذ

سمیرا شاهقلی

کاغذ امروز به یک بحران برای کشور تبدیل شده است. ریشه پیدایش این بحران به سیاست‌های نادرست و فرهنگ غلط ما در سال‌های گذشته بازمی‌گردد. اگر امروز با کمبود کاغذ و افزایش افسارگسیخته قیمت آن در بازار روبه‌رو هستیم، نتیجه برداشت‌های نادرست از خودکفایی در حوزه کاغذ است. یکی از این برداشت‌های نادرست که این گزارش تلاش می‌کند تا به آن اشاره کند، مواجهه عامه‌پسند با استفاده از چوب به‌عنوان منبع اولیه تولید کاغذ است. در همین راستاست که امروز کارخانه چوب و کاغذ مازندران، تنها کارخانه بزرگ تولیدکننده کاغذ تحریر در کشور، خط تولید کاغذ تحریر خود را متوقف کرده است.

صنعتی و تجاری از جنگل‌های شمال، خط تولید کاغذ تحریر این کارخانه رفته‌رفته خاموش شد.

تصمیم سازمان جنگل‌ها تصمیمی مهم و اساسی در راستای پایداری جنگل است و بر اساس قانون پنج‌ساله ششم توسعه انجام می‌شود؛ اما این تصمیم نیز به مانند بسیاری از سیاست‌های اشتباه در سال‌های اخیر، تنها یک‌بعدی است و ابعاد دیگر ماجرا و زیان‌هایی را که به حوزه‌های مختلف وارد می‌کند، در نظر نگرفته است؛ از جمله خودکفایی در حوزه تولید داخلی کاغذ که تازه داشت اندک جانی به خود می‌گرفت.

این تصمیم از سوی بخشی از بدنه دولت گرفته شده است. از دولتی که به مشکلات واردات کاغذ و ضرورت خودکفایی در این زمینه آگاه است، توقع می‌رفت که به موازات اجرایی‌شدن این ابلاغیه، تسهیلات لازم را برای ورود مواد اولیه دیگر برای تولید کاغذ همچون کاغذهای بازیافتی فراهم کند، یا تعرفه مواد اولیه را به صفر برساند یا...

در سال ۱۳۹۶ و در زمان انتشار این ابلاغیه، ۲۲۰ هزار هکتار زراعت چوب در سطح کشور وجود داشته است که سالانه ۴/۵ میلیون مترمکعب چوب از این محل استحصال و در صنایع مختلف به مصرف می‌رسید. از مجموع شش میلیون مترمکعب چوب مصرفی، سالیانه

کاغذ به‌عنوان یک کالای استراتژیک که در حدود ۸۵ تا ۹۰ درصد آن از درختان جنگل‌های طبیعی و دست‌کاشت به دست می‌آید، سهم وسیعی از زیاله‌های خانگی، اداری و تجاری را به خود اختصاص داده است. با توجه به مشکلات مربوط به کمبود مواد اولیه چوبی برای صنایع خمیر کاغذ کشور، یکی از بهترین راه‌حل‌های ممکن در دنیا، بازیافت کاغذ است. بازیافت کاغذ به‌عنوان کالای استراتژیک و ارزشمند در کشور مزایای فراوانی دارد.

همچنین استفاده از تفاله نیشکر که به آن «باگاس» گفته می‌شود، امروزه در صنعت کاغذسازی دنیا جایگاه ویژه‌ای یافته است؛ اما در ایران به دلیل نبود دستگاه‌های مرتبط با آن، چندان بهره‌ای در ساخت کاغذ ندارد؛ در صورتی که به جنوب کشور، به‌عنوان یکی از دورریزهای کشت نیشکر نگاه می‌شود.

یکی دیگر از منابع تولید کاغذ در دنیا چوب است که در ایران نیز در سال‌های اخیر، از این ماده اولیه برای تهیه کاغذ استفاده می‌شد. کارخانه چوب و کاغذ مازندران، یکی از کارخانه‌های بزرگ تولیدکننده کاغذ در کشور، تا چند سال گذشته مدیریت بخشی از جنگل‌های شمال را بر عهده داشت و در قبال برداشت از جنگل‌ها، نهال‌های جدید می‌کاشت. در پی ابلاغیه سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور در مهر ۱۳۹۶، مبنی بر توقف بهره‌برداری

این تصمیم نیز به مانند بسیاری از سیاست‌های اشتباه در سال‌های اخیر، تنها یک‌بعدی است و ابعاد دیگر ماجرا و زیان‌هایی را که به حوزه‌های مختلف وارد می‌کند، در نظر نگرفته است



است که ظرفیت تولید ۳۰ هزار تن آن در ایران وجود دارد؛ اما این تولید در سال‌های اخیر کاهش چشمگیری یافته و عملاً متوقف شده است.

مهم‌ترین دلیل توقف تولید کاغذ داخلی، آن هم در مهم‌ترین مرکز تولیدی کشور، منع برداشت از جنگل‌هاست. این موضوع بسیار جدی است. کشور ما به سمت خشک‌سالی می‌رود و طبیعی است که منابع طبیعی از جمله جنگل‌ها را دریابیم؛ اما اگر با نگاهی فراخ‌تر به موضوع بنگریم، خواهیم دید که این دیدی بسیار عوامانه و سطحی‌نگر به موضوع است.

در این باره، بسیاری از کارشناسان نیز از فعالیت کارخانه‌هایی چون چوب و کاغذ مازندران که کاغذ را با ماده اولیه چوب تولید می‌کند، انتقاد می‌کنند. در سال‌های اخیر، در رسانه‌ها نیز مخالفت‌هایی مبنی بر ممانعت از تولید کاغذ با استفاده از چوب در مازندران و قطع درختان به این بهانه منتشر شد که گویا عمده آن‌ها بدون توجه به اصل ماجرا و شیوه استفاده از چوب برای تولید کاغذ بوده است. این منتقدان ادعا می‌کنند که اگر قرار است درختان را برای تولید کاغذ قطع کنیم، همان بهتر که از کاغذهای وارداتی بهره بگیریم. حتی در بسیاری از موارد از زبان‌های خودکفایی کاغذ سخن گفته شده است؛ اما چرا گفتیم حمایت از تولید نکردن کاغذ برای حمایت از جنگل‌ها سطحی‌نگرانه است؟

کارخانه چوب و کاغذ مازندران با ظرفیت اسمی ۱۷۵ هزار تن کاغذ (۹۰ هزار تن کاغذ روزنامه و چاپ و تحریر و ۸۵ هزار تن کاغذ فلوتین) فعالیت می‌کند. بانک ملی ایران، صندوق بازنشستگی کشور و شرکت سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی و شیمیایی از جمله سهام‌داران این

در کشور ۴/۵ میلیون مترمکعب از بخش زراعت چوب، ۵۰۰ هزار مترمکعب از محل ضایعات باغی، ۵۰۰ هزار مترمکعب از جنگل‌ها و ۵۰۰ هزار مترمکعب دیگر به صورت واردات تأمین می‌شد که با ابلاغیه توقف بهره‌برداری از جنگل‌های شمال، حجم چشمگیری از چوب مصرفی نیازمند واردات شد.

یکی از زمینه‌های مصرفی چوب زراعتی جنگل‌های شمال، کاغذ بود. کاغذ به عنوان کالایی فرهنگی و به عنوان نماد توسعه‌یافتگی، به خودی خود اهمیت فراوانی دارد. سرانه مصرف کاغذ در اروپا ۵۵، در آمریکا ۱۵۰ و در کشوری مانند فنلاند ۲۰۰ کیلوگرم است؛ اما این رقم در ایران به ۲۰ تا ۲۲ کیلوگرم رسیده که شامل انواع کاغذ مقوا و دستمال کاغذی می‌شود. در سال ۱۳۹۶ در مجموع، میزان مصرف کاغذ در ایران سالانه حدود ۷۰۰ هزار تن بود که از این رقم بین ۹۰ تا ۱۰۰ هزار تن به کاغذ روزنامه، ۳۵۰ هزار تن به چاپ و نشر، گرافیت، فلوتینگ، تسلاپنر و ۳۰۰ هزار تن نیز به سایر بخش‌ها اختصاص داشت. اما ظرفیت تولید در کشور چگونه است؟

در حوزه کاغذ بسته‌بندی که سرمایه‌گذاری‌های خوبی در ده سال گذشته انجام شده است، ۲/۸ میلیون تن پروانه تولید صادر شده است که در نهایت یک میلیون و پانصد تن تولید می‌شود.

در حوزه چاپ و تحریر سالانه ۳۸۰ هزار تن نیاز به مصرف وجود دارد که از این میان، ۱۷۰ تا ۱۸۰ هزار تن امکان تولید در کشور وجود دارد که در اوضاع فعلی، این تولید بسیار بسیار محدود و نهایتاً در حدود ۱۰ هزار تن است.

اما در حوزه کاغذ روزنامه، نیاز کشور حدود ۷۰ هزار تن

مهم‌ترین دلیل
توقف تولید کاغذ
داخلی، آن هم
در مهم‌ترین مرکز
تولیدی کشور،
منع برداشت از
جنگل‌هاست

کارخانه به شمار می‌روند. این کارخانه حدود ۳۵ درصد چوب مصرفی خود را از ۱۵۰ هزار هکتار طرح جنگل‌داری تحت پوشش تأمین می‌کند. استفاده از چوب برای تولید کاغذ در این کارخانه کاملاً بر اساس روش‌های علمی و در قالب برنامه ده‌ساله اجرایی مصوب شورای عالی جنگل‌داری انجام می‌شده است.

اکبر رفیعی، یکی از مدیران طرح و برنامه کارخانه چوب و کاغذ مازندران در سال‌های اخیر، درباره این روش علمی و برنامه ده‌ساله اجرایی می‌گوید: «برداشت درختان در قالب برنامه‌های اجرایی ده‌ساله انجام می‌شد. این برنامه ده‌ساله مصوب شورای عالی جنگل بوده که بالاترین مرجع فنی سازمان جنگل‌ها، مراتع و آبخیزداری کشور است. این برنامه کاملاً مطابق با علم جنگل‌شناسی و محدود به درختانی بود که قطع آن‌ها به منظور احیاء جنگل و ایجاد فضا برای تجدید حیات طبیعی اجتناب‌ناپذیر است. ضمن آنکه بخشی از برداشت درختان نیز مربوط به عملیات پرورشی است که هدف آن، انتقال رقابت طولی به رقابت قطری است؛ چرا که بلافاصله پس از برداشت درختان، عرصه مورد عمل با گونه‌های جنگلی عمدتاً بومی منطقه با صفات پسندیده ژنتیکی در حدود هر هکتار ۲۵۰۰ اصله کاشته می‌شود که پس از پنج سال عملیات مراقبتی، از جمله سله‌شکنی (نرم کردن خاک اطراف نهال کاشته‌شده) و همچنین وجین (حذف بوته و علف‌های مزاحم که در رقابت با نهال هستند)، وارد عملیات پرورشی می‌شود. در این عملیات، نهال‌های ضعیف به نفع نهال‌های قوی حذف می‌شوند و در نهایت، تعداد نهال‌های کاشته‌شده به ۱۵۰ اصله تقلیل می‌یابد که بخشی از چوب‌های تولیدی، حاصل این فعالیت است.» بهره‌برداری از جنگل به چه معناست؟ در یک تعریف

علمی، بهره‌برداری عبارت است از فن اجرای جنگل‌داری علمی و تحقق بخش دیدگاه‌ها و اهداف جنگل‌شناسی که ساماندهی برنامه‌های اکولوژیکی مدنظر جنگل‌شناسان را به عهده دارد. این فن، تقویت توده‌ها و درختان نخبه، پرورش گونه‌های مدنظر، فضا دادن بین درختان، تنظیم نور، تجزیه لاشبرگ‌ها و تولید هوموس را به دنبال دارد. بهره‌برداری از جنگل از طریق برداشت بعضی از درختان، مطابق نظر طراحان که بر اساس قواعد علم جنگل‌شناسی تدوین و توسط ورزیده‌ترین نیروهای کارشناسی انجام می‌شود، زمینه تعالی جنگل‌ها را به خوبی فراهم می‌کند و در واقع، شرایطی را پدید می‌آورد که برای برقراری یک تعادل اکولوژیکی اساسی است.

رفیعی درباره صدمات برداشت از جنگل می‌گوید: «به مصرف رسیدن حجم چشمگیری چوب برای تأمین سوخت، رشد فزاینده جمعیت و افزایش میزان بیکاری و به تبع آن روی آوردن تعداد کثیری از روستاییان به شغل گوسفندداری، تبدیل عرصه‌های جنگلی به باغات و مزارع کشاورزی، بهره‌برداری از معادن و برداشت بی‌رویه شن و ماسه که خود یکی از عوامل اصلی بروز سیل‌های خانمان‌سوز به شمار می‌آیند، از جمله عوامل تخریب جنگل هستند که اساساً ارتباطی با عملیات بهره‌برداری جنگل در قالب کتابچه‌های طرح جنگل‌داری ندارند.»

رفیعی می‌گوید: «شدت تجاوز و تخریب، اعم از کمی و کیفی و بخش اعظم تبدیل سطوح منابع ملی به ویلاسازی و خطرانی که از این منظر بقاء جنگل را به جد تهدید می‌کند، در مناطق فاقد طرح از جمله در سطح جنگل‌های در اختیار سازمان محیط‌زیست، به مراتب بیشتر از مناطقی است که بهره‌برداری در قالب طرح تدوینی در آن‌ها صورت می‌گیرد. همچنین تعداد



این برنامه کاملاً
مطابق با علم
جنگل‌شناسی و
محدود به درختانی
بود که قطع آن‌ها
به منظور احیاء
جنگل و ایجاد
فضا برای تجدید
حیات طبیعی
اجتناب‌ناپذیر
است

تنها با استفاده از تجارت قوه و چوب. پس می‌شود گفت صنعت چوب می‌تواند به یک کشور کمک‌هایی اساسی ارائه کند.»

اما با وضع قانونی که دو سال از آن می‌گذرد، چه باید کرد؟ قطعاً روشی که تولیدکنندگان در پیش گرفته‌اند، همان دست روی دست گذاشتن است که نتیجه آن امروز برای همگان مشخص است. در وضعیتی که کشور بیش از هر زمان دیگری نیازمند خودکفایی در تولید کاغذ است و کارخانه‌های داخلی می‌توانستند خودی نشان دهند و نامشان را بر زبان‌ها بیندازند و محصولاتشان را به بازار معرفی کنند، خط تولید خوابیده است و نان صدها کارگر ایرانی آجر شده است. آن هم به بهانه ابلاغیه‌ای که در سایه‌اش قرار است جنگل نفس بکشد و کاغذ جان دهد. طبیعتاً بهترین راه‌حل برای به‌گردش درآوردن چرخه تولید، تأمین نیاز واردات چوب از کشورهای چوب روسیه، چین و... است؛ اما بروزنشدن قانون حفظ نباتات در ایران طی ۴۵ سال گذشته، واردات چوب را با مشکلات ریز و درشتی مواجه خواهد کرد. صفرشدن تعرفه واردات چوب به این موضوع بسیار کمک کرده است؛ اما بروزنشدن و تسهیل قوانین و... نیز می‌تواند کمک خوبی بکند.

برای نمونه، یکی از مشکلاتی که تولیدکنندگان کاغذ در زمینه واردات چوب به آن اشاره می‌کنند، این است که طبق قانون، چوب باید بدون پوسته وارد شود. بالا بودن هزینه‌های حمل‌ونقل چوب، کیفیت نامرغوب چوب‌های وارداتی که عمدتاً از روسیه هستند، گران‌شدن احتمالی کاغذ و... از دیگر مشکلات موجود است. اگر چاره‌ای برای این مشکلات اندیشیده نشود، قطعاً آندک رمقی که تولید کاغذ در کشور گرفته است، تمام خواهد شد.

یک‌طرفه نگاه‌کردن به موضوع برداشت از جنگل‌ها کاری نسجیده است؛ اما اینکه کارخانه‌های تولیدی نیز به این بهانه خط تولیدشان را خاموش کرده و اقداماتی چون تولید کاغذهای بسته‌بندی صرف، واردات کاغذ و... انجام دهند، در نوع خود پذیرفتنی نیست. باید پرسید که چه شده است کارخانه‌ای که با افتتاح طرح جدید خود به‌سمت استفاده از کاغذهای بازیافتی برای تولید در حال حرکت بود، امروز برای عمل به تعهداتش به واردات کاغذ روی آورده است.

استفاده از بازیافت در کشورهای جهان امروز، به‌عنوان محوری کلی برای تولید کاغذ در نظر گرفته شده است و ایران نیز در افق چشم‌انداز خود باید به آن سمت حرکت کند. به هر حال بازیافت کاغذ، به مراتب از قطع درختان ولو با کیفیت‌های خاص یا پرورشی، با طرح‌های مراقبتی جنگل، یا استفاده از روش‌های علمی و... روشی پسندیده‌تر و کم‌دردرست‌تر است.

پرونده‌های تشکیل‌شده در خصوص تخلفات در مناطق فاقد طرح به‌مراتب بیشتر از مناطق دارای مجری است. مقام معظم رهبری در سخنرانی خود در شهرستان نوشهر استان مازندران در سال ۱۳۸۸، ضمن تأکید بر حفاظت از جنگل و دریا، بر بهره‌برداری صحیح و اقتصادی نیز تأکید کردند.

بنابراین، بیراه نیست که بگوییم یکی از ابعاد بهره‌برداری صحیح و اقتصادی از جنگل، استفاده از چوب برای تولید کاغذ است. البته اینکه کدام درختان برای تولید چوب استفاده می‌شوند، بسیار حائز اهمیت است؛ چرا که در غیر این صورت، درختان با گذشت زمان از سن بهره‌برداری خارج و با رسیدن به سن دیرزیستی (توقف رشد) از درون خالی، از پایین ته‌لامپی، از سر خشک و در نهایت ریشه‌کن و شکسته شده و ارزش اقتصادی خود را از دست می‌دهند.

ابوالفضل روغنی، مدیرعامل اسبق کارخانه چوب و کاغذ مازندران، درباره مراقبت‌هایی که از جنگل‌های تحت پوشش انجام شده است، می‌گوید: «ما تلاش کردیم علاوه بر مراقبت از این جنگل‌ها، گستره آن را نیز افزایش دهیم؛ چرا که برخلاف ذهنیتی که می‌گویند شرکت‌های تولیدکننده کاغذ موجب کاهش جنگل‌ها و ازبین‌رفتن آن‌ها می‌شوند، ما چنین نکردیم. در مجموع، باید گفت کشور ما در ناحیه خشک دنیا قرار گرفته؛ بنابراین، آتش‌سوزی مهم‌ترین دلیل ازبین‌رفتن جنگل در سال‌های اخیر است. کارخانه چوب و کاغذ مازندران در سال‌های نظارتش بر فضای جنگل تحت اختیار، ۱۲۰۰ کیلومتر جاده در جنگل احداث کرد. این اقدام موجب شد تا به جنگل‌های تحت پوشش آن در آتش‌سوزی سه سال اخیر در جنگل‌های گلستان و مازندران، کمترین آسیب ممکن وارد شود. البته اقدامات دیگری از جمله استفاده از جنگل‌بان و سیستم اطفای حریق نیز در این زمینه نقش داشتند.»

به ازای هر درختی که قطع می‌شود، نه نهال کاشته می‌شود

روغنی با بیان این مطلب که برای استفاده از درخت‌ها در جنگل نشانه‌گذاری می‌کردیم، ادامه می‌دهد: «درخت‌های سال‌خورده و فرتوت را که از درون پوک شده‌اند، نشانه‌گذاری می‌کردیم و به ازای هر درختی که قطع می‌شد، نه نهال می‌کاشتیم. چوب یک ثروت ملی محسوب می‌شود و اقتصاد چوب در بسیاری از کشورهای دنیا موضوع مهمی است. در این زمینه، می‌شود به تجربه کشور برزیل اشاره کرد که از جایگاه مقروض‌ترین کشور، امروز به جایگاه نهمین اقتصاد بزرگ دنیا رسیده است؛

یکی از ابعاد بهره‌برداری صحیح و اقتصادی از جنگل، استفاده از چوب برای تولید کاغذ است

آتش بی تدبیری بر جان کاغذ

● محسن جندقی

مهم‌ترین سؤال درباره گرانی کاغذ این است که چرا شتاب افزایش قیمت این کالای استراتژیک از افزایش نرخ ارز بیشتر بوده است؟ سؤال ساده‌تر این است که چرا با اینکه نرخ ارز سه برابر شد، کاغذ شش برابر گران‌تر فروخته شد؟ پاسخ به این سؤالات چندین بعد دارد و حتی اگر نرخ کاغذ را با ارز آزاد محاسبه کنیم، می‌شود برای آن توجیه اقتصادی یافت؛ اما بررسی‌ها نشان می‌دهد عوامل غیراقتصادی نقش پررنگ‌تری در رخ دادن این اتفاق دارد. در مطلب پیش رو، همه ابعاد این اتفاق بی‌سابقه را بررسی می‌کنیم.

کاهش ارزش پول ملی: شاید راحت‌ترین پاسخ به این سؤال که چرا قیمت کاغذ با سرعتی باورنکردنی گران شده، این است که ارزش پول ملی کاهش یافته است. بررسی عوامل کاهش ارزش پول ملی می‌تواند به بازشدن این گره کمک کند. این عوامل عبارت‌اند از: الف. برتری یافتن پرداخت‌ها بر دریافت‌های ارزی. به عبارتی، خرج بیشتر از دخل باشد؛ ب. افزایش نرخ تورم داخلی به هر دلیل؛ از چاپ پول بی‌پشتوانه و افزایش اعتبارات بانکی گرفته تا کاهش رشد

اقتصادی؛

ج. نفعی بودن بودجه؛

د. کسری در بودجه عمومی کشور و محقق نشدن درآمدهای پیش‌بینی شده؛

ه. دورنمای سیاسی و اقتصادی مبهم و پیش‌بینی ناپذیر؛

و. افزایش حجم نقدینگی؛

ز. کاهش تولید ملی و افزایش واردات؛

ح. افزوده شدن سالیانه بخش‌های غیرمولد به بودجه دولت و به دنبال آن، فربه شدن بدنه دولت و سازمان‌ها و ارگان‌های هزینه‌بر و غیرمفید؛

ط. تحریم‌های بین‌المللی.

باید بپذیریم که علت اصلی و اساسی کاهش ارزش پول ملی، سیاست‌های غلط دولتی بوده و تحریم فقط در بروز و تشدید آن مؤثر بوده است. اگر بگوییم مهم‌ترین عامل به‌وجود آمدن بحران کاغذ کاهش ارزش پول ملی بوده، حرفی گزاف نزنه‌ایم.

افزایش هزینه تهیه کاغذ: مسئولان عنوان کرده‌اند قیمت ارزی که به کاغذ و مقوا اختصاص یافته است، از ابتدای سال ۱۳۹۷ برای کاغذ تحریر از ۳۸۰۰ تومان به

علت اصلی و

اساسی کاهش

ارزش پول ملی.

سیاست‌های

غلط دولتی بوده و

تحریم فقط در بروز

و تشدید آن مؤثر

بوده است.

و منجر به محکومیت‌های سنگین در دستگاه قضا شده است. این مسئله نشان می‌دهد که دولت در تخصیص و تأمین ارز واردات کاغذ به شدت بی‌تدبیری کرده و توانایی جلوگیری از سوءاستفاده را نداشته است.

برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا: یکی از

علل مهم ایجاد بحران کاغذ، برهم خوردن تعادل عرضه و تقاضا بود. با توجه به گرانی ارز بیم‌گران‌تر شدن کاغذ، تقاضا افزایش چشمگیری یافت. تولیدکنندگان محصولات کاغذی مانند ناشران و روزنامه‌چی‌ها تقاضای معمولی را افزایش دادند تا عملاً کاغذ به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شود. یعنی هرکس بیشتر کاغذ انبار می‌کرد، سود بیشتری می‌کرد؛ چون گرانی کاغذ را به‌راحتی می‌شد پیش‌بینی کرد. فراموش نکنیم هفت‌ماه آینده، انتخابات مجلس در کشور برگزار می‌شود و انتخابات ایران یکی از انتخابات‌های پرهزینه از لحاظ استفاده از کاغذ محسوب می‌شود. به‌علت علاقه‌کاندیدها به تبلیغات سنتی و استفاده از پوستر، همواره در ایام انتخابات فروشندگان کاغذ قیمت‌ها را افزایش می‌دهند و قطعاً انتخابات پیش رو، سود تضمین‌شده‌ای را برای کاغذداران کنار می‌گذارد. افزایش شدید تقاضا و به‌وجود آمدن تقاضای انتظاری، بر آتش گرانی کاغذ دمید و می‌دمد و خواهد دمید.

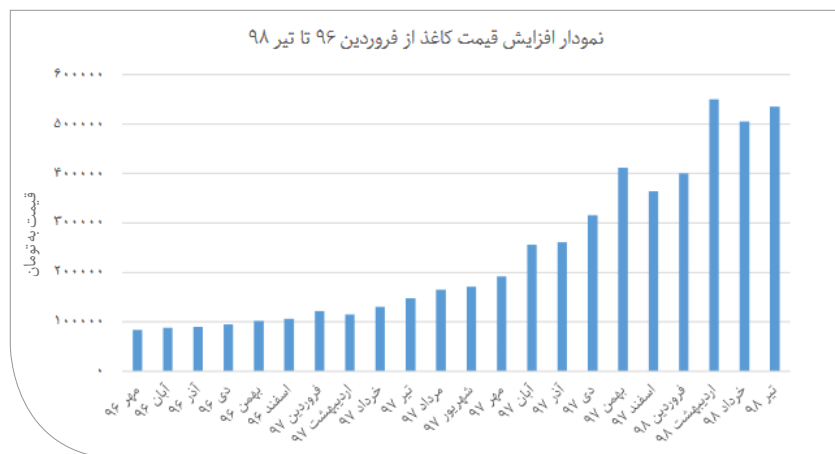
احتکار: از همان ابتدا که سیگنال‌های گرانی کاغذ به

وجود آمد، محتکران دست‌به‌کار شدند. در کشور به اندازه نیاز همیشگی کاغذ وجود داشت؛ اما هیچ‌کس نمی‌دانست کجاست. محتکران به‌راحتی به گرانی کاغذ دامن زدند و سود بردند و این سود به بهای ازیب‌رفتن بسیاری از مشاغل مرتبط با کاغذ شد.

۴۲۰۰ تومان و برای کاغذ گلاسسه و مقوای بسته‌بندی از ۳۸۰۰ تومان به حدود ۸۰۰۰ تومان (ارز نیمایی) افزایش یافته است. بعضی از کارخانه‌ها دیگر حاضر به همکاری با ایران نیستند و مابقی تأمین‌کنندگان قیمت‌های فروش خود را افزایش داده‌اند. قیمت حمل به ایران تا تنی ۱۰۰ پیورو گران‌تر شده است. هزینه انتقال پول به بانک‌های خارجی نیز افزایش یافته و شامل ۸ تا ۹ درصد کارمزد می‌شود؛ بنابراین، قیمت تمام‌شده کاغذ نسبت به ابتدای سال افزایش جدی داشته است. جالب اینکه همین تخصیص ارز دولتی نیز در مقطعی متوقف شد و کاغذ با ارز نیمایی و ارز آزاد محاسبه شد. یعنی کاغذی که تا سال ۱۳۹۶ با دلار ۳۸۰۰ تومان وارد می‌شد، با دلار ۱۳ هزار تومان تا ۱۶ هزار تومان وارد شد. به عبارت بهتر، می‌شود گفت در مقطعی، قیمت ارز تا پنج برابر قیمت اولیه گران شد. البته به‌طور کلی، به ادعای دولت برای واردات کاغذ ارز نیمایی تعلق گرفت و این بدان معناست که برای واردات کاغذ، نرخ ارز حدود سه برابر شد؛ اما عرضه‌کنندگان کاغذ را بیش از شش برابر گران‌تر فروختند و این مسئله آشفته‌گی گسترده بازار را نشان می‌دهد. طبیعی است که در چنین شرایطی، قیمت کاغذی که باید با ارز دولتی وارد شود، گران شود. افزایش هزینه‌ها نیز در این شرایط مزید بر علت شد تا وضع کاغذ بحرانی‌تر شود.

نظارت ضعیف: در کشور کاغذ با ارز ۴۲۰۰ تومانی وارد

شده بود؛ اما با قیمت ارز ۱۳ هزار تومانی فروخته شد. این فقط یک معنا دارد: نظارت‌نکردن واردکنندگان بسیاری به‌علت سوءاستفاده از ارز دولتی محاکمه شدند و حتی شخصی با لقب «سلطان کاغذ» بازداشت شد. حجم بگیروبندهای قضایی در حوزه کاغذ نیز بی‌سابقه بوده



دولت در تخصیص و تأمین ارز واردات کاغذ به شدت بی‌تدبیری کرده و توانایی جلوگیری از سوءاستفاده را نداشته است

دستگاه‌های نظارتی؛ همچنان نظاره‌گر

● زهرا علی‌رمضانی

انبیاهای دپوشده از کاغذ، جایگزین اخبار افزایش قیمت کاغذ شد. این خبرها بعد از گذشت یک سال از بحران کاغذ، همچنان در صدر خبرها قرار دارد. نکته تأسفبار این است که با وجود کشف انبارهایی که بعضاً تا ۵۰۰ تن کاغذ هم در آن‌ها مخفی شده بود، هیچ تغییری در قیمت کاغذ ایجاد نشده است. شاید اصلی‌ترین دلیل این مشکل، توزیع نکردن به‌موقع کاغذهای کشف‌شده در بازار از سوی متولیان باشد.

احتکار و گرانی دو مؤلفه جدایی‌ناپذیر از یکدیگر هستند و در بازار، قیمت هر کالایی که رو به افزایش برود، فروشندگان ترجیح می‌دهند با احتکار راه را برای افزایش قیمت بیشتر هموار کنند؛ اما نکته شایسته تأمل اینجاست که چرا دستگاه‌های متولی، از سازمان تعزیرات گرفته تا سازمان حمایت از مصرف‌کننده، نتنها در اسرع وقت برای کشف انبارهای محتکران اقدام نمی‌کنند، بلکه بعد از کشف نیز شیوه درستی برای توزیع کالاهای پیداشده ندارند و برای انجام این کار، زمان زیادی صرف می‌کنند؛ تا جایی که عملاً ورود کالاهای احتکارشده به بازار دیگر نمی‌تواند در کاهش قیمت‌ها اثرگذار باشد.

کدام وزارتخانه خواهان تداوم آشفته بازار کاغذ است؟

البته مسئولان در مقام حرف درباره شیوه چگونگی توزیع کالاهای مکشوفه صحبت کرده‌اند؛ به‌طوری که بر اساس گفته‌های محمد قبله، مدیرکل دفتر بازرگانی وزارت صنعت، معدن و تجارت در شهریور سال گذشته، توزیع کالاهای کشف‌شده از دو روش دنبال می‌شود؛ یعنی یا کالاهای شبکه توزیع منظمی دارند و مصرف‌کننده آن مشخص است که در این صورت، مسئولیت تنظیم بر عهده بازار است و به‌محض کشف این گروه کالا، پرونده مستقیماً در اختیار تعزیرات قرار می‌گیرد. در این صورت نیز با هماهنگی دبیرخانه تنظیم بازار، کالاهای عرضه

کاغذ کالایی است که برای فعالان بازار نشر و مطبوعات مانند رگ حیات است و حالا نزدیک به دو سالی می‌شود که نبضش به‌سختی می‌زند و در مقابل هم نفس کسانی را که با آن سروکار دارند، به شماره انداخته است. این کالا از اواسط سال ۱۳۹۶ و به‌دنبال افزایش قیمت جهانی‌اش، ناشران و فعالان این عرصه را با رشد ۲۵ درصدی قیمت خود مواجه کرد؛ اما از ماه‌های میانی سال گذشته که قیمت ارز به یک‌باره سیر صعودی را دنبال کرد، حتی تا مرز کالای لوکس شدن هم پیش رفت؛ و حالا پیدا کردن آن برای بسیاری از فعالان این عرصه به رؤیایی دست‌نیافتنی تبدیل شده است.

پرواز کاغذ در آسمان نشر ایران!

از همان روزهای اول که قیمت کاغذ به پرواز درآمد و مسئولان اظهارنظرهای مختلفی درباره چرایی و چگونگی کنترل این وضعیت کردند، رسانه‌ها گزارش‌های متعددی را منتشر کردند. این گزارش‌ها در نهایت به ایجاد سازوکاری برای تخصیص ارز دولتی به این کالا ختم شد و امیدها را برای کنترل قیمت در دل ناشران و اهالی رسانه زنده کرد؛ هرچند همین کورسوی امید نیز به‌سرعت خاموش شد و وزارت ارشاد واردات کاغذ را تنها به چند گروه خاص محدود کرد. همین کار باعث شد تا قیمت هر بند کاغذ به‌طور میانگین به ۵۰۰ هزار تومان برسد و امروز نیز در همین نقطه ثابت بماند؛ اما مشکل فقط به افزایش قیمت ختم نشد و بعد از آن، پیدا کردن کاغذ همانند پیدا کردن سوزن در انبار کاه شد!

بعد از نوسانات شدید قیمت کاغذ، فروشندگان این کالا ترجیح دادند با وجود نیاز شدید بازار به توزیع متوازن کاغذ، در سایه نظارت نکردن دستگاه‌های دولتی راه احتکار را پیش بگیرند تا از این طریق، قیمت کاغذ را حتی از بندی ۵۰۰ هزار تومان نیز بالاتر ببرند که برای مدت محدودی هم موفق شدند. بعد از چندی، خبر پیداشدن

با وجود کشف
انبارهایی که بعضاً
تا ۵۰۰ تن کاغذ هم
در آن‌ها مخفی
شده بود، هیچ
تغییری در قیمت
کاغذ ایجاد نشده
است



شده، تا پایان سال ۱۳۹۸ تأمین است و هیچ مشکلی از این بابت وجود ندارد! اما مسئله اصلی اینجاست که پیش‌تر نیز بازار در عمل نشان داده که علی‌رغم پر بودن انبارها از کاغذ، امکان دسترسی به آن وجود ندارد. حال باید دید که روند توزیع سهمیه کاغذ مطبوعات تا چه اندازه می‌تواند از التهاب این بازار کم کند.

شاید با انتشار این خبر کمی از نگرانی‌های اهالی مطبوعات برای تأمین کاغذ مورد نیازشان برطرف شده باشد؛ اما موضوع مهم این است که بعد از گذشت بیش از چهار ماه از سال ۱۳۹۸ و با وجود انتشار خبرهای گوناگون درباره کشف انبارهای احتکار شده کاغذ، هیچ خبری از توزیع این کاغذها در بازار منتشر نشده است. وقتی به سراغ سید یاسر رایگانی، سخنگوی سازمان تعزیرات حکومتی رقیتم، او نیز خبر جدیدی از زمان توزیع کاغذهای مکشوفه نداشت و با بیان اینکه تا الان تغییر جدیدی در پرونده‌های مربوط به انبارهای کاغذ احتکار شده رخ نداده است، می‌گوید: «امسال گزارشی مبنی بر احتکار کاغذ در استان فارس به دستمان رسید که بلافاصله گشت مشترک تعزیرات به محل اعزام و پس از بررسی مشخص شد فردی بدون ثبت اطلاعات محموله در سامانه جامع انبارها، محموله را در انباری نگهداری کرده است.»

او حرف‌هایش را این‌طور ادامه می‌دهد: «بعد از دریافت اظهارات متهم و همچنین مشخص شدن سوءنیت وی برای احتکار این حجم از کاغذ، حکم توزیع کاغذهای مکشوفه در شبکه رسمی صادر شد و در نهایت، این کاغذها به نرخ مصوب سازمان نظارت صنعت، معدن و تجارت در بازار توزیع شد.»

سخن‌گوی سازمان تعزیرات حکومتی درباره وضعیت کاغذهای کشف‌شده در استان سمنان نیز تصریح می‌کند: «در استان سمنان نیز شش پرونده انجام‌دادن تعهدات برای خرید کاغذ تشکیل شده و در همین راستا، سه شرکت متخلف به شش ماه تا یک سال تعلیق کارت بازرگانی و اعاده عین ارز دریافتی به بانک شاکو محکوم شده‌اند.»

رایگانی با بیان اینکه ارزی‌های دریافتی شامل ۱۳ میلیون یورو، ۶۶۲ میلیون ون کره و ۳ میلیون یون چین بوده، اظهار کرد: «در استان تهران، تعداد ۳۰ فقره پرونده احتکار کاغذ تشکیل شده که یک فقره به دلیل نداشتن صلاحیت به مراجع ذی‌صلاح ارسال و برای دو پرونده منع تعقیب صادر شده و سه پرونده نیز با ارائه مدارک برائت گرفته‌اند. همچنین ۱۵ پرونده دیگر در حال رسیدگی و دریافت استعلام هستند.»

رایگانی خاطر نشان کرد: «برای نه پرونده نیز مهلت یک‌هفته‌ای در خصوص اجرای ضوابط قیمت‌گذاری صادر شده است.»

می‌شود. البته در این بین نیز برخی کالاها با قیمت‌گذاری مصوب سازمان حمایت وارد بازار می‌شوند. در همین راستا، کاغذ هم که دارای مصرف‌کننده و بازار مشخصی است، نیازمند شبکه مخصوصی است که از سوی وزارت ارشاد و آموزش و پرورش مشخص می‌شود و گویی گره کار هم دقیقاً همین‌جاست! یعنی وزارت ارشاد که خود متولی ایجاد آشفته‌بازار فعلی کاغذ است، حتی در حوزه توزیع، عزمی برای ورود منظم انبارهای کشف‌شده ندارد و ترجیح می‌دهد کاغذ همچنان سیمرغ‌وار به پروازش در آسمان نشر کشور ادامه دهد!

مشکلی برای تأمین کاغذ مطبوعات در کشور نداریم؛ توزیع سهمیه سه‌ماهه کاغذ مطبوعات

البته تیر از نیمه گذشته بود که سید محمد رضا دربندی، مدیرکل مطبوعات و خبرگزاری‌های داخلی وزارت ارشاد، در گفت‌وگو با یکی از رسانه‌ها از توزیع سهمیه سه‌ماهه کاغذ مطبوعات تا پایان مرداد خبر داده بود. به گفته او در این توزیع، برای مشخص شدن هر سهمیه این وزارتخانه مراحل مختلفی را طی می‌کند. شماره نشریه، هماهنگی با چاپخانه طرف قرارداد هر نشریه برای صحت انتشار آن، بازرسی از چاپخانه‌ها و برآورد کارشناسان این اداره کل چهار عاملی است که در تعیین سهمیه کاغذ نشریات دخیل‌اند. در این میان، سطح‌بندی نشریات و روزنامه‌ها نیز لحاظ خواهد شد و در کل، نشریات در چهار دسته قرار می‌گیرند. نکته درخور تأمل اینجاست که این روند هر سه ماه یک‌بار تکرار می‌شود. نکته دیگر در صحبت‌های این مقام مسئول آن است که به گفته او، کاغذ مورد نیاز مطبوعات که با اعتبار ۴۰ میلیون یورویی اختصاص داده

وزارت ارشاد که خود متولی ایجاد آشفته‌بازار فعلی کاغذ است، حتی در حوزه توزیع، عزمی برای ورود منظم انبارهای کشف‌شده ندارد

کافه شیرازه

{کتابی که نخریدم}

از دو سال قبل که قیمت کاغذ راه صعود در پیش گرفت و قیمت هر بند از ۷۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۶، به حدود ۵۰۰ هزار تومان در سال ۱۳۹۸ رسید، قیمت کتاب نیز سر به فلک گذاشت و افزایشی ۹۸ درصدی را به خود دید. بحران کاغذ علاوه بر افزایش قیمت، کاهش ۱۳ درصدی عناوین و کاهش ۳۰ درصدی شمارگان کتاب را نیز در پی داشت. این طور بود که سید خرید کتاب خانواده‌ها سبک‌تر و فهرست خرید کتاب‌ها کوتاه‌تر شد. به همین مناسبت تصمیم گرفتیم موضوع یادداشت‌های این شماره از نشریه «کتابی که نخریدم» باشد. البته از نویسندگان خواستیم نوشته‌های خود را به موضوع افزایش قیمت کتاب محدود نکنند و هرچه دل تنگشان می‌خواهد، بنویسند.

لطفاً از این طریق کتاب بخوانید!

وقتی نمی‌خریم و نمی‌خوانیم

شب‌خوابی با «سواد روایت»

این کار جسارت می‌خواهد

چرا کتاب‌های فهرستم را نمی‌خرم؟

خوره تصاحب کتاب‌ها!

برای کتاب‌هایی که به کتابخانه‌ام نیامدند

کتاب نمی‌خرم؛ پس هسّم!

معجزه کاغذی

کافه بدون قهوه آقای غلامی

کهکشان آن سوی دروازه دولت

ولع به اعتیادرسیده



لطفاً از این طریق کتاب بخوانید!

● احسان سالی



اکنون، سر بر بالین نگذارم!
ورود اتفاقی من به اینستاگرام همانا و دیدن یکی از شعرهای مجموعه اکنون همان! شعری که با هشتک‌های #فاضل_نظری و #اکنون در صفحه یکی از دوستان معرفی شده بود، من را وسوسه کرد تا این هشتک را جست‌وجو کنم. از قضا آن شعر، تنها شعری نبود که من از کتاب جدید فاضل نظری خواندم، به جرئت می‌توانم بگویم که بیش از یک‌سوم از شعرهای این مجموعه را در صفحات اینستاگرام با همان جست‌وجوهای ابتدایی پیدا کردم!

در شب‌های بعد، هرچه تلاش کردم تا در برابر وسوسه جست‌وجوی نام مجموعه جدید فاضل نظری در اینستاگرام و توئیتر مقاومت کنم و برای خرید کتاب آستینی بالا بزنم، نشد که نشد! دوستی خاله‌خرسه برخی از هواداران فاضل نظری از یک طرف و لذت خواندن رایگان شعرهایی که روزی حاضر نشده بودم بهایش را بپردازم از طرف دیگر، حسابی کار دستم داده بود.

خلاصه اینکه شاید این یادداشت نتواند در معرفی یک کتاب جدید کمک چندانی به شما بکند و صدا البته هیچ تأثیری نیز بر ارتقاء فرهنگ کتاب‌خوانی شما نخواهد گذاشت؛ ولی حداقل به شما که شاید یکی از همان طرف‌دارانی بودید که چند وقت پیش، بخشی از شعرهای جدید فاضل نظری را منتشر کردید، می‌گوید لطفاً قبل از انتشار آزادانه شعرهای یک شاعر از روی مجموعه اشعارش، به این فکر کنید که شاید این کار شما مصداق همان ماجرای معروف دوستی خاله‌خرسه باشد.

این یادداشت احتمالاً باید یک یادداشت با رویکردی فرهنگی می‌بود؛ یادداشتی خاطره‌طور که باید شما را به یاد کتاب‌هایی بیندازد که تاکنون به هر دلیلی نخوریده‌اید. احتمالاً هم قرار بوده در نهایت شما را به این جمع‌بندی برساند که کتاب‌ها ارزشمندتر از آن هستند که بخواهیم صرفاً آن‌ها را با متر و معیار پول و قیمت بسنجیم؛ ولی واقعیت این است که این یادداشت، هیچ‌کدام از آن کارکردهایی را که فکر می‌کنید، ندارد؛ چراکه خاطره‌ای از یک نوع کتاب‌خوانی غیرفرهنگی است!

ماجرای درست چند روز بعد از رونمایی از تازه‌ترین مجموعه شعر فاضل نظری با عنوان اکنون آغاز شد. من که به رسم علاقه همیشگی به شعرهای فاضل نظری، تصمیم داشتم تا در اولین فرصت کتابش را برای مطالعه بخرم، در اولین مراجعه به نزدیک‌ترین کتاب‌فروشی به محل کار، با قیمتی روبه‌رو شدم که با خودم گفتم اگر شعرهای فاضل نظری را به این سرعت هم نخوانم، عیبی در زندگی‌ام ایجاد نمی‌شود! ۲۲ هزار تومان برای مجموعه شعری که فقط شامل چهل شعر می‌شد، آن‌قدر به نظرم زیاد بود که هر کاری کردم، نتوانستم خودم را راضی کنم برای خریدنش دست‌به‌جیب شوم. خلاصه اینکه دست از پا درازتر و در حالی که داشتم خودم را راضی می‌کردم که احتمالاً یکی از دوستان و همکاران که عشق شعرهای حضرت فاضل است، تاکنون چند جلدی از این مجموعه جدید را خریده و من چند روزی کتابش را از او قرض می‌گیرم، کتاب‌فروشی را ترک کردم؛ غافل از اینکه دست تقدیر این‌گونه رقم زده بود که آن شب، بدون نخواندن

وقتی نمی خریم و نمی خوانیم



● میثم رمضانعلی

همین مرورها مجبور شده‌ام کتاب‌ها را بخرم. بسیاری از کتاب‌هایی که این روزها می‌خوانم، در کتابخانه‌های محله‌ها هم نیستند که بشود امانتشان گرفت تا نیازی به خریدشان نباشد. این اجبار به خریدن کتاب‌هایی که نیاز نداری همیشه در قفسه کتابخانه‌ات باشد، بخشی جدی از خرج و مخارج ماهانه زندگی ما شده است که در این روزهای سخت اقتصادی، فشاری مضاعف بر زندگی است.

چیز دیگری که باعث می‌شود کتابی را نخرم، وضعیت چاپ آن است: نوع و اندازه فونت و صفحه‌بندی و جنس کاغذ و روی جلد و این جور چیزهای ظاهری که البته برایم خیلی مهم است. بارها شده است به دلیل همین ویژگی‌ها، کتاب‌هایی را نخریده‌ام و نخوانده‌ام، یا خوب‌بودن این ویژگی‌ها در یک کتاب باعث شده تا سرعت خواندن یک کتاب چندین برابر حالت عادی باشد. همه‌اش هم نخریدن نیست؛ مثلاً کتاب یا کتاب‌هایی می‌خرم و شروع به خواندنشان می‌کنم؛ اما درگیر کار و موضوعی می‌شوم که اجازه نمی‌دهد خواندن را ادامه دهم. هر وقت سر کتابخانه‌ام می‌روم، همان کتاب‌ها خودنمایی می‌کنند و مشت توی صورتم می‌کوبند.

و متأسفانه، صورتمان کبود شده است از همین کتاب‌ها...

وقت خواستگاری، یکی از موضوعاتی که به خانمی که بعدتر همسرم شد گفتم، این بود که در زندگی ممکن است از پول خورد و خوراک بزنم؛ اما از خرید کتاب، نه. تقریباً در این سال‌های زندگی که حالا دیگر دورقمی شده‌اند، بر همین منوال پیش رفته‌ایم. هی کتاب خریده‌ایم و خوانده‌ایم. و هی کتاب نخریده‌ایم. برای همچو منی، رفتن به کتاب‌فروشی و کتابخانه‌ها، رفتن به تفرجگاهی است دل‌ریا که لایه‌لای عنوان کتاب‌ها و تورقشان، آرزوها، تخیل‌ها، ایده‌ها و نیازهای مان را می‌جوییم. و حالا، نوییدن و ننوشتن کتاب‌ها، که برای مان سخت است، علت‌هایی دارد.

فهرست کتاب‌هایی که نخریده‌ام، عملاً ملغمه‌ای است از دو گونه مختلف:

کتاب‌هایی که فعلاً نباید بخوانم؛ چون در سیر فعلی خواندنی‌هایم اختلال ایجاد می‌کند.

و کتاب‌هایی که فعلاً نباید بخوانم؛ چون نمی‌توانم به‌صورت کامل موضوعات مرتبط با آن را مفصل خوانی کنم و عملاً حسرت نخواندنشان تا مدت‌ها همراهم خواهد ماند.

گاهی شده که در فاصله‌ای یک‌ماهه، مجبور شده‌ام ده کتاب بخرم و صرفاً بخش‌هایی از آن‌ها را بخوانم. یا خرید آن کتاب یا کتاب‌ها، صرفاً برای مرور سریع مباحث آن بوده است و نیازی به عمیق خوانی آن نداشته‌ام و برای

شب خوابی با «سواد روایت»

● میثم رشیدی مهرآبادی



آنجاست که خبرنگار باید برای اطلاع از آخرین کتاب‌ها و آثار شایان توجه، دست‌به‌جیب شود. آن هم خبرنگاری که در حوزه‌های خبری‌اش نه کارت هدیه‌ای در کار است و نه در رسانه برای خبرهای دست‌اول و گزارش‌های خواندنی‌اش تشویقی در نظر می‌گیرند. همین جاست که باید از نان شب بزند و با رصد تخفیف‌ها در سایت‌های کتاب‌فروشی و امثال آن، کتاب مدنظرش را بخرد و بخواند. نسبت من با یکی از ناشران برجسته و فعال در حوزه روایت، مخلوطی از مواردی است که در بالا نوشتم. یادم هست کتاب سواد روایت این ناشر از جمله کتاب‌هایی بود که به علت دست کوتاه من و نشستن قیمت این کتاب بر نخیل، خریدن و خواندنش به تأخیر می‌افتاد. آن روزها باید قیمت دو تا سه جلد کتاب را برای خرید آن هزینه می‌کردم و هیچ‌وقت نتوانستم بر شیرینی خرید چند جلد کتاب غلبه کنم؛ اما دلم روشن بود. می‌دانستم بالاخره روزی صاحب یکی از آن کتاب‌های قطور جلد‌قرمز می‌شوم.

روزی در بین صفحات اینستاگرام، چشمم به نمایشگاه کتاب‌های علوم انسانی در یکی از دبیرستان‌های مرکز شهر افتاد که خبر از ارائه کتاب‌های نشر اطراف ۲۵ درصد تخفیف می‌داد. فرصت مغتنمی بود. سری به دبیرستان شرف‌الدین زدم و در «کتاب مان» توانستم سواد روایت را بخرم. شوق و ذوقم از داشتن این کتاب آن قدر بود که هنوز هم دلم نیامده روکش نایلونی‌اش را باز کنم و صفحاتش را ورق بزنم. هر چند روز یک بار، در قفسه‌های کتابم به او سلام می‌کنم و می‌گویم: «آن قدر درباره‌ات نقد و بررسی و یادداشت خوانده‌ام که می‌دانم داخلش چه خبر است. فقط می‌خواستم شب‌ها که در کتابخانه می‌خواهم، نفس تو هم با اکسیژن اندک فضا قاطی شود.»

خبرنگاری در حوزه کتاب، نه نان دارد و نه آب. البته این ظاهر ماجراست. کسی که وسط این همه حوزه‌های خبری، عدل رفته باشد سراغ گروه فرهنگ و هنر و از بین حوزه‌های مختلفش، کتاب و ادبیات را انتخاب کرده باشد، نه نان را می‌شناسد، نه آب را.

قوت غالب خبرنگار حوزه کتاب، کلمه است و کیبورد. شب تا صبح می‌خواند و صبح تا شب می‌نویسد، تا بلکه بتواند با خبرها و گزارش‌هایش، کتاب خوبی را ترویج کند، یا مشکلی را از پیش پای ناشری بردارد. یا دارد نویسنده‌ای را به یک مجموعه انتشاراتی وصل می‌کند، یا می‌کوشد با کلماتش به مخاطب بفهماند خرید از فلان فروشگاه کتاب چه مزیت‌هایی دارد. در این وضعیت، طبیعی است که ناشران و نویسندگان سعی می‌کنند ارتباطشان را با او به اندازه ارسال یک نسخه از جدیدترین منشورات، وصل نگه دارند. این البته درباره همه ناشران و نویسندگان صدق نمی‌کند.

از ناشری که حال ندارد حتی برای بهترین کتاب‌های نشرش یک مراسم رونمایی جمع‌وجور برگزار کند، چه انتظار که کتاب‌های تازه‌اش را داخل کیسه نایلونی یا پارچه‌ای بگذارد و برای خبرنگاران فعال حوزه کتاب در رسانه‌ها بفرستد؟! این ناشران حتی حال ندارند خبر انتشار کتاب‌های جدیدشان را در شبکه‌های اجتماعی به اشتراک بگذارند. از این دسته ناشران که بگذریم، بقیه به فراخور حالشان، سعی می‌کنند رابطه با خبرنگاران حوزه کتاب را گسترش بدهند؛ اما در این میان مشکلات دیگری هم هست.

گاهی ناشران خوبی پیدا می‌شوند که به لحاظ خط و ربط سیاسی و اعتقادی، با فلان خبرنگار و رسانه‌اش میانه‌ای ندارند و این ارتباط از اساس شکل نمی‌گیرد.

این کار جسارت می خواهد



● سجاد شیرافکن

باشی که بتوانی دو قران درآمدت را خرج کتاب کنی! درست می گویند. وقتی مردم برای گوشت و مرغ و نانیشان هشتشان گرو نهشان است، چه جایی برای کتاب می ماند؟

علاقه به کتاب را اگر کنار بگذاریم، به این نتیجه می رسیم که خرید کتاب برای اهالی قلم هم مقرون به صرفه نیست؛ چه برسد به عامه مردم. این نکته بین من و شما بماند که دیگر اهل قلمی هم نمی تواند به راحتی کتابی را که به معنای واقعی کلمه کتاب باشد، چاپ کند؛ مگر اینکه اینفلوئنسری باشد و ناشر مطمئن باشد که فالوئرهای دوستدار این نویسنده، با وجود محتوای سخیف کتاب هم پشت در کتابفروشی برای خرید کتاب صرف می کنند. حال می خواهد عکس های پست شده صفحه اینستاگرامی اش باشد، یا متن های بی محتوای پراکنده.

من و شما متأسفانه کتاب های منتخب خود را با نگاهی به قیمت پشت جلد به قفسه برمی گردانیم و با خرید یک کتاب ۵۰ صفحه ای با قیمت ۳۰ هزار تومان، به صندوق می رویم و در ذهنمان خرید باقی کتاب ها را به ماه بعد حواله می دهیم.

مع الاسف، باید به کتابخانه ها پناه برد و اگر خوش شانس باشیم، کتاب مدنظر را پیدا می کنیم؛ هرچند بعید می دانم کتابی را که برای دو سال اخیر باشد، پیدا کنیم. اگر هم پیدا کنیم، باید مالکیت کتاب های نفیس بالای ۲۰۰ صفحه را شب ها در خواب ببینیم!

همیشه سعی کرده ام کتاب های خوبی را که در ژانرهای مختلف وارد بازار نشر می شود، فهرست بندی و درگوشی همراهم ذخیره کنم تا بتوانم برای خریدشان اقدام کنم. این فهرست همواره در حال افزایش است و خیلی کم پیش می آید که تعداد کتاب های موجود در آن کم شود؛ اما در این یک سال اخیر، با توجه به گرانی های کتاب، کمتر از ۲۰ درصد از این فهرست را توانسته ام تهیه کنم.

اگر اهل کتاب و کتاب خوانی باشید، احتمالاً در این یک سال اخیر برایتان پیش آمده است که وقتی وارد یک کتابفروشی می شوید، از بین ده ها کتابی که در ذهن دارید، تنها یکی از آن ها را خریده و باقی را به ماه بعد و بودجه بعدی می سپارید.

این روزها هر وقت گذرم به کتابفروشی های دنج خیابان انقلاب افتاده است، قسمتی از این دنج خانه به لوازم التحریر و امثالهم اختصاص یافته است؛ اما اینجا فقط ناشر نیست که تیراژ کتاب هایش به دلیل بحران کاغذ و گرانی ها دم به دم کمتر می شود؛ بلکه کتابفروشی ها و دنج خانه های کتاب و من و شما هم در این آتش گرانی کتاب می سوزیم!

به قول دوستی، فی الحال کتاب خریدن جسارت می خواهد. حتماً شما هم وقتی در این اوضاع نابسامان اقتصادی و ولنگاری که در حوزه کتاب رخ داده است، خرید کتاب را به دوستی پیشنهاد می دهید، با این جمله روبه رو می شوید که در این گرانی ها، باید حتماً از حلقه مرفهان

چرا کتاب‌های فهرستم را نمی‌خرم؟

● زهرا ذوعلم



خرید کتاب به‌صورت اینترنتی نداشته‌ام؛ هر چند این راه بسیار ساده‌تر و آسان‌تر است. قبل از نوروز امسال، چون سفر بودم و دسترسی به فروشگاه نداشتم، مجموعه‌ای سه‌جلدی را به‌صورت اینترنتی سفارش دادم. با توجه به هزینه‌ای که پرداخت کردم، انتظار داشتم هرکدام از کتاب‌ها حداقل پنجاه‌صفت صفحه باشند و قطعشان هم شونیز باشد؛ ولی در کمال تعجب و به‌دلیل ضعف اطلاع‌رسانی سایت، قطع کتاب‌ها کوچک‌تر بودند و تعداد صفحات هر کتاب حدود سی صفحه. شاید خرید اینترنتی برای کتاب‌هایی مناسب باشد که یک بار آن‌ها را دیده‌ام و تورقی کرده‌ام.

توزیع مناسب کتاب‌ها در فروشگاه‌هایی که افراد زیادی با نیت خرید کتاب به آن‌ها رجوع می‌کنند و مخاطبان اصلی نویسندگان و ناشران هستند، قطعاً یکی از دلایل خریدن یا نخریدن یک کتاب است؛ موضوعی که فروش ناشران، وابسته به آن است. این بخش از تهیه و تولید یک محصول فرهنگی (کتاب)، حلقه مفقوده‌ای است که ارتباط نهایی را با مخاطب ایجاد نمی‌کند؛ در حالی که کتاب‌ها نوشته می‌شوند برای خواننده شدن. توزیع نکردن مناسب را اضافه کنید به نبود تبلیغ درست برای کتاب‌ها. در اوضاعی که بسیاری از ما به واسطه تبلیغات سرسام‌آور تلویزیونی و شهری می‌دانیم اجزای تشکیل‌دهنده یک روغن یا دلستر چیست، از محتوای دقیق کتاب نویسنده یا ناشر موردعلاقه‌مان اطلاعات چندانی نداریم.

من همیشه فهرستی دارم از کتاب‌هایی که می‌خواهم بخرم؛ کتاب‌هایی که به‌ندرت می‌خرمشان! و در عوض کتابخانه‌ام پر است از کتاب‌هایی که قصد خریدن و خواندنشان را نداشته‌ام؛ ولی حالا جزو دسته خوانده‌شده‌ها هستند. عجیب است! ولی چرا کتاب‌های فهرستم را نمی‌خرم؟ راستش کتاب خریدن در یکی دو سال گذشته، تبدیل شده به یک رفتار لوکس. آن قدر که قیمت کتاب‌ها به‌طور عجیبی بالا رفته، پولی را که برای دو یا سه کتاب کنار گذاشته‌ام، باید برای یک کتاب پرداخت کنم. قیمت کتاب‌ها در نخریدنشان قطعاً مؤثرند؛ ولی به نظرم مسئله دیگری که باعث می‌شود کتاب‌های داخل فهرستم را نخرم، قیمت آن‌ها نیست؛ دردسترس نبودنشان است. بسیاری از کتاب‌هایی را که می‌خواهم، در قفسه کتاب‌فروشی‌های معروف، جذاب و در دسترس پیدا نمی‌کنم و گویا فقط می‌توانم آن‌ها از طریق خرید اینترنتی تهیه کنم؛ در حالی که وقتی مخاطب داخل فضایی پر از کتاب می‌شود که احياناً موسیقی ملایمی هم در حال پخش است و فضای مطبوعی برای گذران وقت دارد، میل بیشتری به خرید کتاب دارد تا از پشت صفحه نمایشگر. توروک کتاب، خواندن چند صفحه از آن، دقیق‌تر دیدن حجم کتاب، خواندن توصیف پشت جلد و چیزهای به‌ظاهر ساده‌ای مثل این‌ها، عوامل مؤثر و محرکی برای خرید یک کتاب هستند. مضاف بر اینکه شخصاً تجربه لذت‌بخشی از

خوره تصاحب کتاب‌ها!

● حسام آیت‌نوس



ممکن است کتاب‌هایی را دلم بخواند داشته باشم؛ ولی اولویت نداشته باشد. برای مثال، رمان عظیم در جست‌وجوی زمان ازدست‌رفته اثر مارسل پروست را به‌سختی تهیه کردم؛ اما به‌مرور فهمیدم که برای تهیه آن عجله کرده‌ام و خواندنش در اولویت من نبوده است. از این‌رو، همین کتاب‌هایی را که دلم می‌خواهد داشته باشم، باید برای روزهایی که پیری عصاکش شدم در نظر بگیرم تا با آزادی و رهایی بخوانمشان. پس خیلی غصه نخورید!

ولی حالا که حرف از کتاب‌هایی شد که دوست داریم داشته باشیم، باید بگویم خیلی هم سخت نگیرید. کتاب‌هایی که می‌خواهیم داشته باشیم، کتابخانه‌ای به بزرگی کتابخانه اومبرتو اکو، نویسنده ایتالیایی می‌خواهد که خوب در اوضاعی که ما در آن زندگی می‌کنیم، امکان تحقق آن زیر صفر است. بهتر است به جای تصاحب کتاب‌ها و حبسشان در کتابخانه‌های خانگی و احتمالاً خوانده‌نشده‌شان، آن‌ها را از کتابخانه‌های عمومی تهیه کنیم تا هم از لذت خواندن آن بهره ببریم و هم به جیبمان و فضای خانه‌های نقلی خود کمک کرده باشیم. ضمناً کتاب‌هایی که از کتابخانه‌های عمومی تهیه می‌کنیم، خودشان قصه‌هایی دارند که اگر درست نگاه کنیم، می‌توانیم رد قصه‌های آن‌ها را نیز بگیریم و وارد دنیای‌شان شویم.

به هر صورت، کتاب‌باز بودن مساوی است با حسرت‌داشتن و اصلاً بابت حسرت‌داشتن یا خواندن یک کتاب ناراحت نباشید؛ چون تازه دارید کتاب‌باز می‌شوید. به عبارتی، اگر روزی رسید که بابت نداشتن کتابی ناراحت نبودید یا خوره‌ای هر روز شما را به کتاب‌فروشی نکشید تا از وجود کتاب مدنظرتان مطمئن شوید، بدانید باید دنبال محبوب دیگری باشید؛ چراکه دیگر کتاب برایتان جذابیتی ندارد.

محال است با کتاب‌ها سروکار داشته باشید و حسرت داشتن کتابی را نداشته باشید. اصلاً مگر می‌شود کتاب‌باز باشید و دلتان نخواستۀ باشد کتابی را تصاحب کنید. اگر از شما بخواهند یکی دو کتاب را نام ببرید که دلتان می‌خواهد داشته باشید، احتمالاً به جای یکی دو عنوان، فهرستی از چند کتاب ارائه خواهید کرد.

حسرت بزرگی است؛ ولی خوب قرار هم نیست خیلی برای این دلبرهای کاغذی حسرت بخوریم و در نهایت آن‌ها را به گور ببریم. پس انداز‌کردن و خریدن کتاب‌هایی که دلمان می‌خواهد، یکی از راه‌هایی است که می‌توان از این طریق به آرزوی خود در تصاحب و تملک یک کتاب برسیم؛ ولی نباید فراموش کنیم که این روزها کتاب‌ها سواره‌اند و ما خیل مشتاقان پیادگان (البته خودمانیم و باید روراست باشیم که خیلی نیستیم) و هر قدر هم که پول پس‌انداز کنیم، وسعتمان در بهترین حالت به جلد کتاب می‌رسد و از محتوای آن خبری نیست.

همه این مقدمه‌ها را گفتم تا بگویم برخلاف تصور دوستان و نزدیکان که تصور می‌کنند این کمترین، روی گنج کتاب‌ها نشسته‌ام و بی‌نیازم، من هم آرزوی داشتن کتاب‌هایی را دارم؛ کتاب‌هایی که یا وسعم نرسیده بخرم، یا اینکه پیدایشان نکرده‌ام. یا به دلیل حجم انبوه کتاب‌هایی که نخوانده‌ام و کمبود فضا در خانه استیجاری، نتوانسته‌ام آن‌ها را بخرم.

برای مثال، دلم می‌خواهد کتاب دُن کیشوت سروانتس با ترجمه محمد قاضی یا جان شیفته از رومن رولان و همچنین کتاب کنت مونت کریستو اثر الکساندر دوما را داشته باشم و این‌ها نمی‌تواند کتاب‌هایی است که دلم می‌خواهد داشته باشم؛ ولی محدودیت‌هایی از نظر مالی و جای نگهداری سبب می‌شود که تا اطلاع ثانوی سراغ آن‌ها نروم.

نکته دیگری که باید یادآوری کنم، این است که

برای کتاب‌هایی که به کتابخانه‌ام نیامدند

● عاطفه جعفری



آن قدر زیاد بود که مطمئناً نمی‌توانستم آن را بخرم. هر روز در نمایشگاه، به غرفه انتشارات سخن می‌رفتم و کتاب را نگاه می‌کردم. اتفاقاً غرفه‌دار چند باری پرسید که اگر کتاب را می‌خواهید، تخفیف هم می‌دهیم؛ اما قیمت سیصد هزار تومان برای یک کتاب کم نیست و حسرت داشتنش به دلم ماند؛ تا زمانی که پولی داشته باشم و بتوانم کتاب را بخرم.

حالا که بحث به اینجا رسید، بگذارید از زمان دانشجویی هم بگویم. کتاب خیلی دوست داشتم و یک جورهایی دلم می‌خواست همه کتاب‌های داستانی که اسمشان را شنیده بودم، داشته باشم؛ اما بودجه لازم را هم نداشتم. برای اینکه کتاب‌ها را از دست ندهم، به کتاب‌فروشی‌های خیابان انقلاب می‌رفتم، کتاب‌ها را از قفسه برمی‌داشتم و چندصفحه‌ای می‌خواندم. بعد دوباره توی قفسه می‌گذاشتم و به کتاب‌فروشی بعدی می‌رفتم. در این بین، یکی از کتاب‌فروش‌ها که می‌دید کار همیشگی‌ام همین است، گفت کتاب‌ها را امانت ببر؛ اما قبول نکردم. چون می‌دانست کتاب خیلی دوست دارم، قیمت کتاب‌ها را پایین‌تر حساب می‌کرد و مشتری همیشگی‌اش شدم.

مطمئناً الان که قیمت کتاب چندین برابر شده است، باید به کتاب‌ها در همان کتاب‌فروشی فقط نگاه کنیم و حسرت آوردن کتاب‌ها به کتابخانه شخصی را بکشیم.

قطعاً همه آدم‌ها در زندگی‌شان دوست داشته‌اند کتاب‌هایی را داشته باشند؛ اما به هر دلیلی نشده است. مثلاً دوستی داشتم که می‌گفت دلم می‌خواست در دهه سی یا چهل زندگی می‌کردم، خیلی از نویسندگان و شاعران معاصر را می‌دیدم، همان لحظه کتاب‌ها را از دست خودشان می‌گرفتم و بعد هم با آن‌ها گفت‌وگو می‌کردم. من که عاشق ادبیات هستم و زندگی در داستان‌ها و رمان‌ها برایم عجیب شده است، هرچقدر کتاب داشته باشم، باز هم احساس می‌کنم کم است و راضی نمی‌شوم به داشتن همین کتاب‌ها. شاید اتاقم دیگر جایی نداشته باشد و کتابخانه در چند ردیف پر شده باشد و حتی دیوار اتاقم هم کتابخانه‌ای جداگانه دارد؛ اما همه این‌ها را هم که داشته باشم، باز هم کم است.

همین امسال در نمایشگاه کتاب که قدم می‌زدم، کتاب‌هایی را که از شاعران معاصر ندارم، می‌نوشتم؛ مثلاً چند کتاب از قیصر امین‌پور، سیدحسن حسینی، هوشنگ ابتهاج و خیلی‌های دیگر. در داستان هم مثلاً دلم می‌خواست همه کتاب‌های هوشنگ مرادی کرمانی را داشته باشم. نه برای خودم؛ برای برادرزاده هشت‌ساله‌ام که عاشق کتاب است. اما امسال یک حسرت جدید هم داشتم که در نمایشگاه اضافه شد: تصحیح جدید محمدرضا شفیعی کدکنی بر کتاب تذکرةالاولیا؛ کتابی که نشر سخن آن را منتشر کرده است؛ اما خب قیمتش

کتاب نمی خرم؛ پس هستم!

زهرا عباسی



تا اینکه کتابی روایی درباره نوشتن از انتشارات محبوبم نظرم را جلب کرد. مشخصات نویسنده، پشت جلد، فصل‌ها و تورقی چنددقیقه‌ای، مجابم کرده بود که این کتاب را بخرم. آن را برداشتم. دستم رفت سمت کتاب دیگری از آن مجموعه. دوباره همان مراحل بالا برای این کتاب هم تکرار شد. جلوی قفسه کمی این پا و آن پا کردم و بالاخره تصمیم گرفتم. یکی از کتاب‌ها را دوباره به قفسه برگرداندم، کتاب دیگر را حساب کردم و از کتاب‌فروشی بیرون آمدم.

بیرون کتاب‌فروشی نفس عمیقی کشیدم. باورم نمی‌شد این من بودم که کتاب را به قفسه برگردانده بودم! مجموع قیمت دو کتاب زیاد نبود؛ پس چرا دومی را آن لحظه نخریدم؟ من که پول کافی داشتم. تمام سال‌هایی که جزئی از جامعه کتاب‌خوان‌ها بودم، مقابل چشمم گذشت: نمایشگاه‌های کتابی که بعد از بازدید، دست‌ها و شانه‌هایم توانایی حمل خریدهایم را نداشت. لحظه‌هایی که اگر جلوی صندوق، یک کتاب در دستم بود، حس بدی بهم دست می‌داد و حتی گاهی گلایه‌های مامان برای اینکه کل خانه را کتاب گرفته و دیگر جا نداریم، همه در ذهنم مرور شد. من همان آدم بودم؛ اما به گمانم یاد گرفته‌ام کتاب‌ها را بار ذهنم کنم، نه بار دستم. فهمیده‌ام کتاب در کتابخانه قشنگ است؛ اما اگر بر جانم بنشیند، زیباتر است. خود را ملزم کرده‌ام که اگر کتاب نخونده‌ای در خانه چشم‌انتظارم است، کتاب جدیدی را مهمان کتابخانه‌ام نکنم. با دنیای جذاب کتاب‌های صوتی آشنا شده‌ام و مهم‌تر از همه، اینکه حالا یاد گرفته‌ام کتاب‌نخریدن به معنی کتاب‌نخواندن نیست.

بعد از مدت‌ها به یکی از کتاب‌فروشی‌های محبوبم در خیابان انقلاب رفته بودم. می‌گویم یکی از کتاب‌فروشی‌ها؛ چون برای ما کتاب‌خوان‌ها دلایل فراوانی وجود دارد تا یک کتاب‌فروشی را در فهرست موردعلاقه‌هایمان قرار دهیم تا توجیهی باشد برای خریدهای بیشترمان! «این رو از همین کتاب‌فروشی نزدیک خونه خریدم»، «کتاب تخصصی‌هام رو فقط از پرهام می‌خرم»، «معلومه که می‌رم اونجا کتاب می‌خرم. عضویت نقره‌ای دارم و ۱۴ درصد تخفیف برای هر خرید» و... .

اول از همه، به میز تازه‌های نشر و پرفروش‌ها سر می‌زنم. آن‌هایی را که این مدت، دوردادور اسمشان را شنیده‌ام، برمی‌دارم و نگاهی می‌اندازم. بعد، نوبت تازه‌های نشر است که طرح جلدشان چشمم را می‌گیرد. طرح جلد یک‌جورهایی برایم مثل ماست کنار قمره‌سبزی است و میل و رغبتم را به اصل ماجرا بیشتر می‌کند. بعد همان‌طور مستقیم می‌روم سمت کتاب‌های عکس و یکی‌شان را انتخاب می‌کنم. یکی‌دو تا از عکس‌هایش را دوست دارم. چشم‌هایم را می‌بندم و لحظه ثبت‌شان را تصور می‌کنم. کاش من عکاس آن عکس‌ها بودم. قیمتش را می‌بینم. سریع در ذهنم حساب و کتاب می‌کنم. نه! نمی‌توانم بخرم. اصلاً بیشتر دوست دارم کتاب‌های عکس را هدیه بگیرم تا اینکه خودم بخرمشان. تا امروز که این نظریه حداقل برای نخریدن کتاب عکس جواب داده!

قفسه کتاب‌های عکاسی، ادبیات ملت‌های مختلف، جستارهای روایی و... گزینه‌های بعدی برای سرزدن هستند. آن روز هم تقریباً مسیر مشابهی را طی کردم

معجزه کاغذی

فریناز ربیعی



پنجره اتاقم رو به کاج‌های بلند ته کوچه. با انگشت‌های خیس از وضو، نشانه کاغذی لای کتاب را برداشتم و بازش کردم؛ انگار که کتاب مقدس. کلمه به کلمه صفحات آخر را بلعیدم. خطوط آخر را با ملا و همسر و بچه‌هاش، با فیاض لاهیجی و فیض کاشانی چک‌چک اشک ریختم، وقتی حضرت استاد گفت: «می‌رویم بساط آوارگی‌مان را جای دیگری بگسترانیم...»

سر امتحان هول برم داشت کم‌کم؛ اما عشق ملامحمد توی سینه‌ام می‌کوبید. وسط امتحان، مراقب ما یک‌ربعی رفت. همه گروهان تا آخرین نفس نفس تقلب کردند. اعتراف می‌کنم که من هم، برای اولین بار توی عمرم، امتحان که تمام شد اما، در دم شرمند شدم. شرمندۀ اخلاق ورزشی خودم و عشق ملا. سر به دیوار راهروی مدرسه، مردی در تبعید ابدی را بغل زده بودم و موزاییک می‌شمردم که معجزه شد. نقش درآمد که همه تقلب کرده‌ایم و مدیر مدرسه، نه گذاشت و نه برداشت، همه برگه‌ها را ریخت توی سطل آشغال که باید امتحان تجدید شود.

تجدید شده بود؛ امتحان اما، نه من. همه چچه‌ها می‌کوبیدند توی سرشان و من با چهره‌ای برافروخته از انوار معجزه، به عبا و دستار سرمه‌ای، از میان گمراهان رد شدم و کشدار قدم زدم به سوی نور. وسط زمین والیبال، ایکیوسان طور، نشستیم زیر تیغ آفتاب و همه اتفاقات این دو روز را مرور کردم. هنوز دو ساعت مانده بود به اذان ظهر و هیچ الله اکبری به گوش نمی‌رسید که ته دلم لرزید. توی حال و هوای نوجوانی احساس کردم باید کاری کنم. همان جا عهد کردم با خودم که عشق ملامحمد را برسانم به آدم‌های تشنه‌ای که می‌شناسمشان.

تا امروز ۲۳ تا ازش هدیه داده‌ام و قبل از هدیه دادن، یک فصلش را خوانده‌ام؛ اما هیچ‌وقت برای خودم نخردم. اولین ملاقات من و ملا از یک اتفاق شروع شد و به یک معجزه ختم.

من همه این سال‌ها، تشنه آن اتفاق و معجزه بعدش به انتظار نشسته‌ام. هر از گاهی که دلم سخت برای محمد قوام تنگ می‌شود، اتفاق می‌افتد. توی کتابخانه کافی شاپی، یا دست رفیقی سر قرار خودش را می‌رساند به من.

و معجزه می‌کند.

دست خودم نبود. درست وسط فرجه امتحان‌ها و برم می‌گرفت. فرزندگان بود و شوخی نداشت؛ اما من همه معادلات را می‌ریختم به هم. دوم راهنمایی، توی فرجه‌های ترم آخر، چهار جلد از آن شرلی را خوانده بودم. هرچه امتحان سخت‌تر بود، کتاب کت‌و‌کلفت‌تری دست می‌گرفتم که یعنی من آدم خودمم، نه چهار مسئله توان و رادیکال.

سال بعدش اما امتحانات خدا پیچیده‌تر شده بود. درست هنگام فرجه امتحان آمادگی دفاعی هزار صفحه‌ای خطبه خط حفظی، کتاب‌ها توی گروه دوستی چهارپنج نفره‌مان چرخید و مردی در تبعید ابدی رسید به می‌تشنه فهمیدن.

پیش تو که زیاد اعتراف کرده‌ام محمد؛ اما اجازه بده عالم و آدم هم بفهمند من آن دو روز، از درس و آب و غذا افتادم و عاشق شدم؛ عاشق جناب‌عالی، ملامحمد صدر قوام شیرازی که نادر ابراهیمی کلمه‌شناس، جوری روایت کرده بود که از همه دل می‌برد. مخصوصاً از من که آن روزهای نوجوانی قحط‌الآدم حسایی، دنبال راهبری چیزفهم می‌گشتم که دستم را بگیرد و شهروند دنیای آگاهی کند؛ همان‌جا که آدم‌هاش همه عشقشان، همه لذتشان، فهمیدن است.

توی آن دوروز، بزرگ‌ترین ریسک زندگی‌ام را کردم. به آدم عاشق که حرجی نیست؛ اما محض رضای آبرو و نیفتادن، یک صفحه هم آمادگی دفاعی نخواندم. تجدیدی برای یک فرزانه‌گانی شبیه اعدام صحرائی است. آن هم برای من که رئیس شورای مدرسه بودم و کیابایی داشتم. بی‌خیال عاقبت کار، یک‌روزونیم بیدار بودم و صفحه‌صفحه نیمه‌پاره کتاب قدیمی را از آن قدر به سینه‌ام چسباندم که پاره‌تر شد. هر جمله را سه بار می‌خواندم، با محمد سماع می‌کردم. با حضرت میرفندرسکی و شیخ‌بهای و میرداماد می‌نشستم گوشه‌ای از دربار شاه‌عباس، زیر نگاه سنگین ملاها و سؤال جواب دادن‌هاش را می‌شنیدم. قدم به قدم همراهش تبعید می‌شدم به کُهِک و غمش می‌نشست وسط جانم؛ غم آشنایش. گمانم آدم‌ها توی این دنیا از قبیله‌های مختلف‌اند، با خواست و سلايق و نگاه متفاوت و من از قبیله صدرای شیرازی بودم.

صبح امتحان، رسیده بودم فصل آخر. ایستادم پشت

کافه بدون قهوه آقای غلامی

مسعود شایگان



با کتابخانه اشتباه گرفته‌ام، عصبی شود. سرم را بالا آوردم و بیرون را نگاه کردم تا ببینم باران بند آمده یا نه. می‌شد رفت. بلند شدم تا کتاب را سر جایش بگذارم که دست آقای غلامی روی شانه‌ام نشست و با مهربانی گفت که اگر کتاب را می‌خواهی، با تخفیف بهت می‌فروشم. گفتم یک بار که خواندم، باید کنارش بگذارم. آن‌قدر پول ندارم که هر ماه، چند جلد از داستایوسکی و رولان و مارکز بخرم. دلم هم نمی‌آید که همین‌طور ناتمام کتاب را زمین بگذارم. یک نگاه به دوستم انداختم که هنوز غرق در کتاب بود. گفتم برویم و بیشتر مزاحم آقای غلامی نشویم.

فردایش که دوباره داشتیم از آن خیابان رد می‌شدیم، بدون آنکه وارد مغازه شویم، به آقای غلامی سلام کردیم؛ اما با اشاره بهمان گفت که بیایید داخل. تا وارد شدیم، دیدیم همان جلد اول برادران کارامازوف و بینوایان روی صندلی هاست. معلم بازنشستهٔ مهربان دو صندلی‌اش را پاتوقمان کرد. نه پاتوق ما، که پاتوق هفت‌هشت نفر از دانش‌آموزهای دیگر که نمی‌خواستیم (یا نمی‌توانستیم) رمان‌های گران‌قیمت را بخریم؛ اما شوق خواندنشان را داشتیم. چند ماه بعد، سال تحصیلی تمام شد و من هم دیگر به آن مدرسه نرفتم؛ اما در همان چند ماه، برادران کارامازوف و چند کتاب دیگر را روی صندلی کافه بدون قهوه آقای غلامی تمام کردم؛ بدون آنکه لازم باشد آن‌ها را بخرم. می‌گفت اینجا کافه است؛ اما قهوه نداریم. شعارمان هم این است که کتاب بخوانید، حتی اگر کتاب نمی‌خرید.

این روزها که قیمت مجلات و روزنامه‌ها افزایش یافته و بعضی روزنامه‌ها هم مطالبشان را در سایتشان پولی کرده‌اند، خیلی از دکه‌دارها در مقابل اینکه بخواهم نشریه یا روزنامه‌ای را تورق کنم، سریع مقاومت نشان می‌دهند و از همان دریچهٔ کوچک فریاد می‌زنند که: «نمی‌شه ورق بزنی، باید بخریش.»

هر وقت این جمله را می‌شنوم، پرت می‌شوم به پانزده سال قبل؛ وقتی زنگ مدرسه می‌خورد و دل و دماغ رفتن به خوابگاه را نداشتم. نه آن‌قدر پول داشتیم که هر روز برویم گیم‌نت و کافی‌نت، نه آن‌قدر اجازه داشتیم از مدرسه دور شویم که بتوانیم سری به زمین چمن بزنیم. به‌جز روزهایی که در همان زمین آسفالت مدرسه دنبال توپ می‌دویدیم، خیلی از روزها در خیابان پرسه می‌زدیم. ولی مگر چقدر می‌شود پرسه زد و خسته نشد؟

در تمام آن خیابان‌هایی که قدم می‌زدیم، فقط یک کتاب‌فروشی بود که هیچ کتاب کمک‌درسی نداشت و کتاب‌هایش هم به اندازهٔ کتابخانه‌مان قدیمی نبود. می‌شد هر روز ایستاد و کتاب‌هایش را ورق زد و البته نخرید؛ بدون آنکه چشم‌غرهٔ کتاب‌فروش تهدید کند که اگر کتاب نخری، دیگر راحت نمی‌دهم!

یک بعداز ظهر که باران امان نمی‌داد، مجبور شدم به‌دلیل نداشتن چتر، بیشتر در مغازه‌اش بمانم. نشستیم روی صندلی و در همان نیم‌ساعت، سی‌چهل صفحه از برادران کارامازوف را خواندم. آن‌قدر محوش شده بودم که حواسم نبود ممکن است آقای غلامی از اینکه مغازه‌اش را

کهکشان آن سوی دروازه دولت

● محمد مهدی شیخ صراف



خانه خودشان و اینجا هم فروشگاه. اولین بار که پام به آنجا باز شد، فکر نمی‌کردم سالیان بعد بخش مهمی از زندگی‌ام به قفسه‌های آن کتاب‌فروشی گره بخورد. هر بار به عشق دیدن دایی و بوی کتاب می‌رفتم آنجا، دوچرخه‌ی پام‌ها را می‌زدم روی جک و با یک سلام می‌پریدم داخل مغازه. کتاب‌هایی که دوست داشتم، با تخفیف می‌خریدم؛ اما پول توجیبی‌ام به همه‌ی خواسته‌هایم کفاف نمی‌داد. بعضی وقت‌ها یک کتاب را دست می‌گرفتم و همان‌جا تمامش می‌کردم و برمی‌گرداندم به قفسه. این کار بارها تکرار شد. خیلی از کتابخانه‌ها جذاب‌تر بود. لذت شنیدن گفت‌وگوی مشتری‌ها و فروشنده‌ی کتاب‌فروشی، چیزی نبود که بشود آن را از دست داد. البته توی هیچ کتابخانه‌ای موقع خواندن کتاب، جای تازه‌دم با پولکی بهت تعارف نمی‌کنند. حرف دیگر هم این بود که توی بهترین کتابخانه‌ها هم برای آمدن یک کتاب جدید به قفسه‌های کتابخانه، باید دست‌کم چند سال صبر می‌کردیم و حتی ممکن بود آرزو به‌دل بمانیم!

به‌مرور که پامان به انبار کتاب‌فروشی باز شد، این کار را آنجا هم تکرار کردم. آن روزها فکر می‌کردم کتاب‌فروشی بهترین شغل دنیا است و مدام به آن فکر می‌کردم. طی چند سال، کسب‌وکار دایی‌ها هم از کتاب‌فروشی به بنگاه پخش کتاب گسترده‌تر شد.

نیمه‌ی دوم دهه‌ی هفتاد بود که نشر افق یک سری رمان علمی‌تخیلی از آرتور سی. کلارک و آیزاک آسیموف و دیگران منتشر کرد. مترجم بیشترشان هم محمد قصاب بود؛ کتاب‌هایی اغلب قطور با کاغذ مرغوب که طرح جلد

آدرس مغازه را از دروازه‌دولت می‌دادیم. بعد از این همه سال، هنوز کمتر کسی به آنجا می‌گوید میدان امام حسین. نمی‌دانم چه اصراری بوده برای تغییر نام یک میدان بزرگ قدیمی که توی اسمش نشانی هم از طاغوت ندارد، مردم را بیندازند توی رودریاییستی با امام حسین. بعد خودشان بردارند همان‌جا بدترکیب‌ترین بنای ممکن را با نمای بی‌قواره‌تر آجر سه‌سانتی، روبه‌روی ساختمان قدیمی شهرداری اصفهان بسازند و یک زشتی ابدی را به آن میدان هدیه بدهند. جایزه‌ی بهترین معماری را هم ببندند به خیک خودشان که بله! عجب فیلی هوا کردیم بیخ گوش نقش جهان! و چند سال بعد هم پونسکو مجبورشان کند به کوتاه‌کردن قد فیل! چند طبقه از ارگ جهان‌نما به‌دلیل رعایت نکردن حریم همان میدان تاریخی تخریب شد... کجا رفتیم؟!

برای ادامه‌ی آدرس می‌گفتیم ابتدای چهارباغ پایین. خدا را شکر به اسم این یکی دست نزده بودند. همین طور به اسم کوچه‌ی مسجدسرخ که یک بر کامل کوچه را دیوار سفید کنسولگری روسیه گرفته بود. این را که چرا باید اسم آن مسجد نقلی روبه‌روی کنسولگری شوروی سابق «سرخ» باشد، هیچ‌وقت نفهمیدم. مغازه اما به کوچه‌ی مسجدسرخ نمی‌رسید. روی شیشه‌ی قدی‌اش نوشته بود: «انتشارات قائم»؛ مغازه‌ای قدیمی با شیشه‌های قدی بزرگ و یک زیرزمین کوچک. نام اینجا از همان قبل انقلاب، انتشارات قائم بوده و سال‌های دهه‌ی شصت رونق زیادی داشته. در دهه‌ی هفتاد و بعد از دوره‌ای طولانی تعطیلی، دایی‌هایم آن را از صاحبش تحویل گرفته و با هم دوباره راهش انداخته بودند. انبارشان شده بود زیرزمین

جذابی هم داشتند. دنیای تازه‌ای به رویم گشوده شده بود. از صدمتری دروازه‌دولت پرواز می‌کردم به فضای بی‌کران بین ستاره‌ها و سیاره‌ها و منظومه‌های کهکشان. پولم به خرید همه‌اش نمی‌رسید. تصمیم گرفتم همه را اول بخوانم و بهترین‌هایش را بخرم. یک بار توی مغازه، کتاب تازه‌ای از همان مجموعه دیدم که خواندنش طول کشید. مغازه داشت بسته می‌شد. یک بار دیگر به شناسنامه نگاه کردم: چاپ اول، ۱۳۷۶، قیمت ۸۸۰ تومان. آن موقع زورم به خریدش نمی‌رسید. آقامهدی، دوست و همکار دایی، گفت کتاب را ببر، بخوان و بیاور! فقط مواظب باش خراب نشود. درجا قبول کردم. کتاب را انداختم توی کیف مدرسه و کل مسیر عبدالرزاق و ولیعصر را تا خانه رکاب زدم و دوباره از ابتدا شروعش کردم. این یکی با همه آن‌های دیگر فرق داشت. هفت نویسنده داشت. هر فصلش یک داستان کوتاه بود و در عین حال، کل کتاب یک رمان بلند پیوسته. نویسنده‌اش هفت داستان منفصل را با حلقه‌های زنجیر به هم پیوند داده بود؛ کاری که هنوز هم ندیده‌ام نویسنده‌ای به این خوبی انجامش بدهد. خواندن کلمه‌ای نیست که بتواند رفتار من با کلمات کتاب را توصیف کند. بلعیدن نزدیک‌ترین واژه برای اتفاقی است که افتاد! آن‌قدر خوشم آمده بود که هر فصل را دو بار می‌خواندم و بعد می‌رفتم سراغ فصل بعد. وقتی کتاب تمام شد، دلم نیامد پسش بدهم. اول گفتم بیشتر پیشم باشد، بعد پس می‌دهم. بعد گفتم بماند، پولش را می‌دهم و هر بار این پول دادن را پشت گوش انداختم. بعد از آن، بارها کتاب امانت گرفتم و پس دادم. شده بود مثل سریال «قصه‌های مجید» که

از کتاب‌فروش کتاب کرایه می‌کرد. منتها من عضو طلایی باشگاه مشتریان کتاب‌فروشی دایی‌جان بودم! سال‌ها طول کشید؛ اما این کتاب پیش من ماند. بارها ازشان کتاب خریدم، هدیه گرفتم و حتی برایشان فروختم. از یک جایی به بعد، برایم حساب دفتری باز کردند؛ یعنی می‌بردم؛ ولی بعداً تسویه می‌کردم. از نیروهای جدی داوطلب فروش کتاب در غرفه انتشارات قائم در نمایشگاه‌های کتاب هم بودم.

در این مدت، هیچ‌وقت آقامهدی سراغ آن کتاب را نگرفت. دایی‌ها هم که خبر نداشتند. من هم یا فراموش می‌کردم، یا دیگر رویم نمی‌شد چیزی به زبان بیاورم. فقط یک عذاب وجدان برایم مانده بود و یک کتاب دوست‌داشتنی که از تعدد مطالعه، جلدش از شیرازه جدا شده بود! در گذر ایام، دایی‌ها یکی‌یکی رفتند پی کسب‌وکار تازه. اول انبار پخش را تعطیل کردند، بعد هم کتاب‌فروشی را تحویل صاحبش دادند. آقامهدی هم اول برای خودش یک کتاب‌فروشی زد، بعد پخش کتاب و حالا هم ناشر سرشناسی است در اصفهان. فقط دایی بزرگم در این کار ماند. او ناشر شد و یکی از همین سال‌ها، ناشر برتر استان، من هم هنوز دارم فکر می‌کنم که چه کاره بشوم!

اگر یک روز گذرزان به دروازه‌دولت اصفهان افتاد و از خیابان چهارباغ پایین رد شدید، هنوز مغازه کتاب‌فروشی قائم، نزدیکی بریانی اعظم، سر جایش هست؛ ولی یکی از کتاب‌هایش در قفسه شخصی من است: کتاب پایگاه ربات‌های شورشی نوشته فرد سابرهاگن و شش نویسنده دیگر. باید بالاخره یک روز این ماجرا را به دایی‌ها بگویم.



ولع به اعتیاد رسیده

● علیرضا محبی



پی‌نوشت ۱: یک نقل عمومی هست که در کشور ما هرچه گران‌تر باشد، مردم برای خریدنش در صف طولانی خرید می‌ایستند. این درباره کتاب خیلی ضعیف بود. خوبی‌اش این بود که بازار ملتهب‌تر نشد و بدی‌اش این بود که شاید کتاب از سبد کالای مصرفی خیلی‌ها خارج شده باشد.

پی‌نوشت ۲: گاهی فکر می‌کنم اگر قرار باشد یک بند به چشم‌انداز بیست‌ساله کشور اضافه کنم، می‌گویم: «ایران کشوری خواهد بود که در آن، مردم روزانه حداقل ده صفحه کتاب می‌خوانند.»

اگر آن روز ایران ما صد میلیون جمعیت داشته باشد، روزی یک میلیارد صفحه کتاب خوانده خواهد شد. با برنامه‌ریزی و عزم ملی می‌شود به این عدد رسید. این عدد کل بازار ما را زیرورو خواهد کرد؛ نویسنده و ناشر و کتاب‌فروش را پول‌دار خواهد کرد؛ کتابخانه‌ها را شلوغ خواهد کرد؛ فرهنگمان را تغییر خواهد داد؛ قیمت کتاب را ارزان‌تر خواهد کرد؛ تصمیم‌گیری‌ها را بهتر خواهد کرد؛ اوضاع فکرکردن را بهتر خواهد کرد؛ چهره شهرها زیباتر خواهد شد.

به امید آن روز؛ توکل به خدا.

اواخر سال گذشته و اوایل امسال، سال خوبی برای کتاب‌خریدن و سال بدی برای کتاب بود. قیمت کاغذ رشد نامعقولی داشت و هزینه‌های جانبی نشر هم افزایش یافت. فضای بازار طوری شد که بسیاری از کتاب‌های پرفروش هم به‌سختی تجدید چاپ شدند. همین گرانی بیدادگر، آدم را خیلی غلغلک می‌دهد که یک‌عالمه کتاب بخرد؛ چون اگر تجدید چاپ بشود، قیمتش چندبرابر خواهد شد.

امسال درباره کتاب دو عهد با خودم بسته‌ام. یکی شان عهد جدید بود و دیگری تجدید عهد.

عهد اولم این بود که دیگر کتاب نخرم؛ مگر به این شرط که بخوام همین الان بخوانمش. اصلاً هم برایم مهم نیست که ممکن است نایاب شود یا قیمتش بالا برود. یک روز حساب کردم و دیدم حجم کتابی که در طول سال می‌خرم، اقل‌آده برابر کتابی است که می‌خوانم و این اصلاً خوب نیست. عهد سختی بسته‌ام. هم به‌دلیل اینکه قرار است بر یک ولع به اعتیاد رسیده غلبه کنم، هم اینکه وقتی یک کتاب دوست‌داشتنی را می‌بینم، قیمتش جلوی چشمم چند برابر شود و آن را نخرم.

عهد دوم هم این است که حتماً حداقل روزی ۳۴ صفحه کتاب بخوانم. اینکه چرا ۳۴ صفحه، قصه‌اش مفصل است و به این یادداشت مربوط نمی‌شود. ان‌شاءالله بتوانم از پس این دو عهد بربیایم.

طعم کتاب

بسته پیشنهادی مرداد و شهریور
از دحام بوسه
سی و ده
روایت رهبری
تاریخ تحولات جمهوری اسلامی ایران
برخیزید
وقتی در آغوش کوه بودیم
گمشده در غبار
بازی دروغ
سرزندگی و شوخ طبعی خردمندان
برای زین آب
سیاحت غرب
محبت افراطی



بسته پیشنهادی مرداد و شهریور

ازدحام بوسه

ترگس مقصودی

کتاب نیستان



ازدحام بوسه اثر داستانی بلند با موضوع پیاده‌روی اربعین حسینی است که نویسنده آن را بر پایه نخستین تجربه خود از سفر پیاده‌روی اربعین حسینی منتشر کرده است؛ سفری که در سال‌های اخیر، با وجود همه‌گیرشدنش در میان بخشی وسیع از جامعه ایران، به دلیل تنوع در انجام و اتفاقات پیش روی آن از جذابیت زیادی برای روایت برخوردار است. ازدحام بوسه با وجود در اختیار داشتن راوی زن، در دام سانسیتی مانتالیسم روایت زنانه نیفتاده است. این اثر یک روایت حس برانگیز و جالب از این رویداد را روایت کرده است. کتاب از شرح چگونگی حرکت در این مسیر برای راوی شروع می‌شود. از آنچه او طلبیده شدن عنوان کرده است و در ادامه، شرحی است پرتعلیق از آنچه بر او برای جمع کردن اسباب و آلات سفر و فراهم کردن مقدمات مالی و غیرمالی آن رفته است. نگاه مقصودی در کتاب و برای شرح سفرش، نگاهی داستانی است. نکته دیگر درباره این متن، دور شدن آن از اطناب و تفسیر و توصیف‌های بیجا و یا به شدت عاطفی و مصنوعی در کتاب است.

سی و ده

سید احمد بطحانی

معارف



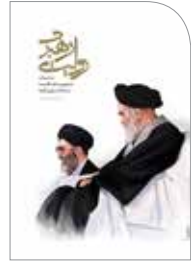
سی و ده، مجموعه داستانی‌هایی از کشمکش‌های یک طلبه در دو محیط تبلیغی در چهل قاب روایی است. نویسنده با استفاده از تجربیات شخصی و حضور در میان مردم، سعی کرده با روایت و لحنی جذاب و در عین حال داستان‌پردازی دقیق و هوشمندانه، چالش‌های یک روحانی را در محیطی غریب و تازه روایت کند.

سی و ده را می‌توان نخستین روایت شخصی و خصوصی از درون زندگی یک روحانی در ادبیات داستانی قلمداد کرد. نویسنده سعی می‌کند در مواجهه با این محیط جدید و نو، بخش‌های شگفت و بدیع، اتفاقات و حوادثی را که برایش پیش می‌آید، بی‌واهمه از قضاوت‌ها و رعایت احتیاط‌ها و محافظه‌کاری بگوید. این داستان‌ها به خاطر شخصیت و فضای بکر و دست‌نخورده‌شان تقارنی عجیب و شگفت دارند؛ سرشار از شور و هیجان، گوارایی یا حتی درد و رنج. می‌توان سی و ده را نمایی از پرسپکتیو چندبعدی یک روحانی در شهری غریب دانست. چیزی شبیه نقاشی‌های سزان که در عین سادگی، ژرف و عمیق‌اند.

روایت رهبری

سید یاسر جبرائیلی

نسم انقلاب (وابسته به انتشارات انقلاب اسلامی)



کتاب روایت رهبری حاوی نکاتی جدید و منتشر نشده از نحوه انتخاب آیت‌الله خامنه‌ای به‌عنوان رهبر انقلاب اسلامی در سال ۱۳۶۸ و بخش‌هایی منتشر نشده از خاطرات سیاسی ایشان است.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، سه رویداد مهم ناظر به تعیین رهبر نظام اسلامی رخ داده است. نخست، رسمیت و قانونی شدن رهبری حضرت امام خمینی (ره) با مصوبه مجلس خبرگان قانون اساسی؛ دوم، تعیین آیت‌الله منتظری به رهبری آینده توسط مجلس خبرگان رهبری و سپس عزل وی؛ سوم، تعیین حضرت آیت‌الله خامنه‌ای توسط مجلس خبرگان به رهبری انقلاب اسلامی. کتاب روایت رهبری روایتی مستند و دست اول از هر سه رویداد مذکور است که نشان می‌دهد این سه رویداد از یک منطق مشخص پیروی کرده‌اند.

در این کتاب، برای اولین بار از مذاکرات شورای انقلاب و متن مذاکرات اجلاس خبرگان در سال ۱۳۶۴ و اجلاس خبرگان در سال ۱۳۶۸ استفاده شده است. همچنین بخشی از مذاکرات جلسه رؤسای قوا و مرحوم حاج احمد آقا در حضور امام (ره) در مهر ۱۳۶۷ (شش ماه قبل از عزل آیت‌الله منتظری)، در این کتاب منتشر شده که در آن برای اولین بار، حضرت امام (ره) حضرت آیت‌الله خامنه‌ای را برای رهبری آینده نظام مطرح می‌کنند.

تاریخ تحولات سیاسی جمهوری اسلامی ایران

کیمرث جهانگیر

مرکز اسناد انقلاب اسلامی



جلد پنجم این اثر، وقایع تاریخی جمهوری اسلامی را از اکتبر ۱۳۶۰ تا ۳۱ خرداد ۱۳۶۱ بررسی می‌کند.

نگارنده تحولات مهم در این بازه تاریخی از انقلاب اسلامی را در نه فصل متعدد بررسی کرده است. فصل اول و دوم تحولات، منجر به عزل بنی‌صدر تا فرار او به همراه مسعود رجوی از ایران است و نیز عملیات تروریستی سازمان منافقین در سال ۱۳۶۰ بررسی می‌شود.

فصل سوم و چهارم این مجموعه به بازخوانی رخداد های منتهی به دومین انتخابات ریاست جمهوری و میان دوره‌ای مجلس شورای اسلامی اختصاص یافته و فصل پنجم به انتخاب حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی به‌عنوان سومین رئیس جمهور ایران اشاره می‌کند.

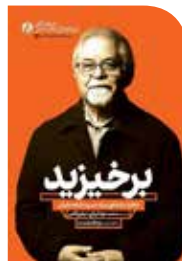
در فصل ششم، با مروری بر روند جنگ تحمیلی، پیروزی‌ها و پیشروی‌های ایران در این مقطع زمانی بررسی می‌شود که شکست حصر آبادان، عملیات طریق القدس و عملیات‌های بزرگ و غرور آفرین فتح‌المبین و بیت‌المقدس از نقاط درخشان این برهه تاریخی است.

فصل هفتم به‌طور اجمالی تحولات در قوه قضائیه و قوه مقننه در این دوران را بررسی می‌کند و فصل هشتم با توجه به شرایط جنگ، اوضاع اقتصادی را واکاوی می‌کند. فصل نهم نیز به مسئله کشف کودتای نقاب و دستگیری و محاکمه عوامل کودتا، کشف کودتای قطب‌زاده و افشای خیانت‌های سید کاظم شریعتمداری می‌پردازد.

برخیزید

روح الله رشیدی

دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی



کتاب برخیزید، مجموعه‌ای از خاطرات شفاهی سیدحمید شاهنگیان را در خود جای داده است.

شاهنگیان تنظیم و آهنگسازی بسیاری از سرودهای انقلابی نظیر «برخیزید ای شهیدان راه خدا» و «خمینی ای امام» را بر عهده داشته است. وی پس از انقلاب تا سال ۱۳۶۰ نیز در سمت ریاست شورای شعر و موسیقی صداوسیما فعالیت می‌کرد.

کتاب برخیزید به دنبال بیان این موضوع است که مساجد، مدارس دینی، روضه‌ها، هیئت‌ها، انجمن‌های اسلامی و جلسات قرآن در جهت تربیت مردم فعالیت کردند و به عنوان عاملی اصلی در کنار هم آمدن بدنه انقلاب شناخته می‌شوند. بستر این هسته‌ها و مراکز انقلابی، فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی بوده؛ از اشعار و ترانه‌های اعتراضی و انقلابی گرفته تا پوسترها، کارت‌پستال‌ها، دیوارنوشته‌ها، نمایشنامه‌ها و تئاترها، مستندها، عکس‌ها و... همه و همه ابزاری در دست هنرمندان و مردم بودند تا به گسترش و عمق فکری و عینی انقلاب، یاری رسانند.

وقتی در آغوش کوه بودیم

فاطمه فروتن اصفهانی

به نشر



کتاب وقتی در آغوش کوه بودیم از مجموعه کتاب‌های روزهای جنگ، مجموعه داستان‌هایی از جنگ تحمیلی و ویژه نوجوانان است.

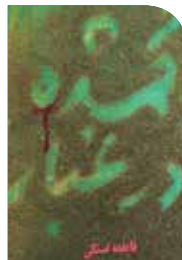
این کتاب داستان‌هایی خیال‌انگیز و ویژه نوجوانان را در حال و هوای جنگ، سختی‌ها، مشکلات پیش روی مردم و صبر و امید بیان می‌کند.

وقتی در آغوش کوه بودیم روایتگر داستان میترا و دوستانش است که در جریان جنگ تحمیلی دوران بلوغ و نوجوانی‌اش را می‌گذرانند. او در این دوران، از نزدیک شاهد اتفاقات تلخ جنگ است و این رویدادها را از نگاه خود ترسیم می‌کند. او با کمک دوستان هم‌سالش سعی می‌کند به رزمندگان امداد رسانی کند و در خلال سال‌های جنگ، شخصیت او نیز شکل می‌گیرد.

گمشده در غبار

فاطمه استکی

کتابستان معرفت



گمشده در غبار، داستان خودکشی مرموز دختری دانشجو است. دختری که در بحبوحه فعالیت‌های سیاسی تشکل‌های دانشجویی، وارد دانشگاه شده و جذب یکی از این تشکل‌ها می‌شود.

راوی داستان دخترعموی شخصیت اصلی است که حالا با کمک دفترچه خاطرات او و از طریق پیگیری‌های مختلف، سعی در بازکردن گره این کلاف سردرگم دارد.

آیا او به راستی خودکشی کرده؟ یا اینکه نیروهای مدعی تقلب، برای پوشاندن بعضی مسائل پشت پرده تشکیلات دانشجویی، او را حذف کرده‌اند؟ این مسئله به ظرافت و با جذابیت‌های داستانی خاص، در این اثر روایت می‌شود.

بازی دروغ

روت و ر / مترجم: هانیه دوست‌اوشانی

علمی



بازی دروغ با یک راز آغاز می‌شود؛ رازی که سبب شده است چهار زن که ۱۷ سال پیش در دبیرستان هم‌کلاس بوده‌اند، پس از این همه سال، دور هم در خانه در حال ویرانی یکی از آن چهارنفر جمع شوند و تصمیم بگیرند چه باید بکنند.

نکته مهم دربارهٔ رمان بازی دروغ این است که این رمان سرشار از تعلیق است. همهٔ داستان‌ها و ماجراها در پرده‌ای از ابهام قرار دارند و خواننده تا انتهای رمان را نخواند، متوجه اصل ماجرا نمی‌شود و همین یک‌باره در یافتن ماجرا، سبب شوک بزرگی می‌شود؛ شوکی ناشی از اینکه خواننده به هیچ‌وجه حدس نمی‌زده داستان از چه قرار بوده است. یک ویژگی جالب رمان بازی دروغ این است که یکی از این چهار دختر، دختری مسلمان به نام فاطیما است که با همسر خود، علی زندگی می‌کند. شرح ماجرای حجاب انتخابی فاطیما و مشکلاتی که او به‌عنوان یک مسلمان در میان غیرمسلمانان دارد، یکی از جذابیت‌های این رمان به‌خصوص برای مردم کشور ما است.

سرزندگی و شوخ‌طبعی خردمندانه

مؤسسه فرهنگی هنری قدر ولایت

قدر ولایت

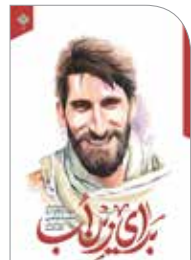


مجموعهٔ سبک زندگی اسلامی ایرانی در الگوی شهیدان در چهارده جلد طراحی شده است. جلد یازدهم این مجموعه با نام سرزندگی و شوخ‌طبعی خردمندانه منتشر شده است. در این کتاب، در چهار فصل به موضوعات روحیه، نشاط و شادابی، ورزش پهلوانی و آمادگی جسمانی شهدای دفاع مقدس پرداخته شده و در قالب خاطره، الگوسازی موفقی از این چهار موضوع مورد نیاز جامعهٔ شاداب و موفق و اسلامی انجام شده است. علت انتخاب عنوان خردمندانه برای «سرزندگی و شوخ‌طبعی» رعایت جوانب شرعی و الگوسازی است.

برای زین آب

میمه اسلامی و فاطمه قنبری

شهید کاظمی



کتاب برای زین آب، روایت زندگی شهید مدافع حرم، محمد بلباسی، از کودکی تا شهادت است.

محمد بلباسی یکی از شهدای مدافع حرم است که در منطقهٔ «خان طومان» سوریه حین مبارزه با تروریست‌های تکفیری به همراه دیگر هم‌زمانش به درجهٔ رفیع شهادت نائل شد و پیکر مطهرش نیز هنوز به وطن بازنگشته است.

وی متولد ۱۳۵۷ بود و ولادت و بزرگ شدن سه فرزند خود را دید؛ اما زینب او بعد از شهادتش، دیده به جهان گشود؛ زمانی که پدر، چشم از این جهان فرو بست. ولی دیدگان او نظاره‌گر این طفل از آسمان‌ها است. خواننده پس از خواندن این اثر، با مفهوم صحیح آتش‌به‌اختیار بودن و البته روحیهٔ جهادی شهید در مقاطع مختلف از عمر کوتاه، اما پربرکتش آشنا می‌شود و می‌فهمد که اگر انسان از زمان خود به‌درستی استفاده کند و به هر اتفاقی در وقت و جایگاه خودش رسیدگی کند، دیگر هیچ‌چیز در زندگی قضا نمی‌شود.

سیاحت غرب (مصور)

محمدحسن نجفی قوچانی

کتاب همکران



بازنویسی و روان‌نویسی کتاب سیاحت غرب، با تصویرسازی‌های حرفه‌ای امیر گل محمدی منتشر شده است. آقانجفی کتاب را به‌عنوان گزارش‌هایبرزخی خود معرفی کرده و آن را از زبان اول شخص روایت کرده است. نثر سیاحت غرب متعلق به اوایل سده چهاردهم هجری شمسی بوده و در آن، از عبارات عربی و دینی فراوانی استفاده شده است. در متن کتاب، آیات و احادیث ترجمه نشده است. در نسخه مصور جدید، عبارات‌های سنگین و نامأنوس و معنای آیات و روایات با زبانی روان، بازنویسی شده‌اند. روایت کتاب سیاحت غرب با جمله «و من مردم» آغاز می‌شود و به همین سادگی، مخاطب را در نقطه‌ای متفاوت قرار می‌دهد. این جمله یکی از به‌یادماندنی‌ترین و عوام‌پسندترین نمونه‌های آغاز طرح داستان است. تمام داستان بر اساس همین جمله در دنیای پس از مرگ می‌گذرد. تصویرسازی‌های این کتاب سال گذشته و پیش از انتشار کتاب، در دوسالانه تصویرسازی قم برگزیده شده است.

محبت افراطی

مجتبی رضایی، یاسر اخوان و محمدهادی قریباغی

مصباح الهدی



انتخاب دوست در همه مراحل زندگی مهم است و در دوره نوجوانی و جوانی مهم‌تر. دشواری‌های ناشی از بلوغ چنان است که بسیاری از روان‌شناسان، خوشبختی یا بدبختی انسان را به این دوره پیوند می‌زنند. یکی از پیچیده‌ترین گرفتاری‌های ویژه نوجوانان و شاید از فراگیرترین آن‌ها در این گروه سنی نیز «محبت افراطی و وابستگی عاطفی» است. کتاب محبت افراطی به‌دنبال شناساندن راهکارهای بینشی و رفتاری برای مواجهه درست و سازنده با نوجوان گرفتار محبت افراطی است. هدف بخش نخست کتاب «تبیین چیستی محبت افراطی» برای خواننده است. دومین بخش کتاب، «چرایی محبت افراطی» نام دارد که «عوامل پیدایش محبت افراطی» و «زمینه‌های پیدایش محبت افراطی» را تبیین کرده است. در بخش سوم کتاب، با توجه به سه عامل اساسی ایجاد محبت افراطی در نوجوان، سه دسته از راهکارهای پیشگیرانه در قالب سه گفتار آورده شده است. آخرین بخش این اثر، بیانگر «چگونگی درمان محبت افراطی» است. راهکارهای درمانی پیشنهادی در سه دسته کلی معرفی شده‌اند: راهکارهای مبتنی بر تقویت اراده نوجوان، راهکارهای مبتنی بر تقویت فضای معنوی نوجوان و راهکارهای مبتنی بر تغییر شرایط روحی و روانی نوجوان.

خانواده‌نشر

جای خالی تجربه

اوسنه گوه‌رشاد از نگاه سه نویسنده

«اوسنه گوه‌رشاد»؛ افسانه یا واقعیت

بانو گوه‌رشاد در سفر زمان

با گفتن گذشته می‌توان آینده را تغییر داد؛ بی‌شک!

کتاب‌اولی‌ها صبوری کنند

چرا هیچ‌کس این زن را نمی‌شناسد؟



جای خالی تجربه

● فاطمه سلیمانی ازندریان

استعداد ذاتی یکی از عوامل مهم شکوفاشدن هنر یک هنرمند است. این عامل معمولاً به صورت ناخودآگاه باعث علاقه فرد به یک هنر خاص می‌شود. نقاشی‌های کودک پنج‌ساله‌ای را در نظر بگیرید که جزئیات فراوانی دارد. تصویر او حیرت‌انگیز است و فقط با نگاه کردن به تصاویر خلق شده می‌شود فهمید که آن کودک نبوغ و استعداد ذاتی دارد. طبیعتاً اطرافیان، این کودک را تشویق و تحسین می‌کنند. تحسین و تعریف و تمجید کودک و درک کردن مهارتش در این هنر خاص باعث می‌شود تا نقاشی تبدیل به یکی از علاقه‌های مهم آن کودک شود. در نتیجه، این استعداد منجر به علاقه می‌شود و این علاقه در وجود فرد ریشه می‌دواند و به مسیر پیش روی کودک جهت می‌دهد. این علاقه و استعداد باعث می‌شود که پرورش هنر نقاشی به یکی از اهداف مهم او تبدیل شود؛ اما داشتن استعداد و علاقه به‌تنهایی کاری از پیش نمی‌برد. به‌بارنشستن هنر در وجود هنرمند، نیازمند تلاش و پشتکار زیاد است. هنر بدون تمرین و ممارست به بار نمی‌نشیند. به احتمال زیاد، همه این عوامل در کنار هم بدون استاد و راهنما نتیجه‌بخش نباشد و مسیر هنرمند به بیراهه برود. البته هنرمندان زیادی بوده‌اند که بدون استاد یا راهنما آثاری شگفت‌انگیز خلق کردند؛ اما باید توجه کرد که آنان به درجه نبوغ رسیده بودند. در واقع، اکثر هنرچوها در هر هنری بی‌نیاز از استاد و راهنما نیستند. یکی از دلایل مهم آن هم تکرار نکردن خطای پیشینیان است. بهره‌بردن از راهنمایی استادان یعنی استفاده کردن از تجربیات همه نسل‌های گذشته.

هنر و فن داستان‌نویسی هم خارج از این قاعده نیست. وجود کارگاه‌های بی‌شمار و کتاب‌های آموزشی متنوع در این زمینه مؤید این نکته است.

یک هنرچوی نویسنده با داشتن استعداد خدادادی و با استفاده از راهنمایی استادان برجسته و با تلاش و پشتکار زیاد موفق به خلق آثار خاص خواهد شد. و نیز با تجربه شخصی و نکات و ظرایفی که فقط از این طریق به‌دست می‌آید. این نکات را گاهی استادان هنگام تدریس به هنرچوها منتقل می‌کنند و گاهی در جلسات نقد کتاب و گفت‌وگوهای ادبی عنوان می‌شوند. گاهی هم تجربیات شخصی نویسندگان یا حتی خوانندگان کتاب‌های داستان و رمان است که به صورت یک فوت کوزه‌گری خصوصی نزد هر شخص محفوظ می‌ماند. از بین استادان و نویسندگان، افراد زیادی نکات و تجربه‌های شخصی‌شان را چه در دنیای واقعی و چه در دنیای مجازی با دیگران به اشتراک گذاشته‌اند؛ اما تقریباً هیچ اثر مکتوب و منسجمی این نکات را بیان نکرده است.

از این شماره به بعد، قصد داریم حاصل برخی از این تجربه‌های شخصی را با مخاطبان این نشریه درمیان بگذاریم. این تجربه‌ها فقط هنگام نوشتن داستان به دست نیامده است. برخی از آن‌ها تجربیاتی هستند که حاصل مطالعه و نقد آثار نویسندگان مختلف است. تعدادی از آن‌ها هم پاسخی است به سؤالات فنی یا جزئی هنرچویان داستان‌نویسی یا داستان‌نویسان نو قلم.

پیش از این، مخاطبان بسیاری در دنیای مجازی از نکته‌هایی که در ادامه به آن‌ها اشاره خواهد شد، استقبال کرده‌اند. به همین دلیل، تصمیم گرفتیم که این نکته‌ها را به صورت منسجم جمع‌آوری کنیم و با عنوان «نکته‌هایی برای نوشتن» با مخاطبان حرفه‌ای کتاب به اشتراک بگذاریم؛ به این امید که برای هنرچویان داستان‌نویسی و داستان‌نویسان نو قلم راهگشا باشد.



می‌دهد. یا فردی که دچار بیماری لاعلاجی شده، در آخرین ماه‌های عمرش برنده لاتاری می‌شود. برای تمرین، اطرافیان خود را زیر نظر بگیرید و اتفاقات مهم زندگی هر کدام را یادداشت کنید. بعد با تلفیق اتفاقات، به ماجرای جدیدی برسید.

۲. طرح

طرح داستان یعنی داشتن تصویر کلی از داستان: شروع، ادامه و پایان. برخی از نویسندگان، داستان را با یک ایده اولیه شروع می‌کنند و خودشان را به دست شخصیت‌های داستان می‌سپارند تا شخصیت‌ها هر طور که دوست دارند، داستان را به پایان برسانند. شبیه این داستان‌ها را در سریال‌های مناسیتی تلویزیون زیاد دیده‌ایم. فیلم‌برداری با چند صفحه فیلم‌نامه اولیه شروع می‌شود و هم‌زمان با فیلم‌برداری، فیلم‌نامه نیز نوشته می‌شود. معمولاً به دلیل عجله و زمان کم، سناریو فرصتی برای قوام و چکش‌کاری پیدا نمی‌کند. همین هم موجب می‌شود تا با پایان‌های ضعیف و به قول معروف آبکی مواجه شویم. البته چون معمولاً برای نوشتن رمان و داستان عجله‌ای نیست، خطر پایان ضعیف کمتر است؛ اما پیش‌رفتن بدون طرح معمولاً باعث از بین رفتن یکدستی و ناهماهنگی در داستان می‌شود. همان طور که قبلاً اشاره شد، طرح داستان یک نمای کلی از داستان ارائه می‌دهد. این نما اول در ذهن نویسنده شکل می‌گیرد؛ ولی به علت ذهن فراموشکار انسان، بهتر است که طرح مکتوب شود. هر نویسنده برای نوشتن طرح، شیوه مخصوص به خود را دارد. برخی فقط به نوشتن یک خلاصه از داستان اکتفا می‌کنند. برخی کتاب را فصل‌بندی می‌کنند و خلاصه هر فصل را جداگانه می‌نویسند. برخی روش‌های منحصربه‌فرد خود را دارند. در ادامه، به یکی از روش‌های اصولی اجرا کردن طرح اشاره می‌کنیم.

همان طور که پیش از این اشاره شد، از این شماره به بعد با نکته‌هایی برای نوشتن همراه شما هستیم. در ابتدا ذکر این نکته لازم است که تقدم و تأخر این نکته‌ها دلیلی بر اهمیت بیشتر یا کمتر آن‌ها نیست؛ چون کشف هر کدام از این نکته‌ها در موقعیتی خاص اتفاق افتاده و پیش از این، بدون نظم و ترتیبی خاص به ضرورت موضوع یا طرح سؤال به اشتراک گذاشته شده است.

برای شروع، در این شماره به‌طور خلاصه از ایده و طرح و پیرنگ می‌گوییم. در کتاب‌های دیگر به تفصیل به این موضوعات اشاره شده است؛ اما برای شروع مبحث به آن‌ها نیازمند هستیم. سعی بر این است که از زاویه دید متفاوتی این نکات را بیان کنیم.

۱. روش یافتن فکر اولیه (ایده یا سوژه)

برخی از نویسندگان برای نوشتن معتقد به الهام هستند و مدت‌ها منتظر این الهام می‌مانند. گویا قرار است الهامی از عالم بالا و به صورت وحی نازل شود؛ اما اگر به پدیده‌های اطرافمان خوب و با دقت نگاه کنیم و آن‌ها را با هم تلفیق کنیم، الهام خودبه‌خود به وجود می‌آید. برخی در تعریف داستان می‌گویند: «دروغی که دیگران می‌دانند دروغ است؛ اما باورش می‌کنند» و در تعریف نویسنده می‌گویند: «کسی که داستان خودمان را برای خودمان تعریف کند؛ بدون اینکه متوجه بشویم آن داستان متعلق به ماست.»

به عنوان مثال، در اطراف ما هستند افرادی که از همسر خود جدا شده‌اند، یا کسی که دچار بیماری لاعلاجی شده، یا نابغه‌ای که به دلیل کمبود امکانات سرخورده شده، یا کسی که در لاتاری برنده شده و ...

با تلفیق این ماجراها می‌توانیم ماجراهای جدیدی خلق کنیم. مثلاً جوان نابغه‌ای که به دلیل نبود امکانات سرخورده می‌شود و پس از ناکامی، همسر خود را از دست



طرح از چند بخش زیر تشکیل می‌شود.

(الف) صحنه شروع داستان؛

(ب) معرفی شخصیت‌های اصلی (سن، شغل، موقعیت اجتماعی، نقش کلیدی در داستان، نسبت شخصیت‌ها با هم و...);

(ج) حادثه اصلی رمان؛ یعنی ماجرابی که رمان با محوریت آن حادثه پیش خواهد رفت؛

(د) صحنه پایانی داستان؛

(ه) درون‌مایه، چرایی و دلیل داستان و هدف نویسنده از نوشتن این ماجرا.

ممکن است در طول نوشتن داستان، هرکدام از ارکان بالا تغییر کند. برخی معتقدند که نویسنده باید به طرح وفادار باشد؛ اما قطعیت در هنر جایی ندارد. چون آدمی هر لحظه در حال آموختن و تجربه کردن است و هر لحظه ممکن است به ایده جدیدتر و بهتری برسد. اما توجه کنید که بهتر است همه جوانب طرح بررسی شود و به قوام برسد، بعد نوشتن داستان را شروع کنیم. عوض کردن مداوم طرح، فرق زیادی با نداشتن طرح نمی‌کند. باید از هر عملی که باعث برهم زدن یکدستی کار شود، پرهیز کرد.

۳) پیرنگ

برخی پیرنگ را همان طرح می‌دانند. چون تعریف پیرنگ شبیه به تعریف طرح است: پیرنگ در ادب داستانی، ساختمان و اسکلت‌بندی یک داستان است؛ به‌طوری که ضمن رعایت قصه (توالی زمانی کارکردها)، بر روابط علی و معلولی نیز استوار باشد. پیرنگ طرح، شالوده و اسکلت‌بندی اصلی داستان است که به‌صورت الگویی منسجم، داستان را از آغاز تا پایان همراهی می‌کند. در واقع، پیرنگ نظم منطقی داستان است. هر

حادثه حادثه‌ای دیگر را رقم می‌زند و هر اتفاقی باید بر اساس منطق داستان برای مخاطب باورپذیر باشد. وقتی می‌گوییم منطق داستان، به این دلیل است که شاید عملی در دنیای واقعی باورپذیر نباشد؛ اما نویسنده در داستان طوری آن را روایت کرده باشد که آن اتفاق باورکردنی باشد. مثال خیلی واضح آن کتاب‌ها و فیلم‌های علمی‌تخیلی است. اما در برابر برخی از ماجراهای رئال، با اینکه امکان وقوعشان زیاد است، باورپذیری کمی داریم؛ مگر اینکه منطق و دلیلی پشت آن باشد. مثلاً در داستان با کودک دوساله‌ای مواجه می‌شویم که قهرمان شنا است. پیرنگ این قهرمانی باید به این صورت باشد که مخاطب از ابتدای تولد با این کودک همراه باشد و مراحل آموزش را در داستان دنبال کند. یا مثلاً حیوانی وحشی که اهلی شده، یا یک زن تک‌تیرانداز و... .

ممکن است این افراد خاص در اواسط ماجرا به داستان اضافه شوند و شاید حتی به فراخور داستان، نیازی به بازگویی پیشینه این افراد نباشد؛ اما اگر مثلاً بچه دوساله‌ای که هیچ‌وقت آب ندیده، توی آب بیفتد و خودش را با شنا نجات دهد، این یعنی نقص پیرنگ. یا مثلاً زن ترسوئی که حتی از دست گرفتن چاقوی ضامن‌دار می‌ترسد و هیچ‌وقت از نزدیک اسلحه ندیده است؛ اما وسط داستان با یک اسلحه شروع به تیراندازی می‌کند و بدتر از آن، تبرهانش به هدف می‌خورد.

یا یک داستان تکرارشونده در سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی که همه ما بارها شاهد آن بوده‌ایم: دختری از روستایی محروم یا دختری خیابانی که وارد خانه‌ای اعیانی می‌شوند و بلافاصله شروع به هنرنمایی می‌کنند؛ مثلاً سفره‌آرایی یا تخییر دکوراسیون منزل و در اتفاق‌های عجیب‌تر، پیشرفت‌های شغلی محیرالعقول که دیگران با وجود سابقه و تجربه، به آن‌ها دست پیدا نمی‌کنند.



بازنمایی تاریخ در رمانک فانتزی؛

اوسنه گوهرشاد از نگاه سه نویسنده

شاید هیچ تقویمی به اندازه تقویم ایرانی، یادآور روزهای سخت و حوادث تلخ نیست؛ آن قدر که این خاک، زخم خورده چکمه‌های استبداد است؛ از اسکندر و مغول گرفته تا قاجار و پهلوی. این را که زخم‌های حاصل از ظلم عمیق‌تر بوده یا جراحات‌های ناشی از بی‌لیاقتی حکام، باید تاریخ قضاوت کند؛ زخم‌هایی که شاید دردشان زیر گردوغبار زمانه و گذر سال‌ها کمتر شده باشد؛ اما هرگز به فراموشی سپرده نمی‌شود. یکی از این حادثه‌ها واقعه گوهرشاد بود که در تیر سال ۱۳۱۴ شمسی رقم خورد. در این تاریخ، مردمی که در اعتراض به کشف حجاب در مسجد گوهرشاد تجمع کرده بودند، قتل‌عام شدند. این فاجعه منجر به کشته شدن بیش از هزار نفر از اهالی مشهد شد و همگی بدون آداب مسلمانی در گورهای دسته‌جمعی دفن شدند. در سال‌های بعد از انقلاب، هنرمندان و پژوهشگران فراوانی در قالب آثار هنری و مستند، این واقعه را بازگو کرده‌اند. سعید تشکری یکی از هنرمندانی است که همواره دغدغه این حادثه را داشته و در آثار مختلفی به مسجد گوهرشاد و گوهرشاد بانو اشاره کرده؛ اما در رمانک فانتزی اوسنه گوهرشاد، با نگاهی متفاوت این واقعه را روایت کرده است. به همین بهانه، در چند یادداشت این اثر را بررسی کردیم.

«اوسنه گوهرشاد»: افسانه یا واقعیت

● فاطمه سلیمانی ازندریان

اما وقتی با عنوان «فانتزی» مواجه می‌شود، راحت‌تر دست به انتخاب می‌زند. این عنوان هوشمندانه باعث می‌شود مخاطب اگر این کتاب را برای خواندن انتخاب کرد، در میانه دل زده نشود. قبل از بررسی داستان، لازم است تا از ادبیات فانتزی، تعریفی جزئی کنیم. «ادبیات فانتزی یک گونه ادبی است که در آن از جادو و دیگر اشکال فراطبیعی، به عنوان عنصر اولیه طرح و توطئه، درون‌مایه یا فضای داستان استفاده می‌شود. در این سبک، قواعد و قوانین فیزیکی و طبیعی زیر پا گذاشته می‌شود و موجودات ناموجود تصویر می‌شوند. این نوع ادبی معمولاً شامل حوادث خارق‌العاده و موجودات خیالی است. ویژگی اصلی ادبیات فانتزی، داشتن عناصر خیالی در فضایی خاص است؛ فضایی که منطق و قوانین خاص خود را دارد که متفاوت با منطق عادی است و داستان، آن قوانین را نمی‌شکند. در این ساختار، هر مکانی برای عناصر خیال پردازی ممکن است. شاید این مکان مخفی باشد، یا در جهان ظاهراً واقعی ما رخ نه کرده باشد یا شاید کاملاً در دنیایی خیالی رخ بدهد. در هر اثری، عناصر نه فقط باید از قوانین پیروی کنند، بلکه به دلیل انسجام طرح و توطئه، داستان باید شامل محدودیت‌هایی باشد تا به قهرمانان و تبهکاران داستان اجازه بدهد با هم بجنگند. عناصر جادویی باید بی‌قیدوبند استفاده نشوند؛ وگرنه ساختار داستان از بین می‌رود.»

نویسنده در کتاب اوسنه گوهرشاد به خوبی از این عنصر بهره برده است؛ جایی که گوهرشاد بیگم را از قصر شاهرخ‌شاه سوار بر کالسکه خیال کرده و به روزهایی می‌برد که واقعه گوهرشاد در حال وقوع است. حضور گوهرشاد در مشهد آن روزگار، تعلیق و حس کنجکاوی زیادی به مخاطب تزریق می‌کند. آیا گوهرشاد بیگم به قصد جلوگیری از فاجعه گوهرشاد وارد ماجرا شده؟ یا اینکه قرار است تاریخ تکرار شود؟ آیا می‌شود به زمان سفر کرد و جلوی وقوع حوادث را گرفت؟ یا حتی در صورت سفر در زمان هم فقط باید نظاره‌گر بود؟

آن‌هایی که با آثار و قلم سعید تشکری آشنا هستند، می‌دانند که در همه آثار این نویسنده مشهودی، ردپایی از مشهد و ارادت به امام رضا (ع) به چشم می‌خورد. به قول خود نویسنده، نقل به مضمون از کتاب اوسنه گوهرشاد، چه کسی که لباس فراشی پوشیده، چه کسی که تبلیغات می‌کند و چه پیش‌نماز و چه کسی که قلم می‌زند، همه خود را خادم می‌دانند و این خادمی برایشان افتخار است. این خادم خوش‌قلم این بار هم با مکتوب کردن اوسنه گوهرشاد به آستان حضرت سلطان عرض ارادت کرده است.

کمتر کسی است که نداند گوهرشاد کیست و چه کرده است. شاه‌بانوی مغول که به خاطر ارادت به ضامن آهو، موقوفات بسیاری در مشهدالرضا از خود به جا گذاشته که معروف‌ترین آن‌ها مسجد گوهرشاد است؛ مسجدی جنب حرم که برای خیلی‌ها باب ورود به حرم است و رمز و راز و کششی در خود دارد که گفتنی نیست.

اما چرا اوسنه گوهرشاد؟ مگر نه اینکه اسطوره‌ها و افسانه‌ها در هاله‌ای از رمز و راز و خیال پیچیده شده‌اند؟ و مگر نه اینکه تشخیص مرز واقعیت و خیال در افسانه‌ها مرز باریکی است که بخش رؤیاگونه آن پررنگ‌تر است؟ پس چرا اوسنه گوهرشاد؟ گوهرشاد که افسانه نبود. یک شخصیت حقیقی و واقعی بود که در روزگاری نه چندان دورتر از ما می‌زیست. چند سده پیش‌تر از ما، در قیاس با هبوط آدم بر زمین، روزگاری طولانی نیست. بنابراین گوهرشاد هم نمی‌تواند افسانه باشد؛ اما سعید تشکری گوهرشاد را تبدیل به افسانه کرده است؛ افسانه‌ای در دل یک داستان فانتزی، یا به قول خودش رمانک فانتزی؛ عنوانی که در اولین صفحه و پیشانی کتاب ذکر شده است. این عنوان تکلیف مخاطب را روشن می‌کند که این کتاب مناسب ذائقه‌اش هست یا نه. مخاطب آثار سعید تشکری می‌داند که در آثار او همیشه هاله‌ای از رؤیا وجود دارد. شاید این هاله خیلی هم پررنگ نباشد؛

فارغ از نقش گوهرشاد در وقوع یا به وقوع نپیوستن حادثه مسجد گوهرشاد، حضور او در داستان خوش نشسته است. مخاطبی که از گوهرشاد فقط اسمی شنیده، با خواندن این کتاب با زندگی و نقش او در تاریخ آشنا می شود. هرچند بخش اندکی به این مسئله اختصاص داده شده و بیشتر اطلاعات به واسطه مکالمه نویسنده و گوهرشاد بیگم به مخاطب منتقل می شود، میزان این اطلاعات به اندازه ای هست که ابعاد وجودی او معرفی شود.

شاید با خواندن جملات بالا تعجب کرده باشید: مکالمه نویسنده با گوهرشاد! اما جای تعجب نیست؛ چون در دنیای فانتزی، وقوع هر اتفاقی ممکن است؛ حتی حضور نویسنده در داستان و گفت و گو با شخصیت ها و مخاطب.

«سلام! خوشوقتم از زیارتتون. خیلی خوش اومدید... نه نه، اشتباه نکنید. این اصلاً گفت و گوی اون خانم و آقا در فصل قبل نیست. این منم که با شما صحبت می کنم. مستقیم و بی واسطه، چی؟ باید خودم رو معرفی کنم؟ بله... به روی چشم. من به عنوان نویسنده کتابی که می خونید و شما به عنوان مخاطب عزیز، حق داریم با هم آشنا بشیم.»

«خیلی چپ چپ شد. اهل دلا که این طوری خواستگاری نمی کنن. شما ببخشید.»

و نمونه هایی از این دست که در کتاب فراوان به چشم می خورد که به کمک طنازی کتاب آمده و به این ماجرای تراژیک، رنگ و بوی طنز داده است، طنزی که مثل پاگرد و برای نفس گرفتن مخاطب عمل می کند؛ اما شگرد نویسنده فقط این نیست. استفاده از زاویه دیدهای مختلف در فصل ها نیز باعث تنوع شده؛ به طوری که

خواننده کتاب در هر فصل، منتظر غافل گیری جدیدی است. زیباترین زاویه دید که در چند فصل کتاب از آن استفاده شده، زاویه دید دوم شخص یا تک گویی نمایش است؛ یکی از زاویه دیدهای دشوار در داستان نویسی، خصوصاً رمان.

«از وقتی شنیدی تلگرافی فوری برایت رسیده، به دفتر کارت رفتی و تلگراف را خواندی و برگشتی. ساعتی گذشته و تو دوباره اینجایی. عطر او را همیشه از میان آن همه دود و سیگارهای برگ و عطرها ی فرانسوی زنان دیگر و بوی الکل و شراب می توانی حس کنی؛ همان عطر روز اول که تو را کنار ساحلی در استانبول جذب خودش کرد.» نثری خیال انگیز که اگر کل کتاب با همین زاویه دید ادامه پیدا می کرد، در نوع خود نمونه ای می شد منحصر به فرد، خاص و مثال زدنی؛ اما به دلیل فضای داستان و استراتژی نویسنده، اعمال این زاویه دید در کل کتاب ممکن نبود. همان طور که پیش از این اشاره شد، ماجرای اصلی کتاب حادثه کشتار مردم در مسجد گوهرشاد است؛ حادثه ای که در پی فرمان کشف حجاب به وقوع پیوست. اگر از این حادثه اطلاعی ندارید، این کتاب را بخوانید تا سوار بر بال خیال، برگه ای از تاریخ را ورق زده و با مسبین اصلی این فاجعه آشنا شوید؛ مخصوصاً که در فصلی از کتاب، مستنداتی در این باره ارائه شده است. شاید با خواندن این فصل، این سؤال پیش بیاید که آیا ارائه سند، آن هم به صورت یک فصل در کتاب و بدون روایت داستانی، منطقی است یا نه؟ بله، منطقی است؛ چون ما با یک داستان فانتزی روبه رو هستیم و استفاده از هر آیتی که در خدمت پیش بردن داستان باشد، منطقی است؛ مگر اینکه با قراردادهای خود کتاب هم خوان نباشد.



بانو گوهرشاد در سفر زمان

● الهام اشرفی

قبل از هر سخنی، به شناسنامهٔ رمان اشاره می‌کنم. ناشر یا شاید هم نویسنده در شناسنامهٔ رمان نوشته‌اند «رمانک فانتزی». بعد از سال‌ها مطالعه در حوزهٔ ادبیات، یادم نمی‌آید که رمان به دو قسمت رمانک و رمان کمی بزرگ‌تر تقسیم‌بندی شده باشد! رمان به دلیل تعدد شخصیت، تعدد مکان (لوکیشن)، تعدد جغرافیا، تعدد خرده و کلان روایت‌ها و... است که رمان نام‌گذاری شده که این کتاب همهٔ این ویژگی‌ها را داراست. البته «فانتزی» که خود تعریف دیگری دارد.

از نظر من رمان اوسنه گوهرشاد یک رمان پست‌مدرن است. همان صفحات اول، نویسنده رسماً با خواننده وارد گفت‌وگو می‌شود؛ آن‌هم با نثری محاوره‌ای. حتی خیلی جاها جواب پرسش‌های احتمالی ذهن خواننده را می‌دهد.

«حرکت یک رمان‌نویس در هنگام نگارش رمان، از تاریکی مطلق به سمت روشنایی مطلق است.»

جملهٔ بالایی از آموزه‌های «محمدحسن شهسواری» از کتاب ارزشمند حرکت در مه است که همیشه در ذهن من می‌درخشد. وقتی خواندن یک رمان را شروع می‌کنم، برای سرگرمی و کمی هم وسواس گونه، در ذهنم به دنبال نقطهٔ تاریکی و روشنایی مطلق رمان می‌گردم. از نظر من نقطهٔ تاریک رمان اوسنه گوهرشاد در همان چند صفحهٔ اول رمان است؛ همان جایی که نویسنده و بانو گوهرشاد درون کالسکهٔ تاریکی نشسته‌اند و در حال سفر در زمان هستند. آن‌ها به سال ۱۳۱۴ هجری شمسی می‌روند؛ نویسنده و بانو گوهرشاد. بله، نویسنده در کتابش حضور دارد. حضوری گاهی زیادی پررنگ!



دوم شخص مفرد، گاهی به روش مصاحبه با شخصیت‌های رمان، گاهی با نامه، گاهی با آوردن بریده‌های روزنامه به عنوان مدرکی بر مستند بودن روایت و گاهی با دل نوشته که از نظر من فصل دل نوشته برای گوهرشاد بیگم، به لحاظ نثر و به کارگیری آهنگین کلمات و نیز اطلاعات تاریخی که نویسنده در دل متن با هوشمندی گنجانده، از فصل‌های درخشان رمان است. این تعدد روش‌های روایت هم خود نشانه دیگری بر پست مدرن بودن متن است.

نویسنده بانو گوهرشاد و ندیمه‌اش، پریزاد را از چند صد سال قبل به سال ۱۳۱۴ آورده تا همراه و به کمک آن‌ها واقعه‌ای تاریخی، مذهبی، سیاسی و خونین را روایت کند. این تقارن دو موضوع دور از هم، دقیقاً یکی دیگر از ایمان‌های ادبیات پست مدرن است. کنار هم قرار گرفتن دو فرهنگ و سنت همیشه بر جذابیت هر نوع هنری می‌افزاید؛ چنان‌که در انواع هنرهای بصری فراوان دیده‌ایم. ولی بشخصه دوست داشتم این تقارن گاهی هم تبدیل به تقابل می‌شد. در هیچ دیالوگ یا هیچ موقعیتی در رمان، ندیدم که بانو گوهرشاد و ندیمه‌اش از دیدن تغییرات به وجود آمده در گذر زمان ابراز شگفتی کنند یا حتی به وجد بیایند. پریزاد خیلی عادی حتی وارد دفتر کار امروزی نویسنده می‌شود و از دیدن هیچ وسیله‌ای ابراز تعجب نمی‌کند.

تشکری در این رمان گاهی با استفاده از نظرگاه دوم شخص مفرد که نظرگاهی تکنیکی است و گاهی با نثری زیبا که تک‌تک کلماتش سر جای خود نشسته و گاهی هم با دیالوگ‌هایی محاوره‌گونه، با خواننده وارد چالش می‌شود که این خود نوعی برداشتن مرز میان ادبیات عامه و ادبیات تکنیکی‌تر است. (ادبیات خاص

خیلی جاها هم پند و اندرز اخلاقی می‌دهد.

«مرد غریبه که گفتم، منظورم خودم بود. برای گوهرشاد بیگم و پریزاد غریبه؛ اما برای شما آشنام. نویسنده این کتابم و در خدمت شما!»

«خرید عروسی به این سادگی! پس چی؟ فکر کردین باید به لشکر راه بیفتن از این مغازه به اون فروشگاه، از این پاساژ به اون بازار، ... نه عزیزای من. هرچی ساده‌تر، بهتر. واللّه ... سالن مد که نمی‌خوان بزنن.

خیلی عصبانی شدم؟ خیلی تند رفتم؟ شما ببخشید. اصلاً هر کی هر جور راحت‌ه...»

حضور نویسنده در متن و استفاده از نظرگاه دوم شخص مفرد، یکی از ویژگی‌های ادبیات پست مدرن است؛ چنان‌که پیش از این هم نویسندگان معاصر زیادی از این روش استفاده کرده‌اند؛ مانند رضا امیرخانی در رمان من و ایتالو کالوینو در رمان اگر شبی از شب‌های زمستان مسافری. در چند صفحه اول رمان اخیر، نویسنده، ایتالو کالوینو، درباره مدل‌های نشستن یا خوابیدن احتمالی خواننده هنگام خواندن این کتاب با او صحبت می‌کند.

سعید تشکری با این تکنیک پلی صمیمی به ذهن خواننده می‌زند. با او احوالپرسی می‌کند و دست او را می‌گیرد و تا آخر رمان او را با خود می‌کشاند؛ گرچه از نظر من برخی جاها در این کار زیاده‌روی می‌کند؛ مثلاً وقتی همراه خواننده فصل‌های گذشته و حتی سرفصل‌های آینده را مرور می‌کند. این طور سطح پایین در نظر گرفتن خواننده یک جور راه رفتن روی لبه تیغ است.

در هر حال، ما با یک رمان پست مدرن مواجه هستیم. نویسنده در هر فصل، قصه تاریخی‌اش را با یک تکنیک روایی روایت می‌کند. گاهی با راوی اول شخص مفرد، گاهی



نام‌گذاری‌اش نمی‌کنم!) این ویژگی که از ویژگی‌های مهم ادبیات پست‌مدرن است، باعث جذب مخاطب عام می‌شود و در عین حال، خواننده‌ای که به تکنیک‌های ادبی مسلط است، دست‌خالی از کتاب برنمی‌گردد. این گونه است که ادبیات در زندگی هرکسی جریان پیدا می‌کند و هنر فقط برای هنر باقی نمی‌ماند.

رمان اوسته‌گوهرشاد واقعه‌ای تاریخی را روایت می‌کند. بنابراین می‌توان با رویکردی تاریخی نیز به آن نگاه کرد. در رویکرد تاریخ‌گرایی نوین، بررسی ارتباط بین زبان و دانش و قدرت درون تاریخی مدنظر است. در این رمان، دانش و قدرت زمانه آن دوره به‌خوبی نمود دارد. دو شخصیت امینه و فتح‌الله پاکروان نمونه دستگاه و قدرت و عقاید رضاشاه هستند. این دو به‌تازگی از فرانسه برگشته‌اند و به‌عنوان دو مستشرق می‌خواهند هم بنیادی نو و غربی در عقاید عامه مردم ایجاد کنند و هم به این وسیله، راهی به قدرت و دربار باز کنند. آن‌ها با برپایی کافه مولن‌روژ و حتی با آوردن تک‌تک وسایلشان از فرانسه و برپایی مجالس جشن و رقص زنان و دختران بی‌حجاب، مجری قدرت زمانه خود هستند. ولی آیا نویسنده به‌لحاظ آوردن زبان تاریخی آن دوره خاص، موفق عمل کرده است؟ آیا بانو گوهرشاد و پریزاد مثل زمانه خودشان صحبت می‌کنند؟

محل وقوع حوادث رمان مشهد است و نویسنده که خود اهل شهر مشهدالرضاست، به‌خوبی از پس توصیف‌های جغرافیایی رمان برآمده است؛ ولی دریغ از یک دیالوگ با لهجه مشهدی! در سراسر این رمان هیچ اثری از لهجه نیست؛ حتی صادق و خانواده‌اش که از عامه مردم قلمداد می‌شوند، هیچ لهجه‌ای ندارند. گرچه به‌کارگیری بیش از حد لهجه لذت خواندن یک متن را کم می‌کند، استفاده از آن در حد چند جمله به شیرینی اثر اضافه می‌کند.

در آخر این سطور، باید اضافه کنم که با وجود خرده بهانه‌هایی که به رمان گرفتم، خواندن این رمان را به همه، به‌خصوص به نوجوانان و جوانان توصیه می‌کنم. معروف است که ملتی که تاریخ دیار خود را نمی‌داند، مجبور به تکرار آن خواهد شد. چه بهتر که هم گوشه‌هایی از تاریخ سیاسی و مذهبی و اجتماعی کشورمان را در قالب رمان و داستان کوتاه بخوانیم و هم به‌لحاظ ادبی لذت ببریم و هم آگاه شویم؛ همان گونه که نویسنده در همین رمان نوشته است:

«شاید که تاریخ را نتوان تغییر داد. شاید تقویم گردن کلفت‌تر از آن است که بتوانی گذشته را در آن عوض کنی؛ اما می‌شود تاریخ را کلوید، گذشته را زیرورو کرد و اگر نوشتن را بدانی، یقیناً می‌توانی بر همان شایدها هم غلبه کنی. با گفتن گذشته می‌توان آینده را تغییر داد؛ بی‌شک!»

با گفتن گذشته می توان آینده را تغییر داد؛ بی شک!

● معصومه خوانساری

سعید تشکری در فصل «ملاقات تاریخی»، با عنوان نویسنده، سوار بر کالسکه شاهی، مخاطب را با خود به هفتصد هشتصد سال قبل می برد. گهرشاد بیگم و ندیمه مشکوکش، پریزاد را به داستانش دعوت می کند و به مشهدالرضا می کشاند و ما را در تعلیق حضور مسافران تا اوج داستان و رویارویی مادام پاکروان و گهرشاد نگه می دارد.

کشمکش خوب، نتیجه شاخه شاخ شدن دو طرف ماجرا نیست؛ نتیجه برخورد ارزش ها و اندیشه های دو آدم است. امینه پاکروان، بزرگ شده پاریس، در تلاش است تا مشهدالرضا را تبدیل به پاریسی کوچک کند و دست به دامان اندیشمندان و روشن فکران و فرنگ رفته های مشهد می شود و در مقابلش گهرشاد آغا، نماد سنت و ماندگاری هنر و دین و از اشراف دوره تیموریان، قد علم می کند. پررنگ ترین تقابل کتاب، تقابل مدرنیته و سنت است که این در سراسر کتاب به صورت یکدست و منظم دیده می شود و نویسنده از شاخه ای به شاخه دیگر نمی پرد.

گهرشاد نماد هویت است و اگر بخواهیم هویت را به زبان ساده معنا کنیم، وجه تمایز فردی با فرد دیگر، از اجتماعی با اجتماع دیگر و ملیتی با ملیت دیگر است. در این رویارویی، مدرنیته در مقابل سنت زانو می زند. اوسنه گهرشاد حکایت ملتی است که بر سر داشته های هویتی خود، در مقابل رضاخان و زورگویی اش می ایستد.

رمانک فانتزی اوسنه گهرشاد ماجرامحور است باثری روان و طنزی که در بعضی از دیالوگ های راوی جریان دارد و حوصله را سر نمی برد. نویسنده زبان را می شناسد.

متأسفانه در این اثر تفاوت لحن نداریم. همه دیالوگ های شخصیت ها، چه از پاریس آمده (پاکروان ها) و چه از زمان تیموریان دعوت شده (گهرشاد و پریزاد) و چه مردم عادی در زمان حال مشهد (معصومه و مادر صادق)، یکدست و یک جور است. با توجه به مشهدی بودن

همیشه خواندن و شنیدن وقایع تاریخی از زبان و قلم کسانی که قصه گوهایی خوبی هستند، جذاب و سرگرم کننده است. تشکری قصه گوی خوبی است. دنیای اوسنه گهرشاد را می شناسد، به اقلیم و راه ها و بناهای تاریخی و خود تاریخی که دستمایه رمانش قرار داده، اشراف کامل دارد و با این شناخت، روایت را به نفع موقعیت های داستانی پیش می برد.

از همان صفحات نخست و در صفحه ۶ کتاب، با خواندن معرفی نویسنده در فصل «بازگشت به حال» و با جملات «من به عنوان نویسنده کتابی که می خونید...»، درمی یابیم نویسنده در داستان حضور دارد، اظهار نظر می کند، مخاطب را به چالش می کشد و همراهی اش را می طلبد. در کتاب، رد پا و حضور مستقیم نویسنده را می بینیم که شاید طعنه به پست مدرن بودن می زند. شاید هم تشکری خواسته به کمک زاویه دید من راوی و تک گویی و مصاحبه با قهرمان های کتاب و دوم شخص، فرم ها را به سخره بگیرد و شاید هم نوآوری کند. نویسنده ای که مستقیماً وارد رمانش می شود و شخصاً با مخاطبش حرف می زند، به خواننده این امکان را می دهد تا صدای شخصیت هایی را که کنش و واکنش های داستانی را انجام می دهند، بشنود. شاید با این شیوه روایت می خواهد خیال مخاطبش را راحت کند که من آنجا بوده ام و وقایع را دقیقاً دیده ام. باور کنید و به من اعتماد کنید! این جور روایت کردن، توجه مخاطب را بیشتر به نویسنده و حضورش جلب می کند تا خود داستان. بهتر است تأمل بیشتری بر این شیوه روایت کرد و اینکه حضور نویسنده به این پررنگی نباشد. نویسنده از صفحه ۷ با تغییر فونت و هایلایت کردن گفت و گوهایش، در بطن ماجراها حضور دارد و ممکن است خط طرح را کم رنگ کند. راوی در فصل «کمی قبل» و فصل «کمی بعد» در ۵۱ بند، از ابتدا تا انتهای داستانی را که هنوز گفته نشده، با اختصار یادآوری می کند!



نویسنده و شخصیت‌ها، جالب است که نویسنده لهجه مشهدی را از اثر درز گرفته است.

نویسنده هوشمندانه شخصیت‌های فرعی مثل صادق و معصومه را در کنار شخصیت‌های اصلی وارد معرکه قصه می‌کند تا در پیشبرد داستان، بخشی از تاریخ گوهرشاد را بازنمایی کنند. شخصیت‌ها با صداها و روایت‌های مختلف بار داستان را به گرده می‌کشند. بیشترین صداهایی که از روایت‌ها به گوش می‌رسد، صدای مبارزه، نوآوری و تجدد، صدای مردم و عشق و انقلاب است. یکی دیگر از شخصیت‌های کمکی، پریزاد، ندیمه گوهرشاد است که حضور کم‌رنگی دارد، بیشتر اوقات غایب است و با راوی سر جنگ دارد. حضور کم‌رنگ پریزاد این شبهه را ایجاد می‌کند که آیا با حذفش به داستان لطمه‌ای وارد می‌شود، یا وجودش فقط جنبه تزئینی دارد؟

ویژگی ممتاز اثر، تشخیص دادن به محتوای آن است. در فصل «چند گزیده از چند کتاب، گزارش، خبر، نامه اداری و...» با مستندات تاریخی روبه‌رو هستیم و عیناً مجلات و اسناد را می‌خوانیم. تشکری با این ترفند نشان می‌دهد که شخصیت‌ها به داستان تعهد دارند و خارج از تاریخ نیستند.

در هر صحنه، شخصیت هدفی را دنبال می‌کند که در ارتباط با کل داستان یا ستون فقرات جریان کلی اثر است. یکی از صحنه‌های محرک داستان، درگیری فیزیکی پاکروان و گوهرشاد بیگم است که با پرتاب مادام به کافه‌اش به نقطه اوج نزدیک شده و پیشاپیش از سرانجام کار، آگاه می‌شویم.

پایان‌بندی اوسنه گوهرشاد با کل داستان تناسب دارد

و منتظر چیزی جز این پایان نیستیم. تشکری برای فرار از پایان تلخ، صادق تیرخورده را از میان قبر دسته‌جمعی شهدای مسجد گوهرشاد، نیمه‌جان بیرون می‌کشد و سر سفره عقد می‌نشانند و در قالب مصاحبه، سراغ تک‌تک شخصیت‌ها یا به قول خودش قهرمان‌ها رفته و عقوبتشان را نشانمان می‌دهد تا پایانی بسته داشته باشیم.

هنرمند در جنگ‌ها و انقلاب‌ها و بی فرهنگی‌ها تقصیری ندارد؛ ولی اگر این‌ها را در دسترس جامعه و مخاطبش نگذارد، گناهکار است. کتاب تشکری در نقطه‌ای از تاریخ ایستاده است که در آن دین و سیاست با هم می‌جنگند. هر هنرمندی باید بتواند به واسطه هنر و تخیلش تاریخ را بازنمایی کند.

«شاید که تاریخ را نتوان تغییر داد. شاید تقویم گردن کلفت‌تر از آن است که بتوانی گذشته را در آن عوض کنی؛ اما می‌شود تاریخ را کاوید، گذشته را زیرورو کرد و اگر نوشتن را بدانی، یقیناً می‌توانی بر همان شاید‌ها هم غلبه کنی. با گفتن گذشته می‌توان آینده را تغییر داد؛ بی‌شک!» مسئله مهم بعد از خواندن هر کتابی این است که آیا داستان، خواننده را مجبور می‌کند تا آن را برای بقیه تعریف کند و دیگران را ترغیب به خواندن کتاب کند؟ اینکه کتاب چقدر در ذهن‌ها باقی می‌ماند؟ خواندن کتاب تشکری را با روایت ساده و یکدست و مسئله تاریخی‌اش، می‌توان به بقیه پیشنهاد داد. تشکری مشهدی در قالب قصه‌ای سراسر است و خلاصه توانسته تاریخ را بازخوانی کند و آن را نمایش دهد. خواندن رمانک فانتزی خالی از لطف نیست و می‌توان در سراسر کتاب، قصه‌ای را با کشمکش‌ها و تعلیق مناسبتش پی گرفت.

گفت‌وگو با ندا رسولی، نویسنده «هیچ کس این زن را نمی‌شناسد»

کتاب‌اولی‌ها صبوری کنند

● فاطمه سلیمان

ندا رسولی نویسنده نوقلم دهه‌شصتی است که به‌تازگی اولین اثرش را با نام هیچ‌کس این زن را نمی‌شناسد انتشارات کتاب نیستان روانه بازار کتاب کرده است. او از نویسندگانی است که داستان‌نویسی را از کارگاه‌های داستان‌نویسی شروع کرده و اولین کتابش مؤید این نکته است که فضای ادبیات و داستان برای او فقط تفریح و سرگرمی نیست؛ بلکه اهداف جدی‌تری را دنبال می‌کند. در این شماره با این نویسنده جوان به گفت‌وگو نشستیم و در ادامه، در یادداشتی کوتاه کتابش را بررسی کردیم.

به این افراد می‌گوییم کلاس‌روهای حرفه‌ای! خیلی از این‌ها شاید به‌شکل تئوری مطالب زیادی یاد بگیرند و داستان‌نویسی را با استادهای مختلف بگذرانند؛ ولی مهم این است که آیا می‌توانند یک نویسنده حرفه‌ای هم بشوند یا خیر. تجربه خودم می‌گوید شرکت در یکی دو کارگاه داستان‌نویسی خوب کافی است. ضمن اینکه صرف شرکت در کارگاه‌های داستان‌نویسی نمی‌تواند کسی را نویسنده کند. به‌جز استعداد، عامل مهم‌تر برای نویسندگی تلاش و پشتکار مداوم است.

ظاهراً داستان‌نویسی را از کارگاه‌های داستان‌نویسی شروع کرده‌اید. این کارگاه‌ها چقدر در پرورش نویسنده مؤثرند؟

قطعاً برای شروع نویسندگی، اصول اولیه‌ای لازم است که یکی از راه‌های فراگیری این اصول و فراگیری آن‌ها، کارگاه‌های داستان‌نویسی هستند. اما تا چه‌جور کارگاهی باشد و چقدر کارآمد! خیلی‌ها را دیده‌ام که مرتب در کارگاه‌های مختلف داستان‌نویسی شرکت می‌کنند و وقت زیادی صرف رفتن به این کارگاه‌ها می‌کنند. من

مطالعاتان بیشتر در چه زمینه‌ای است و چقدر به نوشتن کمک می‌کند؟

چون داستان‌نویس هستم، اصلی‌ترین حوزه مطالعه‌ام رمان و داستان کوتاه است؛ ولی گاهی در زمینه‌های دیگری هم مطالعه می‌کنم. مثلاً گاهی به فراخور قصه‌ای که می‌نویسم، باید تاریخ بخوانم یا برای درآوردن یک شخصیت، کتاب‌های روان‌شناسی بخوانم و... به‌طور کلی، یک نویسنده باید دایره مطالعاتی‌اش گسترده باشد. آن وقت است که آن اصطلاح ورزش ذهنی برایش اتفاق می‌افتد و نوشتنش هم جان می‌گیرد.

چرا برای نوشتن سراغ این سوژه رفتید؟

جرقه اولیه این رمان وقتی زده شد که یکی‌دو روایت واقعی از زمان جنگ جهانی دوم، ورود روس‌ها به ایران و پیامدهای بعد از آن از جمله قحطی شنیدم. این روایت‌ها برایم خیلی تأثیرگذار بود و فکر کردم که این دوره در کشور ما چه مقطع مهمی بوده و چقدر می‌شود درباره‌اش حرف زد. به این ترتیب، شروع به مطالعه این مقطع تاریخی کردم و هرچه پیش رفتم و اطلاعاتم بیشتر شد، به این نتیجه رسیدم که اشتباه نکرده‌ام و مصمم‌تر شدم برای نوشتن رمانی که بخشی از وقایعش در آن تاریخ اتفاق افتاده است. فکر می‌کنم گاهی این بازخوانی تاریخی در ادبیات خیلی مهم است. این جمله تکراری «گذشته چراغ راه آینده است» را هم می‌گویم. گاه آدم‌ها خودشان را در گذشته پیدا می‌کنند. ضمن اینکه به‌طور کلی در مواجهه با تاریخ، با موضوعات انسانی مهم و ویژه‌ای

روبه‌رو می‌شویم که نوشتن از آن‌ها بسیار بااهمیت است.

چقدر برای این کار تحقیق کردید؟ روش تحقیقتان برای این کتاب، میدانی یا کتابخانه‌ای بود؟ چقدر طول کشید؟

تلاش کردم تحقیقاتم به اندازه‌ای کامل باشد که حداقل هیچ ابهامی برای خودم باقی نماند. کتاب می‌خواندم، جست‌وجو می‌کردم و سعی می‌کردم با کسانی ارتباط برقرار کنم و روایت‌هایشان را بشنوم که به‌نوعی با آدم‌هایی که در آن دوره می‌زیسته‌اند، ارتباط داشته‌اند؛ نوعی تاریخ شفاهی. یعنی تحقیقاتم هم میدانی بود، هم کتابخانه‌ای. از یک سال قبل، کم‌وبیش مطالعاتی داشتم. اما دوسه ماه قبل از شروع رمانم، به‌شکل جدی تحقیقات را انجام دادم و سعی کردم اطلاعاتم را کامل کنم.

راوی اصلی داستان شما غیرهم‌جنس است. آیا از خلق این شخصیت نترسیدید؟ برای رسیدن به ویژگی‌های یک مرد جوان در دهه گذشته چه کار کردید؟

راستش نه! اصلاً نترسیدم. می‌توانم بگویم در نوشتن جسور هستم. خیلی از دوستانم در شروع رمان به من این نکته را گفتند که انتخاب راوی غیرهم‌جنس مشکل است. همچنین درباره بومی بودن کار؛ چون خودم ترک‌زبان نیستم و فضای رمان در شهر اردبیل اتفاق می‌افتد؛ اما من فکر کردم که این داستان، این شخصیت و این فضا را می‌طلبند و نویسنده باید بتواند آنچه



داستانش می‌طلبد، برایش خلق کند. امیدوارم که موفق بوده باشم. من سر کلاس استادم، جناب احمد دهقان، یاد گرفته‌ام که نویسنده باید با رمانش زندگی کند؛ با جهانی که خودش خلق می‌کند، با شخصیت‌هایش و.... در طی یک سالی که نوشتن این رمان طول کشید، با شخصیت‌های رمانم زندگی کردم. اغراق نیست اگر بگویم گاهی که چند روزی از نوشتن فاصله می‌گرفتم، واقعاً دلم برای شخصیت‌های رمانم تنگ می‌شد. انگار که همه‌شان را می‌شناختم و به‌گونه‌ای به‌شان وابستگی پیدا کرده بودم. برای خلق شخصیت اصال سعی می‌کردم توجه بیشتری به رفتارهای مردانه بکنم؛ چه در فیلم‌ها، چه آقایان اطرافم. کمی هم روان‌شناسی خواندم و سعی کردم با تمام وجود، این شخصیت را خلق کنم. طوری شده بود که گاهی تکیه‌کلام‌ها یا بعضی حرکات اصال را ناخودآگاه در زندگی خودم تکرار می‌کردم.

من به عنوان مخاطب کتاب، شخصیت ملیحه و منیژه را مثل هم دیدم؛ به جز آن ویژگی و سواسی بودن منیژه. آیا این شباهت بین این دو آدم در دو دوره متفاوت عمدی بوده؟ یا اینکه ناخودآگاه بوده؟ آیا کسی دیگری هم متوجه این شباهت شده است؟

ملیحه مادر است. یک شخصیت بیش از حد کنجکاو یا همان فضول است و گاهی حسادت می‌کند. من سعی کردم با این ویژگی‌ها این شخصیت را پررنگ کنم. منیژه از شخصیت‌های فرعی است که خودم خیلی دوستش دارم؛ یک زن مهربان بی‌شلیقه‌پيله و سواسی. این ویژگی‌ها این دو شخصیت را از هم متمایز می‌کند؛ ولی عجیب نیست اگر به نظر شما شبیه هم آمده باشند؛ چون زن‌های آن دوره، نسبت به حالا، شباهت بیشتری به هم داشته‌اند. از حیث خانه‌داری، سواد، گاهی انفعال داشتنشان و.... مخاطب دیگری تا به حال به این قضیه اشاره نکرده است.

اصال با توجه به ویژگی‌هایش در واقع یک شخصیت منفی بود؛ اما این منفی بودن طوری نبود که مخاطب از او بدش بیاید؛ حتی جاهایی با اصال همراه می‌شد. دلش چیست؟ آیا بهتر نبود اصال کمی تیره‌تر به نظر می‌آمد؟

قبل از اینکه از منفی یا مثبت بودن شخصیت اصال بگویم، بهتر است بگویم اصال یک انسان است؛ با بعدهای منفی و مثبت. بسیار موافق خلق شخصیت‌های خاکستری هستم. نه سفید یا سیاه مطلق. حتی اگر یک شخصیت منفی را هم بخواهیم نشان دهیم، بد نیست جست‌وجویی کنیم که آیا می‌شود بعدهای انسانی را هم

در این شخصیت پیدا کرد و به مخاطب نشان داد یا نه. در این صورت است که فکر می‌کنم مخاطب بیشتر با آن همراه می‌شود.

شما فضای خانواده اصال و سارگل و حتی رمضان را خیلی ملموس به تصویر کشیدید. چه عواملی باعث موفقیت شما شد؟ تجربه زیستی تان چقدر به شما کمک کرده است؟

همان طور که عرض کردم، من با شخصیت‌های رمانم زندگی کردم. سعی کردم آن‌ها را همان گونه که نمونه‌شان در دنیای واقعی وجود دارد، در این رمان خلق کنم. سعی کردم فکر کنم که خانواده‌هایی مثل خانواده اصال یا سارگل یا رمضان در دنیای واقعی چگونه می‌توانند باشند و اصلاً هستند یا نه! رمضان و بچه‌هایش را در دنیای پر از فقر امروز هم می‌بینم. یا جوان‌های فراری از اصل و ریشه خود مثل اصال یا زنانی مثل سارگل؛ زنانی که روزگار آن‌قدر فشارشان داده که گاهی هیچ‌کس آن‌ها را نمی‌شناسد.

قبل از چاپ، چند نفر کتاب را خواندند؟ آیا نظرشان در بازنویسی مؤثر بود؟

به جز جناب احمد دهقان که خیلی چیزها ازشان آموخته‌ام و صمیمانه ازشان سپاسگزاری می‌کنم، قبل از چاپ پنج‌شش نفر از دوستانم هم کتاب را خواندند. بله، سعی کردم به همه نظرانشان فکر کنم. از بعضی از نظرها هم استفاده کردم.

بازخوردها بعد از چاپ کتاب چطور بود؟

سپاسگزارم از خداوند که فرصت نوشتن این رمان را به من داد و شکر می‌کنم که بازخورد خیلی خوبی تا این لحظه داشته‌ام. خیلی از مخاطبانی که کتاب را خوانده‌اند، بعدش به هیچ‌کس این زن را نمی‌شناسد اظهار لطف فراوانی کرده‌اند و پیام‌های محبت‌آمیزشان موجب دلگرمی‌ام شده است.

اما بگذارید کمی هم درد دل کنم، نه از طرف خودم، از طرف همه کتاب‌اولی‌ها. متأسفانه انگار رسم چنین است که کتاب‌اولی‌ها باید خیلی صبور و صبور کنند تا کتابشان خوانده و دیده شود؛ حتی اگر کتاب کار خوبی باشد. نمی‌دانم مشکل از کجاست. آیا احتیاج به تبلیغ بیشتر است؟ یا اینکه مخاطب اعتماد نمی‌کند؟ یا چه؟ ولی این ماجراها گاهی نویسنده را آزار می‌دهد. نویسنده می‌نویسد تا کتابش خوانده و دیده شود. اینکه به کتابش بی‌مهری شود، چون کار یک کتاب‌اولی است، آزاردهنده است.

چرا هیچ کس این زن را نمی شناسد؟

● فاطمه سلیمانی ازندریان

پیش از آنکه به ادامه ماجرا نگاه کنیم، اول باید به این نکته توجه کنیم که آیا نویسنده کتاب هیچ کس این زن را نمی شناسد در خلق راوی غیرهم جنس موفق عمل کرده است یا نه؟

یک قرارداد نانوشته بین خوانندگان و مخاطبان کتاب و داستان وجود دارد با این مضمون که راوی، هم جنسی نویسنده است؛ یعنی اگر نویسنده زن است، راوی داستان زن است یا برعکس. شاید برای شما هم پیش آمده باشد که بعد از خواندن چند صفحه یا حتی چند فصل از یک کتاب، تازه متوجه راوی غیرهم جنس شده باشید. معمولاً این فهم جدید موجب سردرگمی مخاطب می شود و گاهی باید مجدداً به صفحات قبل رجوع کرد. ندا رسولی در اولین قدم برای معرفی راوی غیرهم جنس، خوب و درست عمل کرده است. کتاب با این جملات آغاز می شود:

«لحاف را کنار زدم، یک سرمایی نشست به جانم که بیا و ببین! خمیازه کش داری کشیدم و گوشه های سیلیم را تاباندم بالا. بعد بلند شدم و رفتم توی اتاق کناری، پیش پدر و خاتون. چراغ علاءالدین وسط اتاق بود. بوی نفت پیچید توی دماغم.»

نویسنده با چند جمله، هم راوی را معرفی کرده و هم مخاطب را به فضای داستان پرتاب کرده است. مخاطب با همین چند جمله و جملات بعدی متوجه می شود که داستان مربوط به چند دهه قبل است و ماجراهای آن در جایی دورتر از پایتخت رخ داده است. این فضا سازی به خوبی در دل داستان نشست و تصویر سازی های نابش به زیبایی و لطافت داستان کمک کرده است.

«آب رنگ گرفته از بین چندتا برگ افتاده کفی حوض، راه گرفت و رفت.»، «بین همین خدا و پیغمبر گفتنش بود که ناگهان پرنده های روی درخت های دو طرف خیابان و درخت های توی حیاط بقعه شیخ صفی، همه با هم

ما ایرانی ها از روزگار دیرین با شعر و داستان آشنا بوده ایم. از روایت رمان گونه تاریخ بیهقی گرفته تا حکایت های شیرین گلستان و حکایت ها و داستان هایی که رونق بزم های خانگی و قهوه خانه ای بودند؛ اما ادبیات داستانی با شیوه مرسوم امروزی سابقه زیادی ندارد. با این حال، در همین دوران کوتاه به رشد و بالندگی زیادی رسیده است. هم زمان با هنر نویسندگی، فن یا صنعت نقد داستان نیز پایه پای داستان رشد کرده است. همان طور که دنیای داستان با تفاوت تکنیک ها و جهان بینی ها به وسعت و تنوع هنر داستان نویسی کمک کرده، تنوع دیدگاه نیز باعث تفاوت دیدگاه بین منتقدان شده است. گرچه معمولاً اقبال به یک اثر با رد آن از سوی جمع کثیری از منتقدان رخ می دهد، گاهی درباره برخی اصول تفاوت دیدگاه کاملاً مشهود است.

مثلاً عده ای از اهل فن مخالف غیرهم جنس نویسی هستند؛ یعنی نویسنده مرد حق ندارد با زاویه دید من راوی، وارد دنیای زنانه شود و نویسنده زن هم اجازه ورود به دنیای مردانه را ندارد. در جلسات نقد هم شاهد این بوده ایم که اغلب منتقدان به آثار این چنینی تاخته اند. اما نویسندگان بسیاری هستند که با رد این نظر، دنیایی خلق می کنند دور از دنیای زیستی خود و چه بسا که در این کار موفق هم می شوند. ندا رسولی در اولین اثر مکتوب خود دست به چنین جسارتی زده و داستانش را با یک راوی غیرهم جنس روایت کرده است. آصال که داستان زندگی اش در دهه چهل شمسی می گذرد، جوانی است از خطه اردبیل که در چهارچوب دنیای پدرانش نمی گنجد و به دنبال مفترمی می گردد تا از شهر و دیار خود کوچ کند. به علاوه، یک داستان موازی مربوط به دهه بیست و حمله روس ها به ایران و مشکلات و مصائبی که همراه خود آوردند نیز روایت می شود؛ یعنی دو داستان موازی با فاصله زمانی بیست ساله.



پريدند و ناگهانی چادر سارگل از بين دندان هايش رها شد و کمی سر خورد پايين و ناگهانی همه سرهای جمعیتی که توی خیابان با آن هول و هولا می رفتند، رو به آسمان بلند شد و خیره ماند. صالح دستش را سایه بان چشمش کرد و زل زد به هواپیماهایی که دور می زدند. مدتی خیره ماند و اشک چشم های آفتاب زده اش را پاک کرد و دوباره سر بالا برد.»

همان طور که قبلاً اشاره شد، کتاب با دو داستان موازی پیش می رود و طبیعتاً یک جایی این دو داستان به هم پیوند می خورند. تقریباً هر دو داستان هم با قوتی یکسان روایت می شوند و نشان دهنده تسلط نویسنده بر عناصر داستان است. نویسنده از همه عناصر به خوبی بهره برده است، به جز تعلیق.

تعلیق عنصری بسیار مهم برای ایجاد کشش و جذابیت داستان است؛ اما در این کتاب در کمترین حد ممکن از آن استفاده شده است. نویسنده برای تحریک کنجکاوی مخاطب تلاش زیادی نکرده و حتی می شود گفت تعلیق داستان تا حدی تعلیق کاذب است. مثلاً آصال به دلایل نامعلومی قصد دارد با دختری به نام هما ازدواج کند؛ دلیلی که عشق نیست؛ اما این دلیل مجهول، دلیل محکمی نیست که باعث شود مخاطب صفحات کتاب را با سرعت ورق بزند تا پی به راز آصال ببرد؛ رازی که در یک سوم پایانی کتاب بر ملا می شود. داستان صالح و سارگل هم که مربوط به دهه بیست و حمله روس ها به کشور و اشغال خانه هاست، از تعلیق زیادی برخوردار نیست. اینجا بحث چرایی و چگونگی در میان نیست. سؤال اصلی «چه می شود؟» است. گرچه زندگی سارگل و اطرافیان، متأثر از حضور اشغالگران روس هاست، روس ها عملاً نقش زیادی در داستان ندارند و به جز چند صحنه، حضور ملموسی ندارند. مخاطب فقط با نشانه های حضور آن ها مواجه است و تأثیری که در سرنوشت مردم دارند، حتی اسم کتاب هم در خدمت پیش بردگی داستان نیست. عنوان هیچ کس این زن را نمی شناسد به علاوه طرح جلد کنجآوری برانگیز، به اندازه کافی جذاب هست که مخاطب را برای دست گرفتن و ورق زدن کتاب کنجکاو کند. اما موضوع اصلی داستان، ناشناخته بودن آن زن نیست. زنی که ناشناخته بودن او محدود به چند دیالوگ کوتاه است و تقریباً از میانه داستان هویتش برای خواننده باهوش مشخص می شود.

البته نویسنده برای جذابیت کتاب از ترفندهای زیادی استفاده کرده است. مثل خلق فضای بومی اقلیمی و استفاده بجا و به اندازه از کلمات و عبارات ترکی. نه آن قدر زیاد که برای مخاطب سخت خوان باشد و نه آن قدر کم که فضا ملموس نباشد. «بویور»، «ترول»، «ایش قالسا

اوستونه قار یاغار». هرکجا هم که لازم بوده، زیرنویس به کمک متن آمده است؛ رفت»

«از امروز سرتان را از خانه در نمیستان ناشناخته بودن آن زن اما جای خالی آوای ترکی در دیالوگ ها کاملاً مشهود است. «یک چیزی بگو، دلم ترکید»، «این ها را بینداز بیرون»، «از امروز سرتان را از خانه در نمی آورید»، «از آن روز تا حالا یک کلام پرسیدی انگشت گذاشته ام روی کی؟»

اگر دیالوگ ها با چاشنی آوای ترکی همراه می شدند، زیبایی کار دوچندان می شد. نثر روان و یکدست، شخصیت پردازی، تلخیص، رفت و برگشت های بجا از ویژگی هایی است که باعث جذابیت کتاب شده است. این کتاب به عنوان اولین اثر خالق خود شایسته تحسین است.

انتشارات کتاب نیستان اولین کتاب خانم نادر سولی را با نام هیچ کس این زن را نمی شناسد در سال ۱۳۹۷ با تیراژ ۱۲۰۰ نسخه و قیمت ۲۷۰۰۰ تومان منتشر کرده است.



راه‌حل‌ها در داخل کشور است

جوانان عزیز در سراسر کشور بدانند که همه‌ی راه‌حل‌ها در داخل کشور است. اینکه کسی گمان کند که «مشکلات اقتصادی صرفاً ناشی از تحریم است و علت تحریم هم مقاومت ضد استکباری و تسلیم نشدن در برابر دشمن است؛ پس راه‌حل، زانو زدن در برابر دشمن و بوسه زدن بر پنجه‌ی گرگ است» خطایی نابخشودنی است.



بیانیه‌ی گام دوم انقلاب، خطاب به ملت ایران (بهمن ۱۳۹۷)